

**مسائل سیاسی و اقتصادی**  
**جهان سوم (بخش دوم)**

# مسائل سیاسی و اقتصادی جهان سوم

(بخش دوم)

## فهرست مطالب

11.....	نظریه وابستگی
11.....	نکات مهم
14.....	نمونه سوالات تستی
19.....	پاسخنامه سوالات تستی
21.....	نکات مهم
23.....	نمونه سوالات تستی
28.....	پاسخنامه سوالات تستی
31.....	توسعه و توسعه نیافتگی
31.....	نکات مهم
34.....	نمونه سوالات تستی
38.....	پاسخنامه سوالات تستی
40.....	تئوری های قدیم و جدید مکتب نوسازی
40.....	نکات مهم
40.....	نظریه کارکردگرایی
42.....	ظهور نظام پاداش برای نوآوری
44.....	نمونه سوالات تستی
49.....	پاسخنامه سوالات تستی
51.....	مکتب نظام جهانی
51.....	مقدمه
51.....	ایمانوئل والرشتاین و دیدگاه نظام جهانی
53.....	ساختار نظام جهانی و فرایندهای آن
56.....	نقد نظریه نظام های جهانی والرشتاین
59.....	مقایسه نظریه نظام جهانی با دیدگاههای نوسازی و وابستگی
61.....	نکات مهم
62.....	نمونه سوالات تستی
65.....	پاسخنامه سوالات تستی
67.....	جهان سوم و مشکلات آن
67.....	نکات مهم
68.....	نمونه سوالات تستی

11	.....	فرایند جهانی شدن
86	.....	جهانی شدن و تجدید ساختار سرمایه داری
86	.....	تجدید ساختار سرمایه داری
87	.....	جهانی شدن و رونق اقتصادی
88	.....	نکات مهم
94	.....	نظام «برتون وودز» و فروپاشی آن
95	.....	نظام تجاری بعد از جنگ، گات و سازمان تجارت جهانی
98	.....	نمونه سوالات تستی
102	.....	پاسخنامه سوالات تستی
105	.....	نکات مهم
105	.....	نکات مهم جهان سوم و مسائل آن
108	.....	صندوق بین المللی پول
109	.....	بانک جهانی
111	.....	اهداف و ساختارهای سازمان تجارت جهانی
113	.....	دبیرخانه WTO - بودجه و وظایف آن
114	.....	سیاستهای ویژه بانک تجارت جهانی WTO
118	.....	کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد - UNCTAD
120	.....	برنامه عمران ملل متحد - UNDP
122	.....	جنبش عدم تعهد
125	.....	سازمان کنفرانس اسلامی
127	.....	گروه دی هشت
130	.....	اوپک
131	.....	ارکان سازمان اوپک
134	.....	آزمون خودسنجی اول
138	.....	پاسخنامه سوالات
141	.....	آزمون خودسنجی دوم
145	.....	پاسخنامه سوالات
148	.....	پیدایش و تحول تشیع
148	.....	آموزه های کلامی - سیاسی تشیع
149	.....	وظایف امام:
149	.....	آموزه های کلامی - سیاسی زیدیه و اسماعیلیه
149	.....	تفاوتهای امامت در زیدیه و شیعیان اثنی عشری

150	اسماعیلیه :
151	خواجه نظام الملک .....
154	مسب مسخیری .....
154	مکتب تغییرات پیایی .....
155	تاثیرات اندیشه هراکلیتوس: .....
155	مکتب الثائی: .....
156	2. اندیشه سیاسی سوفسطها .....
156	پروتوگوراس: .....
157	کالیکس : .....
157	سقراط .....
158	افلاطون .....
159	تربیت .....
160	کمونیسم .....
160	شکلهای حکومت .....
160	ازواج و خانواده در کتاب قوانین: .....
161	ارسطو .....
161	منشاء و هدف دولت .....
163	اندیشه سیاسی دوره یونانی گری .....
163	اپیکوریسم .....
164	سیرنایسیسم .....
164	مکتب کلبی .....
165	مکتب شک گرایی .....
165	مکتب رواقی .....
165	ماکیاولی .....
168	توماس مور، توماس کامپانلا .....
169	توماس کامپانلا: .....
169	اندیشه سیاسی متفکران جنبش اصلاح دینی .....
172	اندیشه سیاسی انگلستان در سده شانزدهم و هفدهم .....
172	ریچارد هوکر .....
172	فرانسیس بیکن .....
172	گروههای تندرو: لولرها، دیگرها .....
173	جیمز هرینگتون .....
174	تندروهای مذهبی .....

176.....	جرج هالیفاکس
176.....	توماس هابز
177 .....	وضع طبیعی
181 .....	موسسیدو
182 .....	نظریه تفکیک قوا
182 .....	هیوم، برک، اسمیت
182 .....	هیوم
183 .....	ادموند برک
185 .....	اسمیت
185 .....	فمنیسم
187 .....	پست مدرنیسم
188 .....	لیوتار
188 .....	فوکو
189 .....	تاملاتی در نقد پست مدرنیسم
190 .....	نکات
192 .....	نمونه سوالات تستی
203 .....	پاسخنامه سوالات تستی
207 .....	آزمون خودسنجی اول
211 .....	پاسخنامه سوالات
213 .....	آزمون خودسنجی دوم
216.....	پاسخنامه سوالات تستی
219 .....	منابع







## نظریه وابستگی

### نکات مهم

- وابستگی را می توان رویه‌ی دیگری از مبحث استعمار و امپریالیسم دانست.
- به تعبیر (بلوم استروم) و (بژورن هتته)، مکتب وابستگی نمایانگر طنین آواهایی است که از پیرامون به گوش می رسد.
- کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین ← اکلا ECLA
- رائل پریش: مکتب ECLA
- سیاست جایگزینی واردات = ECLA، رائل پریش
- پریش، سونکل، فورتادو = مکتب ECLA
- تقسیم نظام بین الملل از نظر مکتب ECLA = مرکز و پیرامون
- مکتب اکلا: مخالف توسعه برون زا
- راهبرد اکلا برای توسعه کشورهای توسعه نیافته و پیرامونی: راهبرد جایگزینی واردات در قبال الگوی توسعه درون زا، در مقابل راهبرد و استراتژی تشویق به صادرات که در قالب الگوی توسعه برون زا قرار می گیرد.
- مکتب ECLA معتقد به دخالت دولت در فرایند توسعه اقتصادی است.
- تقسیم بندی جهان از نظر رائل پریش: مرکز، متشکل از کشورهای پیشرفته - پیرامون، متشکل از کشورهای توسعه نیافته.
- سونکل: ساختار وابسته تجارت خارجی عامل توسعه نیافتگی است.
- سلسلو فورتادو: توسعه نیافتگی آمریکای لاتین را باید در قالب یک پویش تاریخی در نظر گرفت.
- فورتادو: وابستگی بیرونی
- پریش، سونکل، فورتادو: توسعه نیافتگی را با رجوع به رابطه مبادله مورد بررسی قرار دادند.
- گرامشی: استعمار داخلی
- پل باران: برآوزه ترین نویسنده نئومارکسیست (پدر مؤسس نئومارکسیست)
- تفاوت میان نئومارکسیست و مارکسیست های بنیادگرا:
- مارکسیست بنیادگرا: انقلاب بورژوازی - انقلاب سوسیالیستی

نئومارکسیست: انقلاب سوسیالیستی

- نیروهای انقلابی برای انقلاب در تفکرات مارکسیست بنیادگرا: کارگران صنعتی شهری

- نیروهای انقلابی برای انقلاب در تفکرات نئومارکسیست: دهقانان روستا (ارتش خلقی)

- سمیرامین: توسعه نیافتگی پیرامون

- کاردوزو: الگوی توسعه مقارن با وابستگی یا توسعه وابسته

- در الگوی توسعه مقارن با وابستگی یا توسعه وابسته کاردوزو، سه نوع بازیگر وجود دارد:

دولت های اقتدارگرای بوروکراتیک

شرکت های چند ملیتی

بورژوازی محلی

- نظریه دولت اقتدارگرای بوروکراتیک: گیلرمو اودانل

- ویژگی های دولت اقتدارگرای بوروکراتیک از نظر اودانل

حاکمیت بورکرات ها - انحصار سیاسی - انحصار اقتصادی - سیاست زدایی

- نظریه بحران در دولت های اقتدارگرای بوروکراتیک: پیتراوانس

- موانع اصلی توسعه جنوب از نظر مکتب وابستگی

مبادلات نابرابر - شرکت های چند ملیتی - کمک خارجی - بانک های تجاری

- دوس سانتویس و مارینی: تفکر مارکسیستی از وابستگی

- سه الگوی وابستگی در آمریکای لاتین از نظر دوس سانتوس

وابستگی تجاری دوران استعمار

وابستگی مالی - صنعتی

وابستگی تکنولوژی - صنعتی

- نظریه وابستگی ساختاری: کاردوزو - فالتو

- کاردوزو، فالتو: وابستگی جدید (نقش عوامل داخلی)

- اقتصادهای جزیره ای: کاردوزو - فالتو

- کاردوزو، فالتو: توسعه وابسته

- پل باران: سرمایه انحصاری

- اندیشمند نئومارکسیست که در دانشگاه هاروارد تحصیل کرده: پل باران
- تحلیل باران از توسعه نیافتگی: سرمایه داری انحصاری - امپریالیسم - طبقه - مازاد اقتصادی
- گوندر فرانک: کشورهای توسعه یافته امروزی هرگز توسعه نیافته نبوده اند، بلکه بی توسعه بوده‌اند.
- فرانک: پیش از پیدایش توسعه، توسعه نیافتگی نیز به هیچ وجه وجود نداشته است.

نمونه سوالات تستی

۱- کدام اندیشمند بر آثار مشروط کنندگی وابستگی بر ساختار توسعه داخلی کشورهای وابسته تأکید دارد؟

- (1) فرانک (2) آرتور لوئیس (3) دوس سانتوس (4) پربیش

۲- کدام نظریه پرداز معتقد است که نظریه وابستگی به این معناست که نظام اقتصادی یک کشور توسط

توسعه و گسترش اقتصادی دیگر که به آن وابسته است، شکل گیرد؟

- (1) ارگانسکی (2) دوس سانتوس (3) گلتونگ (4) فرانک

۳- نظریه وابستگی، نظریات نئومارکسیستی و نظریات نظام جهانی که از جمله نظریه‌های توسعه و نوسازی

می باشند، ملهم و برگرفته از کدام یک از متفکرین می باشد؟

- (1) کارل مارکس (2) روستو (3) ماکس وبر (4) هابسون

۴- پل باران توسعه نیافتگی را بر محور مازاد اقتصادی و نحوه ..... می داند.

- (1) جذب (2) جایگزینی (3) صادرات (4) سرمایه گذاری

۵- دوس سانتوس می گوید: منظور ما از وابستگی وضعیتی است که در آن اقتصاد پاره ای از کشورها تابعی

از ..... شود.

- (1) بسط و توسعه اقتصاد کشور دیگر (2) اقتصاد کشورهای متروپل

- (3) بسط شرکت های چند ملیتی (4) توسعه اقتصاد کشورهای سرمایه داری

۶- سه شکل وابستگی از نظر دوس سانتوس، کدام است؟

- (1) وابستگی استعماری - مالی، صنعتی و تکنولوژیک - صنعتی (2) وابستگی اقتصادی، مالی و تکنولوژیک

- (3) وابستگی صنعتی، مالی و اقتصادی (4) وابستگی مالی، صنعتی و تجاری

۷- کدام دانشمند اعتقاد دارد که ریشه عقب ماندگی در جهان سوم توسط کشورهای غربی در سه مرحله

انجام گرفته است؟

مرحله اول صدر کالا - مرحله بعدی صدور سرمایه و مرحله آخر تسلط از طریق شرکت های چند ملیتی

- (1) دوس سانتوس (2) پل باران (3) فرانک (4) هابسون



۸- نظریه پردازان وابستگی، عدم توسعه را چگونه تفسیر یا قلمداد می کنند؟

- (1) شرایطی در چارچوب داخلی کشورها
- (2) یک جریان مستمر تاریخی و تکاملی
- (3) شکل گرفته در دوران استعمار
- (4) جریانی مستمر در دوران استعمار در شرایط خاص

۹- نظریات پریش در توسعه جهان سوم مبتنی بر عوامل زیر است؟

- (1) استراتژی توسعه صادرات و عدم دخالت دولت
- (2) سیاست جایگزینی واردات، شتاب بخشیدن به صنعتی شدن و دخالت دولت
- (3) استراتژی برون زا
- (4) اصل مزیت نسبی و تجارت آزاد جهانی

۱۰- کدام یک از اندیشمندان زیر وابستگی را براساس (رابطه مبادله) تعریف نموده است؟

- (1) جوزف نای
- (2) فرانک
- (3) پریش
- (4) دوس سانتوس

۱۱- نظریه.....، طنین آواهایی است که از پیرامون به گوش می رسد؟

- (1) نوسازی
- (2) سوسیالیستی
- (3) نظام جهانی
- (4) وابستگی

۱۲- کدام گزینه از اعضای اصلی مکتب اکلا (ECLA) نمی باشد؟

- (1) پریش
- (2) والرشتاین
- (3) سونکل
- (4) فورتادو

۱۳- مکتب .....، ابتدا در آمریکای لاتین و به عنوان واکنشی نسبت به شکست برنامه (کمیسیون اقتصادی

سازمان ملل برای آمریکای لاتین) (ECLA) در اوائل دهه ۱۹۶۰ میلادی پدید آمد.

- (1) وابستگی
- (2) نوسازی
- (3) نظام جهانی
- (4) سوسیالیستی

۱۴- کدام گزینه راهبرد مکتب اکلا برای توسعه کشورهای توسعه نیافته و پیرامونی می باشد؟

- (1) راهبرد صادرات
- (2) راهبرد جایگزینی واردات
- (3) حضور شرکت های چند ملیتی
- (4) وام خارجی

۱۵- کدام دانشمند جهان را به دو قسمت مرکز (شامل کشورهای پیشرفته) و پیرامون (شامل کشورهای

توسعه نیافته) تقسیم می کند؟

- 1) پریش (2) دوس سانتوس (3) فرانک (4) والرشتاین
- ۱۶- موسس مکتب اکلا، ..... می باشد.
- 1) دوس سانتوس (2) فرانک (3) پریش (4) سونکل
- ۱۷- کدام دانشمند مکتب وابستگی معتقد است توسعه نیافتگی آمریکای لاتین را باید در قالب یک پویش تاریخی در نظر گرفت.
- 1) فورتادو (2) سونکل (3) فرانک (4) پریش
- ۱۸- وابستگی پیرامونی مربوط به کدام دانشمند می باشد؟
- 1) سونکل (2) فورتادو (3) پریش (4) فرانک
- ۱۹- کدام یک از دانشمندان زیر توسعه نیافتگی را با رجوع به (رابطه مبادله) مورد بررسی قرار نمی دهد؟
- 1) پریش (2) سونکل (3) فورتادو (4) فرانک
- ۲۰- استعمار داخلی، مربوط به کدام دانشمند می باشد؟
- 1) گرامشی (2) پریش (3) فرانک (4) فورتادو
- ۲۱- پرآوازه ترین نویسنده نئومارکسیست و پدر موسس نئومارکسیسم، ..... است.
- 1) پریش (2) فرانک (3) پل باران (4) فورتادو
- ۲۲- طبق نظریه کدام مکتب، توسعه کامل اقتصادی تنها پس از انجام (انقلاب سوسیالیستی) صورت می گیرد؟
- 1) سوسیالیست (2) نئومارکسیست (3) لیبرال (4) نظریه نظام جهانی
- ۲۳- نیروهای انقلابی برای انقلاب در تفکرات مارکسیست بنیادگرا، ..... می باشند.
- 1) کارگران صنعتی شهری (2) کارگران صنعتی روستایی (3) دهقانان در روستا (4) ارتش خلقی
- ۲۴- نیروهای انقلابی برای انقلاب در تفکرات نئومارکسیست ..... می باشند.
- 1) دهقانان در روستا (2) کارگران صنعتی شهری (3) کارگران صنعتی روستایی (4) طبقه متوسط شهری
- ۲۵- نظریه وابستگی ساختاری مربوط به کدام دسته از دانشمندان می باشد؟

(4) فالتو - پل باران

(3) فرانک - پل باران

(2) کاردوزو - فالتو

(1) کاردوزو - پریش



### پاسخنامه سوالات تستی

- 1- گزینه 3 صحیح می باشد.  
دوس سانتوس: بر آثار مشروط کنندگی وابستگی بر ساختار توسعه داخلی کشورهای وابسته تأکید دارد.
- 2- گزینه 2 صحیح می باشد.  
دوس سانتوس
- 3- گزینه 1 صحیح می باشد.  
کارل مارکس: نظریات وابستگی، نئومارکسیستی، نظام جهانی
- 4- گزینه 1 صحیح می باشد.  
پل باران: توسعه نیافتگی را بر محور مازاد اقتصادی و نحوه جذب می داند.
- 5- گزینه 1 صحیح می باشد.  
دوس سانتوس: منظور من از وابستگی وضعیتی است که در آن اقتصاد پاره ای از کشورها تابعی از بسط و توسعه اقتصاد کشور دیگر است.
- 6- گزینه 1 صحیح می باشد.  
وابستگی استعماری - مالی، صنعتی، تکنولوژیک - صنعتی
- 7- گزینه 1 صحیح می باشد.  
دوس سانتوس: صدور کالا - صدور سرمایه - تسلط از طریق شرکت های چند ملیتی
- 8- گزینه 2 صحیح می باشد.
- 9- گزینه 2 صحیح می باشد.  
پریش: سیاست جایگزینی واردات
- 10- گزینه 3 صحیح می باشد.  
پریش = رابطه مبادله
- 11- گزینه 4 صحیح می باشد.  
وابستگی: طنین آواهایی است که از پیرامون به گوش می رسد.

- 12- گزینه 2 صحیح می باشد.  
والرشتاین= نظام جهانی
- 13- گزینه 1 صحیح می باشد.
- 14- گزینه 2 صحیح می باشد.  
راهبرد ECLA: جایگزینی واردات
- 15- گزینه 1 صحیح می باشد.  
پریش: مرکز - پیرامون
- 16- گزینه 3 صحیح می باشد.  
پریش: موسس مکتب اکلا
- 17- گزینه 1 صحیح می باشد.  
فورتادو: توسعه نیافتگی را باید براساس یک پویش تاریخی در نظر گرفت.
- 18- گزینه 2 صحیح می باشد.  
فورتادو= وابستگی پیرامونی
- 19- گزینه 4 صحیح می باشد.  
پریش، سونکل، فورتادو= رابطه مبادله
- 20- گزینه 1 صحیح می باشد.  
گرامشی= استعمار داخلی
- 21- گزینه 3 صحیح می باشد.  
پدر موسس نئومارکسیسم
- 22- گزینه 2 صحیح می باشد.  
نئومارکسیست= انقلاب سوسیالیستی= توسعه کامل اقتصادی
- 23- گزینه 1 صحیح می باشد.  
مارکسیست بنیادگرا= کارگران صنعتی شهری = انقلاب
- 24- گزینه 1 صحیح می باشد.  
نئومارکسیست= دهقانان روستا= انقلاب

25- گزینه 2 صحیح می باشد.

وابستگی ساختاری = کاردوزو، فالتو

### نکات مهم

- در برداشت غالب از اصطلاح جهان سوم، بعد مکانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- اصطلاح جهان سوم معمولاً برای مکان‌های جغرافیایی یا سرزمینی خاص مانند کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین به کار می‌رود.
- (لسلی ولف فیلیپس) اصطلاح جهان سوم را به جمعیت نگار و مورخ اقتصاد فرانسوی (آلفرد سووی) نسبت داده است که در سال 1951 در اوج جنگ سرد، آن را برای تمیز کشورهای در حال توسعه خارج از دو بلوک قدرت به کار برد.
- کتاب دوزخیان روی زمین اثر فرانتس فانون.
- قوام نکرومه، جهان سوم را به معنای عدم تعهد سیاسی بلوکی از کشورها به کار برده‌اند که از قطب‌های جهانی موجود برکنار مانده‌اند و در اختلافات جنگ سرد میان شرق و غرب نیز برای رسیدن به تفاهم طرفین کمک می‌کنند.
- فرانتس فانون در کتاب دوزخیان روی زمین (1963) نوشته است که مردم جهان سوم، استثمار سرمایه‌داری را به عنوان دشمن خود تلقی می‌کنند و به راه غیر سرمایه‌داری پایبند هستند.
- نکرومه واضع نظریه (استعمارنو به مثابه آخرین مرحله امپریالیسم) می‌باشد.
- نکرومه اعتقاد دارد در واقع تنها دو جهان وجود دارد: جهان انقلابی و سوسیالیستی و دیگری جهان ضد انقلابی و سرمایه‌داری با ملحقات امپریالیستی، استعماری و استثمارگری آن.
- مائوتسه دونگ ! نظریه 3 جهان
- بزرگترین خطر از نظر مائوتسه دونگ ! شوروی
- برطبق نظر مائو در نظریه 3 جهان: آمریکا (امپریالیسم کاپیتالیسم) و اتحاد جماهیر شوروی (سوسیالیسم امپریالیسم) به عنوان دو ابرقدرت در زمره جهان اول.
- ژاپن، کانادا و اروپا به همراه کشورهای تجدیدنظر طلب اروپای شرقی در زمره جهان دوم. سایر کشورهای آسیایی و تمامی کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین در زمره کشورهای جهان سوم قرار دارند.

- رهبران آلبانی نظریه 3 جهان مائو را مورد نقد قرار دادند.
- تا اواسط دهه 1970 در محافل دیپلماتیک به چهار جهان اشاره می‌شد:
- جهان سرمایه‌داری، جهان سوسیالیستی، جهان سوم متشکل از کشورهای در حال توسعه و جهان چهارم متشکل از کشورهای فقیر.
- قرن 21 را قرن پاسیفیک نامیده‌اند.
- مهمترین اصل از اصول ثابت توسعه، توانایی‌های فکری و سازماندهی نخبگان است.
- نخبگان فکری و ابزاری بهترین افراد برای هدایت توسعه می‌باشند.
- اجرای توسعه ارتباط مستقیمی با نخبگان ابزاری دارد.
- ضعف و شکل عمده نخبگان فکری این است که به اندازه کافی بومی نمی‌اندیشند.
- مسئولیت اصلی در ایجاد تفاهم به عهده نخبگان ابزاری است - (تفاهم بین نخبگان فکری و ابزاری)
- مهمترین مرکز ثقل یک جامعه در توسعه یافتگی، نخبگان آن است.

## نمونه سوالات تستی

۱- کدام نویسنده عنوان (جهان سوم) را برای اولین بار به کار برد؟

- (1) ساموئل هانتینگتون (2) آلفرد سوومی (3) پال سویزی (4) سمیرامین

۲- تجربه کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد که توسعه سیاسی ...

- (1) شرط لازم توسعه اقتصادی نیست  
 (2) شرط تعیین کننده توسعه اقتصادی است.  
 (3) به راحتی و بدون در نظر گرفتن ساختارهای فرهنگی قابل تحقق است.  
 (4) فقط در شرایطی لازم است که کشور از بحران مشروعیت عبور کرده باشد.

۳- در کشورهای جهان سومی که بلا تکلیفی فرهنگی وجود دارد، توسعه یافتگی چه جنبه‌ای به خود می‌گیرد؟

- (1) هرمی (2) سینوسی (3) صعودی (4) نزولی

۴- در اقتصاد سیاسی بین‌المللی امروز، کشورهای جهان سوم زمانی می‌توانند به طور بهینه از محیط بین‌المللی بهره‌مند شوند که از .... موجود در آن استفاده کنند.

- (1) نیروی کار و تکنولوژی (2) سرمایه و نیروی کار  
 (3) سرمایه و تکنولوژی (4) سرمایه، تکنولوژی و نیروی کار

۵- مهمترین پایه نظری رهیافت نخبه‌گرایانه برای پیشرفت جهان سوم، ... است.

- (1) بسط جامعه مدنی (2) گردش نخبگان (3) خانه تکانی نهاد دولت (4) اولویت دادن به توسعه سیاسی

۶- کدام اثر متعلق به فرانتس فانون است؟

- (1) امپریالیسم نو (2) نظریات توسعه  
 (3) دوزخیان روی زمین (4) دموکراسی‌های جدید

۷- در آن دسته از کشورهای جهان سوم، خلاقیت شهروندان بسط پیدا می‌کند که:

- (1) نه نظام سیاسی مانع آنها باشد و نه نظام بین‌المللی
- (2) نه احزاب سیاسی مانع آنها باشد و نه نظام سیاسی
- (3) نه دولت مانع آنها باشد و نه احزاب سیاسی
- (4) نه فرهنگ مانع آنها باشد و نه دولت

۸- کدام اثر متعلق به (رونالد چیلکوت) می‌باشد؟

- (1) نظریه‌های توسعه
- (2) دوزخیان روی زمین
- (3) امپریالیسم نو
- (4) توسعه و توسعه نیافتگی

۹- در برداشت غالب از اصطلاح جهان سوم، بعد .... از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؟

- (1) زمانی
- (2) مکانی
- (3) سرمایه
- (4) وسعت

۱۰- واضع نظریه (استعمار نو به مثابه آخرین مرحله امپریالیسم) چه کسی می‌باشد؟

- (1) آلفرد سووی
- (2) فرانتس فانون
- (3) نکرومه
- (4) مائو

۱۱- تئوری ۳ جهان متعلق به چه کسی می‌باشد؟

- (1) مائوتسه دونگ
- (2) نکرومه
- (3) آلفرد سوومی
- (4) فرانتس فانون

۱۲- بزرگترین خطر از نظر مائوتسه دونگ کدام کشور می‌باشد؟

- (1) آمریکا
- (2) چین
- (3) شوروی
- (4) انگلستان

۱۳- اصطلاح (ملل پرولتر) متعلق به چه کسی می‌باشد؟

- (1) آلفرد سوومی
- (2) توین بن
- (3) فرانتس فانون
- (4) نکرومه

۱۴- کدام گروه اعتقاد دارند سوسیال امپریالیسم (شوروی) به مراتب خطرناک‌تر از آمریکایی‌ها است؟

- (1) غیر متعهدها
- (2) مائوئیست‌ها
- (3) لیبرال‌ها
- (4) کاپیتالیست‌ها

۱۵- کدام گروه از کشورها در تقسیم‌بندی مائوتسه دونگ در دنیای دوم قرار می‌گیرند؟

(1) انگلیس، کانادا، ژاپن، آلمان (2) ژاپن، آلمان، کانادا، چین

(3) کانادا، ژاپن، آرژانتین، آلمان (4) آلمان، برزیل، کانادا، ژاپن

۱۶- دوره استعمار زدایی مربوط به کدام یک از عوامل شکل‌گیری جهان سوم می‌باشد؟

(1) سیاسی (2) اقتصادی (3) ساختاری (4) فرهنگی

۱۷- آغاز فعالیت جنبش عدم تعهدها چه سالی می‌باشد؟

(1) 1946 (2) 1965 (3) 1955 (4) 1953

۱۸- اولین تهاجم نظامی اروپا به کشورهای عقب مانده کدام می‌باشد؟

(1) 1830 - فرانسه به مصر (2) 1830 - ایتالیا به الجزایر

(3) 1830 - فرانسه به الجزایر (4) 1830 - ایتالیا به مصر

۱۹- دیدگاه ساختاری که یکی از علل و زمینه‌های شکل‌گیری جهان سوم می‌باشد، مربوط به کدام

دوران می‌باشد؟

(1) قبل از رنسانس (2) رنسانس (3) بعد از رنسانس (4) قرن 19

۲۰- عبارت (یک پرولتاریا خارج از دنیای غرب هم وجود دارد) مربوط به چه کسی است؟

(1) توین بن (2) نکرومه (3) فانون (4) آلفرد سووی

۲۱- در تئوری ۳ جهان مائو، کدام دسته از کشورها در دنیای اول قرار می‌گیرند؟

(1) آمریکا، انگلستان (2) آمریکا، شوروی (3) آمریکا، چین (4) شوروی، ژاپن

۲۲- از نظر مائو ... مبنای تمایز کشورها در تئوری ۳ جهان می‌شود.

(1) ثروت (2) قدرت (3) وسعت (4) جمعیت

۲۳- عبارت (مردم جهان سوم، استثمار سرمایه‌داری را به عنوان دشمن خود تلقی می‌کنند و به راه

غیر سرمایه‌داری پایبند هستند) متعلق به چه کسی است؟

(1) نکرومه (2) فانون (3) مائو (4) آلفرد سووی





۲۴- در تقسیم‌بندی مائو، در تئوری ۳ جهان، کشورهای آمریکای لاتین در کدام دسته قرار می‌گیرند؟

- (1) جهان اول (2) جهان دوم (3) جهان سوم (4) جهان دوم و سوم

۲۵- کنفرانس آفریقایی - آسیایی ۱۹۵۵ باندراک منجر به تشکیل کدام پیمان شد؟

- (1) ورشو (2) غیرمتعهدها (3) آپک (4) شانگهای

### پاسخنامه سوالات تستی

- 1- گزینه 2 صحیح می‌باشد.  
برای اولین بار اصطلاح (جهان سوم) توسط آلفرد سووی مورد استفاده قرار گرفت.
- 2- گزینه 1 صحیح می‌باشد.  
توسعه سیاسی، شرط لازم توسعه اقتصادی نیست.
- 3- گزینه 2 صحیح می‌باشد.  
توسعه نیافتگی در کشورهای جهان سوم جنبه سینوسی به خود می‌گیرد.
- 4- گزینه 3 صحیح می‌باشد.  
سرمایه و تکنولوژی
- 5- گزینه 3 صحیح می‌باشد.  
خانه تکانی نهاد دولت، مهمترین پایه رهیافت نخبه گرایانه برای پیشرفت جهان سوم.
- 6- گزینه 3 صحیح می‌باشد.  
دوزخیان روی زمین ! اثر فرانتس فانون
- 7- گزینه 4 صحیح می‌باشد.  
نه فرهنگ مانع آنها باشد و نه دولت.
- 8- گزینه 1 صحیح می‌باشد.  
نظریه‌های توسعه ! رونالد چیلکوت
- 9- گزینه 2 صحیح می‌باشد.  
در برداشت غالب از اصطلاح جهان سوم، بُعد مکانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- 10- گزینه 3 صحیح می‌باشد.  
نکرومه ! واضح نظریه (استعمار نو به مثابه آخرین مرحله امپریالیسم).
- 11- گزینه 1 صحیح می‌باشد.  
تئوری 3 جهان ! مائوتسه دونگ

- 12- گزینه 3 صحیح می‌باشد.
- مائوتسه دونگ ! بزرگترین خطر ! اتحاد جماهیر شوروی
- 13- گزینه 2 صحیح می‌باشد.
- ملل پرولتر ! توین بن
- 14- گزینه 2 صحیح می‌باشد.
- بزرگترین خطر به نظر مائوتسه دونگ ! شوروی سوسیالیستی
- 15- گزینه 1 صحیح می‌باشد.
- دنیای دوم شامل: انگلیس، کانادا، ژاپن، آلمان
- 16- گزینه 1 صحیح می‌باشد.
- دوره استعمارزدایی ! سیاسی
- 17- گزینه 3 صحیح می‌باشد.
- 1955 ! آغاز جنبش غیر متعهدها
- 18- گزینه 3 صحیح می‌باشد.
- سال 1830 – تهاجم فرانسه به الجزایر
- 19- گزینه 2 صحیح می‌باشد.
- دیدگاه ساختاری ! دوره رنسانس
- 20- گزینه 1 صحیح می‌باشد.
- توین بن ! یک پرولتاریا خارج از دنیای غرب هم وجود دارد.
- 21- گزینه 2 صحیح می‌باشد.
- دنیای اول ! آمریکا و شوروی
- 22- گزینه 2 صحیح می‌باشد.
- از نظر مائو، قدرت مبنای تمایز کشورها در تئوری 3 جهان می‌باشد.
- 23- گزینه 2 صحیح می‌باشد.
- فرانتس فانون در کتاب دوزخیان روی زمین
- 24- گزینه 3 صحیح می‌باشد.

دنیای سوم ! کشورهای آسیایی (به جز ژاپن) + کشورهای آفریقایی + کشورهای آمریکای لاتین

25- گزینه 2 صحیح می باشد.

کنفرانس 1955 باندوگ ! تشکیل غیر متعهدها

## توسعه و توسعه نیافتگی

### نکات مهم

- 1- مراحل تاریخی رشد روستو به ترتیب عبارتند از:
    - مرحله جامعه سنتی - مرحله انتقالی - مرحله خیز اقتصادی - مرحله بلوغ - مرحله مصرف انبوه
    - طبق نظر رد فیلد جوامع در جریان دگرگونی اجتماعی به دو دسته تقسیم می شوند: جامعه قومی - جامعه شهری
    - نظریه اسملسر روی تفکیک کارکردی عناصر ساختی متمرکز شده است.
    - میردال از دانشمندان انقلابی است که اعتقاد به عوامل خارجی در جریان توسعه نیافتگی دارد.
    - پل سینجر معتقد است که کشورهای توسعه نیافته‌ی امروز، مستعمرات کشورهای سرمایه‌داری صنعتی بوده‌اند.
    - آوا کف می گوید توسعه نیافتگی چیزی نیست جزء امپریالیسم و استثمار و بردگی مستعمراتی
    - بحث اصلی پل باران ← مازاد اقتصادی و نحوه استفاده و جذب این مازاد
    - آندره گوندرفرانک ← توسعه نیافتگی معلول روابط اقتصادی و روابط متروپل های امپریالیستی با کشورهای توسعه نیافته اقتصادی است.
    - دوس سانتوس ← منظور از وابستگی وضعی است که در آن اقتصاد پاره‌ای از کشورها تابعی از بسط و توسعه اقتصاد کشور دیگر است.
    - امانوئل والرشتاین ← نظریه پرداز نظام جهانی و اقتصاد جهانی
- تقسیم جهان به 3 بخش:
- مرکز - پیرامون - شبه پیرامون
  - اسوالدو سونگل، هانتینگتون ولوسین پای از دانشمندانی هستند که به دیدگاه عوامل داخلی و خارجی با تأکید بر عوامل داخلی در مسئله توسعه نیافتگی اعتقاد دارند.
  - اسوالدو سونگل ← دولت وابسته
  - کتاب سامان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی ← هانتینگتون

- هانتینگتون مسئله اصلی جوامع در حال توسعه را فقدان حکومت های با ثبات، فقدان نظام های سیاسی نهادمند می داند.

- نظریه بحران ← لوسین پای، آلموند

- بحران هویت، مشروعیت، توزیع، مشارکت، یکپارگی و نفوذ

- برای توسعه اقتصادی، گذر از بحران هویت، مهمترین عامل است.

- در بحث نظریه انسجام درونی، منظور از نخبگان ابزاری، صاحبان قدرت و ثروت هستند و منظور از نخبگان فکری، صاحبان طرح و اندیشه و برنامه و استراتژی می باشد.

- عزم سیاسی نخبگان ابزاری = حل دائمی یا تدریجی بحران مشروعیت

- تئوری انسجام درونی تجویزی است برای جهان سوم برتر

- مبنای توسعه یافتگی از نظر دکتر سریع القلم در داخل یک کشور است و عناصر خارجی به عنوان محرکه هستند.

- دو نوع استراتژی برای توسعه در داخل و خارج لازم است: استراتژی بقاء - استراتژی انطباق

- مهمترین مرکز ثقل یک جامعه در توسعه یافتگی نخبگان آن است.

- رونالد چیلکوت نظریه های توسعه سیاسی را به 3 دسته تقسیم می کند:

1- آن دسته که توسعه سیاسی را با دموکراسی مترادف می دانند.

2- دسته دیگر که بر تغییر و توسعه سیاسی متمرکز تحقیقاتی دارند.

3- دسته سوم که به تجزیه و تحلیل بحران ها و مراحل سلسلی توسعه سیاسی پرداخته اند.

- لنین، امپریالیسم را بالاترین مرحله سرمایه داری می داند.

- تروتسکی ← نظریه انقلاب دائمی

- کازانوا ← نظریه استعمار داخلی

- وابستگی جدید ← دوس سانتوس

- انباشت اولیه، نقطه اولیه و آغاز سرمایه داری است.

سه نوع نظریه مثبت گرایانه توسعه ← 1- توسعه به وسیله دموکراسی 2- توسعه به وسیله ملی گرایی

3- توسعه به وسیله نوسازی

- نظریه مثبت گرایانه توسعه ← سرمایه داری راه حل مشکل عقب ماندگی کشورها است. - مشکلات ساختاری - سیاسی جهان سوم ← منافع ملی - جوامع طبقه بندی شده - تحزب - اصل پاسخگویی
- مشکلات ساختاری - اقتصادی جهان سوم در پنج بخش ← کارایی - مطلوبیت - طبیعت گرایی - دید دراز مدت - سازماندهی اقتصادی
- مارکس در باره ی اثرات مخرب سرمایه بریتانیا بر ایرلند و هندوستان کار کرده است.
- لنین، امپریالیسم را بالاترین مرحله سرمایه داری می داند.
- تروتسکی، نظریه انقلاب دائمی
- کازانوا، استعمار داخلی
- وابستگی جدید ← دوس سانتوس
- رائول پریش ← مکتب اکلا
- کاردوزو، نظریه توسعه مقارن با وابستگی
- نظریه خرده امپریالیسم اثر مارینی
- والرشتاین و سمیر امین، سرمایه تجاری را به نظام جسمانی مربوط کردند.

### نمونه سوالات تستی

۱- از چه زمانی مفهوم (توسعه) به معنای خاص و ابعاد تازه وارد عرصه سیاست های ملی و بین المللی شد؟

(1) پس از 11 سپتامبر (2) پس از بحران 1929

(3) پس از جنگ جهانی دوم (4) پس از فروپاشی شوروی

۲- آثار مثبت سرمایه گذاری خارجی در کشورهای جهان سوم کدام است؟

(1) اشتغال زایی (2) گسترش بازار خارجی

(3) رکود بازار داخلی (4) افزایش واردات کالاهای مصرفی

۳- در کدام نظریه بر افزایش کسر منابع سیاسی رژیم و گرانتر شدن کالاهای سیاسی در مبادلات سیاسی برای دستیابی به توسعه تأکید شده است؟

(1) بحران سیاسی (2) انتخاب عقلایی

(3) بسیج اجتماعی (4) کارکردگرایی ساختاری

۴- چهار مشکل اقتصادی ساختاری در کشورهای جهان سوم عبارتند از: فقدان کارایی، فقدان سازماندهی اقتصادی،.....

(1) فقدان مطلوبیت و فقدان تحزب (2) فقدان تحزب و فقدان پاسخگویی

(3) فقدان مطلوبیت و فقدان پاسخگویی (4) فقدان مطلوبیت و فقدان دید دراز مدت

۵- عامل تعیین کننده در بحث اصول ثابت توسعه، کدام است؟

(1) قانون گرایی نظام سیاسی (2) علم گرایی نظام اجتماعی

(3) نظم گرایی نظام اجتماعی (4) بافت و توانایی های فکری - سازماندهی هیأت حاکمه

۶- شاخص ترین فعالیت فرهنگی برای تقویت توسعه سیاسی در کشورهای در حال توسعه چیست؟

(1) فرد گرایی مثبت (2) ارتقاء سطح هویت عمومی

(3) تأمین آرامش اقتصادی (4) تشویق شایسته سالاری



۷- براساس نظریه توسعه نیافتگی و شخصیت:

- (1) مشکلات شخصیتی ژنتیکی هستند.
- (2) مشکلات توسعه نیافتگی در اصلاح افکار است.
- (3) مشکل توسعه نیافتگی، عدم بسط دکترین عقلانیت است.
- (4) تا زمانی که ساختارهای منتهی به شخصیت تغییر پیدا نکنند، ساختارهای سیاسی و اقتصادی متحول نخواهد شد.

۸- منظور از فردگرایی مثبت در فرایندهای توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم، کدام است؟

- (1) همان پوپولیسم
  - (2) استقلال رأی و خلاقیت های فرد
  - (3) دوری جستن از تکبر و خودخواهی
  - (4) پیوستن فرد به خواسته های جمع
- ۹- برخلاف دهه های ۱۹۵۰ میلادی، هم اکنون اکثریت قاطع نظریه پردازان، توسعه را عمدتاً تابع کدام محرکه ها می دانند؟

- (1) داخلی
- (2) خارجی
- (3) اداری
- (4) انتقال فناوری

۱۰- ارتباط منسجم میان ابعاد توسعه یافتگی داخلی و سیاست خارجی در یک کشور در حال توسعه

- (1) ضروری است.
- (2) غیر ضروری است.
- (3) در شرایط جسمانی شدن اهمیت ندارد.
- (4) در شرایط وابستگی متقابل ضروری نیست.

۱۱- تفاوت توسعه یافتگی غرب در مقایسه با کشورهای جهان سومی، این است که ..... بوده است.

- (1) ترتیبی
- (2) سینوسی
- (3) برنامه ای
- (4) غیر خطی

۱۲- علت اصلی رواج (نظام های - پیرو) در جهان سوم چیست؟

- (1) منابع کم ثروت
- (2) بی ثباتی اقتصادی
- (3) رشد اقتصادی پایین
- (4) شخصی و غیر رسمی بودن سیاست و قدرت سیاسی

۱۳- انتخاب نخبه گرایی به عنوان استراتژی توسعه به طور خودکار، موفقیت.....

- (1) به ارمغان می آورد.
- (2) به ارمغان نمی آورد.
- (3) تا حدودی به ارمغان می آورد.
- (4) تحت شرایطی به طور خودکار به ارمغان می آورد.

۱۴- مبنای نظری برای آغاز توسعه یافتگی در کشورهای در حال توسعه، چیست؟

- (1) اجماع فکری نخبگان ابزاری و فکری از شرایط داخلی و خارجی
- (2) حل و فصل تدریجی موضوع مشروعیت
- (3) بسط عقلانیت ابزاری
- (4) تحول فرهنگی

۱۵- توسعه یافتگی به تفاهم..... نیاز دارد.

- (1) صاحبان ثروت، بانک ها و قوه مجریه
- (2) صاحبان ثروت، قدرت و صاحبان فکر
- (3) صاحبان قدرت، رسانه ها و صاحبان صنعت
- (4) صاحبان قدرت، بانک ها و رسانه ها

۱۶- راه حل های مسائل توسعه کشورهای جهان سوم به طور فزاینده ای..... شده اند.

- (1) ملی
- (2) بومی
- (3) جهانی
- (4) داخلی

۱۷- اکثریت کشورهای جهان سوم، کدام رهیافت را برای مدیریت توسعه انتخاب کرده اند؟

- (1) جامعه محور
- (2) نخبگان محور
- (3) صنعت محور
- (4) کشاورزی محور

۱۸- توسعه یافتگی کشورهای جهان سوم برخلاف تجربه کشورهای غربی:

- (1) مبتنی بر برنامه ریزی است
- (2) مبتنی بر تحولات تربیتی است
- (3) براساس تحولات گزینشی است
- (4) بدون برنامه ریزی قابل حصول است.

۱۹- مهمترین پیام رهیافت نخبه گرایی برای پیشرفت جهان سوم کدام است؟

- (1) بازیابی هیأت فرهنگی
- (2) تجدید نظر در اقتصاد رانتیه
- (3) خانه تکانی در نهاد دولت
- (4) تغییر در اولویت های نظام اجتماعی

۲۰- کدام سیاست به مثابه استراتژی توسعه کشورهای تازه صنعتی (جنوب شرقی آسیا) از دهه های

۱۹۶۰ مورد توجه قرار گرفت؟

- (1) توسعه صادرات (2) توسعه فرهنگی (3) سد نفوذ اقتصادی (4) جایگزینی واردات

۲۱- در کشورهای سوسیالیستی، مسائل تولید در دست.....است.

- (1) بخش خصوصی (2) بخش خارجی (3) دولت (4) سرمایه داران

۲۲- مارکس، مهمترین عامل عقب افتادگی کشورهای توسعه نیافته را..... می داند.

- (1) سرمایه (2) تولید سرانه پائین

- (3) نیروی انسانی (4) کشورهای سرمایه داری

۲۳- کدام گروه از دانشمندان بر عامل داخلی در عقب ماندگی تاکید دارند؟

- (1) روستو- رد فیلد- اسملسر (2) میردال- فرناندو- هابسون

- (3) پل باران- دوس سانتوس- سمیر امین (4) اسوالدو سونکل- هانتینگتون- لوسین پای

۲۴- مراحل تاریخی رشد از نظر روستو عبارتند از: (به ترتیب)

- (1) مرحله جامعه سنتی - انتقالی - مصرف انبوه - خیز اقتصادی - مرحله بلوغ

- (2) مرحله انتقالی - جامعه سنتی - مصرف انبوه - بلوغ - خیز اقتصادی

- (3) مرحله جامعه سنتی - مرحله انتقالی - خیز اقتصادی - مرحله بلوغ - مصرف انبوه

- (4) مصرف انبوه - بلوغ - جامعه سنتی - خیز اقتصادی - مرحله انتقالی

۲۵- میردال از کدام دسته از دانشمندان نظریه عقب ماندگی می باشد؟

- (1) عوامل داخلی (2) عوامل خارجی

- (3) عوامل داخلی - خارجی با تاکید بر خارجی (4) عوامل خارجی - داخلی با تاکید بر داخلی

### پاسخنامه سوالات تستی

- 1- گزینه 3 صحیح می باشد.  
پس از جنگ جهانی دوم، مفهوم توسعه به معنای خاص وارد عرصه سیاست بین الملل شد.
- 2- گزینه 1 صحیح می باشد.  
سرمایه گذاری خارجی باعث اشتغال زایی می شود.
- 3- گزینه 2 صحیح می باشد.  
در انتخاب عقلایی بر افزایش کسر منابع سیاسی رژیم و گرانتر شدن کالاهای اساسی در مبادلات برای دستیابی به توسعه تاکید شده است.
- 4- گزینه 4 صحیح می باشد.  
فقدان کارایی، فقدان سازماندهی اقتصادی، فقدان مطلوبیت و فقدان دید دراز مدت
- 5- گزینه 4 صحیح می باشد.  
عامل تعیین کننده در بحث اصول ثابت توسعه، بافت و توانایی های فکری - سازماندهی هیأت حاکمه می باشد.
- 6- گزینه 1 صحیح می باشد.  
فردگرایی مثبت، شاخص ترین فعالیت فرهنگی برای تقویت توسعه سیاسی در کشورهای در حال توسعه است.
- 7- گزینه 4 صحیح می باشد.
- 8- گزینه 2 صحیح می باشد.  
منظور از فردگرایی مثبت، استقلال رأی و خلاقیت های فرد می باشد.
- 9- گزینه 1 صحیح می باشد.  
عامل داخلی محرک توسعه
- 10- گزینه 1 صحیح می باشد.  
ارتباط منسجم میان ابعاد توسعه یافتگی داخلی و سیاست خارجی در یک کشور در حال توسعه ضروری است.
- 11- گزینه 1 صحیح می باشد.  
توسعه یافتگی در غرب، ترتیبی است.
- 12- گزینه 4 صحیح می باشد.

علت اصلی رواج (نظام های پیرو) شخصی و غیر رسمی بودن سیاست و قدرت سیاسی است.

13- گزینه 2 صحیح می باشد.

14- گزینه 1 صحیح می باشد.

مبنای نظری برای آغاز توسعه یافتگی در کشورهای در حال توسعه، اجماع فکری نخبگان ابزاری و فکری از شرایط داخلی و خارجی است.

15- گزینه 3 صحیح می باشد.

توسعه یافتگی به تفاهم صاحبان قدرت، رسانه ها و صاحبان صنعت نیاز دارد.

16- گزینه 3 صحیح می باشد.

راه حل های مسائل توسعه کشورهای جهان سوم به طور فزاینده ای جهانی شده اند.

17- گزینه 2 صحیح می باشد.

بیشتر کشورهای جهان سوم، رهیافت نخبگان محور را برای مدیریت توسعه انتخاب کرده اند.

18- گزینه 1 صحیح می باشد.

توسعه یافتگی کشورهای جهان سوم برخلاف تجربه کشورهای غربی، مبتنی بر برنامه ریزی است.

19- گزینه 3 صحیح می باشد.

مهمترین پیام رهیافت نخبه گرایی ← خانه تکانی نهاد دولت

20- گزینه 1 صحیح می باشد.

توسعه صادرات ← استراتژی توسعه کشورهای جنوب شرقی آسیا

21- گزینه 3 صحیح می باشد.

در کشورهای سوسیالیستی، مسائل تولید در دست دولت می باشد.

22- گزینه 3 صحیح می باشد.

مارکس ← مهمترین عامل عقب ماندگی ← نیروی انسانی

23- گزینه 1 صحیح می باشد.

روستو- رد فیلد- اسملسر

24- گزینه 3 صحیح می باشد.

مرحله جامعه سنتی - مرحله انتقالی - خیز اقتصادی - مرحله بلوغ - مصرف انبوه

25- گزینه 2 صحیح می باشد.

میردال ← عوامل خارجی

### تئوری های قدیم و جدید مکتب نوسازی

#### نکات مهم

- مکتب نوسازی در دهه های 1950 و 1960 به عنوان رویکرد و مکتبی مسلط و غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شده است.

- بستر تاریخی مکتب نوسازی: نظریه های تکاملی (تک خطی)

#### نظریه کارکردگرایی

- نظریه کارکردگرایی در مکتب نوسازی: تالکوت پارسونز

- مراحل پیشرفت بشر از نظر آگوست کنت: الهی - متافیزیکی - علمی

- مراحل پیشرفت از نظر کارل مارکس: دوره اشتراک یا کمون اولیه - دوره برده داری - دوره فئودالیسم - دوره

کاپیتالیسم - عصر سوسیالیسم - مرحله عالی و نهایی کمونیسم

- هربرت اسپنسر: دیدگاه اندام واره نسبت به جامعه

- از نظر اسپنسر، جوامع صنعتی برتر از جوامع نظامی است.

- امیل دورکیم: واقعیت اصلی در گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی را از میان رفتن پیوندهای کهنه مبتنی بر

همبستگی مکانیکی می داند.

- دورکیم: همبستگی مکانیکی: همبستگی ارگانیک

- عام ترین مفهوم در اندیشه ماکس وبر: عقلانی شدن جهان

- فردیناند تونیس: گمانیشافت - گزلفافت

- متغیرهای الگویی: پارسونز

- انتقادات به مکتب وابستگی: الگوها دلخواهانه و انتزاعی هستند - الگوها مصادیق تجربی ندارند.

- نظریه نوسازی، رشد شمال را به علت کشف رموز پایدار رشد اقتصادی می داند.

- عناصر اصلی نوسازی: سکولاریسم - شهرنشینی - گسترش علم و تکنولوژی - افزایش تحرک اجتماعی

- مهمترین عامل در گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن از دیدگاه توسعه اقتصادی:

## ظهور نظام پاداش برای نوآوری

- مکتب نوسازی معتقد است که کشورهای صنعتی هم قبلاً از جامعه سنتی به صنعتی نقل مکان کرده اند.

مقایسه و ارزیابی نظریات نوسازی و وابستگی کلاسیک

در اینجا پرداختن و مقایسه میزان شباهت ها و اختلاف نظرهای میان دیدگاههای سنتی وابستگی و نوسازی، لازم و ضروری به نظر می رسد.

### شباهت ها

اول اینکه، هر دو دیدگاه از نظر موضوع تحقیق با یکدیگر شباهت دارند. توجه به تأکید هر دو، به توسعه جهان سوم معطوف بوده و در جستجوی عواملی هستند که به بهبود وضعیت توسعه در این مناطق کمک نماید.

دوم اینکه، هر دو دیدگاه از متدولوژی و روش های تحقیق یکسانی استفاده می کنند. نظرات آنها در یک سطح بسیار کلی و انتزاعی طرح شده و به دنبال این هستند که همین فرآیند عام توسعه را با شرایط کلیه کشورها تطبیق دهند.

سوم اینکه، هر دو دیدگاه در چارچوبهای نظری خود یک الگوی مبتنی بر قطب بندی را ارائه می کنند؛ هر چند دیدگاه اولیه نوسازی، آن را «تقابل میان سنت و نوگرایی» و دیدگاه کلاسیک وابستگی آن را «تقابل میان مرکز (متروپل) و پیرامون (قمر)» نام می نهد.

اولین اختلاف دو دیدگاه نوسازی و وابستگی در این است که آنها از دو زمینه تئوریک متفاوت برخاسته اند. دیدگاه نوسازی به شدت تحت تأثیر نظریات جامعه شناسی تکامل گرایی اروپایی و نظریات کارکردگرایی آمریکایی قرار دارد. در حالی که دیدگاه سنتی وابستگی، عمدتاً نظرات خود را از برنامه اصلاحات لیبرالی مکتب «کلا» و نظرات انقلابی نئومارکسیستی الهام گرفته است.

دوم اینکه، درباره با علل مشکلات و معضلات موجود در جهان سوم، دیدگاه نوسازی ضمن ارائه یک تبیین درونگرا، به وجود خصایصی چون فرهنگ سنتی (نظریات گابریل الموند و سیدنی وربا)، فقدان سرمایه گذارهای مولد (نظریات ویلبرت مور و والت روستو) و عدم وجود انگیزه پیشرفت (نظریات دیوید مک کلند و الکس اینکلس) در درون کشورهای جهان سوم اشاره می کند؛ در حالی که از طرف دیگر، دیدگاه سنتی وابستگی با تأکید بر نقش استعمار و استعمار نو در ایجاد توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم، به ارائه یک تحلیل برون گرا می پردازد.



سوم اینکه، دیدگاه نوسازی برقراری رابطه کشورهای جهان سوم یا پیرامون با کشورهای غرب یا مرکز را به سود آنها می‌داند. از این دیدگاه، کشورهای غرب، جهان سوم یا پیرامون را در راه رسیدن به توسعه یاری می‌دهند. از طرف دیگر، دیدگاه سنتی وابستگی با زیانبار خواندن این ارتباطات، معتقد است که کشورهای غرب در راه پیگیری منافع خود به استثمار کشورهای جهان سوم می‌پردازند.

چهارمین اختلاف نظر دو دیدگاه در زمینه پیش بینی مسیر آینده توسعه می‌باشد. دیدگاه نوسازی در این زمینه عمدتاً خوش بین بوده و اعتقاد دارد کشورهای جهان سوم با قدری تأمل و بردباری، در نهایت به سطح کشورهای غربی رسیده و به اهداف نوسازی دست می‌یابند. در حالیکه، دیدگاه سنتی وابستگی نسبت به آینده کشورهای جهان سوم بدبین است. اگر روابط استثماری کنونی بدون تغییر باقی بماند، وابستگی کشورهای جهان سوم به کشورهای غربی هر روز بیشتر شده و ادامه این روابط، آنها را به توسعه نیافتگی و ورشکستگی بیشتر می‌کشد.

بالاخره اینکه، در زمینه ارائه راه حل برای خروج کشورهای جهان سوم از عقب ماندگی، دیدگاه نوسازی طرفدار برقراری ارتباط بیشتر با کشورهای غرب، مثلاً از راه دریافت کمک خارجی، افزایش مبادلات فرهنگی و انتقال بیشتر تکنولوژی می‌باشد. این در حالیست که محققین سنتی وابستگی، یک رویکرد کاملاً متفاوت را در پیش می‌گیرند. آنان برای رسیدن به توسعه مستقل، بومی و خودکفا در جهان سوم، از کاهش پیوند این کشورها با مراکز (استعمارگر) طرفداری می‌کنند و تحقق این هدف را مستلزم وقوع یک انقلاب بنیادگرای سوسیالیستی می‌دانند.

### مقایسه دیدگاه نوسازی و دیدگاه سنتی وابستگی

مطالعات سنتی وابستگی	مطالعات نوسازی	
		شباهت‌ها
همان	توسعه جهان سوم	موضوع تحقیق
همان	سطح بالای انتزاع و تأکید بر فرایند عام توسعه	روش تحقیق
مرکز و پیرامون	سنت و نوگرایی	ساختار تئوریک مبتنی بر قطب بندی
		اختلاف‌ها
برنامه اصلاحات مکتب اکلا و نظریات انقلابی نئومارکسیسم	نظریات تکامل گرایی و کارکردگرایی	پیشینه نظری
اغلب از بیرون	اغلب از درون	ریشه یابی مشکلات جهان سوم
عموماً زیانبار	عموماً سودمند	سرشت ارتباطات میان ملت‌ها
بدبینی	خوش بین	پیش بینی مسیر توسعه
کاهش ارتباط با مرکز همراه با انقلاب سوسیالیستی	گسترش رابطه با غرب	شیوه‌های نیل به توسعه

نمونه سوالات تستی

۱- کدام نظریه پرداز مهمترین متغیرهای الگوی نوسازی و الگوی وضعیت مدرن را غیر عاطفی، خودگرایی، عام گرایی، اکتساب و تفکیک کارکردها می داند؟

- (1) آلموند (2) پارسونز (3) فرانک (4) هوزلیتز

۲- کدام یک از متفکرین زیر از نحله ساختارگرایی مکتب نوسازی به شمار می رود؟

- (1) آپتر (2) ارگانسکی (3) پارسونز (4) روسو

۳- کدام یک از متغیرهای زیر از نظر پارسونز از الگوهای وضعیت سنتی محسوب می شود؟

- (1) اکتساب (2) خاص گرایی (3) عام گرایی (4) غیرعاطفی

۴- از دید هانتینگتون، مشکل یا مسأله اصلی جوامع در حال توسعه کدام است؟

- (1) کندی نوسازی سیاسی (2) حکومت سرکوبگر  
(3) فقدان نهادمندی و ثبات سیاسی (4) فقدان مشارکت فعالانه

۵- از نظر ارگانسکی مراحل چهارگانه توسعه کدامند؟

- (1) وحدت ملی - خیز - صنعتی شدن - وفور  
(2) سنتی - خیز - صنعتی شدن - رفاه ملی  
(3) وحدت ملی - صنعتی شدن - رفاه ملی - وفور  
(4) سنتی - در حال گذار - صنعتی شدن - فرا صنعتی

۶- از نظر آلموند و پاول شاخص توسعه سیاسی عبارت است از:

- (1) نهادینه سازی (2) مشروعیت سیاسی  
(3) نوگرایی اقتصادی و اجتماعی (4) تفکیک ساختارها و تخصصی شدن نقش ها

۷- کدام نظریه پرداز مهمترین متغیرهای الگویی وضعیت سنتی را متغیرهای عاطفی، جمع گرایی، خاص

گرایی، انتساب و تداخل کارکردها می داند؟

- (1) هوزلیتز (2) لرنر (3) فرانک (4) پارسونز

۸- گابریل آلموند میان توسعه سیاسی و کدام مقوله ارتباط برقرار می کند؟

4) نوسازی

3) سطح درآمد

2) صنعتی شدن

1) مشارکت

۹- تقسیم فرهنگ سیاسی به صورت مشارکتی، محدود و تبعی مربوط به کدام صاحب‌نظران است؟

- (1) کلمن - وربا      2- آلموند - وربا      (3) وربا - بایندر      (4) هانتینگتون - نلسون

۱۰- کشورهای (نیکز) عبارت است از کشورهای:

- (1) فاقد پایه صنعتی      (2) فراصنعتی      (3) صنعتی      (4) تازه صنعتی شده

۱۱- لوسین بای چه نوع توسعه ای را تئوریزه کرده است؟

- (1) توسعه دموکراتیک      (2) توسعه غیردموکراتیک  
(3) توسعه دموکراتیک بورژوازی      (4) توسعه دموکراتیک ملی

۱۲- از نظر پارسونز، کدام یک از متغیرهای زیر از الگوهای جوامع مدرن به شمار می آید؟

- (1) انتساب      (2) عام گرایی      (3) خاص گرایی      (4) جمع گرایی

۱۳- یک نمونه از کشورهای جهان سوم برتر:

- (1) مراکش      (2) ترکیه      (3) پرتغال      (4) تانزانیا

۱۴- مکتب ..... در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی به عنوان رویکرد و مکتبی مسلط و غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شد.

- (1) نوساری      (2) وابستگی      (3) نظام جهانی      (4) موازنه قدرت

۱۵- کدام دانشمند زیر پیرو مکتب نوسازی نیست؟

- (1) پارسونز      (2) آلموند      (3) اسملسر      (4) دوس سانتوس

۱۶- مراحل پیشرفت زیر متعلق به نظریه‌ی کدام دانشمند می باشد؟

دوره اشتراک یا کمون اولیه - دوره برده داری - فئودالیسم - کاپیتالیسم - عصر سوسیالیسم - مرحله عالی و نهایی کمونیسم

- (1) هابز      (2) کارل مارکس      (3) آگوست کنت      (4) پارسونز

۱۷- دیدگاه اندام واره نسبت به جامعه متعلق به کدام دانشمند است؟

- (1) اسپنسر      (2) مارکس      (3) پارسونز      (4) آلموند



۱۸- از نظر کدام دانشمند، جوامع صنعتی برتر از جوامع نظامی هستند؟

- (1) مارکس (2) بارسونز (3) اسپنسر (4) آلموند

۱۹- ..... واقعیت اصلی در گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی را از میان رفتن پیوندهای کهنه مبتنی بر همبستگی مکانیکی می داند.

- (1) آلموند (2) وریا (3) امیل دورکیم (4) پارسونز

۲۰- اصطلاح (همبستگی مکانیک) و (همبستگی ارگانیک) متعلق به کدام دانشمند است؟

- (1) دورکیم (2) مارکس (3) پارسونز (4) اسپنسر

۲۱- عام ترین مفهوم در اندیشه ماکس وبر، ..... می باشد.

- (1) عقلانی شدن جهان (2) همبستگی مکانیکی (3) تقسیم کار اجتماعی (4) ذهن بشر

۲۲- گزلفاقت (جامعه) اصطلاح کدام دانشمند می باشد؟

- (1) مارکس (2) ماکس وبر (3) فردیناند تونیس (4) پارسونز

۲۳- نظریه پرداز کارکردگرایی مکتب نوسازی ..... می باشد.

- (1) پارسونز (2) آلموند (3) ماکس وبر (4) فردیناند تونیس

۲۴- نظریه متغیرهای الگویی مربوط به کدام دانشمند مکتب نوسازی می باشد؟

- (1) آلموند (2) تونیس (3) پارسونز (4) اسملسر

۲۵- کدام گزینه از عناصر اصلی مکتب نوسازی نمی باشد؟

- (1) سکولاریزم (2) شهرنشینی (3) گسترش علم و تکنولوژی (4) مذهب

پاسخنامه سوالات تستی

- 1- گزینه 2 صحیح می باشد.  
پارسونز = متغیرهای الگویی
- 2- گزینه 3 صحیح می باشد.  
پارسونز = مکتب نوسازی
- 3- گزینه 3 صحیح می باشد.  
پارسونز - الگوی وضعیت سنتی = عام گرایی
- 4- گزینه 3 صحیح می باشد.  
هانتینگتون = مسأله اصلی جوامع در حال توسعه = فقدان نهادمندی و ثبات سیاسی
- 5- گزینه 3 صحیح می باشد.  
ارگانسکی = مراحل چهارگونه توسعه = وحدت ملی - صنعتی شدن - رفاه ملی - وفور
- 6- گزینه 4 صحیح می باشد.
- 7- گزینه 4 صحیح می باشد.  
پارسونز = متغیرهای الگویی
- 8- گزینه 1 صحیح می باشد.  
آلموند = توسعه سیاسی و مشارکت
- 9- گزینه 2 صحیح می باشد.  
آلموند و وربا = فرهنگ سیاسی به صورت مشارکتی، محدود و تبعی
- 10- گزینه 4 صحیح می باشد.  
کشورهای نیکز = تازه صنعتی شده
- 11- گزینه 1 صحیح می باشد.  
لوسین بای = توسعه دموکراتیک
- 12- گزینه 3 صحیح می باشد.

خاص گرایبی = پارسونز- الگوی جوامع مدرن

13- گزینه 2 صحیح می باشد.

ترکیه = جهان سوم برتر

14- گزینه 1 صحیح می باشد.

مکتب نوسازی - دهه های 1950 و 1960

15- گزینه 4 صحیح می باشد.

دوس سانتوس: وابستگی

16- گزینه 2 صحیح می باشد.

17- گزینه 1 صحیح می باشد.

اسپنسر = دیدگاه اندام واره نسبت به جامعه

18- گزینه 3 صحیح می باشد.

19- گزینه 3 صحیح می باشد.

امیل دورکیم = همبستگی مکانیکی

20- گزینه 1 صحیح می باشد.

دورکیم = همبستگی ارگانیک

21- گزینه 1 صحیح می باشد.

عام ترین مفهوم در اندیشه ماکس وبر = عقلانی شدن جهان

22- گزینه 3 صحیح می باشد.

گزلشافت = فردیناند تونیس

23- گزینه 1 صحیح می باشد.

نظریه پرداز کارکردگرایی نوسازی = پارسونز

24- گزینه 3 صحیح می باشد.

متغیرهای الگویی = پارسونز



25- گزینه 4 صحیح می باشد.

## مکتب نظام جهانی

### مقدمه

پس از بررسی بحث وابستگی و نوسازی، در این فصل به مطالعه مکتب نظام جهانی خواهیم پرداخت. بررسی نظریات امانوئل والرشتاین، ساختار نظام جهانی، نقد نظریه نظام جهانی والرشتاین و مقایسه مکتب های نوسازی و وابستگی با نظریه نظام جهانی، از مباحث ارائه شده در این فصل می باشد. در انتها، نکات مهم به همراه آزمونهای سراسری سال های قبل و پاسخ های تشریحی برای درک بهتر مطالب این فصل برای دانشجویان، طراحی شده است.

### ایمانوئل والرشتاین و دیدگاه نظام جهانی

به زعم بسیاری ایمانوئل والرشتاین اصلی ترین و مهم ترین صاحب نظر دیدگاه نظام جهانی است. وی در سال 1930 میلادی در آمریکا به دنیا آمد؛ دکترای خود را در رشته جامعه شناسی از «دانشگاه کلمبیا» اخذ کرد و در دانشگاههای «کلمبیا» «مک گیل» و «دانشگاه دولتی نیویورک» به تدریس پرداخت. ابتدا به دلیل پژوهش هایش درباره ی آفریقا مشهور شد و پس از آن نیز توجه وی به تحلیل تاریخ پیدایش و تکامل نظام جهانی سرمایه داری جلب شد. والرشتاین در خلال مرحله اولیه تدوین دیدگاه نظام جهانی، به شدت تحت تأثیر ادبیات نفومارکسیستی در زمینه توسعه قرار داشت. مثلاً، وی ضمن درج بسیاری از مفاهیم مکتب وابستگی - همچون مبادله نابرابر، روابط استعماری - استثمارگری مرکز و پیرامون و بازار جهانی - در دیدگاه نظام جهانی خود، بسیاری از اصول و عقاید مکتب وابستگی را تأیید می نمود از جمله این نظر که «اشکال تولید فئودالی به عنوان وجه ممیزه بخش عمده تاریخ آمریکا، حاصل تداوم دوران گذشته نبوده، بلکه بیشتر محصول روابط آمریکای لاتین با جهان مرکز در مقاطع خاص تاریخی بوده است». در واقع والرشتاین مفاهیم ساخته و پرداخته آندره گوندرفرانک، دوس سانتوس و سمیرامین را نیز از این حیث که همگی دارای یک جهت گیری انتقادی دوگانه - هم نسبت به مکتب نوسازی و هم نسبت به دیدگاه توسعه گرای مارکسیستی - می باشند، به عنوان بخش از دیدگاه نظام جهانی خود پذیرفته است.

با این وجود به نظر می‌رسد که والرشتاین طی مراحل بعدی کار خود، یعنی در جریان توسعه و تدیون دیدگاه نظام جهانی، پا را از دایره مکتب نئومارکسیستی وابستگی فراتر نهاده است. او در این فرایند، عمدتاً تحت تأثیر اندیشه‌های مورخ فرانسوی «فرناند برودل» و روش‌شناسی وی قرار داشت. برودل همکار مجله فرانسوی «آنالز» بود و به دلیل انتشار کتاب تمدن مادی، اقتصاد سرمایه‌داری که به بررسی تاریخ جهان از قرن پانزدهم تا نوزدهم می‌پردازد، شهرت فراوانی یافته بود. در بینگامتون، والرشتاین مرکز «فرناندبرودل» را برای مطالعه نظامهای اقتصادی، تاریخی و تمدن‌ها تأسیس کرد و همینطور نشریه «ریویو» را نیز در سال 1977 منتشر نمود و یکی از اولین شماره‌های آن را به بررسی تأثیرات مکتب فرانسوی «سالنامه» بر علوم اجتماعی اختصاص داد.

مکتب «سالنامه» یا «آنالز» خود به عنوان یک واکنش اعتراضی در مقابل تخصصی شدن افراطی و بیش از اندازه رشته‌های علوم اجتماعی در حوزه‌های رسمی دانشگاهی بوجود آمد.

از نظر «برودل»، تاریخ خود یک رشته کاملاً مستقل، جامع و فراگیر بوده و نباید آن را رشته‌ای زیر مجموعه سایر رشته‌ها و علوم تلقی کرد.

تلاش‌ها و فعالیت‌های علمی - تحقیقاتی فرناندبرودل در قالب مکتب «سالنامه» برای دستیابی به «تاریخ جامع‌نگر»، «دوره‌های بلند مدت» و «طرح پرسشهای کلان»، زیر بنای مناسبی برای والرشتاین فراهم نمود تا بتواند دیدگاه نظام جهانی خود را بر آن مستقر سازد.

نظریه نظام جهانی والرشتاین از یک جهت از «نظریه عمومی سیستم‌ها» نیز تأثیر پذیرفته است، زیرا همانند آن، تفکیک حیطه‌های مختلف علمی و نیز تخصصی شدن و جزئی شدن بیش از حد علوم جدید را نمی‌پذیرد و این امر را موجب جزئی‌نگری و سطحی‌اندیشی در بسیاری از موضوع‌ها می‌داند.

الررشتاین تحت تأثیر فرناندبرودل بر این اعتقاد است که تاریخ و علوم اجتماعی امر واحدی هستند، یعنی یک علم وجود دارد و آن هم علم اجتماعی تاریخی است.

الررشتاین همانند فرناندبرودل فاصله علم اجتماعی تاریخی و سیاست را بسیار ناچیز می‌داند. به نظر والرشتاین علم اجتماعی تاریخی فارغ از ارزش نمی‌تواند وجود داشته باشد.

الررشتاین در مقدمه کتاب نظم نوین جهانی (جلد اول) به تأثیرپذیری خود از کارل مارکس و ماکس وبر می‌پردازد. به نظر والرشتاین هم کارل مارکس و هم ماکس وبر معتقدند که یک نظام اقتصاد جهانی سرمایه‌داری واحد وجود دارد و

لذا او این مفهوم را از این دو به عاریت می‌گیرد. مفاهیم سرمایه، روابط و مناسبات تولید و انباشت سرمایه در حرکت تاریخ را از مارکسیسم اخذ کرده است.

یکی دیگر از متفکرانی که والرشتاین به نوعی از او تأثیر پذیرفته است «کارل پولانی» است. رویکردهای والرشتاین مانند تمایز بین تجارت و بازار که موجب سازماندهی تقسیم کار می‌شود، روابط پیچیده درون دولت‌ها و سازمانهای سرمایه داری، عواقب تسلط بر شیوه‌های زندگی و در نهایت چرخش تاریخی بین بازار آزاد و مقاومت در برابر پیامدهای مخرب آن، بسیار شبیه به طرز تفکر کارل پولانی است.

والرشتاین به مسأله گذار از فئودالیسم به سرمایه داری نیز علاقه بخصوصی داشت و پس از مطالعه دیدگاههای گوناگون در این زمینه ترجیح داد که از نظریات آندره گوندرفرانک و پل سوئیزی حمایت کند؛ با وجود اینکه این دو را پیروان صدیقی برای مارکس به حساب نمی‌آورد، اما به نظر وی «این دو به درک آن چیزی که واقعاً رخ داده بود، دست یافته بودند.»

### ساختار نظام جهانی و فرایندهای آن

والرشتاین در مقالات اولیه خود مفاهیم کلیدی را که در مطالعه نظام جهانی سرمایه داری بکار می‌روند، مطرح کرده است از نظر وی نظام جهانی عبارت از «نظامی است که در آن تقسیم کار واحد و نظامهای فرهنگی متعدد وجود دارد». به بیانی دیگر نظام جهانی یک نظام اجتماعی است که مرزها، ساختارها، گروههای عضو، قواعد مشروعیت و پیوستگی های خاص خود را دارد و همه این اجزاء از طریق تقسیم کار و با استفاده از مکانیزم بازار به نحوی به یکدیگر متصل می‌شوند. از نظر والرشتاین دو نوع نظام جهانی را می‌توان در طول تاریخ شناسایی کرد: امپراتوریهای جهانی یا تمدنهای بزرگ قبل از دوران جدید مانند تمدن های چین، مصر و روم و دیگری نظامهای اقتصادی جهانی متشکل از کشورها ملی حاکم و شبکه مستعمرات آنها نظیر بریتانیای کبیر و فرانسه.

والرشتاین با مطالعه تجربی تاریخی اروپا، سه حوزه مختلف را در آن شناسایی کرد. نخستین آنها منطقه مرکزی واقع در شمال غربی اروپا بود که در آن تولید کشاورزی با نیروی کار بسیار ماهرانه انجام می‌گرفت؛ منطقه پیرامونی در اروپای شرقی که در نیمکره غربی قرار داشت... که با صدور غلات، پنبه، نیشکر و غیره به کمک نیروی کار اجباری یا بردگان از دیگر مناطق متمایز می‌شد و بالاخره منطقه نیمه پیرامونی در اروپای مدیترانه ای که با سیستم مزارع کشاورزی اداره

می شد. بدین ترتیب مرکز، نیمه پیرامون (نیمه حاشیه) و پیرامون (حاشیه) نمایانگر سه راه مختلف توسعه ملی در اروپای قرن شانزدهم بودند.

در این نظام، برخی مناطق وابسته به مناطق دیگر شدند چنانکه مثلاً کشورهای مرکز تحت نظام پادشاهی مطلقه و بروکراسی پدر سالاری دولتی قدرت گرفتند، در حالیکه در پیرامون اساساً دولت نیرومندی وجود نداشت.

والرشتاین همچنین سعی نمود سه عنصر مربوط به شکل گیری طبقات را نیز درون این سه حوزه بررسی و تحلیل نماید. این عناصر عبارتند از: بازار واحد، ساختارهای دولتی که موجب انحراف بازار سرمایه داری می شوند، و تصاحب کار مازاد. همه این موضوعات در کتاب چند جلدی وی درباره‌ی نظام جدید جهانی مورد بحث قرار گرفته است. این اثر موضوع‌هایی چون کشاورزی سرمایه داری خاستگاه های اقتصادی اروپا را در قرن شانزدهم در کانون توجه قرار می دهد و سپس به مرکانتیلیسم و همبستگی اروپا در قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم می پردازد.

والرشتاین در این اثر به بررسی اضمحلال فئودالیسم، پیدایش دیوانسالاری های متمرکز دولتی و سازمان اجتماعی کشاورزی پرداخته است. اعتقاد وی بر این است که تجلی بحران فئودالیسم را می توان در برخورد گرایشهای سکولار، بحران فوری دورانی و افول شرایط اقلیمی مشاهده نمود که حاصل آن شکل گیری اقتصاد جهانی سرمایه داری به عنوان شیوه جدید تصاحب مازاد بود. ملزومات این توسعه عبارت بود از: گسترش در مرزهای جغرافیایی اروپا، هدایت و کنترل محصولات مختلف تولیدی در مناطق گوناگون و نیز تشکیل دستگاههای دولتی نیرومند.

بدین ترتیب، وی به جمع بندی مباحث خود می پردازد:

از سال 1450 میلادی، صحنه برای خلق اقتصاد جهانی سرمایه داری در اروپا آماده شده بود، این سیستم بر پایه دو سازمان اصلی قرار داشت که اولی تقسیم کار در سطح جهانی و دیگری وجود دستگاههای دیوانسالاری دولتی در برخی نقاط خاص بود.

به نظر والرشتاین نظام جهانی از قرن شانزدهم میلادی با پیدایش سرمایه داری و روابط تولیدی خاص بوجود آمده است. پدید آمدن نظام تولید همگانی و طبقه کارگر و نیز انباشت بی وقفه سرمایه در اروپا موجب شد که اقتصاد اروپا به تدریج در جهان گسترش یابد. تجار، صنعتگران و سرمایه داران اروپا به علت افزایش توان و نیاز اقتصادیشان بقیه جهان را به نظام جهانی خود ملحق کردند. رقابت آنها همراه با انباشت بیشتر سرمایه، بازار داخلی را اشباع و نیاز به گسترش را بیشتر کرد. بحران های متعدد رکود و اضافه تولید در اروپا، انگیزه سرمایه داران را برای جهانی کردن سرمایه و اقتصاد

خود دو چندان می کرد. این فرایند به پیدایش نظام واحد جهانی منجر شد که در حقیقت حاصل جهانی شدن سرمایه داری اروپایی است.

در این نظام واحد جهانی همه چیز با هم مرتبط است. براساس دیگر نمی توان از وجود اقتصادی فئودالی یا سوسیالیستی در دنیا امروز سخن گفت، زیرا تنها یک نظام سرمایه داری در جهان امروز حاکم است. نظام جهانی، نظام اجتماعی واحدی است و هر جامعه بخشی از یک ساختار کلی را تشکیل می دهد.

این نظام سرمایه داری در درون خود به سه بخش مختلف اما مرتبط تقسیم می شود:

1- جوامع مرکز: متشکل از کشورهایی که در آنها تولید کشاورزی - صنعتی مؤثرترین شیوه تولید است و فعالیت اقتصادی، پیچیده تر و انباشت سرمایه افزونتر است. این دسته از کشورها کالاهایی را تولید می کنند که مستلزم بکارگیری فناوری پیچیده و شیوه های مکانیزه و «سرمایه بر» است. دولتهای مرکز، قدرتمندترین و سازمان یافته ترین دولتها هستند. به نظر والرشتاین در بخش اعظم تاریخ نظام جهانی (یعنی تا قرن نوزدهم)، مرکز شامل تعداد اندکی از دولتهای اروپای غربی بود، اما در قرن بیستم ابتدا ایالات متحده و سپس ژاپن به مرکز پیوستند.

2- جوامع پیرامونی یا حاشیه ای: متشکل از آن دسته از کشورهایی است که فعالیت های اقتصادی در آنها ساده تر و غالباً «کاربر» است. این کشورها تولید کننده مواد خام و محصولات کشاورزی هستند. دولتهای این کشورها از نظر نظامی و سازماندهی، تحت نفوذ دول مرکز قرار دارند. بخش اعظم کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکایی لایتن در این دسته قرار دارند. مهمترین ویژگی های کشورها پیرامونی عبارتند از:

1- کشاورزی و خدمات متکی بر تولید مواد خام و کشاورزی

2- نبود نظام قدرتمند صنعتی - بانکی

3- نبود سرمایه متشکل

4- وجود طبقه سرمایه دار ضعیف همراه با خیل عظیم دهقانان و کارگران فقیر شهری

5- ضعف دولت چه از نظر ساختار داخلی و چه از نظر قدرت خارجی

6- تأثیر پذیری از مرکز

3) جوامع نیمه پیرامونی یا نیمه حاشیه ای: متشکل از کشورهایی است که پاره ای از فعالیتهای اقتصادی آنها شبیه فعالیتهای اقتصادی مرکز و پاره ای دیگر به فعالیتهای اقتصادی پیرامون شباهت دارد. دستگاههای دولت نیمه پیرامونی

(نیمه حاشیه ای) در برابر نفوذ دولتهای مرکز استقلال بیشتری از دولتهای پیرامونی (حاشیه ای) دارند. این دسته از کشورها به عنوان واسطه بین مرکز و پیرامون، نقش مهمی در نظام جهانی ایفا می کنند. کشورهایی نظیر آرژانتین و برزیل در این دسته قرار می گیرند.

به نظر والرشتاین جوامع نیمه پیرامونی یا نیمه حاشیه ای دارای ترکیبی از ویژگیهای جوامع مرکز و پیرامون هستند. این جوامع عمدتاً کشورهای در حال توسعه یا کشورهای صنعتی در حال سقوط هستند که در نظام تولید خود هم صنعت و هم کشاورزی دارند؛ اما هیچ یک از آنها به قوت صنعت و کشاورزی در مرکز و ناتوانی این بخشها در مناطق پیرامون نیست. به نظر والرشتاین به دلیل وجود پیوند میان بخشهای مختلف نظام سرمایه داری جهانی، توسعه و انباشت سرمایه در مرکز دقیقاً با توسعه نیافتگی و عدم پیدایش سرمایه کلان و نظام تولید پیشرفته در پیرامون مرتبط است. این بخشها کاملاً بر هم اثر می گذارند؛ البته این امر به معنی خارج دانستن علت توسعه نیافتگی جوامع پیرامون نیست. والرشتاین در یکی دیگر از آثار خود بیان می کند که مسأله ای به نام «توسعه ملی» در نظام جهانی وجود ندارد و توسعه فقط در قالب نظام جهانی مدرن مفهوم پیدا می کند.

به نظر والرشتاین نابرابری اصل اساسی و نیروی محرک نظام جهانی است. به نظر او حتی به لحاظ نظری توسعه همزمان همه دولتها میسر نیست، زیرا «شکاف فزاینده» مکانیزم همبستگی عملکرد اقتصاد جهانی است. البته برخی از کشورها به توسعه نائل می شوند اما به بهای توسعه نیافتگی کشورهای دیگر.

### نقد نظریه نظام های جهانی والرشتاین

«نظریه نظام های جهانی» والرشتاین همزمان از سوی دو دیدگاه مارکسیستی و غیر مارکسیستی مورد نقد قرار گرفته است، هر چند والرشتاین تلاش کرده است اصلاحات و دستکاریهای کوچکی در نظریه نظام های جهانی خویش و بسط و گسترش آن، پاسخ فراخور برای این نقدها فراهم کند، ولی انتقادات مؤثری همچنان بر ایده اصلی وی «نظریه نظام های جهانی» وارد است.

#### ۱- بی توجهی نسبی نظریه نظام های جهانی به ساختارهای طبقاتی

تمرکز نظریه نظام های جهانی عمدتاً بر روی ساختارهای بین المللی و نابرابری جهانی است. این مسأله باعث می شود که والرشتاین در این نظریه برای ساختارهای اجتماعی - اقتصادی داخلی اهمیت ثانوی قائل شود. علاوه بر این، به نظر

زایتلین، وقتی والرشتاین از مفهوم «طبقات» استفاده می کند، منظور او عمدتاً قشرهایی است که با موفقیت خود در طول سلسله مراتب حرفه ها و مشاغل اقتصاد جهانی سرمایه داری مشخص می شوند. اقشار اجتماعی براساس وظایفی که در فرایند تولید به عهده می گیرند و میزان مهارت و نقشی که رد پایداری اقتصاد جهانی به عهده می گیرند، پاداش های نابرابری دریافت می کنند. تعریف و مفهوم طبقه مورد نظر والرشتاین عمدتاً مفهوم «طبقه مارکسیستی» نیست بلکه آن چیزی است که در ادبیات اجتماعی عمدتاً با عنوان «قشر» و قشربندی مطرح شده است. نویسندگان دیگری مانند لوی، پتراس، فیلیپس همین انتقاد را به دیدگاه های والرشتاین وارد کرده اند. همگی آنها نظریه نظام های جهانی را به برخورد غیر مناسب با جریان تشکیل طبقاتی و مبارزات طبقاتی متهم می کنند.

## ۲- توجه بیش از حد به عوامل اقتصادی

در درون دیدگاه غیر مارکسیستی این ایراد به والرشتاین وارد شده است که او تقریباً توجه خود را منحصرراً بر عوامل اقتصادی توسعه نظام جهانی متمرکز کرده است و سایر عوامل مانند ملاحظات سیاسی، جنگ، عوامل فرهنگی و غیره را نادیده گرفته است.

آنتونی گیدنز، معتقد است که این تأکید باعث بی توجهی به سایر عوامل شده است. او به عنوان یک جامعه شناس، همواره تلاش کرده است تا بر دیدگاهی مارکسی و بری به صورت همزمان تأکید کند. همچنان که او در جای دیگر نیز گفته است، در واقع تلاش ماکس وبر در وارد کردن مقوله مذهب و نقش آن در پیدایش سرمایه داری تأکید به عوامل غیر اقتصادی بوده است.

## ۳- غفلت و بی توجهی نسبت به واحد تحلیل دولت - ملت

والرشتاین در اکثر آثار خویش و بویژه در کتاب «نظام جهانی جدید» تلاش کرده است تا واحد تحلیل جدید غیر از دولت - ملت را مطرح کند. او در آغاز این کتاب، این پرسش را مطرح می کند که چه واحدهایی برای مطالعه، توصیف و تبیین مناسب است؟ سپس در پاسخ به این سؤال به تحلیل هایی که دولت حاکم یا جامعه ملی را واحد تحلیل خود محسوب می کنند، اشاره می کند و آنها را ایده هایی مبهم می داند که نمی توان به عنوان نظام جهانی پذیرفت و از تغییر اجتماعی در درون آنها صحبت کرد. والرشتاین در عوض در تحلیل توسعه، نظام جهانی را به جای نظام های دولت - ملت واحد تحلیل قرارداد می دهد و تکوین و تحول نظام های دولت - ملت را در پرتو تکوین و تحولات نظام جهانی بررسی

می‌کند. با این وجود، واقعیت تاریخی تحول غرب حاکی از این امر است که نظام جهانی به عکس، حاصل تحولاتی است که دولت - ملت‌ها آن را بنیان گذاشته‌اند و نمی‌توان از نقش آنها در شکل‌دهی به نظام جهانی غافل شد.

#### ۴- غفلت از موارد خاص توسعه در طول تاریخ

یکی دیگر از انتقادات جدی که به نظریه والرشتاین وارد شده است، نادیده گرفتن موارد خاص توسعه در طول تاریخ است. به تعبیر زایتلین، توجه بیس از حد والرشتاین به کلیت نظام، توجه وی را از پرداختن به روابط مشخص موجود در جوامع خاص در طول تاریخ منحرف کرده است.



#### ۵- جایگزینی نابجای بازار به جای تولید

یکی از انتقادات دیگری که به مفهوم نظام های جهانی والرشتاین وارد شده این است که او «تولید»، واحد اصلی تحلیل مارکسیستی را نادیده گرفته و در عوض بر «بازار» و مناسبات اقتصادی صرف تأکید کرده است. به عقیده رونالد چیکلوت بر نظریه خلاقانه ولی التقاطی والرشتاین به دلیل آنکه به جای تولید، بازار را مبنای تحلیل مناسبات طبقاتی در دنیای سرمایه داری معاصر قرار می دهد، انتقادات گسترده ای وارد است.

#### ۶- شکنندگی و شیء گونگی مفهوم نظام جهانی

و بالاخره به انتقاد کلان تری که می توان اشاره کرد، نقد زایتلین در خصوص شکنندگی و به گونه ای سستی مفهوم نظام های جهانی والرشتاین است. به عقیده زایتلین:

الرشتاین به اقتصاد جهانی سرمایه داری شیئیته داده و جریان واقعی تاریخی را که این مناسبات جهانی در بطن آن شکل گرفته اند، وارونه ساخته است. اقتصادی جهانی، چنانکه گفته می شود، خود بظاهر «نقش های اقتصادی ملیتی» را درون خود، برای مناطق مختلف رقم زده و از آن پس مناطق مزبور نیز با شیوه های مختلفی به اداره نیروی کار و انجام امور دیگر پرداخته اند. متأسفانه آنچه در اینجا رخ داده، آن است که مقولات گذاری نظریه، به گونه ای نامحسوس «حیاتی خاص خود» یافته و خواه ناخواه بر واقعیت اجتماعی که قرار است توسط آنها شناخته شود، تحمیل شوند؛ لذا اکنون این مقولات هستند که واقعیت مزبور را با اصول مورد قبول خویش منطبق می سازند.

علاوه بر این به نظر زایتلین، والرشتاین در نهایت به نوعی غایت گرایی ناآگاهانه تاریخی پناه برده است. او خاستگاه های نظام جهانی را به کمک وقایع تاریخی توضیح داده است، اما در نهایت بر این عقیده است که این وقایع تاریخی نیز باید لزوماً اتفاق می افتادند، چرا که خودشان مقتضی نظام جهانی بوده اند.

#### مقایسه نظریه نظام جهانی با دیدگاههای نوسازی و وابستگی

به نظر امانوئل والرشتاین دیدگاه نظام جهانی دو تفاوت عمده با نظریات برگرفته از مکتب نوسازی دارد؛ اول اینکه شیوه تفکر دیدگاه نظام جهانی دیالکتیکی است، در حالیکه پیروان مکتب نوسازی شیوه ای مکانیکی را به کار می برند؛ دوم اینکه دیدگاه نظام جهانی بر خلاف نظریات مکتب نوسازی که اروپا محور است، تنها به یک الگوی توسعه توجه ندارد.

جدای از این تفاوت‌ها میان دیدگاه نظام جهانی با مکتب نوسازی، اختلاف و تفاوت بینادی تری نیز میان این دو دیدگاه با مکتب وابستگی وجود دارد. در اینجا با الگوگیری از «آلویس.ی.سو» در کتاب تغییر اجتماعی و توسعه سعی کرده ایم بطور خلاصه و در قالب یک جدول به بررسی این اختلافها و تفاوتها بپردازیم.

مکتب وابستگی	مکتب نظام جهانی	
واحد تحلیل	نظام جهانی	دولت - کشور
روش شناسی	پوشش های تاریخی نظام جهانی: نظم چرخشی و روندهای دراز مدت	ساختی - تاریخی: شکوفایی و رکود دولت - کشورها
ساختار نظری	الگوی سه گانه: (مرکز- نیمه پیرامون - پیرامون)	الگوی دو گانه (مرکز- پیرامون)
محور تحقیقات	مرکز - نیمه پیرامون - پیرامون و همینطور اقتصاد جهانی	پیرامون
جهت و مسیر توسعه	احتمال تحرک عمودی (روبه بالا) شکوفایی و روبه پایین «رکود» در اقتصاد جهانی	تعیین گرا: وابستگی عموماً زیان آور تلقی می شود

بر خلاف مکتب وابستگی که «واحد تحلیل» خود را بر روی دولت - کشورها متمرکز کرده است. دیدگاه نظام جهانی، نظام بین الملل را به عنوان «واحد تحلیل» خود مدنظر قرار می دهد.

پیش فرض اصلی دیدگاه نظام جهانی این است که جهان نوین از یک اقتصاد جهانی سرمایه داری تشکیل شده و دولت - کشورها بخش هایی از یک کل هستند. لذا برای فهم تعارض های طبقاتی داخلی و نزاع های سیاسی یک دولت خاص باید اقتصادی جهانی را بشناسیم. چنانکه والرشتاین توضیح می دهد:

به مجرد اینکه نظام جهانی را به جای کشور، ملت یا مردم، به عنوان واحد تحلیل خود بپذیریم، باید منتظر تغییرات زیادی نیز در نتایج بررسی خود باشیم. از همه واضح تر اینکه توجه ما از ویژگیهای وصفی دولتها، به ویژگیهای ارتباطی آنها معطوف خواهد شد.

همچنین، به جای اینکه طبقات و (گروههای منزلتی) را به عنوان گروههای داخلی یک کشور در نظر بگیریم، آنها را به مثابه گروههایی در درون اقتصاد جهانی خواهیم دید.

برخلاف مکتب وابستگی که اساساً توجه و تمرکز خود را بر شکوفایی و رکود دولت - کشورها متمرکز ساخته است، مکتب نظام جهانی، پوشش های اقتصادی جهانی را در طول تاریخ مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد. ایمانوئل والرشتاین

یادآوری می نماید که تکامل اقتصاد جهانی سرمایه داری از خلال روندهای دراز مدت ادغام، تجاری کردن کشاورزی، رشد صنعت، و تبدیل نیروی کار به کارگران مزد بگیر صنعتی به انجام رسیده است. سومین تفاوت و اختلاف این دو مکتب از این حقیقت ناشی می شود که دیدگاه نظام جهانی بر خلاف مکتب وابستگی، از یک «ساختار نظری» منحصر به فرد و ویژه برخوردار است. در واقع اقتصاد جهانی سرمایه داری مدنظر ایمانوئل والرشتاین، به جای پیروی از الگوی دوگانه و ساده مرکز - پیرامون، از سه بخش مرکز، پیرامون (حاشیه) و نیمه پیرامون (نیمه حاشیه) تشکیل شده است.

### نکات مهم

- نظریه نظام جهانی: دهه 1970
  - نظریه نظام جهانی ضمن محور قراردادن اقتصاد جهان به عنوان واحد تحلیل، نظام تاریخی را براساس سه لایه و قطب (مرکز) (نیمه پیرامون) و (پیرامون) مطالعه می کند.
  - دانشمند برجسته نظریه نظام جهانی: امانوئل والرشتاین
  - دیدگاه نظریه نظام جهانی: دیالکتیکی - تنها به الگوی توسعه توجه ندارد.
  - در دیدگاه نظام جهانی، نظام بین الملل را به عنوان (واحد تحلیل) بررسی می شود.
  - در واقع اقتصاد جهانی سرمایه داری مدنظر امانوئل والرشتاین، به جای پیروی از الگوی دوگانه و ساده مرکز- پیرامون، از سه بخش مرکز، پیرامون (حاشیه) و نیمه پیرامون (نیمه حاشیه) تشکیل شده است.
  - به نظر والرشتاین، امکان تحرک در این سطوح سه گانه وجود دارد، مثلاً کشوری ممکن است از سطح پیرامونی (حاشیه ای) به سطح نیمه پیرامون (نیمه حاشیه ای) صعود کند.
  - کتاب نظم نوین جهانی، والرشتاین
  - از نظر والرشتاین دو نوع نظام جهانی را می توان در طول تاریخ شناسایی کرد:
  - امپراتوری های جهانی یا تمدن های بزرگ پیش از دوران جدید (مانند تمدن های چین، مصر و روم) و دیگری نظام های اقتصادی جهانی متشکل از کشورهای ملی حاکم
  - به نظر والرشتاین، نابرابری اصل اساسی و نیروی محرک نظام جهانی است.
  - نقد نظریه جهانی والرشتاین:
- 1- بی توجهی نسبی نظریه نظام جهانی به ساختار طبقاتی

2- توجه بیش از حد به عوامل اقتصادی

3- غفلت و بی توجهی نسبت به واحد تحلیل دولت - ملت

4- غفلت از موارد خاص توسعه در طول تاریخ

5- جایگزینی نابجای بازار به جای تولید

6- شکنندگی و شیء گونگی مفهوم نظام جهانی

### نمونه سوالات تستی

1- لوگزامبورگ بر ..... به عنوان عامل امپریالیسم تأکید دارد.

(1) سرمایه مالی (2) انحصار بانکی

(3) شرکت های چندملیتی (4) تداوم انباشت سرمایه و نفوذ آن در جوامع ابتدایی

2- مکتب نظام جهانی تقریباً در کدام دهه شروع به فعالیت کرد؟

(1) دهه 1950 (2) دهه 1960 (3) دهه 1970 (4) دهه 1980

3- کدام نظریه ضمن محور قراردادن اقتصاد جهان به عنوان واحد تحلیل، نظام تاریخی را براساس سه لایه و

قطب (مرکز) ، نیمه پیرامون و پیرامون مورد مطالعه قرار می دهد؟

(1) مکتب نئورئالیسم (2) مکتب نفومارسیست (3) مکتب نظام جهانی (4) مکتب لیبرال

(4) متفکر اصلی مکتب نظام جهانی:

(1) والرشتاین (2) پریش (3) هابرماس (4) مورگنتا

5- شیوه تفکر دیدگاه نظام جهانی والرشتاین ،..... می باشد.

(1) مکانیکی (2) دیالکتیکی (3) اروپا محور (4) امریکا محور

6- در کدام یک از مکاتب زیر، امکان تحرک عمودی (رو به بالا (شکوفایی) ، و رو به پایین (رکورد) در

اقتصاد جهانی وجود دارد؟

(1) مکتب نفومارکسیست (2) مکتب رئالیسم (3) مکتب نوسازی (4) مکتب نظام جهانی

7- دیدگاه نظام جهانی، واحد تحلیل خود را بر روی ..... متمرکز کرده است.

1) کشورها 2) دولت - کشورها 3) نظام منطقه ای 4) نظام بین الملل

۸- والرشتاین در خلال مراحل اولیه تدوین دیدگاه نظام جهانی، به شدت تحت تأثیر ادبیات ..... در زمینه توسعه قرار داشت.

1) نغولبرال 2) نئومارکسیست 3) نئورئالیست 4) نئوکارکردگرا

۹- والرشتاین تحت تأثیر اندیشه های کدام دانشمند قرار داشته است؟

1) کاستلز 2) فرناند برودل 3) هابرماس 4) ماکس وبر

۱۰- کتاب (تمدن مادی، اقتصاد سرمایه داری) متعلق به چه کسی است؟

1) کاستلز 2) هابرماس 3) والرشتاین 4) فرناند برودل

۱۱- کدام یک از مکاتب زیر از (نظریه عمومی سیستم ها) نیز تأثیر پذیرفته است؟

1) نوسازی 2) وابستگی 3) نظام جهانی 4) وابستگی جدید

۱۲- کتاب نظم نوین جهانی، متعلق به کدام دانشمند می باشد؟

1) کاستلز 2) هابرماس 3) والرشتاین 4) هانتینگتون

۱۳- از نظر والرشتاین، در طول تاریخ، چند نوع نظام جهانی را می توان شناسایی کرد؟

1) 2 2) 3 3) 4 4) 5

۱۴- در ابتدای شکل گیری نظام جهان، کدام دولت ها شامل مرکز در سلسله مراتب تقسیم بندی والرشتاین می شدند؟

1) اروپای غربی 2) آمریکا 3) ژاپن 4) آمریکای مرکزی

۱۵- اصل اساسی و نیروی محرک نظام جهانی از نظر والرشتاین ... است.

1) توسعه 2) برابری اقتصادی 3) نابرابری 4) سرمایه

۱۶- نظریه نظام جهانی، تحت تأثیر کدام دیدگاه قرار دارد؟

1) رئالیسم 2) لیبرالیسم 3) مارکسیست 4) سازه انگاری

۱۷- الگوی دوگانه (مرکز - پیرامون) مربوط به کدام یک از مکاتب زیر می باشد؟

- (1) نظام جهانی (2) وابستگی (3) نوسازی (4) کارکردگرایی
- ۱۸- کدام یک از مکاتب زیر، تنها به یک الگوی توسعه توجه ندارد؟
- (1) نوسازی (2) نظام جهانی (3) وابستگی (4) سازه انگاری
- ۱۹- کدام یک از مکاتب زیر، اروپا محور می باشد؟
- (1) نظام جهانی (2) وابستگی (3) نوسازی (4) مکتب وابستگی جدید
- ۲۰- دیدگاه مکانیکی، شیوه تفکر مکتب ..... می باشد.
- (1) نوسازی (2) نظام جهانی (3) وابستگی قدیم (4) وابستگی جدید
- ۲۱- در دهه ۱۹۷۰، بسیاری از چپ گرایان، انقلابیون و متعرضین سیاسی، به طرف کدام مکتب گرایش پیدا کردند؟
- (1) نظام جهانی (2) نوسازی (3) وابستگی قدیم (4) وابستگی جدید
- ۲۲- کدام دانشمند، مرکز (فرناند برودل) را برای مطالعه نظام های اقتصادی، تاریخی و تمدن ها تأسیس کرد؟
- (1) کاستلز (2) والرشتاین (3) فوکو (4) پربیش
- ۲۳- والرشتاین در مقدمه کتاب..... به تشریح تأثیر پذیری خود از کارل مارکس و ماکس وبر می پردازد.
- (1) علم اجتماعی - تاریخی (2) نظم نوین جهانی  
(3) تمدن مالی، اقتصادی، سرمایه داری (4) عصر ارتباطات
- ۲۴- تعریف زیر متعلق به کدام دانشمند می باشد:
- ((نظام جهانی عبارت از نظامی است که در آن تقسیم کار واحد و نظام های فرهنگی متعدد وجود دارد.))
- (1) والرشتاین (2) دوس سانتوس (3) سونکل (4) پربیش
- ۲۵- وجود طبقه سرمایه دار ضعیف همراه با خیل عظیم دهقانان و کارگران فقیر شهری مربوط به کدام طبقه از نظام جهانی والرشتاین می باشد؟
- (1) مرکز (2) پیرامون (3) نیمه پیرامون (4) حاشیه

### پاسخنامه سوالات تستی

- 1- گزینه 4 صحیح می باشد.  
لوگزامبورگ: عامل امپریالیسم - تداوم انباشت سرمایه
- 2- گزینه 3 صحیح می باشد.  
مکتب نظامی جهانی: 1970
- 3- گزینه 3 صحیح می باشد.  
مکتب نظام جهانی: مرکز - نیمه پیرامون - پیرامون
- 4- گزینه 1 صحیح می باشد.  
مکتب نظام جهانی: امانوئل والرشتاین
- 5- گزینه 2 صحیح می باشد.  
تفکر نظام جهانی: دیالکتیکی
- 6- گزینه 4 صحیح می باشد.  
مکتب نظام جهانی: امکان تحرک عمودی وجود دارد.
- 7- گزینه 4 صحیح می باشد.  
دیدگاه نظام جهانی: واحد تحلیل = نظام بین الملل
- 8- گزینه 2 صحیح می باشد.  
والرشتاین تحت تأثیر: ادبیات نئومارکسیست
- 9- گزینه 3 صحیح می باشد.  
والرشتاین تحت تأثیر فرناند برودل
- 10- گزینه 4 صحیح می باشد.  
کتاب (تمدن مالی، اقتصادی سرمایه داری): فرناندبرودل
- 11- گزینه 3 صحیح می باشد.  
نظریه عمومی سیستم ها: نظام جهانی

- 12- گزینه 3 صحیح می باشد.
- کتاب نظم نوین جهانی = والرشتاین
- 13- گزینه 1 صحیح می باشد.
- 14- گزینه 1 صحیح می باشد.
- در ابتدای شکل گیری نظام جهانی، کشورهای اروپای غربی جزء کشورهای مرکز بودند.
- 15- گزینه 3 صحیح می باشد.
- اصل اساسی و نیروی محرک نظام جهانی = اصل نابرابری
- 16- گزینه 3 صحیح می باشد.
- نظریه نظام جهانی = مارکسیست
- 17- گزینه 2 صحیح می باشد.
- الگوی دوگانه (مرکز - پیرامون) = وابستگی
- 18- گزینه 2 صحیح می باشد.
- 19- گزینه 3 صحیح می باشد.
- الگوی نوسازی = اروپا محور
- 20- گزینه 1 صحیح می باشد.
- نوسازی = شیوه تفکر مکانیکی
- 21- گزینه 1 صحیح می باشد.
- دهه 1970 = نظام جهانی
- 22- گزینه 2 صحیح می باشد.
- مرکز (فرناندل برودل) توسط والرشتاین تأسیس شد.
- 23- گزینه 2 صحیح می باشد.
- کتاب نظم نوین جهانی = والرشتاین
- 24- گزینه 1 صحیح می باشد.



25- گزینه 2 صحیح می باشد.

## جهان سوم و مشکلات آن

### نکات مهم

- موانع اصلی توسعه جنوب از نظر مکتب وابستگی عبارتند از: مبادلات نابرابر - شرکت های چند ملیتی - کمک خارجی
- وام های بانک های تجاری
- مبادلات نابرابر، باعث بیرون کشیدن ثروت اضافی از کشورهای جنوب بواسطه کشورهای شمال می باشد.
- کسانی که از وابستگی در جنوب نفع می برند، طبقه (کمپرادور) هستند که از روابط شخصی خود با شمال نفع می برند که ممکن است طیف سیاسی یا اقتصادی باشند.
- تئوری انسجام درونی تجویزی است برای جهان سوم برتر
- مفروضات نظریه انسجام درونی:
- 1- توسعه یافتگی امری تصادفی نیست، بلکه تابع برنامه ریزی، اهتمام، سازماندهی و فرهنگ مخاطب اجتماعی است.
- 2- توسعه یافتگی عمدتاً تابع امکانات، قصد و نیت و توانایی های فکری و سازمانی داخل یک کشور است.
- لوزی انسجام درونی در سه میدان سیاست، اقتصاد و فرهنگ تبیین شده است.
- شرکت های چند ملیتی به شرکت هایی اطلاق می شود که عملکرد آنان از مرزهای ملی نیز فراتر می رود.
- نظریه امپریالیسم اقتصادی، مهمترین شاخه نظریه استعمار نو است.
- در بحث نظریه انسجام درونی، منظور از نخبگان ابزاری صاحبان قدرت و ثروت هستند و منظور از نخبگان فکری، صاحبان طرح و اندیشه و برنامه و استراتژی می باشند.

### نمونه سوالات تستی

۱- کدام بحران می تواند در سه سطح سیاسی، اقتصادی، اجتماعی مطرح شود و در بعد سیاسی به تمرکز

قدرت در یک نقطه و محروم ساختن سایر بخش های جامعه از قدرت تصمیم گیری منجر شود؟

- (1) مشروعیت (2) مشارکت (3) هویت (4) توزیع

۲- مسئولیت اصلی در افزایش کارایی و انسجام میان سیاست، فرهنگ و اقتصاد به عهده ی .... است.

- (1) قوه مقننه (2) نخبگان فکری

- (3) نخبگان ابزاری (4) نخبگان فکری و قوه مقننه

۳- منظور از فردگرایی مثبت در فرآیندهای توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم، کدام است؟

- (1) همان پوپولیسم (2) استقلال رأی و خلاقیت های فرد

- (3) دوری جستن از تکبر و خودخواهی (4) پیوستن فرد به خواسته های جمع

۴- مهمترین فرایند اجماع سازی میان نخبگان سیاسی و فکری یک کشور جهان سومی، کدام است؟

- (1) ایجاد تشکل اجتماعی (2) تشویق صراحت فرهنگی

- (3) تقویت چارچوب فرهنگی (4) استنباط های مشترک از مفاهیم کلیدی

۵- نظریه انسجام درونی، مسئول اصلی تحول در کشورهای جهان سوم را ..... می داند.

- (1) قوه مقننه (2) احزاب سیاسی (3) نهاد دولت (4) جامعه و قوه مقننه

۶- انتخاب نخبه گرایی به عنوان استراتژی توسعه به طور خودکار، موفقیت ..... .

- (1) به ارمغان می آورد. (2) به ارمغان نمی آورد.

- (3) تا حدودی به ارمغان می آورد. (4) تحت شرایطی به طور خودکار به ارمغان می آورد.

۷- منظور از رهیافت نخبه گرایانه در توسعه یافتگی، ورود ..... در حوزه سیاست است.

- (1) افراد صرفاً متخصص (2) اشراف و خانواده های بزرگ

- (3) افراد علاقمند به کشور و ناسیونالیست (4) افراد متخصص و با علو طبع و علاقمند به کشور

۸- در نظریه انسجام درونی، ..... .

(1) تحول فرهنگی بر اجماع نخبگان اولویت دارد.

(2) اجماع نخبگان بر بسط عقلانیت ابزاری اولویت دارد.

(3) حل و فصل تدریجی بحران مشروعیت بر تحول فرهنگی اولویت دارد.

(4) بسط عقلانیت ابزاری بر حل و فصل تدریجی بحران مشروعیت اولویت دارد.

۹- مهمترین پایه نظری رهیافت نخبه گرایانه برای پیشرفت جهان سوم، ..... است.

(1) بسط جامعه مدنی

(2) گردش نخبگان

(3) خانه تکانی نهاد دولت

(4) اولویت دادن به توسعه سیاسی

۱۰- از نظر (ارنست ماندل) ظهور شرکت های چند ملیتی ویژگی کدام مرحله از دوران امپریالیسم می باشد؟

(1) امپریالیسم مالی

(2) امپریالیسم کلاسیک

(3) امپریالیسم جدید

(4) آخرین و پیشرفته ترین دوران امپریالیسم

۱۱- چه کسی می گوید رابطه مبادله بیانگر نسبت قیمت کالاهای صادراتی یک کشور به قیمت کالاهای

وارداتی آن کشور است؟

(1) پربیش

(2) سمیرامین

(3) دانیل لونر

(4) ویلبر مور

۱۲- آثار مثبت سرمایه گذاری خارجی در کشورهای جهان سوم کدام است؟

(1) اشتغال زایی

(2) گسترش بازار خارجی

(3) رکود بازار داخلی

(4) افزایش واردات

کالاهای مصرفی

۱۳- در نظریه انسجام درونی اولین مرحله در دستیابی به توسعه یافتگی نسبی در شرایط کشورهای جهان

سوم کدام است؟

(1) بسط عقلانیت در نظام آموزشی

(2) حل و فصل تدریجی بحران مشروعیت

(3) ایجاد تحول فرهنگی بویژه عقلانیت و قاعده مندی

4) اجماع فکری نخبگان فکری و ابزار از شرایط داخلی و خارجی

۱۴- تک محصولی شدن یکی از آسیب های اقتصادی جهان سوم است. این مقوله تحت تأثیر کدام عامل شکل گرفت؟

1) افزایش توان تولید و رقابت برای ورود به بازارهای جهانی

2) خصوصیات بازار جهانی و تغییر شکل کشاورزی این کشورها

3) سوددهی سرمایه گذاری روی کالای خاص

4) استعمار

۱۵- مبادلات نابرابر چه نقشی در ایجاد سرمایه داری دارد و در تئوری اقتصادی امپریالیسم چه نوع مبحثی شمرده می شود؟

1) هیچ - حاشیه ای

2) تضاد ذاتی - نه چندان سالم

3) موثر - محور اساسی

4) تضاد ذاتی - محور اساسی

۱۶- فعالیت شرکت های چند ملیتی در کشورهای جهان سوم موجب:

1) انتقال تکنولوژی جدید در نتیجه توسعه اقتصادی می شود.

2) گسترش بازار مصرف کالاهای کارخانه ای می شود.

3) اشتغال کامل در سطح این کشورها می شود.

4) افزایش موثر توان سرمایه گذاری این کشورها می شود.

۱۷- کدام یک از دانشمندان زیر وابستگی را براساس (رابطه مبادله) تعریف نموده است؟

1) نای

2) فرانک

3) پریش

4) والرشتاین

۱۸- نظریه انسجام درونی، مسئولیت اصلی توسعه یافتگی را:

1) به عهده نهادهای سیاسی جامعه می گذارد.

2) به عهده دولت می گذارد.

3) به عهده هیأت حاکمه می گذارد.

4) به عهده نهادهای غیردولتی می گذارد.

۱۹- ترتیب حرکت توسعه یافتگی در لوزی انسجام درونی.

1) مشروعیت - نگرش عقلایی - نظام آموزشی - کاربردها

2) نگرش عقلایی - نظام آموزشی - مشروعیت - کاربردها

3) نظام آموزشی - نگرش عقلایی - مشروعیت - کاربردها

4) نظام آموزشی - مشروعیت - کاربردها - نگرش عقلایی

۲۰- نظریه انسجام درونی، حل بحران مشروعیت را ..... .

1) سرآغاز توسعه یافتگی قلمداد می کند.

2) یکی از محورهای توسعه یافتگی می داند.

3) محصول توسعه یافتگی تفسیر می کند.

4) پیشنهاد توسعه فرهنگی می داند.

۲۱- مفروض نظریه انسجام درونی این است که توسعه یافتگی عمدتاً یک امر:

1) تصادفی است (2) خارجی است

3) داخلی است (4) داخلی و خارجی است.

۲۲- انسجام داخلی یک کشور در حال توسعه محصول ... .

1) توافق نظری در سطح جامعه است.

2) پیشرفت اقتصادی است.

3) علاقه جامعه به توسعه است.

4) برداشت های مشترک نخبگان از مفاهیم کلیدی است.

۲۳- ایستون، سیاست را توزیع اقتدار آمیز ..... می داند.

1) ارزش ها (2) قدرت (3) دولت (4) حکومت

۲۴- بحران .....، بیان کننده ی رابطه میان رهبران و افراد یک جامعه است.

1) توزیع (2) هویت (3) مشروعیت (4) مشارکت

۲۵- عبور از بحران .....، مستلزم ایجاد تفاهم میان مردم با یکدیگر، نخبگان با هم و توده و نخبگان می

باشد.

1) توزیع (2) نفوذ (3) یکپارچگی (4) مشروعیت

۲۶- کشورهای (نیکز) عبارت است از:

- (1) جهان سوم      (2) تازه صنعتی شده      (3) قدرت برتر      (4) فراصنعتی

پاسخنامه سوالات تستی

- 1- گزینه 4 صحیح می باشد.  
بحران توزیع
- 2- گزینه 3 صحیح می باشد.  
نخبگان ابزاری
- 3- گزینه 2 صحیح می باشد.  
فردگرایی مثبت = استقلال رأی و خلاقیت‌های فردی
- 4- گزینه 4 صحیح می باشد.  
استنباط‌های مشترک از مفاهیم کلیدی
- 5- گزینه 3 صحیح می باشد.  
نظریه انسجام درونی، مسئول اصلی تحول در کشورهای جهان سوم را نهاد دولت می داند.
- 6- گزینه 2 صحیح می باشد.
- 7- گزینه 4 صحیح می باشد.  
رهیافت نخبه گرایانه = افراد متخصص و علاقمند به کشور
- 8- گزینه 2 صحیح می باشد.  
در نظریه انسجام درونی، اجماع نخبگان بر بسط عقلانیت ابزاری اولویت دارد.
- 9- گزینه 3 صحیح می باشد.  
مهمترین پایه نظری رهیافت نخبه گرایانه برای پیشرفت جهان سوم = خانه تکانی نهاد دولت
- 10- گزینه 3 صحیح می باشد.
- ارنست ماندل = ظهور شرکت‌های چند ملیتی = امپریالیسم جدید
- 11- گزینه 1 صحیح می باشد.  
رائول پریش = رابطه مبادله
- 12- گزینه 1 صحیح می باشد.

آثار مثبت سرمایه گذاری خارجی در کشورهای جهان سوم = اشتغال زایی

13- گزینه 4 صحیح می باشد.

14- گزینه 2 صحیح می باشد.

15- گزینه 3 صحیح می باشد.

موثر- محور اساسی

16- گزینه 2 صحیح می باشد.

گسترش بازار مصرف کالاهای کارخانه ای = فعالیت شرکت های چند ملیتی

17- گزینه 3 صحیح می باشد.

پریش = رابطه مبادله

18- گزینه 3 صحیح می باشد.

نظریه انسجام درونی، مسئولیت اصلی توسعه یافتگی را به عهده هیأت حاکمه می گذارد.

19- گزینه 1 صحیح می باشد.

حرکت توسعه یافتگی در لوزی انسجام درونی

مشروعیت - نگرش عقلایی - نظام آموزشی - کاربردها

20- گزینه 1 صحیح می باشد.

حل بحران مشروعیت = سرآغاز توسعه یافتگی

21- گزینه 3 صحیح می باشد.

مفروض نظریه انسجام درونی این است که توسعه یافتگی عملاً یک امر داخلی است.

22- گزینه 4 صحیح می باشد.

23- گزینه 1 صحیح می باشد.

ایستون = سیاست را توزیع اقتدار آمیز ارزش ها می داند.

24- گزینه 3 صحیح می باشد.

بحران مشروعیت بیان کننده رابطه میان رهبران و افراد یک جامعه است.



25- گزینه 3 صحیح می باشد.

کشورهای نیکز = تازه صنعتی شده

## جهانی شدن

### مقدمه

در فصل آخر، به بررسی مفهوم و فرایند جهانی شدن خواهیم پرداخت.

آزادسازی تجاری، مالی و سرمایه داری، جهانی شدن تصمیم گیری، افزایش نابرابری، ضعف جنوب در رویارویی با چالش جهانی شدن از دیگر مباحث ارائه شده در این فصل می باشد.

همچنین در انتها، به بررسی نتایج جهانی شدن، عامل رشد یا رکود خواهیم پرداخت.

نکات مهم، آزمون های سراسری سال های قبل و پاسخ های تشریحی بخش پایانی این فصل می باشد.

### معانی جهانی شدن

آنچه با واژه جهانی شدن بر سر بازن ها افتاده است برای توسعه نیز پیامدهایی به همراه دارد. بسیاری چیزها در عصر جهانی شدن تغییر کرده است، از جمله برخی مسائل توسعه. البته جهانی شدن نه یک ایدئولوژی است (هر چند برخی ها می کوشند آن را به صورت یک ایدئولوژی در بیاورند) و نه یک رویکرد.

جهانی شدن با معانی متفاوتی به کار می رود. برای جهانی شدن تعریف های متعددی ارائه شده و ماهیت و منشاء آن به صورت های مختلفی تحلیل شده است. واژه «جهانی شدن» از نیمه دهه 1970 وارد ادبیات سیاسی شد، اما جهانی شدن فرایندی است دارای سابقه طولانی. به هر حال از نیمه دهه 70 واژه جهانی شدن برای اشاره به برخی از پدیده های مهم تحولات جهانی در عرصه روابط بین الملل، اقتصاد بین الملل و مسایل فرهنگی بر سر زبان ها افتاد. جهانی شدن در مفهوم جاری بیشتر برای اشاره به تحولاتی به کار می رود که طی آن مناسبات اقتصادی در سطح جهان از حصار محدودیت های سرزمینی و کنترل دولت های ملی بیرون می آید و تابع یک بازار جهانی می شود. البته جهانی شدن برای بسیاری از پدیده های کم اهمیت تر نیز به کار می رود؛ مثلاً جهانی شدن مصرف کوکاکولا، یا مک دونالد یا شوهای تلویزیونی خاص. صرف نظر از این نمودهای کم اهمیت می توان گفت که جهانی شدن به فرایندی اشاره می کند که در آن نهادهای اصلی تجدد غرب به سراسر جهان کشیده می شود. چنان که گفتیم والرشتاین از دانشمندان بود که جهان

را به صورت یک نظام واحد در نظر گرفت که اساس آن تبادل نامتقارن بین پیرامون و مرکز است. این تعبیر والرشتاین گام در درک بهتری از جهان بود.

از جمله نهادهای تجدد غرب که با سرعت مسیر جهانی شدن را طی کرده است عبارت است از: تولید سرمایه داری، صنعت محوری، تکنولوژی، شکل سیاسی دولت - ملت که به شکل های گوناگون به سراسر جهان کشیده شده است. برخی معتقدند که در فرایند جهانی شدن، جهان به مسیری می رود که به مکان واحد تبدیل شود.

منتقدان به درستی معتقدند که واژه «جهانی شدن» غالباً به شکلی مبهم و متناقض به کار گرفته شده است. آیا می توانیم تعریف واضح و روشنی تدوین کنیم؟ حداقل پنج کاربرد از واژه «جهانی شدن» قابل تشخیص است اغلب از واژه جهانی شدن برای ایفای معنای بین المللی شدن (internationalization) استفاده می شود، در حالی که این کلمه به معنای گسترش تعاملات فرامرزی و وابستگی متقابل کشورهاست.

در کاربرد دوم، از جهانی شدن به معنی آزادسازی (liberalization) استفاده می شود. این واژه به معنی رفع محدودیت های دولتی از نقل و انتقال بین کشورهاست تا بتوان اقتصاد جهانی را «آزاد» و «یکپارچه» کرد. در کاربرد سوم منظور از جهانی شدن، جهانی سازی (universalization) است که به معنی القای اهداف و برنامه های خاص به مردم سراسر جهان است در کاربرد چهارم بسیاری از مردم (و به ویژه منتقدان امپریالیسم فرهنگی) جهانی شدن را غربی کردن (westernization) معنی کرده اند. از دیدگاه برخی دیگر، جهانی شدن به معنای قلمروزدایی (deterritorialization) است، یعنی تغییرات جغرافیایی که براساس آن مناطق جغرافیایی، فواصل و مرزهای جغرافیایی بخشی از اهمیت پیشین خود را از دست می دهند. این مفاهیم پنج گانه در برخی موارد با یکدیگر همپوشانی دارند اما نقاط مورد تأکید هر یک متفاوت است.

جهانی شدن به معنی فرآیندهایی است که مردم جهان از طریق آن در جامعه واحد جهانی قرار می گیرند. (مارتین آلبرو، 1990)
جهانی شدن را می توان به مثابه افزایش و تقویت روابط اجتماعی در گستره جهان تعریف کرد که مناطق جغرافیایی دور از هم را به گونه ای به یکدیگر ارتباط می دهد که رویدادهای واقع شده در یک نقطه بر اتفاقات منطقه دیگر که در فاصله بسیار دور واقع شده اثر می گذارد و بالعکس. (آنتونی گیدنز، 1990)
جهانی شدن به معنی شبکه سازی جهانی است که جوامع سابقاً پراکنده و منزوی این سیاره را به یکدیگر ارتباط داده و وابستگی متقابل بین آنها ایجاد کرده است و می توان گفت «جهان واحد» شکل گرفته است. (امانوئل ریشتر)
ویژگی های روند جهانی شدن شامل بین المللی شدن تولید، تقسیم کار بین المللی جدید، مهاجرت جدید از جنوب به شمال، پدید آمدن محیط رقابتی جدید که این فرآیندها را تسریع می کند و بین المللی شدن کشورهاست... و بدین ترتیب کشورها را به نهادهایی که متعلق به دنیای در حال جهانی شدن هستند، تبدیل می کنند. (رابرت کاکس، 1994)
جهان در حال تبدیل شدن به یک بازارچه است که در آن ایده ها و محصولات در آن واحد در هر نقطه در دسترس هستند.

(رزابت موس کانتر، 1995)
جهانی شدن همان چیزی است که ما در جهان سوم برای قرون متمادی به آن استعمار می گفتیم. (مارتین کور، 1995)
می توان گفت جهانی شدن فرآیند یا مجموعه فرآیندی است که در آن سازمان روابط اجتماعی و تعاملات تغییر و تحول پیدا می کند. (دیوید هلد و دیگران، 1999)

## فرآیند جهانی شدن

### ۱- آزادسازی تجاری، مالی و سرمایه گذاری

جهانی شدن اقتصادی روند جدیدی نیست. در طول بیش از پنج قرن گذشته، شرکت های کشورهای توسعه یافته نفوذ و برتری خود را در سرزمین های اقصی نقاط جهان گسترش داده و به توسعه فعالیت های تجاری و تولیدی پرداخته اند (این روند در عصر استعمار به شکل فزاینده ای تشدید شد). با این وجود، جهانی شدن اقتصادی در سایه عوامل مختلفی از قبیل پیشرفت های مربوط به فن آوری و به ویژه سیاست های آزادسازی در سراسر جهان، سرعت زیادی به خود گرفته است.

مهمترین ویژگیهای جهانی شدن اقتصادی، برداشتن موانع ملی امور اقتصادی، گسترش بین المللی فعالیت های تجاری، مالی، تولیدی و رشد فزاینده قدرت شرکت های فراملیتی و نهادهای ملی بین المللی در این فرآیندهای است. در حالی که جهانی شدن اقتصادی به ویژه با تمرکز بر تجارت و سرمایه گذاری فزاینده در چند کشور فرایندی نابرابر می باشد، اما تقریباً همه کشورها به طور چشمگیری تحت تأثیر این روند قرار گرفته اند.

آزادسازی اقتصادهای ملی که مستلزم رفع موانع و مرزهای ملی در فعالیتهای اقتصادی است، به گشایش و ادغام هر چه بیشتر کشورها در بازارهای جهانی منجر می شود. در بیشتر کشورها، مرزها و موانع ملی در حوزه بازارهای مالی و پولی، تجارت و سرمایه گذاری مستقیم برداشته می شوند.

از میان جنبه های سه گانه آزادسازی (مالی، تجاری و سرمایه گذاری)، فرآیند آزادسازی مالی بیشتر مورد توجه و تأکید بوده، به طوری که آزادسازی کنترل ها بر جریان ها و بازارهای مالی، شدید و پیشروتر از سایرین بوده است. فروپاشی نظام «برتوودز» در سال های 1972-73، منجر به افزایش تجارت بین المللی در مبادلات خارجی شده است.

نگرانی نسبت به وقوع بحران مالی احتمالی در جهان به علت بحران مالی شرق آسیا در نیمه دوم سال 1997 و سرایت آن به روسیه، برزیل و کشورهای دیگر موجب نوسانات مالی و رکود اقتصادی بی سابقه ای در دوره پس از جنگ جهانی دوم شد.

آزادسازی تجاری نیز بتدریج گسترش یافته، اما به اندازه آزادسازی مالی نبوده است. صادرات جهانی از 61 میلیارد دلار در سال 1950 به 315 میلیارد دلار در سال 1970 و 3447 میلیارد دلار در سال 1990 افزایش پیدا کرده است. سهم صادرات جهانی در تولید ناخالص داخلی (GDP) جهانی از حدود 6 درصد در سال 1950 به 12 درصد در سال 1973 و 16 درصد در سال 1992 رشد داشته است.

نقش فزاینده تجارت که با کاهش موانع تعرفه ای در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه همراه بوده است، تا حدودی ناشی از اتخاذ سیاست هایی ملی و تا حدود ناشی از مذاکرات تجاری چند جانبه در قالب «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت»<sup>1</sup> می باشد. با این حال تداوم برقرار تعرفه های بالا در کشورهای توسعه یافته در بخش هایی نظیر کشاورزی، منسوجات و در برخی تولیدات صنعتی که در آن بخش ها کشورهای در حال توسعه مزیت نسبی دارند، همچنان مورد تأکید است. علاوه بر آن، موانع غیر تعرفه ای، دستیابی کشورهای در حال توسعه به بازارهای کشورهای توسعه یافته را با مشکل و محدودیت مواجه ساخته است.

در بخش آزادسازی سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز رشد خوبی حاصل شده، اگر چه میزان کوچکتی از آن در موضوع جریان های مالی بین المللی وجود داشته است. بیشتر سرمایه گذاری های مستقیم خارجی و افزایش آن در کشورهای توسعه یافته صورت گرفته است. با این حال از اوایل دهه 1990 جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه نیز نسبتاً افزایش یافته است، به طوری که سهم کشورهای در حال توسعه از 17 درصد در سال های 1981-1990 به 32 درصد در سالهای 1991-1995 بالغ شد. به هر ترتیب بیشتر این سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چند کشور محدود در حال توسعه، تمرکز یافته است. علی رغم اتخاذ سیاست های آزادسازی سرمایه گذاری در بیشتر کشورهای در حال توسعه، تنها چند کشور توسعه یافته دریافت کننده میزان اندکی از آن سرمایه گذاری ها بوده اند. بنابراین سرمایه گذاری مستقیم خارجی مشخصاً برای بیشتر کشورهای در حال توسعه به عنوان یک منبع مالی

<sup>1</sup> -General Agreement on Tarrifs and Trade (GATT)

خارجی مورد توجه بوده و این نگرش در سالهای آتی نیز افزایش خواهد یافت. یکی از اشکال عمده جهانی شدن رشد تمرکز و انحصاری شدن فزاینده منابع اقتصادی و قدرت از سوی شرکتها فراملیتی، مؤسسات و شرکتهای مالی بین المللی می باشد. در این فرایند که از آن به عنوان «فراملیتی شدن»<sup>2</sup> نام برده می شود، شرکتهای عظیم فراملیتی بخش اعظم منابع اقتصادی جهان، سهام بازار و تولید را به خود اختصاص می دهند. در حالی که قبلاً یک شرکت چند ملیتی به تصرف بازار یک تولید خاص علاقه داشت، اما امروزه یک شرکت عظیم فراملیتی به تولید و تجارت در اشکال گسترده ای از تولیدات، خدمات و قطعات می پردازد.

---

<sup>2</sup> - Transnationalization.

## ۲- جهانی شدن تصمیم گیری

شاید بتوان گفت که مهمترین و عمده ترین مشخصه فرایند جاری جهانی شدن عبارت از جهانی شدن سیاست های ملی و سازوکارهای تصمیم گیری می باشد. سیاست های ملی شامل حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فن آوری که تا به امروز در صلاحیت و نظارت دولت ها و بخش خصوصی آن کشور بود، اکنون به طور فزاینده ای تحت تأثیر و نفوذ روندها، نهادهای بین المللی و شرکت های بزرگ خصوصی و بازیگران اقتصادی - مالی قرار گرفته است.

این امر به تضعیف حاکمیت ملی منجر شده و توانایی حکومت ها و مردم در انتخاب گزینه های سیاست های مستقل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را با محدودیت مواجه ساخته است. بیشتر کشورهای در حال توسعه شاهد کاهش توانایی اثر گذاری تصمیم گیری مستقل شان بوده و مجبور شده اند که سیاست های خود را حتی با وجود تعارض و تضاد منافع با دیگر واحدهای مورد نظر منطبق سازند. در مقابل، کشورهای توسعه یافته و بازیگران برتر اقتصادی که روندها و سیاست های نهادهای اقتصادی بین المللی را کنترل می کنند، بیشتر و بهتر از همیشه به کنترل سیاست های ملی قادر گشته اند و همچنین به تعیین خط مشی ها و عملکردهای نهادهای اقتصادی بین المللی و نظام جهانی می پردازند. به هر ترتیب گفتنی است که شرکت های بزرگ، بخش عمده ای از روندهای تصمیم گیری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را حتی با وجود تعارض با قدرت حاکمه و رهبران سیاسی و اجتماعی دولت در دست دارند.

شرکت های فراملیتی و نهادهای مالی که حتی منابع مالی عظیم تری نسبت به دولت ها در اختیار دارند کنترل بیشتری بر امور دارند، چرا که این شرکت ها و نهادها در بسیاری از کشورها از نفوذ سیاسی چشمگیری برخوردارند.

به هر حال یک جنبه بارز و بسیار مهم روند کنونی این است که نهادهای جهانی به حوزه هایی از سیاستگذاری وارد شده اند که در گذشته به طور سنتی و انحصاری در اختیار و صلاحیت دولت های ملی بوده است. امروزه حکومت ها مجبور به اجرای سیاست هایی هستند که با تصمیمات و قواعد نهادهای بین المللی منطبق می باشند و از میان این نهادهای مهم می توان به «بانک جهانی» «صندوق بین المللی پول» و «سازمان تجارت جهانی» اشاره کرد. همچنین برخی از سازمان های بین المللی پرنفوذ به ویژه سازمان ملل متحد و آژانس های مرتبط با آن، پیمان ها، کمیسیون ها و کنفرانس های جهانی در این زمره قرار می گیرند. به هر حال در سال های اخیر، به همان میزان که سازمان ملل متحد نفوذ عملی و سیاسی خود را در موضوعات اقتصادی و اجتماعی تا حدودی از دست داده، در مقابل بر قدرت و نفوذ بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی در موضوعات مذکور افزوده شده است.

نهادهای برتون وودز (بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی) در بیشتر کشورهای در حال توسعه (و کشورهای در حال گذار) به علت وابستگی به وام های این نهادها، از اقتدار بالایی برخوردار هستند. به ویژه کشورهایی که خواستار دریافت وام از این نهادها هستند بایستی برنامه های تعدیل ساختاری را اجرا نمایند. «این برنامه اعم از سیاست های تعدیل ساختاری و خط مشی های کلان اقتصادی و اخیراً سیاست اجتماعی و مسائل ساختاری از قبیل خصوصی سازی، سیاستگذاری مالی، قوانین شرکت ها و اداره امور را در بر می گیرد. مشروط ساختن پرداخت وام مهمترین اهرم و سازوکار این نهادها برای سوق دادن کشورهای در حال توسعه و بدهکار به اجرای سیاست های آزادسازی، خصوصی سازی، مقررات زدایی و عقب نشینی دولت از تصدی فعالیت های اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین اهرم یادشده سازوکار اصلی گسترش مجموعه خط مشی های کلان اقتصادی است که کشورهای توسعه یافته (شمال) از آن جانبداری می نمایند.

مذاکرات دور اروگوئه قدرت و نفوذ نظام گات و موافقتنامه جانشین آن (سازمان تجارت جهانی) را به طور چشمگیری افزایش داده است. سازمان تجارت جهانی، سازوکارهای تنظیمی جدید و متعددی را نسبت به گات، از قبیل حقوق مالکیت معنوی، خدمات، کشاورزی و موازین سرمایه گذاری تجاری برقرار نموده است. بر اساس برخی تحلیل های مختلف، توافقات دور اروگوئه که سازمان تجارت جهانی آنها را ایجاد نموده، دارای یک ماهیت نابرابر و ناعادلانه می باشد که این سازمان و به ویژه نظام تصمیم گیری آن شدیداً با منافع کشورهای جنوب در تعارض قرار گرفته است.

### ۳- افزایش نابرابری و آثار جهانی شدن

جهانی شدن عبارت از فرایندی نابرابر با توزیع نابرابر سودها و زیان ها است. این نابرابری و عدم توازن به قطب بندی کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر از یک طرف و گروههای ثروتمند و فقیر در داخل جوامع که هرچه بیشتر به حاشیه رانده می شوند از طرف دیگر، منجر می شود. به این ترتیب روندهای جهانی شدن، قطب بندی شدن، تمرکز ثروت و حاشیه ای شدن به واسطه فرآیندهای مشابهی به یکدیگر مرتبط می گردند. در این فرآیند، منابع سرمایه گذاری، رشد و فن آوری مدرن در معدودی از کشورها (عمدتاً در آمریکای شمالی، اروپا، ژاپن و کشورهای تازه صنعتی شده شرق آسیا) متمرکز هستند. بسیار از کشورهای در حال توسعه از این فرآیند محروم مانده و یا به صورت فرعی و حاشیه ای در آن مشارکت می کنند که اغلب در تضاد با منافع آنها می باشد. به عنوان مثال آزادسازی واردات ممکن است سبب وارد آمدن خسارت به تولید کنندگان داخلی و آزادسازی مالی منجر به بی ثباتی نظام اقتصادی آنها شود.

بنابراین جهانی شدن، اقشار مختلفی از کشورها را به طور متفاوت تحت تأثیر قرار می دهد. این فرآیند و اثرات آن در سطح گسترده می تواند به صورت ذیل مورد ارزیابی شود:

- رشد و گسترش در تعداد محدودی از کشورهای فعال و پیشتاز

- رشد متوسط و با نوسان در برخی از کشورهایی که می کوشند خود را با چارچوب «جهانی شدن - آزاد سازی» همساز و منطبق نمایند.

و تجربه حاشیه‌ای شدن و اضمحلال کشورهایی که قادر به خروج از مشکلات واقعی مثل قیمت پایین کالاهای اولیه و بحران بدهی ها نمی باشند و از تحمل مشکلات آزادسازی و کسب منافع از قبل فرصت های صادراتی ناتوان هستند. ماهیت نابرابر و نامتوازن روند کنونی جهانی شدن در شکاف فزاینده بین مردمان غنی و فقیر جهان و بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و در اختلافات گسترده بین کشورها در توزیع سود و زیان مشهود می باشد.

«برنامه عمران ملل متحد»<sup>3</sup> براساس گزارش توسعه انسانی در سال 1992 تخمین زد که 20 درصد جمعیت در کشورهای توسعه یافته 82/7 درصد کل درآمد جهانی را به خود اختصاص می دهند، در حالی که 20 درصد مردم در فقیرترین کشورها فقط 1/4 درصد کل درآمد جهان را دریافت می کنند. در سال 1989 متوسط درآمد 20 درصد کسانی که در ثروتمندترین کشورها زندگی می کنند 60 برابر بیشتر از 20 درصدی هستند که در فقیرترین کشورها زندگی می کردند. این روند و نسبت در سال 1950، 30 برابر بود که 2 برابر گشته است.

به هر ترتیب افول اقتصادی اکثر بخش های جهان در حال توسعه، بسیار گسترده تر و عمیق تر از دوران رکود بزرگ دهه 1930 بوده است. در حالی که کشورهای ثروتمند در مدت چهار تا پنج سال خود را از این بحران ها و رکود ها رها ساختند، اما هنوز اثرات پایدار منفی بحران دهه 1980 برای صدها میلیون انسان در بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین ادامه دارد. در برخی موارد مردم فقیرتر از سال های پیش شده و میل چندانی به اصلاح و بهبود امور دیده نمی شود. همچنین نابرابری فزاینده در میان کشورهای موفق در حال توسعه و در تمام مناطق جهان از جمله آسیای شرقی، آمریکای لاتین و آفریقا همچنان رو به رشد بوده است.

<sup>3</sup>-United Nations Development program (UNDP).



براساس گزارش تجارت و توسعه سال 1997، این روندهایی نابرابری، ریشه در ظهور نیروهای ناشی از آزادسازی شتابان دارد. این روند عبارتند از: نابرابری فزاینده دستمزدها در شمال و جنوب بین کارگران ماهر و غیر ماهر (عمدتاً به واسطه کاهش اشتغال صنعتی کارگران غیر ماهر و سقوط شدید دستمزدهای واقعی آنها)

- سود بالای نیروی سرمایه در مقایسه با نیروی کار

- ظهور یک طبقه رانت خوار به واسطه آزادسازی مالی و افزایش سریع بدهی (با بدهی هایی که در کشورهای در حال توسعه و توزیع درآمد بین گروه های فقیر و ثروتمند)؛

- و منافع ناشی از آزادسازی قیمت محصولات کشاورزی که سود آن عمدتاً نصیب بازرگانان (به جای کشاورزان) شده است.

بطور مشخص برخی از جنبه های خاص توزیع نابرابر نیز رو به افزایش است: اول، تمرکز بیش از پیش درآمد ملی در دست های عده ای اندک، با سرمایه گذاری بیشتر و رشد سریع تر همراه نبوده است. مجموعه ای از منافع فزاینده با سرمایه گذاری متورم، بیکاری روزافزون و کاهش پرداخت ها علت اصلی این نگرانی می باشند. دوم، برخی از عوامل بروز نابرابری در دنیای در حال جهانی شدن، سطح سرمایه گذاری و رشد پایین را ایجاد می کنند.

#### ۴- ضعف جنوب در رویارویی با چالش جهانی شدن

بیشتر کشورهای جنوب به دلیل وجود ضعف های متعدد و مختلف توانایی استفاده از فرصت های فرآیند جهانی شدن را ندارند. «نایار» ضمن بررسی و مطالعه پدیده جهانی شدن و توسعه نابرابر، توضیح می دهد که اساساً این فرآیند به نفع جهان توسعه یافته تمام می شود، در حالی که در جهان در حال توسعه، منافع و امتیازات، تنها به سمت چند کشور در حال توسعه سرازیر می شود. به طوری که در اواخر قرن بیستم، تنها یازده کشور در حال توسعه در فرآیند جهانی شدن مشارکت فعال داشتند، این یازده کشور 66 درصد از کل صادرات کشورهای در حال توسعه در سال 1992 (رقمی بالاتر از 30 درصد در سالهای 1970-1980؛ 66 درصد کل جریان سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه در سالهای 1981-1991 و قسمت اعظم سرمایه گذاری های مربوط به اوراق بهادار در جهان در حال توسعه را به خود اختصاص دادند. برخی از این یازده کشور شدیداً از بحران های مالی، بدهی ها و افول اقتصادی متأثر شده اند و بنابراین میزان موفقیت کشورهای جنوب در روند ادغام در اقتصاد جهانی کاهش یافته است و ضعف جنوب از عوامل متعددی ناشی می شود.

کشورهای در حال توسعه به دلیل ضعف ظرفیت اقتصادی داخلی و ضعف زیرساختاری اجتماعی به دنبال تجربه استعماری از ضعف اقتصادی رنج می‌برده‌اند. این کشورها در نتیجه پایین بودن قیمت‌های کالاهای صادراتی و بدتر شدن شرایط جاری و نیز بحران بدهی‌ها و بار سنگین بازپرداخت بدهی‌ها ضعیف‌تر شده‌اند. دسترسی مشروط و منابع مالی خارجی همراه با شرایط سخت بازپرداخت وام‌ها، بهبود اوضاع بسیاری از کشورها را به تعویق اندخته و به تضعیف نظام خدمات اجتماعی آنها منجر شده است. در واقع با نابرابری توانمندی‌های شمال و جنوب در پیشرفت فن‌آوری (بویژه فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی) این شکاف عمیق‌تر شده است. علاوه بر شرایط نامساعد بین‌المللی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه با مشکلاتی همچون دیکتاتوری، سوء استفاده از قدرت و سوء مدیریت اقتصادی که همگی فرآیند توسعه را مختل می‌سازند، مواجه هستند. مجموعه این عوامل به این معنی است که جنوب در مواجهه با چالش‌های جهانی شدن در یک موضع ضعف قرار دارد و در حال حاضر شرایط موفقیت در بستر آزادسازی‌ها برای آنها متصور نیست. در نتیجه شرایط آزادسازی‌های سریع، آنها به جای سودآوری و منافع لازم، عمدتاً ضرر و زیان‌زاینده‌ای را متحمل می‌شوند.

ضعف جنوب همچنین از ضعف چانه‌زنی و مذاکره موثر در روابط بین‌الملل ناشی می‌شود. با وجود بدهکاری و وابستگی شدید به کمک‌های خارجی دو جانبه و سازمان‌های وام‌دهنده بین‌المللی، کشورهای در حال توسعه از مذاکره منصفانه حتی در زمینه اعطای وام‌های مشروط ناتوان می‌باشند. سازوکارهای قدرت سازمان ملل متحد که در آن کشورهای در حال توسعه به لحاظ تعداد در موقعیت مناسب تری قرار دارد تضعیف شده، در حالی که قدرت و موقعیت نهادهای تحت کنترل کشورهای توسعه‌یافته مثل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی به شدت افزایش یافته است. کشورهای شمال با در اختیار داشتن اهرم‌های مربوط به نهادهای برتون وودز و سازمان تجارت جهانی در جهت شکل‌دهی به چارچوب‌های جهانی شدن برای تأمین نیازهای خود از نفوذ قابل توجهی برخوردارند و همواره سیاست‌های توسعه‌گرایانه خود را به کشورهای در حال توسعه تحمیل می‌کنند. با وجودی که کشورهای شمال موقعیت مسلط و برتر را دارند و از این فرصت برای کنترل هر چه بیشتر اقتصاد جهانی استفاده کرده‌اند، اما کشورهای جنوب کاملاً منفعل و ناامید نبوده و می‌توانند موقعیت و خط‌مشی‌های مطلوب خود را بهتر سازماندهی نمایند. با این وجود، کشورهای جنوب به عنوان یک کل در سازماندهی خود برای اتخاذ سیاست‌های مشترک و اساسی در موقعیت‌های

مذاکره یا در استراتژی های مباحثاتی و مذاکراتی در نهادهایی مانند سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و مجامع دیگر عملکرد شایسته ای نداشته اند.

کشورهای توسعه یافته در تهیه دستور کارهای جهانی شدن در موقعیت مناسبتری قرار دارند. این کشورها همچنین به لحاظ کادر اداری مجرب برای فعالیت در حوزه های تجارت و امور مالی بین المللی و وجود مجامع دانشگاهی قوی و کمک های مناسب مشاوره ای در سطوح دولتی و غیر دولتی در زمینه کسب اطلاعات و اتخاذ استراتژی ها و سیاست های مطلوب سازماندهی خوبی داشته اند. آنها همچنین به خوبی سازمان ها و لابی های مرتبط با شرکت ها و نهادهای مالی شان را سازماندهی کرده اند که در ادارات دولتی از نفوذ قابل توجهی برخوردارند. همچنین کشورهای توسعه یافته دارای نهادها و سازوکارهای کمکی برای همگی مواضع و سیاست هایشان هستند. برای مثال کمیسیون اروپا، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و گروه هشت کشور صنعتی و ارکان فرعی آنها از جمله این نهادها می باشند.

در مقابل، کشورهای در حال توسعه از سازماندهی مناسبی میان خودشان برخوردار نیستند. ادارات دولتی در رویارویی با چالش ها و تحولات اقتصاد جهانی به ویژه در ارتباط با پیشرفت های سریع در فرآیند جهانی شدن و مذاکرات جهانی، فاقد کادر اداری متخصص و سازماندهی مطلوب هستند. بخش دانشگاهی و برخی از گروههای مشاوره ای نیز از دسترسی به اطلاعات بهینه و اشراف بر تحولات مربوط به جهانی شدن ناتوان بوده و در تنظیم و تدوین طرح های راهبردی برای استفاده دولت هایشان ضعیف ظاهر شده اند. در نتیجه یک ضعف پیوندی بین بخش های دانشگاهی، سازمان های غیر دولتی و دولت ها قابل مشاهده می باشد. بخش های تجاری و مالی در جهت هماهنگی با فرآیندهای جهانی یا تحت فشار قرار دادن دولت ها در ارتباط با مسائل جهانی از انسجام کافی برخوردار نمی باشند. در سطح منطقه ای همکاری های گسترده ای بین این کشورها از طریق اتحادیه های منطقه ای وجود دارد اما این همکاری ها همانند اتحادیه اروپا پیچیده، گسترده و بنیادین نمی باشد. کشورهای در حال توسعه در سطح بین المللی در قالب مجامعی چون گروه 77 و جنبش غیر متعهدها از یک سازماندهی نسبی برخوردار شده اند. این گروه بندی ها بیشتر در چارچوب اجلاس، همایش ها و کنوانسیون های سازمان ملل متحد به طور موثر به ایفای نقش می پردازند، اما کفایت و شایستگی این گروه بندی ها در پی گیری موثر تحولات و یا قاعده مند کردن راهبردها و سیاست های بلند مدت از انسجام و کارآمدی برخوردار نیستند. در نهادهایی چون سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی توان جمعی کشورهای در حال

توسعه هنوز تجلی شایسته ای نیافته است، اگر چه نشانه های امیدوار کننده ای از همکاری و مشارکت سازنده آنها به عنوان مثال در سازمان تجارت جهانی دیده می شود.

### جهانی شدن و تجدید ساختار سرمایه داری

درباره اینکه ماهیت جهانی شدن چیست و عوامل پدید آورنده آن کدام است نظریات گوناگونی وجود دارد. معرفی دیدگاه های گوناگونی که در این زمینه وجود دارد خود نیازمند بحث مفصلی است که مجال دیگری را می طلبد. ما در اینجا به یکی دو دیدگاه که هم با بحث ما ارتباط بیشتری دارد و هم با نگرش ما همسوتر است اشاره می کنیم و آنگاه به رابطه جهانی شدن و توسعه می پردازیم. شاید بد نباشد در ابتدا به یکی از نظریاتی که شهرت زیادی به دست آورده و جایگاه تحقیقاتی و منطقی مبسوطی دارد، اشاره داشته باشیم. مانوئل کاستلز در کتاب سه گانه خود با عنوان عصر اطلاعات نگاه خاصی به جهانی شدن دارد که با بحث ما بی ارتباط نیست. ما جهانی شدن را با مرحله جدیدی از پویایی های سرمایه داری مرتبط دانستیم. اکنون باید ببینیم سرمایه داری در مرحله جدید چه تحولی را طی نموده که دگرگونی های کنونی جهان را رقم زده است.

### تجدید ساختار سرمایه داری

کاستلز می گوید که تمدن بشر از آغاز تاکنون دو دوره مهم را طی کرده است و اکنون وارد دوره سوم می شود. دوره اول دوره ای است که در آن تلاش انسان برای بقا در برابر نیروی سهمگین طبیعت و همچنین سلطه طبیعت بر فرهنگ جای اصلی را دارد. این دوره از آغاز پیدایش بشر بر زمین تا انقلاب صنعتی ادامه دارد. دوره دوم با پیروزی تلاش های انسان بر طبیعت به ویژه با بهره گیری از انقلاب صنعتی مشخص می شود. در این دوره انسان نیروهای طبیعت را تحت سلطه در می آورد. دوره سوم را کاستلز دوره جامعه شبکه ای نام می گذارد. جامعه شبکه ای همان وضعیتی است که جهان امروز را شکل می دهد. هسته اصلی این جامعه، تکنولوژی اطلاعات است. ریشه این تحولات را باید در تجدید ساختار سرمایه داری مشاهده کرد.

سرمایه داری در دهه 1980 وارد یک دوره مهم از تجدید ساختار شد. منشأ این تجدید ساختار «انقلاب تکنولوژی اطلاعات» بود که دهه 1970 و 1980 پارادایم تازه ای را در تکنولوژی پدید آورد. تحرک صنعت الکترونیک در عرصه صنعت و فضای نوآوری و آزادی در عرصه تجارت و تحقیق، از عواملی بود که به این تحرک کمک کرده است. کاستلز

معتقد است که مدل اقتصادی کینزی در اوایل دهه 1970 به انتهای ظرفیت خود رسید. مدل اقتصاد کینزی طی دوره پس از جنگ جهانی دوم ثبات و شکوفایی اقتصاد غرب را تضمین کرد. به نظر کاستلز اقتصاد کینزی از اوایل دهه 1970 توان خود را از دست داد و دوره تازه ای از رکود و تورم در اقتصاد سرمایه داری شروع شد. به دنبال چاره ای برای پایان دادن به تورم، دولتها و شرکت های سرمایه داری به روش های تازه ای روی آوردند. این روش ها که به صورت آزمون و خطا پیش برده شد به تجدید نظر در ساختار سرمایه داری پیشین منجر شد. این تجدید ساختار با دگرگونی در سازماندهی تولید و توزیع به طور منعطف تر همراه بوده است. تکنولوژی نوین ارتباطات (کامپیوتر) این سازماندهی جدید را امکان پذیر کرد. ضعف نیروی کار سازمان یافته در اروپا که مدافع اقتصادی کینزی و سوسیال دموکراسی بوده است به تجدید سازماندهی کمک کرد. شوروی که به دلیل اقتصادی نامنعطف از این تجدید ساختار برکنار ماند، در نهایت به فروپاشی محکوم شد.

جهانی شدن در شکل های کنونی آن با تکنولوژی نوین ارتباطات پیوند دارد. این تکنولوژی برای سازماندهی جهانی اقتصاد، شرایط لازم را فراهم کرده است. بدون تکنولوژی مخابرات و کامپیوتر سازماندهی اقتصاد جهانی قابل تصور نیست. اقتصاد جهانی شده را نباید با اقتصاد جهانی اشتباه کرد.

اقتصاد جهانی از قرن شانزدهم به این سو وجود داشته است. اقتصاد جهانی اقتصادی است که در آن انباشت سرمایه در سطح جهانی صورت می گیرد. اقتصاد جهانی شده اقتصادی است که در زمان واحد می تواند به عنوان یک واحد در سطح جهان عمل کند. این اقتصاد اکنون با بهره گیری از تکنولوژی اطلاعاتی بر موانع زمان و مکان فائق آمده است. اکنون انتقال سرمایه از جایی به جای دیگر ظرف دقایقی کوتاه امکان پذیر است.

### جهانی شدن و رونق اقتصادی

طرفداران نظریه نئولیبرالیسم پیوستن به جریان جهانی شدن به شیوه نئولیبرالی را موجب توسعه یک کشور و رونق اقتصادی در ابعاد کشوری و جهانی می دانند. اما مخالفان آنها معتقدند که جهانی شدن سرمایه دارانه در سطح جهان نه تنها موجب رونق نبوده، بلکه برعکس علت رکود نیز بوده است. سمیرامین جهانی شدن سرمایه دارانه را از موجبات اصلی رکود 25 سال گذشته در سطح جهانی به حساب می آورد. به عقیده او تعدیل اقتصادی گروه هفت به دنبال «دورتوکیو» سبب افزایش نرخ بیکاری، سقوط دستمزدها، افزایش وابستگی غذایی در کشورهای پیرامونی، نزول سطح بهداشت و آموزش و پرورش، کاهش معیارهای زیست محیطی و پایین آمدن ظرفیت تولیدی بسیار از کشورهای پیرامون

شد. سیاست های اساسی نهادهای پولی بین المللی در هماهنگی با سیاست های گروه هفت (بعداً گروه هشت) این مسیر را تقویت کرد. شاید کمی عجیب به نظر برسد که چرا جهانی شدن و سردمداران جهانی سازی باید مدافع رکود باشند. اما سمیرامین می گوید اگر توجه کنیم که سرمایه داری در درجه اول به دنبال سود و اگر به این نکته توجه کنیم که گاهی سود در بحران است، آنگاه تعجب نخواهیم کرد که چرا شرکت های بزرگ فراملیتی گاهی بحران را ترجیح می دهند.

با این حال جهانی شدن را نمی توان به طور مستقیم عامل رکود به حساب آورد. آنچه رکود مذکور را دامن زده است، تحلیل رفتن برخی از اجزاء سیستمی است که پس از جنگ و طبیعت، جهان را شکل می داد. این اجزاء عبارت بودند از: 1- اقتصاد کینز و دولت رفاهی در غرب 2- نظام سوسیالیستی در شرق و 3- جنبش های آزادی بخش ملی در کشورهای تحت سلطه. تلاش سرمایه داری برای تحلیل بردن این نیروها شرایط تحرک اقتصاد بعد از جنگ را ایجاد کرد. سمیرامین نمی گوید که چگونه و به وسیله چه سازوکاری چنین اتفاق افتاده است، اما هر چه هست آنچه که مشخص است این است که سمیرامین به عامل سیاسی در این تحولات نقش مقدم را داده است و این چیزی است که مورد ایراد قرار گرفته است.

### نکات مهم

- شکست کنفرانس وزرای سازمان تجارت جهانی W.T.O در سیاتل آمریکا در دسامبر 1999
- عوامل جهانی شدن و پیامدهای آن - فقدان منابع محسوس برای اغلب کشورهای در حال توسعه+ گشوده شدن بازارها+ خسارت های ناشی از آزادسازی شتابان تجاری و مالی + نابرابری فزاینده ثروت و فرصت ها
- بحران مالی آسیا - سال 1997
- مهمترین ویژگی های جهانی شدن اقتصاد - برداشتن موانع ملی امور اقتصادی + گسترش بین المللی فعالیت های تجاری، مالی، تولیدی+ رشد فزاینده شرکت های چند ملیتی
- از میان جنبه های سه گانه آزادسازی (مالی+تجاری+ سرمایه گذاری)، به فرایند آزادسازی مالی، بیشتر توجه می شود.
- مهمترین و عمده ترین مشخصه فرایند جهانی شدن - جهانی شدن سیاست های ملی و سازوکارهای تصمیم گیری می باشد.
- نهادهای برتون وودز - بانک جهانی + صندوق بین المللی پول + سازمان تجارت جهانی
- جهانی شدن عبارت از فرایندی نابرابر با توزیع نابرابر سودها و زیان ها است.

- کشورهای در حال توسعه در سطح بین المللی در قالب مجامعی چون گروه 77 و جنبش غیر متعهدها از یک سازماندهی نسبی برخوردار شده اند.
- مهمترین جنبه جهانی شدن در عرصه تجارت - کاهش مداوم ارزش کالاهای صادراتی آنها و انتقال حجم عظیمی از منابع حیاتی کشورهای در حال توسعه صادر کننده مواد اولیه به دلیل تغییر شرایط تجاری و نوسان در آمد حاصل از صادرات.
- همگرایی اقتصادی، اقتصادهای در حال توسعه را به دو گروه بهره مندان و بی بهره گان از فرصت جهانی شدن تقسیم کرده است.
- مهمترین عامل بر سر راه ایجاد نظام تجارت جهانی - نابرابری + عدم توازن
- مشکلات اصلی عدم تحقق منابع پیش بینی شده برای کشورهای در حال توسعه در دور اروگوئه - تداوم حداکثر تعرفه ها + عدم موفقیت حذف تدریجی سهمیه منسوجات + افزایش موانع غیر تعرفه ای از قبیل شیوه های ضد دامپینگ + تداوم حمایت شدید در بخش کشاورزی

## سه جنبه جهانی شدن

\* بین المللی شدن، افزایش تعاملات بین دولتها را که در جریان تجارت، سرمایه گذاری و سرمایه منعکس شده است، توصیف می کند. فرآیند های بین المللی شدن به واسطه موافقتهایی در زمینه تجارت، سرمایه گذاری و سرمایه به علاوه سیاستهای داخلی - که به بخش خصوصی اجازه می دهد تا با مرزهای بیرون تعامل داشته باشد - تسهیل یافته اند و شکل می گیرند. \* انقلاب فناوری به شیوه های جدید ارتباطات (اینترنت، ارتباطات ماهواره ای، رایانه های پیشرفته) اشاره دارد که با کمک پیشرفتهای فناوری فاصله و مکان را به عوامل غیر مهم نه تنها برای دولتها (شامل سطوح محلی و منطقه ای) تبدیل کرده، بلکه در محاسبات دیگر بازیگران مانند تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری شرکتها یا در فعالیتهای جنبش اجتماعی هم این عوامل (فاصله و مکان) چندان مهم در نظر نمی آیند.

\* آزادسازی سیاستهای دولت را توصیف می کند که به عنوان مثال از طریق برداشتن تعرفه ها و موانع تجاری، حذف نظارت دولت و باز گذاشتن بخشهای مالی برای سرمایه گذاران خارجی و خصوصی سازی شرکتهای دولتی، نقش دولت را در اقتصاد کاهش می دهد.

- مفاهیم اصلی درباره تغییرات اجتماعی در دوران معاصر که غالباً با جهانی شدن همراه شده اند:
- جامعه اطلاعاتی: برخی از نظریه پردازان اجتماعی از اوایل دهه 1970 به بعد این بحث را مطرح کردند که جامعه معاصر شاهد تغییری عمده در تولید است. برخلاف گذشته که فعالیت های اقتصادی حول کشاورزی و تولید محصولات صنعتی بود، در شرایط جدید که در حال پیدایش است - و از جمله جهانی شدن - گفته می شود که اطلاعات و دانش منابع اصلی ثروت را تشکیل می دهند. رایانه ها، رسانه های جمعی، ارتباطات راه دور و مانند آنها با تفوق بر زمین، نیروی کار، تأسیسات صنعتی و پول، در حال تبدیل شدن به مهم ترین دارایی های نظام اقتصادی می باشند. برخی صاحب نظران به

جای اشاره کردن به «جامعه اطلاعاتی» استدلال های مشابهی را با استفاده از واژه های نظیر «عصر اطلاعات»، «جامعه فراصنعتی»، «اقتصاد خدماتی» یا «جامعه مبتنی بر دانش» مطرح می کنند.

سرمایه دارای فقید: مارکسیست ها و دیگران برای بیان این موضوع که تاریخ معاصر تغییراتی را در نهادها و روندهای سرمایه داری ایجاد کرده است، این اصطلاح را به کار برده اند. برخی از نویسندگان مانند نظریه پردازان جامعه اطلاعاتی بر روی تغییر توجه از صنایع قدیمی تر به سمت نظام های اقتصادی در برگیرنده داده ها، علائم و تصاویر تأکید دارند. دیگران ظهور حرکت های جهانی و شرکت به سمت مدیریت غیر متمرکز در شرکت ها یا پیدایش امپریالیسم جدید را در برابر به اصطلاح جهان سوم و غیره مورد تأکید قرار می دهند. برخی از نویسندگان به نکاتی از این دست اشاره کرده اند و در همان حال از «پایان سرمایه داری سازمان یافته» یا حتی «جامعه مابعد سرمایه دار» به جای «سرمایه داری فقید» صحبت به میان آورده اند.

پست مدرنیته: پست مدرنیته و پست مدرنیسم در کنار جهانی شدن در میان شعارهای برجسته و مطرح در نظریه جامعه شناسی عصر حاضر قرار گرفته اند. مفهوم این دو واژه می تواند مانند مفهوم جهانی شدن کاملاً تنگ و مبهم باشد. براساس نظریات پست مدرنیسم نوعی بحران در اوضاع و احوال مدرنیته و یا عدول و انحراف از آن به وجود آمده است. برای مثال، بسیاری از صاحب نظران، پست مدرنیته را با مرگ علوم پایه همراه می سازند. براساس این دیدگاه، پست مدرنیسم معتقد به ابطال اعتقاد راسخ مدرنیست ها، پوزیتیویست ها و خردگرایان است که می توانیم از طریق علم، حقایق و مفاهیم ثابت و جهانی ایجاد کنیم. ایده های پست مدرنیته غالباً مشغله های ذهنی اجتماعی معاصر و یافتن پاسخ هایی برای پرسش های مطرح شده درباره هویت است. انسان پست مدرن، «نفسی خدشه دار شده» دارد با حس های چندگانه و در حال تغییر درباره وجود تعلق (مثلاً از لحاظ ملیت، جنسیت، نژاد، تمایلات و جنسی و غیره). علاوه بر آن، بسیاری از نویسندگان پست مدرنیته را با توجه به بروز تغییرات و ناپدیداری های سریع در جهان تحت سلطه رسانه های گروهی و مصرف گرایی مورد بحث قرار می دهند. پست مدرنیست ها در حوزه روابط بین الملل به پایان قلمرو و تمامیت ارضی کشورها (که زمانی در حوزه های نظری و عملی مرتبط با سیاست های جهانی سلطه داشتند) تأکید می ورزند. پست مدرنیته عدم قطعیت، ناامنی و بی نظمی فزاینده ای را وارد حیات اجتماعی بشر نموده است.



البته به این نکته باید توجه داشت که سایر صاحب نظران چنین دعاوی را زیر سؤال برده اند و بر این عقیده اند که تحولات تاریخی اخیر بیشتر سبب بسط مدرنیته شده اند تا به تعالی رساندن آن. آنها ترجیح می دهند که شرایط کنونی را با استفاده از واژه هایی چون «مدرنیته عالی»، «مدرنیته فقید» یا «مدرنیته بی قرار» توصیف کنند.

پایان تاریخ: این نظریه جنجال برانگیز در اوایل دهه 1990 و از طریق آثار فرانسیس فوکویاما - از مقامات سابق وزارت امور خارجه ایالات متحده - معرفی شد و توجه گسترده ای را به خود جلب کرد. فوکویاما (1992) بحث را مطرح کرد که مرگ رژیم های کمونیستی، منادی پیروزی جهانی لیبرال دموکراسی بر تمامی اشکال حکومت داری محسوب می شود.

از نقطه نظر فوکویاما به دلیل آنکه لیبرال دموکراسی از تناقضات درونی بنیادی عاری بود و به عمیق ترین آرزوها و آمال بشری پاسخ می داد، پیروزی این نظریه معرف پایان تحول اجتماعی بود.

**سازمان ها و نهادهای مهم ناظر بر تجارت و مالیه جهانی بانک تسویه حسابهای بین المللی (BIS):** این بانک با تسویه حساب های بین المللی در سال 1930 تأسیس شده است و مقر اصلی آن در باله سوئیس قرار دارد. تا سال 1999 میلادی 45 بانک مرکزی از کشورهای مختلف جزو اعضا و سهامداران آن بوده اند. البته حدود 120 مؤسسه مالی دولتی از تسهیلات این بانک استفاده می کنند. این بانک همکاری بین بانک های مرکزی کشورها را تسهیل کرده و خدمات متنوعی برای عملیات مالی جهانی ارائه می کند. به عنوان مثال «کمیته نظارت بانکداری» که در سال 1974 در این بانک تشکیل شد توانست تلاش ها و فعالیت های چند جانبه درباره نظام بانکداری جهانی را هدایت کند. برای اطلاع بیشتر به [www.bis.org](http://www.bis.org) مراجعه کنید.

**گروه هفت (G7):** مجموعه ای از 7 کشور صنعتی جهان که در سال 1975 ابتدا با حضور پنج کشور (فرانسه، آلمان، ژاپن، انگلیس و ایالات متحده امریکا) تشکیل شد و سپس کانادا و ایتالیا نیز به آن پیوستند. امروزه این نهاد گروه 8 خوانده می شود تا روسیه را نیز شامل شود. اعضای گروه 7 درباره مسائل اقتصاد جهانی به صورت نیمه رسمی با یکدیگر همکاری می کنند. رهبران کشورهای عضو به صورت سالانه با یکدیگر ملاقات می کنند. ولی وزیر امور مالی و مقامات عالی رتبه این کشورها به صورت منظم جلسات مذاکره و تبادل نظر برگزار می کنند.

**گات (Gatt) :** موافقتنامه عمومی درباره تعرفه و تجارت. این سازمان در سال 1947 تأسیس شد و دفاتر آن در ژنو قرار دارد. زمانی که در سال 1995 گات به سازمان تجارت جهانی تبدیل شد تعداد اعضای آن به 122 کشور می رسید. گات به منظور کاستن از محدودیت های دولتی در زمینه تجارت کالا هماهنگی 8 دور مذاکرات چند جانبه را به عهده گرفت.

**صندوق بین المللی پول (IMF) :** این صندوق که ادارات مرکزی آن در واشنگتن دی سی قرار دارد در سال 1945 تشکیل شد و تا سال 2001 میلادی 183 کشور عضو آن بوده اند. صندوق بین المللی پول بر پرداخت های بین المللی کوتاه مدت و وضعیت ارزهای خارجی نظارت دارد. وقتی در کشوری عدم موازنه شدید در حساب های خارجی آن پیش می آید، صندوق بین المللی پول از اصلاح سیاست ها که غالباً برنامه های تعدیل ساختاری خوانده می شود، حمایت می کند. از سال 1978 به بعد، صندوق بین المللی پول نظارت جامع بر عملکرد اقتصادی کشورهای عضو و نظارت بر عملکرد اقتصادی کلیه کشورهای جهان را بر عهده گرفته است. صندوق کمک های فنی گسترده ای نیز به کشورها ارائه می کند. این صندوق در سال های اخیر طرح های گوناگونی را به منظور ترویج کارایی و ثبات در بازارهای مالی جهانی تدوین کرده است.

**سازمان بین المللی کمیسیون های اوراق بهادار (IOACO) :** این سازمان در سال 1984 تأسیس شد و دفاتر مرکزی آن در مونترال کانادا قرار دارند. 158 نهاد رسمی نظارتی اوراق بهادار و اتحادیه تجاری (بدون حق رأی) و سایر نهادها تا سال 1999 در این سازمان عضویت داشته اند. هدف این سازمان ترویج معیارهای کلی در زمینه تدوین مقررات مربوط به بازارهای سهام قرضه، نظارت موثر بر معاملات اوراق بهادار فرامرزی، و تقویت همکاری بین بازارهای اوراق بهادار برای شناسایی و مجازات جرائم است.

**سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) :** این سازمان در سال 1992 تأسیس شد و دفاتر مرکزی آن در پاریس قرار دارد. 29 کشور صنعتی برخوردار از نظام اقتصادی پیشرفته تا سال 2000 در این سازمان عضویت داشته اند. این سازمان عرصه مناسبی برای انجام رایزنی های چند جانبه بین دولتی در مورد دامنه گسترده ای از مسائل اقتصادی و اجتماعی فراهم آورده است. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در اقدامات خود مسائل زیست محیطی، نظام مالیات، و فسادهای فرامرزی را به صورت خاص مورد توجه قرار داده است. دبیرخانه این سازمان در دوره های زمانی معین از عملکرد کلان اقتصادی هر یک از اعضا ارزیابی به عمل می آورد و پیشنهادهایی درباره تغییر سیاست های اقتصادی ارائه می کند.

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD): این سازمان در سال 1964 تأسیس شد و دفاتر مرکزی آن در ژنو قرار دارند. 188 کشور تا سال 2000 عضو این سازمان بوده اند. آنکتاد تأثیر تجارت جهانی بر توسعه اقتصادی به ویژه در کشورهای جنوب را زیر نظر دارد. این سازمان در دهه 1970 عرصه مهمی برای بحث درباره نظام اقتصادی بین المللی جدید فراهم کرد.

گروه بانک جهانی (WBG): مجموعه ای از 5 نهاد که اولین آنها در سال 1945 تأسیس شد و دفاتر مرکزی آن در واشنگتن دی سی قرار دارد. بانک جهانی، توسعه در کشورهای با درآمد متوسط و پایین را از طریق اجرای پروژه های وام دهی، برنامه های تعدیل ساختاری و ارائه خدمات مشاوره ای گوناگون ترویج می نماید.

سازمان تجارت جهانی (WTO): این سازمان در سال 1995 تأسیس شد و دفاتر مرکزی آن در ژنو قرار دارد و 140 کشور تا سال 2000، عضو آن بوده اند. سازمان تجارت جهانی به صورت یک نهاد دائمی، جایگزین گات شد زیرا گات نهادی موقت بود. این سازمان دستور کار وسیع تری شامل خدمات، مالکیت معنوی و مسائل مربوط به سرمایه گذاری و همین طور تجارت کالا را مورد توجه قرار می دهد. سازمان تجارت جهانی از طریق سازوکار حل اختلافات از اختیارات اجرایی بیشتری برخوردار شده است. گروه بررسی سیاست های تجاری وابسته به این سازمان نظارت بر تدابیر و اقدامات تجاری کشورهای عضو را بر عهده دارد.

### نهادهای برتون وودز: صندوق بین المللی پول و بانک جهانی

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در سال 1946 و پس از مذاکراتی که در زمان جنگ و در برتون وودز واشنگتن دی سی ایالات متحده بین سران (کشورهای مخالف یکدیگر) انجام شده بود، تأسیس شدند. صندوق بین المللی پول به منظور تقویت همکاریهای پولی بین المللی و حل مسائل اقتصادی دوره بین دو جنگ (جهانی) ایجاد شد؛ اگر چه باید گفت، بسیاری از این عملکردها با فروپاشی نظام برتون وودز در سال 1971 به پایان رسید. امروزه 183 کشور عضو صندوق بین المللی پول هستند که هر کدام سهم خود را به سازمان (متناسب با میزان اقتصاد خود) می دهد که همین سهمیه پرداختی، درصد حق رأی و میزان منابعی که آنها می توانند به طور خودکار به آن دسترسی داشته باشند را مشخص می سازد. صندوق بین المللی پول از دهه 1980 به نهادی تبدیل شد که به اقتصادهای در حال توسعه و در حال گذار کمکهای مالی و فنی ارائه می کند. شرایطی که کشورها در قالب آن کمک دریافت می کنند شامل این است که دولت باید متعهد باشد تا «شرایط» خاص یا اصلاحات سیاسی را اجرا کند که «مشروط بودن» نام دارد. آنچه را که ما امروزه بانک جهانی می نامیم به نام بانک بین المللی بازسازی و توسعه (IBRD) بود و به عنوان نهادی برای تشویق بازسازی اروپای جنگ زده و ایجاد توسعه در بقیه دنیا آغاز به کار کرد. بانک جهانی از آن زمان تاکنون به بزرگترین منبع دنیا جهت ارائه کمکهای توسعه تبدیل شده است و هر ساله حدود 16 میلیارد دلار وام از طریق بانک بین المللی بازسازی و توسعه (IBRD)، انجمن بین المللی توسعه (IDA)، شرکت مالی بین المللی (IFC) و آژانس چند جانبه ضمانت (MIGA) به کشورهای عضو واجد شرایط می پردازد. بانک جهانی نیز همانند صندوق بین المللی پول از اعضای خود می خواهد تا اصلاحات خاصی را در اقتصاد خود به وجود آورند. اخیراً از کشورهای دریافت کننده وام خواسته می شود تا پابندی خود را به کاهش فقر در کشورهای خود نشان دهند. به استثنای انجمن بین المللی توسعه (که منابع مالی خود را از طریق اعانه به دست می آورد) منابع بانک جهانی از انتشار اوراق قرضه در بازارهای بورس حاصل می گردد. تضمین این اوراق قرضه به وسیله دولتهای عضو این نهاد انجام می شود.

### نظام «برتون وودز» و فروپاشی آن

«نظام برتون وودز» چه بود؟ در کنفرانس برتون وودز در سال 1944 موافقت شد که واحد پولی کشورها در ارزش معینی، ثابت گردد. آنها در برابر دلار ثابت می شدند و ایالات متحده متعهد شد تا 35 دلار را به یک اونس طلا تبدیل سازد. به

عبارت دیگر نرخ مبادله در پایه دلار - طلا ثابت شد. در نظام برتون وودز هر کشوری که می خواست ارزش واحد پولی خود را تغییر دهد، مجبور بود تا اجازه صندوق بین المللی پول را به دست آورد. نتیجه، نرخ مبادله ثابت و تغییر ناپذیر بود. «فروپاشی» ایین نظام چه بود؟ در آگوست 1972 دولت آمریکا اعلام کرد که تبدیل پذیری 35 دلار در مقابل یک اونس طلا را به حالت تعلیق ر خواهد آورد. این اقدام طلا را از پایه دلار - طلا خارج ساخت و مسیر را برای «شناور» ماندن واحدهای پولی عمده - به جای آنکه در ارزش ثابتی نگه داشته شوند - هموار کرد. همچنین ایالات متحده در آگوست 1971 اعلام کرد که قصد دارد تا 10 درصد مالیات اضافی بر تعرفه وارداتی وضع کند (تا تراز تجاری را با کاهش واردات که به ایالات متحده سرازیر می شد، بهبود بخشد و جلوی خروج دلار را به بقیه دنیا بگیرد). بنابراین اصل برتون وودز درباره حمایت از تجارت آزاد در دوران مشکلات اقتصادی، نقض می شد.

آیا این واقعه نشانه ای از افول هژمونی ایالات متحده بود؟

یک دهه بعد از فروپاشی نظام برتون وودز بسیاری از دانش پژوهان برجسته در این مورد بحث کردند که آیا این تغییر نشان دهنده کاهش قدرت ایالات متحده بود یا در واقع تمرین قدرت (این کشور) محسوب می شد. به اعتقاد برخی، فروپاشی این نظام اعمال رهبری ایالات متحده بود: «هژمونی ایالات متحده نظام برتون وودز را از آن جهت نابود ساخت تا آزادی اقدامات اقتصادی و سیاسی خود را بیشتر سازد». برخی دیگر معتقدند که ایالات متحده توانایی خود را جهت تقویت این نظام از دست داده بود، اما توضیح آنها این بود که به هر حال یک رژیم بدون هژمونی هم می تواند باقی بماند. در قلب این بحث درباره اینکه آیا همکاری در اقتصاد سیاسی بین الملل به یک دولت وابسته است - که هم می تواند و هم به دنبال آن است تا قواعد بازی را در مقابل دولتهایی که به دنبال لغو و تنظیم همان قواعد هستند، تدوین و تقویت سازد - موافقت وجود ندارد. بحث درباره ماهیت همکاری ها، امروزه هم در توضیحات مختلف درباره نهادهای بین المللی ادامه دارد.

### نظام تجاری بعد از جنگ، گات و سازمان تجارت جهانی

موافقتنامه کلی درباره تعرفه و تجارت (GATT) موافقتنامه موقتی بود که در سال 1947 به این امید به امضا رسید که سازمان بین المللی تجاری دیگری جایگزین آن شود. سازمان تجارت دائمی تا سال 1994 به وجود نیامد و بنابراین برای چهار دهه گات موقتی به عنوان توافقی بین «دولتهای امضاء کننده» باقی ماند که از سوی دبیرخانه کوچک خود در ژنو و بودجه ناچیز حمایت می شد. ماهیتاً گات چارچوبی برای مذاکرات تجاری بود که چند روز گفتگوهای آن در دور موفق

کندی در سال 1967-1962 نتیجه داد و موفقیت‌هایی در زمینه کاهش موانع تجاری بین کشورهای صنعتی به دست آمد. با این حال هنگامی که سیاست حمایتی در دهه 1970 پدیدار شد گات در محدود ساختن اعضای قدرتمند خود مانند ایالات متحده و کشورهای اروپایی ناتوانی خود را نشان داد و نتوانست آنها را از محدود سازی تجارت (به عنوان مثال موافقتنامه مولتی فیبر در سال 1974 که واردات منسوجات را محدود می ساخت) و سوء استفاده از بعضی انتظارات و تدابیر حمایتی که در این موافقتنامه نوشته شده بود، باز دارد. همچنین گات به عنوان چارچوبی برای حل اختلافات عمل می کرد (یعنی از قوانین تجاری) با این حال از این لحاظ که برای تصمیم گیری درباره حل اختلافات، رسیدن به اجماع (در گات) ضروری بود، همین محدودیت آن را کند و منفعل ساخته بود. سازمان تجارت جهانی در نتیجه موافقت به وجود آمده در دور آخر گفتگوها، یعنی دور اروگونه (94-1986) جایگزین گات شد. این سازمان در اول ژانویه 1995 تأسیس شد و عملکردهای آن از این قرارند: نظارت بر موافقت‌های تجاری WTO؛ چارچوبی برای مذاکرات تجاری؛ حل اختلافات تجاری؛ نظارت بر سیاست‌های تجاری ملی؛ کمکها و آموزش های فنی برای کشورهای در حال توسعه و همکاری با دیگر سازمان های بین المللی، دبیرخانه این سازمان با 500 کارمند در ژنو واقع است.

### برخی از رویدادهای مهم در تاریخ روند جهانی شدن

سال پیش از میلاد ظهور اولین ادیان جهانی	
1522 اولین دریانوردی در سطح کره زمین	
دهه 1700 متفکران عصر روشنگری تخمین می زنند که برای وحدت اجتماعی جهان روندی در حال شکل گیری است.	
اولین نمایشگاه جهانی در لندن	
تأسیس اولین شعبه تولید در خارج از کشور	1852
تشکیل اولین نهاد نظارتی جهانی (اتحادیه بین المللی تلگراف)	1865
اولین کابل تلگراف دائمی فرااقیانوسی مورد بهره برداری قرار می گیرد.	1866
طرح هماهنگ سازی وقت در سطح جهان (نسبت به ساعت گرینویچ)	
اولین تماس تلفنی فرامرزی (بین لندن و پاریس)	
آغاز به کار اولین خط هوایی فرامرزی با برنامه زمان بندی از پیش تعیین شده .	
نهادینه شدن اولین تشکیلات مالی خارج از کشور (در لوکزامبورگ)	
اولین پخش رادیویی جهانی (سخنرانی جورج پنجم در مراسم گشایش کنفرانس دریایی لندن که به طور همزمان برای 242 ایستگاه رادیویی در شش قاره جهان پخش شد)	
تأسیس سازمان ملل متحد	
ساخت اولین رایانه دیجیتال	
پیدایش سفرهای گروهی در تعطیلات، زمینه را برای پیدایش گردشگری جهانی در مقیاسی وسیع فراهم می کند.	

تأسیس اولین منطقه صادراتی (در ایرلند)	
آغاز تولید سیگار مارلبورو در سطح جهان	
گشایش اولین رستوران مک دونالد	
اولین ارتباط تلفی از طریق کابل فرآقیانوسی	
پیدایش موشک های بالستیک بین قاره ای	
1957	آخذ اولین وام به ارز اروپایی (به وسیله یکی از بانکهای
	اتحاد شوروی در بازار لندن به دلار آمریکا)
	مارشال مک لوهان اصطلاح «دهکده جهانی» را ابداع می کند.
1962	پرتاب اولین ماهواره مخابراتی
1963	ظهور شماره گیری مستقیم به وسیله خطوط تلفنی فرامرزی
1963	آخذ قرضه اروپایی (توسط یک وام گیرنده در ایتالیا، به دلار
	آمریکا از بازار لندن)
	انتشار اولین عکس های گرفته شده فضایی از سیاره زمین
	ساخت اولین جت مسافری با گنجایش زیاد (بوئینگ 747)
	ایجاد اولین شبکه رایانه ای در مقیاس گسترده (شبکه آرپانت متعلق به ارتش آمریکا)
	تأسیس اولین بازار بورس تمام الکترونیک (سیستم NASDAQ مستقر در ایالات متحده)
1972	اولین کنفرانس جهانی درباره بوم شناسی (کولوژی)
	(کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست بشری)
	دولت ایالت متحده کنترل بر معاملات ارزهای خارجی را لغو می کند
	(دیگر کشورها در سال های بعد به آمریکا تاسی می جویند)
1976	پرتاب اولین ماهواره پخش مستقیم (به عبارت دیگر ماهواره ای که
	امواج آن توسط آنتن های نصب شده بر روی بام منازل قابل دریافت
	بود)
1977	اولین استفاده تجاری از کابل های فیبرنوری که قابلیت های
	ارتباطات تلفنی را به مقدار قابل ملاحظه ای بالا برد.
1977	ایجاد سیستم سوئیفت (SWIFT) برای انتقال وجه بین بانکی به صورت الکترونیک در سطح جهان
1987	پیدایش یک (سوراخ اوزون) تقریباً کامل بر فراز قطب جنوب در سطح جهان زنگ خطر زیست محیطی را به صدا در می
	آورد.
1987	سقوط بازار بورس در وال استریت یک شبه به سراسر جهان گسترش می یابد.
1991	ظهور شبکه جهانی اینترنت
1997	اتمام احداث شبکه کابل نوری دائم در سراسر جهان
1999_2000	شکل گیری اعتراضات ضد جهانی شدن و مخالفت با نهادهای اقتصادی جهانی

نمونه سوالات تستی

۱- براساس (نظام برتون وودز) ریشه های پیدایش فقر در کشورهای جنوب را باید در سیاست های اقتصادی ..... جستجو نمود.

(1) دولت ها (2) سازمان ملل متحد (3) مرکانتالیست ها (4) نئولیبرال ها

۲- آثار مثبت سرمایه گذاری خارجی در کشورهای جهان سوم .... است.

(1) اشتغال زایی (2) گسترش بازار خارجی (3) رکورد بازار داخلی (4) افزایش واردات کالاهای مصرفی

۳- شرکت های خارجی در فرآیند جهانی شدن تمایل به ..... پیدا می کنند.

(1) واردات بیشتر (2) صادرات بیشتر (3) کاهش سرمایه در گردش خود (4) افزایش نیروی انسانی در استخدام خود

۴- مهمترین مخالفین جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه، نهادهایی هستند که:

(1) در مسایل تجاری و کشاورزی تمرکز فعالیت دارند.  
(2) در مسایل کشاورزی و صنعتی تمرکز فعالیت دارند.  
(3) در مسایل صنعتی و اداری تمرکز فعالیت دارند.  
(4) همکاری متقابل با خارج، سوددهی آنها را کاهش می دهد.

۵- در فرایند جهانی شدن، افراد، نهادها و کشورهای ..... به حاشیه رانده می شوند.

(1) صاحب خدمات اجتماعی (2) صاحب صنایع متوسط (3) صاحب کشاورزی (4) ناکارآمد

۶- میزان سهم (کشورهای شمال یا صنعتی) در تجارت جهانی در دهه ی ۱۹۹۰ چند درصد است؟

(1) 60 (2) 65 (3) نزدیک 70 (4) نزدیک به 80

۷- کدام گزینه از ویژگی های جهانی شدن اقتصادی نمی باشد؟

(1) برداشتن موانع ملی امور اقتصادی (2) رشد فزاینده قدرت شرکت های چند ملیتی  
(3) گسترش بین المللی فعالیت های تجاری (4) بخشودگی بدهی های کشورهای جهان سوم



۸- از میان جنبه های سه گانه آزادسازی در بحث جهانی شدن، کدام یک بیشتر مورد توجه است؟

- (1) آزاد سازی مالی  
(2) آزاد سازی تجاری  
(3)  
(4) آزادسازی سرمایه گذاری  
(4) آزادی سازی واردات

۹- در بحث جهانی شدن، بیشتر سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در کدام کشورها صورت گرفته است؟

- (1) توسعه نیافته  
(2) توسعه یافته  
(3) آفریقایی  
(4) آمریکای لاتین

۱۰- مهمترین و عمده ترین مشخصه فرایند جاری جهانی شدن عبارت از جهانی شدن سیاست های ملی و ساز و کارهای ..... می باشد.

- (1) تصمیم گیری  
(2) اقتصادی  
(3) سیاسی  
(4) سرمایه گذاری

۱۱- کدام نهاد هم اکنون در فرایند جهانی شدن تأثیر چندانی ندارد؟

- (1) بانک جهانی  
(2) صندوق بین الملل پول  
(3) سازمان تجارت جهانی  
(4) گات

۱۲- کدام گزینه جزء نهادهای برتون وودز نمی باشد؟

- (1) گات  
(2) بانک جهانی  
(3) صندوق بین المللی پول  
(4) سازمان تجارت جهانی

۱۳- در بحث جهانی شدن، لسه فر (Laissez-faire) به چه معناست؟

- (1) آزادسازی سیاسی  
(2) آزادی اقتصادی  
(3) ارتباطات جهانی  
(4) پول واحد جهانی

۱۴- کشورهای در حال توسعه در سطح بین المللی در قالب چه مجامعی از یک سازماندهی نسبی برخوردار شده اند؟

- (1) گروه 77- بانک جهانی  
(2) جنبش غیرمتعهدها - گروه 77  
(3) گروه G8- گروه 77  
(4) بانک جهانی - گروه G8

۱۵- واژه جهانی شدن از کدام دهه وارد ادبیات سیاسی جهان شد؟

- (1) دهه 1960  
(2) نیمه دهه 1970  
(3) دهه 1980  
(4) دهه 1990

۱۶- کتاب سه گانه (عصر اطلاعات) مربوط به کدام دانشمندان فعال در زمینه جهانی شدن می باشد؟

- (1) والرشتاین  
(2) کاستلز  
(3) هابرماس  
(4) فوکویاما



۱۷- بزرگترین منطقه اقتصادی جهان، ..... است.

- (1) اروپای غربی (2) آسیای جنوب شرقی (3) آمریکای شمالی (4) آمریکای مرکزی

۱۸- براساس کدام نظریه، بازار آزاد و آزادسازی اقتصاد مناسبترین سیاست برای توسعه است؟

- (1) لیبرال ها (2) سبزاها (3) نئومارکسیست ها (4) کارکردگراها

۱۹- کدام دانشمند، جهانی شدن سرمایه داری را از موجبات اصلی رکود ۲۵ سال گذشته در سطح جهانی به حساب می آورد؟

- (1) والرشتاین (2) کاستلز (3) هابرماس (4) سمیرامین

۲۰- درباره‌ی علل گسترش شهرنشینی، کدام گزینه صحیح است؟

(1) تلاش برای کسب سود و تجارت

(2) رشد و توسعه تجارت جهانی

(3) گسترش صنایع و تکنولوژی جدید

(4) گسترش مناسبات سرمایه داری و رشد تجارت و صنعت

۲۱- کشورهای توسعه یافته کنونی رشد اقتصادی خود را با توجه به چه مسائلی آغاز کردند؟

- (1) سودهای گمرکی (2) آزادی تجارت (3) صنایع سنگین (4) صنایع مصرفی

۲۲- یک نمونه از کشورهای جهان سوم برتر، کشور ... است.

- (1) مراکش (2) ترکیه (3) پرتغال (4) تانزانیا

۲۳- ..... می گوید جامعه ای مدرن محسوب می شود که بخش اعظم جمعیت آن در شهرها ساکن باشند.

- (1) لرنر (2) مور (3) مک کله لند (4) جرال د بریز

۲۴- (گات) عنوان قدیمی کدام یک از نهادهای زیر می باشد؟

- (1) بانک جهانی (2) سازمان تجارت جهانی (3) صندوق بین المللی پول (4) یونسکو

۲۵- از دانشمندان فعال در زمینه تجارت جهانی شدن، ... است.

- (1) هانتینگتون (2) ریچارد هاس (3) فوکویاما (4) کاستلز

### پاسخنامه سوالات تستی

- 1- گزینه 1 صحیح می باشد.  
ریشه های فقر در جهان سوم در سیاست های اقتصادی دولت ها
- 2- گزینه 1 صحیح می باشد.  
اثر مثبت سرمایه گذاری خارجی = اشتغال زایی
- 3- گزینه 2 صحیح می باشد.  
شرکت های خارجی در فرایند جهانی شدن تمایل به صادرات بیشتر دارند.
- 4- گزینه 4 صحیح می باشد.  
مخالفین جهانی شدن نهادهایی هستند که همکاری متقابل با خارج، سوددهی آنها را کاهش می دهد.
- 5- گزینه 3 صحیح می باشد.
- 6- گزینه 4 صحیح می باشد.
- 7- گزینه 4 صحیح می باشد.  
میزان سهم کشورهای شمال در تجارت در دهه 1990 = نزدیک به 80 درصد
- 8- گزینه 1 صحیح می باشد.  
بخشودگی بدهی های کشورهای جهان سوم از ویژگی جهانی شدن نمی باشد.
- 9- گزینه 2 صحیح می باشد.  
آزاد سازی مالی
- 10- گزینه 1 صحیح می باشد.
- 11- گزینه 4 صحیح می باشد.  
جهانی شدن تصمیم گیری = مهمترین مشخصه جاری جهانی شدن
- 12- گزینه 1 صحیح می باشد.  
گات که عنوان قدیمی سازمان تجارت جهانی می باشد.  
نهادهای برتون وودز (بانک جهانی - صندوق بین المللی پول - سازمان تجارت جهانی)

- 13- گزینه 2 صحیح می باشد.
- لسه فر= آزادسازی اقتصادی
- 14- گزینه 2 صحیح می باشد.
- کشورهای در حال توسعه در قالب گروههای= جنبش غیر متعهد و گروه 77
- 15- گزینه 2 صحیح می باشد.
- واژه جهانی شدن= از نیمه دهه 1970
- 16- گزینه 2 صحیح می باشد.
- کتاب سه گانه (عصر اطلاعات) = کاستلز
- 17- گزینه 3 صحیح می باشد.
- منطقه آمریکای شمالی
- 18- گزینه 1 صحیح می باشد.
- 19- گزینه 4 صحیح می باشد.
- 20- گزینه 4 صحیح می باشد.
- رشد شهرنشینی= گسترش مناسبات سرمایه داری و رشد تجارت و صنعت
- 21- گزینه 2 صحیح می باشد.
- 22- گزینه 2 صحیح می باشد.
- جهان سوم برتر= ترکیه
- 23- گزینه 1 صحیح می باشد.
- دانیل لرنر= شهرنشینی
- 24- گزینه 2 صحیح می باشد.
- گات: سازمان تجارت جهانی
- 25- گزینه 4 صحیح می باشد.
- کاستلز از دانشمندان فعال در زمینه جهانی شدن



## نکات مهم

### نکات مهم جهان سوم و مسائل آن

- شکست کنفرانس وزرای سازمان تجارت جهانی (WTO) در سیاتل آمریکا در سال 1999
- فقدان منافع محسوس برای اغلب کشورهای در حال توسعه
- گشوده شدن بازارها - خسارت های ناشی از آزاد سازی شتابان تجاری و مالی - نابرابری فزاینده ثروت و فرصت ها، همگی از عوامل جهانی شدن و پیامدهای آن می باشد.
- بحران مالی شرق اسیا در سال 1997 اتفاق افتاد.
- دهمین کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد در بانکوک (فوریه 2000)
- مهمترین ویژگی های جهانی شدن اقتصادی: برداشتن موانع ملی امور اقتصادی - گسترش بین المللی فعالیت های تجاری، مالی و تولیدی - رشد فزاینده قدرت شرکت های فراملیتی و نهادهای ملی بین المللی
- نهادهای برتون وودز (بانک جهانی - صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی)
- مدل لسه فر (Laissez-faire): آزادی اقتصادی
- برنامه عمران ملل متحد (United Nations Development program (UNDP
- مشکلات اصلی عدم تحقق منابع پیش بینی شده برای کشورهای در حال توسعه از دور اورگوئه:
- تداوم حداکثر تعرفه ها - عدم موفقیت حذف تدریجی سهمیه منسوجات - افزایش موانع غیر تعرفه ای از قبیل شیوه های ضد دامپینگ - تداوم حمایت شدید در بخش کشاورزی
- حقوق مالکیت معنوی (IPR) Intellectual property Rights
- مالیات توبین (Tobin Tax) = مالیات اندکی (0/25%) است که بر مبادلات ارزی بین المللی تحمیل می شود.
- سازمان های اقتصادی منطقه ای جنوب (آسه آن - سارک - سادک - مرکوسور - کریکوم)
- دهه 1960 میلادی = دهه توسعه نام گرفت.
- ماهیت و هدف اصلی نظام برتون وودز = محدود شدن فقر
- سازمان نفتا = تجارت آزاد آمریکای شمالی

- مهمترین نهاد اقتصادی بین المللی = سازمان تجارت جهانی (WTO)
- چین و آمریکا از بزرگترین تولید کنندگان گازهای گلخانه ای هستند.
- رهیافت نخبه گرایانه برای پیشرفت جهان سوم یک پیام مهم را در بردارد:  
اولین قدم در پیشرفت، خانه‌ی تکانه نهاد دولت است.
- توسعه یافتگی عمدتاً یک تحول داخلی و تابع حل بحران مشروعیت است و حل بحران مشروعیت، در یک کشور - ملت و یا جامعه، تحول و آموزش فرهنگی جدی می طلبد.
- نخبگان به دو گروه کلی تقسیم می شوند. نخبگان فکری و ابزاری
- نخبگان ابزاری صاحب قدرت سیاسی و اقتصادی هستند.
- نخبگان فکری افرادی هستند که اندیشه، فکر، روشهای بهینه، تئوری، آینده نگری و دور اندیشی تولید می کنند.
- مسئولیت اصلی در ایجاد تفاهم به عهده نخبگان ابزاری در یک جامعه است.
- صراحت فرهنگی: نمونه خاور دور
- اصول دوازده گانه توسعه سیاسی از نظر دکتر سریع القلم:
  - 1- فردگرایی مثبت باید تشویق شود.
  - 2- تفکر از زمینه های استقرایی قوی برخوردار باشد.
  - 3- تفکر، متاع عمومی و تخصص، متاع خاص باشد.
  - 4- آموزش مهمترین رکن برنامه ریزی جامعه باشد.
  - 5- عموم مردم، منطق و شیوه های کار جمعی را بیاموزند.
  - 6- هویت عمومی جامعه باید قوی و منسجم باشد.
  - 7- علاقه به جامعه و به دنبال آن، قانون پذیری در میان مردم بنیادی باشد.
  - 8- منافع هیئت حاکمه با مصالح و منافع عمومی مردم همسو باشد.
  - 9- دولت تنها منبع فرهنگ اجتماعی نباشد و نهادهای غیر دولتی در نظام اجتماعی موثر و فعال باشند.
  - 10- آرامش اقتصادی وجود داشته باشد.
  - 11- تصمیم گیری مبتنی بر اصلاح نگری و اصلاح پذیری باشد.



12- انتخاب افراد بر پایه رقابت، تواناییها و لیاقت صورت گیرد.

- ارگانسکی معتقد است توسعه دارای چهار مرحله است:

وحدت ملی - صنعتی شدن - رفاه ملی - وفور

- مشکلات ساختاری - سیاسی کشورهای جهان سوم از نظر دکتر سریع القلم:

1- منافع ملی

2- جوامع قشربندی شده

3- تحزب

4- اصل پاسخگویی

- مشکلات ساختاری - اقتصادی:

1- کارآیی

2- مطلوبیت

3- طبیعت گرایی

4- دید دراز مدت

5- سازماندهی اقتصادی

### معرفی سازمانهای اقتصادی صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی

این سازمان ها که مهمترین سازمانهای اقتصادی در جهان به شمار می روند، پس از جنگ جهانی دوم برای سامان بخشی به وضعیت اقتصادی جهانی، ایجاد ثبات، اعطای کمکهای هماهنگ برای ظرفیت سازی نهادی و انسانی کشورهای توسعه نیافته، افزایش همکاری اقتصادی کشورها، اعطای کمکهای فنی مرتبط با تجارت، تدارک و اعمال برنامه‌های مختلف اقتصادی و... به وجود آمدند که در این بخش به هر کدام از این سازمانها، با توجه به اهداف و برنامه هایشان پرداخته خواهد شد. اما از آنجایی که بیشتر، بررسی نتایج و تأثیرات برنامه ها و عملکرد آنها مدنظر می باشد، به طور مختصر به صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اشاره می شود ولی به دلیل اهمیت بیشتر سازمان تجارت جهانی در فرآیند روز افزون وابستگی اقتصادی کشورها، توجه دقیقتری به آن خواهد شد.

## صندوق بین المللی پول

در ژوئن 1994 در کنفرانس پولی و مالی بین المللی در برتن وودز، منشور صندوق بین المللی پول به همراه اساسنامه آن به تصویب رسید و در 27 دسامبر 1995 توسط 22 کشور که 80 درصد سهم کل بودجه صندوق را در اختیار داشتند، سند تأسیس این نهاد اقتصادی به امضا رسید.

اهداف و برنامه های صندوق بین المللی پول

اهداف صندوق بین المللی پول

اهداف صندوق بین المللی پول عبارتند از:

1- پیشبرد همکاریهای بین المللی از طریق یک نهاد همیشگی که موظف است برای مشاوره و تشریک مساعی در امور پولی بین المللی، تشکیلات لازم را تأمین کند.

2- تسهیل، توسعه و رشد متعادل تجارت جهانی و در نتیجه مشارکت در پیشبرد و منابع تولید کلیه کشورهای عضو به منظور رسیدن به تعادل اقتصادی

3- بهبود بخشیدن به ثبات تعادل ارزی به منظور ابقای ترتیبات تبادل منظم ارز میان اعضا و پیشگیری از کاهش ارزش پول ناشی از رقابت بین کشورهای عضو صندوق

4- مشارکت در ایجاد یک سیستم چند جانبه پرداخت ها در معاملات جاری میان کشورهای عضو و از میان برداشتن محدودیت های تبادل ارزش خارجی که رشد تجارت آزاد جهانی را مختل می کند.

5- ایجاد اعتماد و اطمینان در میان کشورهای عضو از طریق در اختیار قرار دادن منابع پولی عمومی به طور موقت و تحت شرایط ضمانتی و در نتیجه ایجاد امکان برای کشورهای عضو برای اصلاح و تصحیح تراز پرداخت ها بدون توسل به اقداماتی که برخی سبب کندی تجارت جهانی می شوند و برای پیشرفتهای ملی و یا بین المللی زیان بخش هستند.

6- صندوق وظیفه دارد که در موازنه پرداخت های بین المللی در کوتاه ترین زمان ممکن تعادل بوجود بیاورد. صندوق به دنبال تأمین مالی و ایجاد تعادل در تراز پرداخت های کشورهای عضو است.

صندوق می تواند عدم تعادل در تراز پرداخت های کشورهای عضو را با ذخیره ارزی خود از طریق وام دهی تصحیح کند.

شرایط صندوق بین المللی برای پرداخت وام به کشورها عبارتند از:

1- کاهش حجم پول داخلی در کشورهایی که انتشار بی رویه پول عمدتاً موجب تورم در آن کشورها می شود.

2- پایین آوردن سطح دستمزدها

3- تسهیل بازرگانی و سرمایه گذاری خارجی

4- افزایش نرخ بهره

5- کاهش ارزش پول داخلی به منظور واقعی نمودن نرخ ارز

6- کاهش هزینه های دولت

7- کاهش تعرفه های گمرکی و حذف سوبسید.

### بانک جهانی

در جولای 1994 از 44 کشور، 300 نماینده به مدت سه هفته در برتن وودز ایالت نیوهمپشایر آمریکا درباره سیستم پولی بین المللی مذاکره کردند که در نتیجه آن مذاکرات، بانک جهانی (بانک بین المللی ترمیم و توسعه) متولد شد. این بانک در ابتدا، مسئولیت بازسازی کشورهای اروپایی را پس از جنگ بر عهده گرفت و سپس ابزاری برای تأمین مالی توسعه اقتصادی کشورهای دیگر شد.

اهداف اصلی بانک جهانی عبارتند از:

1- اعطای اعتبار به کشورهای در حال توسعه و کمک به بازسازی اقتصادی این کشورها از طریق تأمین پروژه ها و هدایت

و راهنمایی کشورها در امر سرمایه گذاری، تعیین ظرفیت و ماهیت مالی پروژه ها

2- ارائه روش ها و راهکارهای مناسب به کشورهای عضو برای این که بتوانند سرمایه گذاران خارجی را به سرمایه گذاری

در آن کشور ترغیب کنند.

3- دستیابی کشورهای عضو به یک رشد متعادل در تجارت خارجی و برقراری تعادل در حساب پرداخت ها به وسیله ی

هموار کردن حرکت سرمایه به داخل کشور برای افزایش بهره وری، کارایی و توسعه منابع و امکانات تولیدی کشور.

در مجموع بانک جهانی با ایجاد نوعی خاص از سرمایه گذاری بین المللی، طرحها و پروژه های ترمیمی و یا عمرانی را که

جنبه تولیدی داشته باشند، از طریق اعطا و یا تضمین وام با نرخ های بهره پایین تأمین مالی می کند. این بانک می تواند

با موجودی سرمایه های خود که توسط اعضاء تأمین می شوند و همچنین از طریق تجهیز سرمایه های خصوصی که

اختصاص به کشورهای صنعتی توسعه یافته دارد، به اهداف فوق برسد.

بر طبق اساسنامه بانک اعضای اصلی بانک همان کشورهایی هستند که قبلاً به عضویت صندوق بین المللی پول درآمدند.

بانک در پرداخت وام ملاحظاتی را در نظر می گیرد و ممکن است از پرداخت وام به دلایل خاصی صرف نظر کند.

پیشینه و کارکرد سیاستهای اقتصادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در کشورهای جهان سوم

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تاکنون در بیش از 140 کشور جهان سیاستهای موسوم به تعدیل را اجراء کرده و یا در حال اجرا دارند که اصول این سیاستها به شرح زیر می باشند:

1- آزاد سازی تجارت خارجی، حذف کلیه محدودیتهای و عوارض گمرگی بر صادرات و واردات.

2- حذف کلیه سوبسیدهای غیر مستقیم

3- آزاد سازی نرخ بهره

4- لغو انحصارات دولتی و خصوصی

5- آزاد سازی نرخ ارز

6- جریان آزاد اطلاعات

7- جداسازی مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی

8- آزادسازی جریانهای سرمایه ای و...

سیاستهای تعدیل اقتصادی یا تعدیل ساختاری عبارت از مجموعه سیاستهایی که از اواخر دهه 1970 با تنظیم مجدد، توسط موسسات پولی و مالی بین المللی و عمدتاً به توصیه و تجویز صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای بازسازی حیات اقتصادی و اجتماعی کشورهای مختلف، بویژه جوامع توسعه نیافته تدوین شده است.

اهداف سیاستهای تعدیل اقتصادی عبارتند از:

1- کاهش یا حذف کسری موازنه پرداخت

2- برقراری نرخ رشد اقتصادی بالا

3- دستیابی به آن نوع تغییرات ساختاری که در آینده مانع بروز کسری در موازنه پرداخت ها و عدم ثبات اقتصادی می شود و در نهایت، افزایش قدرت انعطاف پذیری و انطباق پذیری اقتصاد، هم شرط و هم هدف سیاسی تعدیل به شمار می رود.

4- انعطاف پذیری در بازار کار و بازار عوامل تولید

5- سیاست کاهش ارزش پول

هدف بلاواسطه سیاست تعدیل این است که کشورها نباید بیش از آنچه به خارج می فروشند از آنها خرید کنند و در ضمن درآمدشان تا حدی باشد که قادر به بازپرداخت بدهی های خود شوند، بنابراین کالاهای صادراتی بیشتری فروخته

می شود، کالاهای خارجی کمتری وارد می شود ارزش پول کاهش می یابد تا با ارزان شدن کالاهای صادراتی، توان رقابتی آنها بیشتر شود.

تورم یا به عبارتی افزایش قیمت ها نیز همراه با کاهش قدرت خرید پول، مشکل بسیار مهمی است که معمولاً با بالا نگاه داشتن نرخ بهره و محدود کردن مقدار اعتبارات می کوشند با تور مقابله نمایند و مردم را به پس انداز بیشتر و مصرف کمتر تشویق کنند. تعدیل ساختاری تعیین می کند که هزینه های دولت ها برابر با سطح درآمدهایشان باشد. همچنان از دولتها خواسته می شود نقش خود را در اقتصاد کاهش بدهند تا راه برای کارایی بیشتر اقتصادی ناشی از آزاد شدن بازار از قید کنترل دولت هموار شود و عملاً این سیاست به معنای خصوصی سازی، لغو یارانه ها و حذف کنترل بر قیمتها می باشد. با اعمال این سیاستها کشورهای جهان سوم به تجارت بیشتر در بازارهای بین المللی تشویق و ترغیب می شوند. صادرات کالاها، به ویژه سنتی مانند قهوه، شکر و کاکائو تشویق می شود. با حذف موانع موجود بر سر واردات محصولات خارجی و دادن انگیزه های لازم از جمله بخشودگی مالیاتی، شرکت خارجی را به سرمایه گذاری ترغیب می کند.

### اهداف و ساختارهای سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی در اول ژانویه سال 1995 در ژنو سوئیس با مذاکرات دور اروگوئه (94\_1986) تشکیل شد و تا ژانویه سال 2002، 144 کشور به عضویت آن درآمدند.

گرچه اول ژانویه 1995 آغاز حیات سازمان تجارت جهانی است، اما از عمر نظام بازرگانی آن بیش از 50 سال می گذرد، زیرا از سال 1948 زمینه اجرای قواعد نظام بازرگانی در چارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (-GAAT GENERAL AGREEMENT ON TARIFFS & TRADE) فراهم شده بود. دومین اجلاس وزرا در ماه مه 1998 در ژنو برگزار شد که جشن 50 سالگی سیستم بود. طولی نکشید که موافقتنامه عمومی، یک سازمان غیر رسمی بین المللی را عملاً بنا نهاد و به صورت غیر رسمی به عنوان GAAT شناخته شد. طی سالها گات با دوره های مذاکراتی متعدد تحول یافت. آخرین و وسیعترین دور این مذاکرات، دور اروگوئه بود که 8 سال به طول انجامید و منجر به تأسیس سازمان تجارت جهانی شد.

هدف این سازمان، نظام دادن به تجارت جهانی است. مقررات و قواعد این سازمان نقش روز افزونی در تولید و توسعه کشورها پیدا کرده است. همچنین موافقتنامه های بسیاری به امضای کشورهای مختلف رسیده است که محور فعالیتهای این سازمان را تشکیل می دهد. هدف عمده این موافقت نامه ها کمک به جریان آزاد سازی تجارت و اطمینان دادن به

کشورها در برابر تغییرات ناگهانی سیاستهای تجاری است. علاوه بر آن حل و فصل منازعات و اختلافات بین اعضاء نیز بخش مهمی از فعالیتهای سازمان تجارت جهانی را تشکیل می دهد. موافقتنامه های سازمان قواعد حقوقی پایه را برای تجار بین المللی فراهم می سازد و حکومتها را وادار به تنظیم سیاستهای تجاری خویش در محدوده های پذیرفته شده می کند.

این قواعد به وسیله کشورها مذاکره شده و پذیرفته شده است و هدف اصلی آن مساعدت به تولید کنندگان کالاها و خدمات، صادرکنندگان و وارد کنندگان برای انجام داد و ستد است و مجمعی برای چانه زنی های بازرگانی می باشد. سازمان تجارت جهانی توسط کشورهای عضو اداره می شود و کلیه تصمیمات مهم و اصلی توسط اعضا یا از طریق کنفرانس وزرا که دست کم دو سال یکبار تشکیل می شود و یا از طریق مقامات رسمی سازمان، اتخاذ می شود. تصمیمات معمولاً بصورت اجماع اتخاذ می شوند و از این لحاظ WTO همانند سایر سازمانهای بین المللی اقتصادی شبیه به بانک جهانی و یا صندوق بین المللی پول نمی باشد. در WTO اختیارات به هیات مدیره تفویض نشده است و کاغذ بازی تأثیری بر سیاستهای ملی کشورها ندارد. نتیجه مذاکرات اعضا هنگامی مشخص می شود که مقررات سازمان، نظاماتی را برای کشورها وضع کند. مقررات توسط خود اعضا و براساس رویه های مورد توافق که راجع به آنها مذاکره شده است به اجرا در می آیند. پاره ای مواقع اجرای مقررات شامل تهدید به مجازات تجاری است ولی این مجازاتها را کشورهای عضو تحمیل می کنند نه خود سازمان.

کار روزمره بین کنفرانسهای وزرا به وسیله سه نهاد شورای عمومی، رکن حل اختلاف و رکن بررسی سیاست تجاری اداره می شود. موافقتنامه تاسیس WTO همه آنها را به عنوان شورای عمومی معرفی می کند هر چند وظایف مختلفی دارند. کلیه اعضا سازمان WTO در این سه مجموعه هستند و به کنفرانس وزرا گزارش می دهند. شورای عمومی از جانب کنفرانس وزرا به تمام امور رسیدگی می کند. این شورا همچنین به عنوان رکن حل اختلاف و رکن بررسی سیاست تجاری نیز عمل می کند تا روشهای حل اختلاف بین اعضا را نظارت کند و سیاستهای تجاری اعضا را بررسی نماید. در صورت امکان پذیر نبودن اجماع، موافقتنامه WTO اجازه رای گیری می دهد و هر کشور یک رای دارد و رای گیری براساس اکثریت انجام می شود.

سازمان تجارت جهانی دارای سه شورای دیگر در حوزه وسیع تجاری می باشد که موارد را به شورای عمومی گزارش می دهند؛ این سه شوراها عبارتند از:

شورایی برای تجارت کالا (شورای کالا)

شورایی برای تجارت خدمات (شورای خدمات)

شورایی برای جنبه های تجاری دارایی فکری (شورای TRIPS)

کلیه اعضاء WTO در آنها عضو هستند. این سه شورا خود دارای ارکان فرعی هستند.

شش رکن کوچکتر هم وجود دارند که به شورای عمومی گزارش می دهند و کمیته نامیده می شوند.

کمیته ها به موضوعاتی نظیر تجارت و توسعه، محیط زیست، ترتیبات تجاری منطقه ای و موضوعات اداری می پردازند.

عضویت در WTO به معنی موازنه حقوق و تکالیف می باشد. اعضا از امتیازاتی برخوردار می شوند که سایر کشورهای

عضو به آنها اعضا می نمایند و نیز از امنیتی برخوردار می شوند که مقررات تجاری برای این کشورها فراهم می نمایند. در

عوض آنان نیز متعهد می شوند که بازارهایشان را باز و مقررات را رعایت کنند.

هر کشور یا قلمرو گمرکی که از خود مختاری داخلی کامل در اداره سیاستهای تجاری برخوردار است، می تواند به این

سازمان بپیوندد، مشروط بر اینکه اعضای سازمان تجارت جهانی موافقت نمایند. تقاضای پذیرش باید مراحل را طی کند

تا با رای اکثریت دو سوم اعضا سازمان، به عضویت آن در آیند.

### دبیرخانه WTO - بودجه و وظایف آن

دبیرخانه سازمان تجارت جهانی دارای حدوداً 500 کارمند است و مدیر کل، آن را اداره می کند. دبیرخانه در ژنو واقع

است و وظایف آن شامل:

1- پشتیبانی فنی و اداری از ارکان سازمان به منظور انجام مذاکرات و اجرای موافقتنامه ها

2- پشتیبانی فنی از کشورهای در حال توسعه و خصوصاً با حداقل توسعه یافتگی

3- تحلیل عملکرد تجاری و سیاست تجاری توسط اقتصاددانان و آماردانان سازمان تجارت جهانی

4- تقاضای کمک از کارمندان حقوقی برای حل اختلافات تجاری که مربوط به تفسیر مقررات و روشهای سازمان است.

5- پرداختن به مسائل مذاکرات الحاق برای اعضای جدید و ارائه خدمات مشاوره ای به کشورها درباره عضویت.

بودجه سازمان از محل سهمیه اعضا براساس سهم آنها نسبت به کل تجارت کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی تأمین

می شود. قسمتی از بودجه سازمان به مرکز تجارت بین الملل تعلق دارد.

شایان ذکر است که وظیفه سازمان جهانی تجارت، وضع یا اجرای قوانین فنی و استانداردها نبوده و نیست. ترجیحاً این کار به وسیله دولتهای ملی، یا به طور مستقیم و یا از طریق نمایندگیهای استاندارد سازی انجام می شود. در این میان وظیفه سازمان محدود به این است که مطمئن شود استانداردهای ملی و قوانین فنی یا اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی با اهداف حمایتی مثلاً برای ترجیح محصولات داخلی بر محصولات وارداتی استفاده نمی شود.

### سیاستهای ویژه بانک تجارت جهانی WTO

وظایف اصلی WTO انجام مذاکرات تجاری و اجرای مقررات تجاری چند جانبه شامل حل اختلاف است. تمرکز عمده سازمان بر چهار سیاست اصلی می باشد که از این وظایف حمایت می کنند.

1- کمک ویژه به اقتصادهای در حال توسعه و در حال گذار

2- کمک ویژه برای افزایش صادرات

3- همکاری در سیاست گذاری اقتصادی در سطح جهانی

4- اطلاع رسانی در مواقعی که اعضا سیاست های جدید تجاری ارائه می کنند یا تدابیر قدیمی را تغییر می دهند.

### مزایای عضویت در WTO

1- به کارگیری موافقتنامه های سازمان جهان تجارت عمدتاً منجر به افزایش فرصتهای تجاری برای کشورهای عضو می شود.

2- اصول چند جانبه ای که سخت گیری شدیدتری به همراه دارند، محیط تجاری امن تر و قابل پیش بینی تری را تضمین می کنند و اطمینان بیشتری در روابط تجاری فراهم می آورند.

3- تنها اعضا می توانند از حقوق مندرج در موافقتنامه های سازمان استفاده نمایند.

4- موافقتنامه های سازمان شفافیت سیاستها و روشهای تجاری شرکای تجاری را قویا افزایش داده و بدین وسیله موجب ارتقای ثبات روابط تجاری می شود.

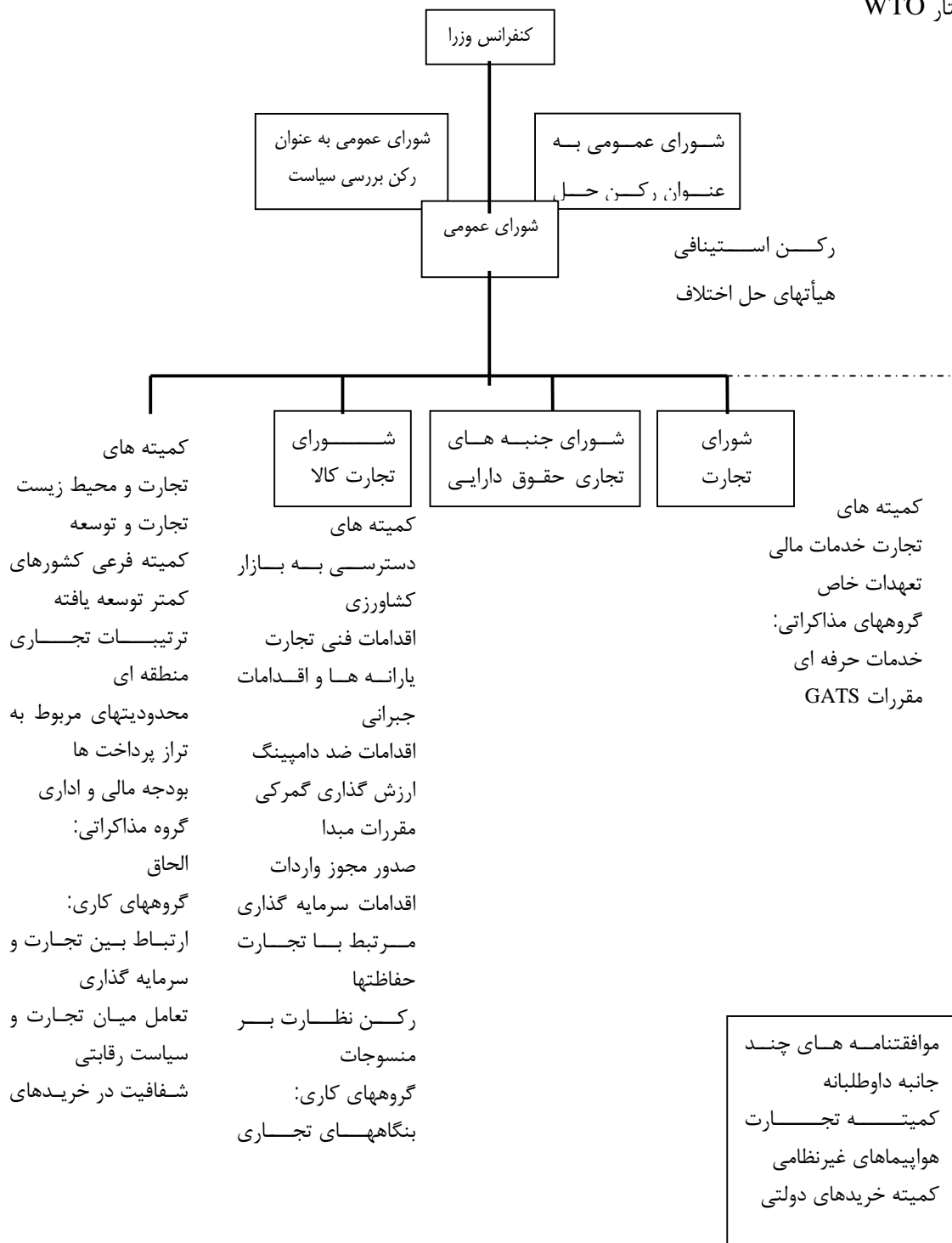
5- اعضا برای دفاع از منافع و حقوق تجاری خود به ساز و کار حل اختلاف دسترسی دارند.

6- عضویت از طریق مشارکت موثر در مذاکرات تجاری چند جانبه سازمان، باعث پیشرفت منافع تجاری و اقتصادی اعضا می شود.



برای آشنایی بیشتر با سازمان تجاری جهانی، چارت سازمانی WTO، نمودار تشریفات الحاق به سازمان تجارت جهانی و وضعیت عضویت کشورهای جهان در سازمان تجارت جهانی در صفحه‌های آتی آورده شده است.

ساختار WTO



کمیته‌های موافقتنامه‌های چند جانبه داوطلبانه فعالیت‌های خود را به شورای عمومی اعلام می‌کنند هر چند این موافقتنامه‌ها به وسیله‌ی همه‌ی اعضای WTO امضا نشده‌اند. شورای عمومی همچنین به عنوان رکن بررسی سیاست تجاری و رکن حل اختلاف تشکیل جلسه می‌دهد.

همه اعضای WTO می‌توانند در همه‌ی شوراها و غیره به جز رکن استینافی، هیأت‌های حل اختلاف، رکن نظارت بر منسوجات و کمیته‌ها و شورا‌های چند جانبه داوطلبانه، شرکت نمایند.

### مراحل فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی



## سه رهیافت موجود در خصوص فقر جهانی

نظام سازمان ملل	نظام برتون وودز	رهیافت سنتی شمال - جنوب	
- جهانی شدن و دوگانگی - محرومیت اجتماعی	- جهانی شدن و ادغام - همگرایی اقتصادی	دو قطبی شدن کشورهای ثروتمند و فقیر	دیدگاههای جهانی
کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه	کشورهای توسعه نیافته	کشورهای در حال توسعه	جغرافیای فقر
عوامل داخلی و خارجی (تضاد میان اهداف اقتصادی و نیازهای اجتماعی)	عوامل داخلی (فقدان سیاستهای اقتصادی مبتنی بر همگرایی با اقتصاد جهانی)	عوامل خارجی (اقتصاد جهانی و سلطه کشورهای توسعه یافته)	عوامل تعیین کننده فقر
- توسعه انسانی پایدار - برابری انسان ها	- آزاد سازی اقتصادی - اصل رقابت	نظم نوین اقتصادی بین المللی	نگرش سیاسی

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد - UNCTAD<sup>4</sup>

اندیشه تأسیس یک نهاد دایمی برای تجارت و توسعه در اوایل دهه 60 با توجه به تمایل کشورهای در حال توسعه مطرح شد و دهه 70-1960 دهه توسعه نام گذاری شد. پس از این که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال 1962 بر لزوم طرح مسائل تجاری بین المللی در یک کنفرانس خاص تأکید کرد، اولین کنفرانس تجارت و توسعه از ماه مارس تا ژوئن 1964 در ژنو تشکیل شد. این اقدام نهایتاً منجر به تشکیل آنکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد) به عنوان یک رکن فرعی و دایمی مجمع عمومی شد.

هدف آنکتاد تشویق و توسعه تجارت بین المللی به منظور سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی خصوصاً تجارت کشورهای هدف آنکتاد تشویق و توسعه قرار دارند، می باشد. همچنین آنکتاد به دنبال تدوین اصول و سیاست هایی است که بتواند ناظر بر امور تجارت بین المللی و مسایل مربوط به توسعه اقتصادی باشد. در این راستا، درصدد است با توجه به نظامهای مختلف اقتصادی کشورها پیشنهادهایی برای مورد اجرا گذاشتن سیاست های خود ارائه دهد.

علاوه بر هماهنگ ساختن فعالیت های مؤسسات و سازمان های موجود در امر تجارت بین المللی، آنکتاد این هدف را دنبال می کند که به عنوان مرکزی برای هماهنگ کردن فعالیت های تجاری در امور مربوط به سیاست توسعه اقتصادی ملتها و گروه بندی اقتصادی منطقه ای باشد.

<sup>4</sup>-United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد دارای چهار رکن است:

1- کنفرانس؛ 2- هیأت توسعه و تجارت؛ 3- کمیته های اصلی و فرعی؛ 4- دبیرخانه.

کنفرانس: کنفرانس، مهم ترین رکن آنکتاد به شمار می آید و به مثابه مجمع عمومی از کلیه دولت های عضو تشکیل می شود. اجلاس های این سازمان به توصیه هیأت تجارت توسعه با شرکت سران کشورها و وزیران امور خارجه و اقتصاد آنها هر سه یا چهار سال یکبار در محلی که هیأت مذکور تعیین می کند، برگزار می شود. در این اجلاس ها، پس از بررسی پیشنهادهای دولت های عضو درباره مسایل تجاری و اقتصادی بین المللی، خط مشی کلی یک دوره مورد بررسی و تصویب قرار می گیرد. گزارش اجلاس که حاوی کلیه قطعنامه ها و اعلامیه های تدوین شده خواهد بود، نهایتاً به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه می شود. البته هر یک از کشورهای عضو کنفرانس دارای یک رأی است.

هیأت توسعه و تجارت: این هیأت رکن دایمی آنکتاد است و دارای اجلاس های عادی و ویژه است. اجلاس های عادی آن معمولاً سالی یکبار برگزار می شود و اجلاس های ویژه هیأت بنا به درخواست اکثریت اعضای آن و به درخواست مجمع عمومی و یا کنفرانس تشکیل می شود. همچنین اجلاس ویژه هیأت می تواند به تقاضای پنج عضو کنفرانس یا شورای اقتصادی و اجتماعی، در صورت موافقت اکثریت هیأت، تشکیل شود.

وظایف هیأت وسیع و گسترده است. هنگامی که کنفرانس اجلاس ندارد، هیأت توسعه و تجارتی وظایفی را که در حوزه صلاحیت کنفرانس اجلاس ندارد، هیأت توسعه و تجارت وظایفی را که در حوزه صلاحیت کنفرانس قرار دارد، انجام می دهد. همچنین هیأت برای اجرای توصیه ها، اعلامیه ها، قطعنامه ها و دیگر تصمیمات کنفرانس برای اطمینان از تداوم کار آنها بررسی و اقدامات لازم را معمول خواهد داشت. برای این منظور به مطالعاتی دست زده و گزارش هایی در زمینه تجارت و مسایل مربوط به توسعه تهیه خواهد کرد. ارتباط نزدیک با کمیسیون های اقتصادی ملل متحد و دیگر کارگزاری های واقع در نظام ملل متحد از دیگر وظایف هیأت است. همچنین هیأت برای تشکیل اجلاس های این کنفرانس به عنوان کمیته های تدارکاتی انجام وظیفه کرده و توصیه هایی در باره تاریخ و محل مناسبت تشکیل اجلاس ارائه خواهد داد. هیأت باید هر سال از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی گزارش داده، کنفرانس را در جریان کارهای خود قرار دهد. هیأت، ارکان فرعی لازم را برای انجام وظایفش تأسیس خواهد کرد، بویژه کمیته کالاهای ساخته شده، کمیته اقلام نامرئی تجارت و تأمین مالی مربوط به تجارت را تأسیس خواهد نمود.

کمیته های اصلی و تشکیلات فرعی: کمیته های اصلی هیأت تجارت و توسعه عبارتند از: کمیته کالاها، کمیته کالاهای ساخته شده، کمیته اقلام نامرئی تجارت و تأمین مالی مربوط به تجارت، کمیته کشتیرانی، کمیته انتقال فن آوری و کمیته همکاری های اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه.

کمیته های مذکور زیر نظر هیأت توسعه و تجارت فعالیت می کنند. معمولاً باید سالی یکبار تشکیل جلسه دهند. ولی به موجب اصلاحیه ای که در قواعد آیین کار کمیته های اصلی در دوازدهمین اجلاس هیأت توسعه و تجارت صورت گرفته، مقرر شده است که کمیته های اصلی معمولاً دو اجلاس عادی در فاصله اجلاس های کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد برگزار کنند. تاریخ اجلاس های کمیته را هیأت تعیین می کند.

دبیرخانه: انکتاب دارای یک دبیرخانه دائمی است که در دبیرخانه ملل متحد استقرار یافته است و خدمات لازم را به کنفرانس، هیأت و تشکیلات فرعی آن ارائه می دهد.

در رأس دبیرخانه، دبیرکل کنفرانس قرار دارد که هر 4 سال یک بار بنا به پیشنهاد دبیرکل سازمان ملل متحد و تصویب مجمع عمومی انتخاب می شود.

### برنامه عمران ملل متحد - UNDP<sup>5</sup>

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 1965 بنا به توصیه شورای اقتصادی اجتماعی سازمانی را به نام «برنامه عمران ملل متحد» ایجاد کرد.

مخارج برنامه عمران ملل متحد از طریق کمک های داوطلبانه اعضای ملل متحد و کارگزاری های وابسته به آن تأمین می شود. این سازمان کار خود را رسماً از اول ژانویه 1966 آغاز کرد.

وظیفه برنامه عمران سازمان ملل متحد اعطای کمک های فنی چند جانبه و کمک به اجرای طرح های عمرانی در کشورهای در حال توسعه و رو به رشد است. هدف از تشکیل این سازمان این است که کشورهای در حال توسعه را در دستیابی به رشد اقتصادی و اجتماعی یاری دهد. فعالیت برنامه عمران ملل متحد تا حدودی جنبه عام دارد و برنامه مزبور در زمینه های اقتصادی، کشاورزی، صنعتی، تجاری، بهداشت، امور فرهنگی و آموزشی، خانه سازی و مسکن، حمل و نقل و ارتباطات می باشد.

<sup>5</sup> - United Nations Development programme (UNDP).

- برنامه عمران ملل متحد دارای سه رکن است: 1- شورای حکام، 2- مدیر برنامه عمران ملل متحد، 3- برنامه های وابسته. شورای حکام: این شورا دارای 48 عضو است. دوره عضویت دولت های عضو سه سال است. اعضای شورای حکام به وسیله شورای اقتصادی و اجتماعی انتخاب می شوند. اعضای مذکور بر مبنای توزیع جغرافیایی مناسب به شرح زیر انتخاب می شوند:
- کشورهای در حال توسعه: 27 کرسی (11 کرسی برای کشورهای آفریقایی، 9 کرسی برای کشورهای آسیایی و یوگسلاوی و 7 کرسی برای کشورهای آمریکای لاتین).
  - کشورهای توسعه نیافته: 21 کرسی (7 کرسی برای کشورهای اروپای غربی و سایر کشورها و 4 کرسی برای کشورهای اروپای شرقی)
- مدیر برنامه عمران ملل متحد: دبیرکل سازمان ملل متحد ضمن مشورت با شورای حکام مدیر عمران ملل متحد را تعیین می کند. این انتصاب باید به تأیید مجمع عمومی نیز برسد.
- برنامه های وابسته: برنامه های وابسته این سازمان که عموماً تحت عنوان صندوق ها ویژه فعالیت می کنند، عبارتند از:
- صندوق توسعه ملل متحد
  - صندوق ویژه ملل متحد برای کشورهای در حال توسعه فاقد ساحل
  - صندوق موقتی ملل متحد برای علم و تکنولوژی در جهت توسعه
  - صندوق جمعیت ملل متحد
  - صندوق توسعه ملل متحد برای زنان
  - صندوق امانی برای کشورهای مستعمره و مردم مستعمرات
  - صندوق ملل متحد برای کاوش منابع طبیعی
  - صندوق ملل متحد برای کمک به جبهه آزادیبخش
  - گروه کاری بین الدولی ویژه برای همکاری های فنی میان کشورهای در حال توسعه
  - واحد دواطلبانه ملل متحد

### جنبش عدم تعهد<sup>6</sup>

با پایان پذیرفتن جنگ جهانی دوم، کشورهای فاتح جنگ به ویژه ایالات متحده آمریکا و شوروی دچار اختلاف و رقابت شدند به طوری که این رقابت ها باعث شد که کشورهای جهان در یک جناح بندی کلی در بلوک شرق یا غرب قرار گیرند. در برابر این جناح بندی و روابط خصم آمیز ناشی از آن، برخی از کشورها خواهان بی طرفی خود بودند. ایده «عدم تعهد» نیز در این شرایط ظهور کرد و پس از چندی باعث تشکیل جنبش عدم تعهد شد.

رهبران چند کشور که خارج از دو بلوک شرق و غرب بودند سعی کردند که با گردهم آوردن کشورهای جهان سوم همبستگی خود را در مقابل دو بلوک شرق و غرب به نمایش بگذارند. رهبران مؤسس این جنبش جواهر لعل نهرو (هند)، مارشال تیتو (یوگسلاوی)، احمد سوکارنو (اندونزی) و جمال عبدالناصر (مصر) بودند. خصوصیات مشترک این چهار رهبر سیاسی در این بود که همه آنها مبارزات ضد استعماری داشتند و برای دستیابی به استقلال کشور خود مبارزانی سخت و طولانی انجام داده بودند.

اولین گردهم آیی اعضای جنبش عدم تعهد در کنفرانس باندونگ (اندونزی) در 18 آوریل 1955 صورت پذیرفت. در این کنفرانس نمایندگان 29 کشور در حال توسعه که غالباً از کشورهای آسیایی و آفریقایی بودند برای نخستین بار دور هم جمع شدند و به همین جهت آن را کنفرانس آسیایی و آفریقایی نیز نامیده اند. در این کنفرانس نطفه جنبش عدم تعهد منعقد شد و دو جبهه متفاوت حاضر در کنفرانس نیز که یکی خواهان مبارزه با استعمار (مانند هند و اندونزی) و دیگری خواهان مبارزه با کمونیسم (مانند پاکستان و سیلان) بودند، نقطه نظرات خود را به یکدیگر نزدیک کردند و در یک گروه فراگیر علیه استعمار و استثمار چه شرقی و چه غربی متحد شدند. اصول این جنبش به پیشنهاد جواهر لعل نهرو که بعد ها به اصول پنجگانه یا پنجشیرا شهرت یافت، در اعلامیه نهایی کنفرانس گنجانده شد، این اصول عبارت بودند از:

1- احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها

2- عدم تجاوز

3- عدم دخالت دولت ها در امور داخلی یکدیگر

4- مساوات کشورها

<sup>6</sup>-Non – Aligned Movement (NAM)



5- همزیستی مسالمت آمیز

جنبش عدم تعهد دارای ارکان و نهادهای زیر است:

1- کنفرانس سران: کنفرانس سران عالی ترین رکن سازمان به شمار می آید که هر سه سال یک بار در یکی از شهرهای یکی از کشورهای عضو تشکیل می شود.

از بدو تأسیس تا سال 2007، کنفرانس سران چهارده بار برگزار شده است:

کنفرانس بلگراد در یوگسلاوی سابق (1961)، قاهره (1964)، اوزاکا در زامبیا (1969)، الجزیره (1973)؛ کلمبو در سری لانکا (1976)، هاوانا (1979)، دهلی نو (1983)، حراره در زیمبابوه (1986)، بلگراد (1989)، جاکارتا در اندونزی (1992)، کارتاگنا (1995)، دوربان در آفریقای جنوبی (1988)، کوآلالامپور (2003) و هاوانا (2006).

2- ریاست گروه: عنوان ریاست گروه در جنبش عدم تعهد مشابه دبیر کل در سایر سازمان های بین المللی است. نحوه انتخاب رئیس گروه (یا دبیر کل جنبش) بدین ترتیب است که در هر کشوری که کنفرانس سران برگزار می شود، وزیر امور خارجه آن کشور به عنوان رئیس گروه غیر متعهدها برای مدت 3 یا 4 سال یعنی تا تشکیل کنفرانس بعدی به این مقام انتخاب می شود. با تغییر وزیر خارجه، ریاست نیز به وزیر جانشین انتقال می یابد.

3- کنفرانس وزیران: این کنفرانس هر سه سال یک بار با شرکت وزیران خارجه کشورهای عضو تشکیل می شود. در مواقع ضروری کنفرانس می تواند اجلاس های فوق العاده نیز داشته باشد.

4- دفتر هماهنگی کشورهای غیر متعهد: اعضای دفتر هماهنگی را وزیران خارجه یا نمایندگان دولت ها عضو تشکیل می دهند و در مواقع ضروری در فاصله کنفرانس های سران برپا می شود. وظیفه دفتر هماهنگی بررسی مسایل مورد علاقه دولت های غیر متعهد در زمینه های سیاسی یا اقتصادی و... است. و پرداختن به درخواست های جدید عضویت نیز از وظایف این دفتر است.

5- گروه های هماهنگی بین دولت ها: در جریان کنفرانس سران به منظور هماهنگ کردن برنامه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... دولت عضو، گروه های کاری مختلفی تشکیل می شود. وظیفه این گروه ها، بررسی موضوعات مختلف و تهیه گزارش های مربوط به آن و تسلیم به کنفرانس است. این گروه های کاری درباره مسایل زیر تشکیل می شوند: 1- مواد خام 2- تجارت 3- همکاری های پولی و مالی 4- ماهیگیری 5- حمل و نقل 6- ارتباطات راه دور 7- مؤسسات عمومی 8- بهداشت 9- پیشرفت های علمی و فنی 10- بهره برداری و توسعه منابع انسانی 11- نقش زن در

توسعه و عمران 12- نظام تحقیقاتی و اطلاعاتی 13- جهانگردی 14- مرکز اطلاعات کشورهای غیر متعهد 15- کاربرد صلح آمیز انرژی اتمی 16- ورزش.

6- جلسات سالانه‌ی وزیران خارجه در نیویورک: به منظور دستیابی به یک سیاست مشترک، وزیران خارجه کشورهای عضو جنبش در خلال اجلاس‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد گردهم می‌آیند. در گردهمایی وزیران خارجه جنبش عدم تعهد در نیویورک سعی می‌شود با نزدیک تر کردن مواضع دولت‌های عضو، جبهه واحدی در برابر مسایل بین‌المللی تشکیل شود. تجربه پنجاه ساله‌ی جنبش نشان می‌دهد که علی‌رغم نقش مهمی که به این حرکت می‌توانست در تقویت سیاسی و اقتصادی کشورهای جهان سوم ایفا نماید، به دلیل معایب و ضعف‌های مختلف جنبش نتوانست به اهداف پیش‌بینی شده دست یابد. عمده‌ترین ضعف‌های جنبش را می‌توان به قرار زیر بیان کرد:

1- اعضای جنبش از دولت‌های غیر متجانس تشکیل می‌شود و شرط اساسی جنبش که همانا عدم وابستگی به یکی از ابرقدرت‌ها است، رعایت نمی‌شود. در واقع، تعداد قابل توجهی از دولت‌های عضو به یکی از قطب‌های سیاسی جهان وابسته‌اند.

2- تصمیمات جنبش اصولاً براساس اتفاق آرا صورت می‌گیرد، این روش باعث می‌شود که با کوچکترین اختلاف نظر بین دولت‌های عضو، هیچگونه تصمیمی اتخاذ نشود.

3- از نقاط ضعف اساسی جنبش عدم تعهد، نداشتن دبرخانه، منشور و سازوکار سازمانی است تا بتواند مصوباتش را پیگیری کند. با وجود هماهنگی‌های غیر متعهدها در سازمان ملل متحد، این جنبش به علت نداشتن دبیرخانه‌ای ثابت هنوز نتوانسته زمینه اجرای مصوباتش را فراهم آورد. در سال‌های اخیر و بویژه پس از نشست دوربان (1998) سازوکاری تحت عنوان تروئیکای عدم تعهد شکل گرفت که در دو سطح وزیران امور خارجه و سران، رایزنی‌هایی را با اعضا برای اجرای مصوبات یا کم‌ترین پیگیری آن‌ها آغاز کرده است. در حال حاضر تروئیکای عدم تعهد متشکل از آفریقای جنوبی، مالزی و کوبا است (روسای سه اجلاس اخیر سران)

4- از نظر حقوقی، تصمیمات جنبش فاقد ضمانت اجرای لازم است و تنها پشتوانه آن افکار عمومی جهان است.

5- از نظر سیاسی، نفوذ قدرتهای بزرگ مانند آمریکا، انگلستان، چین، روسیه (شوروی سابق) موجب تفرقه و تشتت اعضای جنبش شده است.

6- دست بندی های سیاسی در داخل جنبش، مانند جناح کشورهای عربی، جناح کشورهای آفریقای سیاه و غیره، باعث اختلاف نظر شدید بین اعضا و عدم تصمیم گیری مناسب شده است.

جنبش عدم تعهد در حال حاضر دارای 118 عضو از سراسر جهان است که حدود دو سوم کشورهای عضو سازمان ملل متحد را شامل می شود.

### سازمان کنفرانس اسلامی<sup>7</sup>

در پی شکست اعراب در جنگ شش روزه (1967) از رژیم اشغالگر فلسطین، رژیم های محافظه کار عرب در موضعی تدافعی ناچار شدند تا برای خاموش ساختن آتش احساسات توده های مسلمان کشورها خود اقدامی ولو ظاهری و نمایشی انجام دهند. لذا کشورهای مزبور درصدد ایجاد سازمان کنفرانس اسلامی برآمدند. تشکیل سازمان به ابتکار ملک فیصل پادشاه عربستان صورت گرفت. سران کشورهای اسلامی پس از آتش سوزی مسجد الاقصی در اوت 1969 در گردهمایی خود در رباط (مراکش) در سپتامبر 1969 به سازمان مزبور موجودیت بخشیدند.

سازمان کنفرانس اسلامی تا سال 2008 در برگیرنده 57 کشور اسلامی می باشد. عضویت دو کشور افغانستان و مصر به دلیل اشغال نظامی افغانستان از سوی شوروی سابق و امضای معاهده کمپ دیوید با اسرائیل از سوی رژیم مصر از جانب کنفرانس به حال تعلیق در آمده بود اما در اجلاس چهارم سران کشورهای اسلامی در کازابلانکا (1984) مجدداً از مصر برای عضویت در کنفرانس دعوت به عمل آمد. همچنین در اجلاس هجدهم وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در ریاض (1989) تصمیم گرفته شد که کرسی افغانستان به مجاهدین افغانستان واگذار شود.

طبق اساسنامه سازمان کنفرانس اسلامی، اهداف این سازمان عبارتند از:

- ارتقاء همبستگی اسلامی میان کشورها؛ - تحکیم همکاری میان کشورهای عضو در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و علمی؛ - تلاش در جهت محو تبلیغات و جدائی های نژادی و از بین بردن استعمار در هر شکل آن - انجام اقدامات لازم به منظور حمایت از صلح بین المللی و امنیت متکی بر عدالت - هماهنگ ساختن همه کوشش هایی که به منظور حفاظت اماکن مقدس صورت می گیرد و پشتیبانی از مبارزات مردم فلسطین در کسب حقوق و آزاد ساختن سرزمین شان - ایجاد محیط مساعدی به منظور افزایش همکاری و تفاهم بین کشورهای عضو و سایر کشورهای جهان.

<sup>7</sup> - Organization of Islamic Conference (OIC)

سازمان کنفرانس اسلامی دارای چهار رکن به قرار زیر است:

1- کنفرانس سران کشورهای اسلامی 2- کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی 3- دبیرخانه سازمان 4- دیوان بین المللی عدالت اسلامی

1- کنفرانس سران: این نهاد عالی ترین رکن سازمان به شمار آمده و اجلاس های خود را هر چند سال یک بار در یکی از شهرهای یکی از دولت های عضو برگزار می کند. از بدو تأسیس تا سال 2008، ده کنفرانس سران برگزار شده است: کنفرانس رباط در مراکش (1969)، لاهور در پاکستان (1974)، طائف در عربستان (1981)، کازابلانکا در مراکش (1994)، تهران (1997)، دوحه در قطر (2000) و پوتراجایا در مالزی (2003).

البته، سه بار نیز کنفرانس فوق العاده سران تاکنون تشکیل شده است: اسلام آباد پاکستان (1997)، دوحه قطر (2003) و مکه (2005).

2- کنفرانس وزرای خارجه: این نهاد همه ساله یک اجلاس عادی در یکی از کشورهای عضو دارد. البته کنفرانس می تواند در صورت لزوم اقدام به تشکیل اجلاس فوق العاده نماید. تا ژانویه 2008؛ 34 اجلاس عادی و 12 اجلاس فوق العاده وزرای امور خارجه تشکیل شده است.

البته همه ساله در طول برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، اجلاس هماهنگی سازمان نیز به منظور اتخاذ سیاست های یکسان درباره ی مسایل مورد علاقه کشورهای عضو که در دستور کار مجمع قرار دارد در سطح وزرای خارجه کشورهای عضو تشکیل می گردد.

3- دبیر خانه سازمان: دبیر کل، ریاست کارکنان سازمان را به عهده دارد و انتخاب وی براساس رأی اکثریت دولت های عضو انجام می گیرد. در ابتدا دوره تصدی دبیرکل دو سال و قابل تمدید نیز بود ولی بعداً این مدت به چهار سال قابل تمدید افزایش یافت.

دبیرکل به عنوان بالاترین مقام دبیرخانه و سازمان های جانبی درمورد کارهای آنان در برابر کنفرانس مسئول است و درباره ی انجام وظایف خود به کنفرانس گزارش می دهد. وظایف دبیرکل عبارت است از: هماهنگی کنفرانس ها و جلسات سازمان، پیگیری و هماهنگی کار بخش های مختلف، پیگیری فعالیت های سازمان های غیر دولتی و تمامی کارهای دفتر دبیرکل، دبیرکل فعلی سازمان اکمل الدین احسان اوغلو از ترکیه است که از ژانویه سال 2005 به این سمت منصوب

شده است. مقر دبیرخانه براساس اساسنامه‌ی سازمان، شهر بیت المقدس خواهد بود اما تا زمان رفع اشغال از این شهر جده به طور موقت مقر دبیرخانه می باشد.

4- دادگاه بین المللی عدالت اسلامی: این رکن پیش از اجلاس پنجم سران کنفرانس اسلامی در کویت (987) وجود نداشت. در آن اجلاس با اصلاح ماده 3 منشور کنفرانس دادگاه مزبور به عنوان رکن چهارم کنفرانس اسلامی تعیین شد. این دادگاه از هفت قاضی تشکیل شد که از سوی وزرای خارجه کنفرانس اسلامی برای مدت 4 سال انتخاب می شوند. لازم به یادآوری است که اصلاح ماده 3 منشور و اساسنامه دادگاه هنوز به تصویب دو سوم دولت های عضو سازمان کنفرانس اسلامی نرسیده است و تاکنون فقط هفت دولت عضو یعنی کویت، عربستان، لیبی، اردن، قطر، مصر و بحرین اسناد مربوط به تصویب را به دبیرخانه ارسال کرده‌اند. مقر این دادگاه پس از تشکیل آن در کویت خواهد بود و زبان‌های رسمی دادگاه عبارتند از: عربی، انگلیسی و فرانسه.

علاوه بر ارکان اصلی فوق الذکر، سازمان کنفرانس اسلامی دارای پنج نوع نهاد دیگر است.

- 1- ارگانهای فرعی: مرکز اسلامی توسعه تجارت (دارالبیضاء)، مرکز تحقیقات بررسی، تاریخ و فرهنگ و هنر اسلامی (استانبول)، مؤسسه اسلام علوم و تکنولوژی و توسعه (جده) ..
- 2- نهادهای تخصصی: بانک توسعه اسلامی (جده)، سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی اسلامی (جده)، سازمان خبرگزاری های بین المللی اسلامی (جده)....
- 3- سازمان های وابسته: سازمان شهرها و پایتخت های اسلامی (مکه)، اتحاد جهانی بانکهای اسلامی (قاهره)، اتاق اسلامی (قاره)، اتاق اسلامی تجارت، صنعت و تبادل کالا (کراچی)....
- 4- کمیته های تخصصی: کمیته قدس (رباط)، کمیته دائمی تبلیغات و امور فرهنگی (سنگال)....
- 5- دانشگاه های مستقل تحت تکفل سازمان: دانشگاه اسلامی بنگلادش و دانشگاه بین المللی اسلامی مالزی

## گروه دی هشت<sup>8</sup>

ایده اولیه تشکیل گروه دی - هشت به عنوان یک اتحادیه اقتصادی برای اولین بار از سوی نجم الدین اربکان رهبر حزب اسلام گرای رفاه ترکیه که نخست وزیر وقت ترکیه نیز بود، با هدف تقویت همکاری اقتصادی میان کشورهای ایران،

<sup>8</sup> -D 8 (Developing Eight).

ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، نیجریه و مصر و برقراری گفتگو با گروه هشت متشکل از هفت کشور پیشرفته صنعتی به همراه روسیه اعلام شد و این گروه رسماً در تاریخ 25 خرداد ماه 1376 (15 ژوئن 1997) با برگزاری اولین اجلاس سران این گروه در استامبول آغاز به کار کرد.

اهداف کلی این گروه عبارت است از: - تقویت و ارتقاء جایگاه کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی، - متنوع ساختن و ایجاد فرصت های جدید در روابط تجاری، - افزایش مشارکت در تصمیم گیری در سطح بین المللی، - تأمین استانداردهای زندگی بهتر و رفاه عمومی برای مردم کشورهای عضو و توسعه اقتصادی، اجتماعی با تکیه بر اصول ذیل: صلح به جای منازعه، گفتگو به جای رویارویی، همکاری به جای استعمار، عدالت به جای روش های دوگانه، تساوی به جای تبعیض و مردم سالاری به جای ظلم.

و اما ساختار تشکیلاتی گروه دی هشت به شرح ذیل است:

الف - اجلای سران: که به عنوان رکن عالی متشکل از روسای جمهور و نخست وزیران هشت عضو، هر دو سال یکبار تشکیل جلسه می دهد. تاکنون (ژوئیه 2008) سران گروه دی هشت، شش نشست برگزار کرده اند. اولین اجلاس سران گروه در سال 1376 (1997) در استامبول برگزار شد و از این طریق تأسیس گروه دی هشت در صحنه بین المللی رسماً اعلام شد. دومین اجلاس سران گروه دی هشت در سال 1999 در شهر داکا در بنگلادش برگزار شد. بیاینه داکا ضمن بررسی تحولات بین المللی، به مسایل گوناگونی از جمله تحولات مالی جهانی شدن اقتصاد و بحران ها مالی در کشورهای جنوب آسیا توجه داشت. سومین اجلاس سران این گروه در قاهره مصر در سال 2001 تشکیل شد. بیاینه قاهره دارای دو بخش بود که بخش نخست آن به مسایل اقتصادی جهانی، سیستم مالی بین المللی، سازمان جهانی تجارت و روند الحاق کشورهای در حال توسعه به آن، فن آوری اطلاعات و ارتباطات مسأله بدهی های کشورهای کمتر توسعه یافته و جریان سرمایه گذار مستقیم می پرداخت. بخش دوم بیاینه قاهره نیز دارای یک دستور کاری گام به گام جهت اجرای طرح ها و همکاری ها گروه در بخش ها و گروه های کاری مختلف بود. چهارمین اجلاس سران گروه نیز در سال 2004 در محل حافظیه سعدآباد در تهران برگزار شد، بیانه تهران به بررسی تحولات اقتصادی بین المللی و اثرات آن بر گروه و ارزیابی پیشرفت های حاصله و توسعه فعالیت های گروه می پرداخت. پنجمین اجلاس سران نیز در سال 2007 در جزیره بالی اندونزی تشکیل شد که در آن دو توافقنامه «تجارت ترجیحی» و «همکاری های گمرکی» به امضای دولت های عضو رسید. در این اجلاس همچنین تقویت دبیرخانه با ارتقاء مقام دبیر اجرایی دبیرخانه به دبیرکلی مورد

تصویب قرار گرفت که قرار شد دبیرکل از اندونزی، مدیر از ایران و کارشناس اقتصادی دبیرخانه از ترکیه معرفی شود. و بالاخره ششمین اجلاس سران در 7 ژوئیه 2008 در کوالالامپور - مالزی برگزار شد.

ب - شورای وزیران و شورا به عنوان رکن سیاسی و تصمیم گیری با حضور وزرای خارجه هشت کشور، سالی یک بار تشکیل جلسه می دهد. شورای وزیران تا کنون نه اجلاس رسمی و چهار اجلاس غیر رسمی برگزار نموده است که هفتمین اجلاس رسمی وزرای خارجه در 27 بهمن 82 در تهران و به فاصله دو روز قبل از چهارمین اجلاس سران تشکیل شد. هشتمین اجلاس رسمی وزرای خارجه نیز در حاشیه اجلاس عمومی سازمان ملل در 6 مهرماه 83 در نیویورک برگزار شده و نهمین اجلاس نیز یک روز قبل از برپایی پنجمین اجلاس سران در بالی اندونزی و در تاریخ 22 اردیبهشت سال 85 تشکیل شد.

پ - کمیسیون مقامات ارشد: همکاری و همفکری در قالب گروه دی هشت شامل تمامی زمینه ها از جمله هماهنگی و مشورت های سیاسی در عرصه های بین المللی است. در اولین اجلاس سران، گروه های کاری ذیل مشخص شده و مسئولیت هر یک از آن ها به عهده یکی از اعضا سپرده شد:

- 1- گروه های کاری «اطلاعات و ارتباطات» و «علوم و فن آوری» - جمهوری اسلامی ایران
- 2- گروه های کاری «صنعت»، «محیط زیست»، و «بهداشت» - ترکیه
- 3- گروه کاری «تجارت» - مصر. گروه کاری تجارت شامل زمینه های همکاری های ذیل می باشد: ایجاد شرکت بازاریابی و بازرگانی بین الملل گروه دی - هشت، ایجاد پایگاه اطلاعات تجاری، همکاری های کشتیرانی، همکاری های بانکی، همکاری گمرکی، موافقت نامه تسهیل تشریفات اعطای روادید به بازرگان کشورهای عضو و همکاری در زمینه بنگاه های کوچک و متوسط

4- گروه کاری «مالی، بانکداری، خصوصی سازی» - مالزی

5- گروه کاری «فقرزدایی و توسعه منابع انسانی» - اندونزی

6- گروه کاری «کشاورزی» - پاکستان

7- گروه کاری «توسعه روستایی» - بنگلادش

8- گروه کاری «انرژی» - نیجریه

تاکنون در قالب هر یک از گروه های کاری فوق، کارگاه های آموزشی، سمینارها، دوره های آموزشی، نشست ها و اجلاس های مختلفی در هر یک از کشورهای عضو برگزار شده است.

د - دبیرخانه: تاکنون امور دبیرخانه ای گروه دی - هشت به صورتی محدود در یک دفتر تحت عنوان «واحد هماهنگی» در استامبول انجام می شده است که البته مقرر شده این تشکیلات تقویت شود.

### اوپک<sup>9</sup>

سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) با صدور قطعنامه ای که از سوی پنج کشور نفت خیر جهان یعنی ایران، عربستان، کویت، عراق و ونزوئلا در 14 سپتامبر 1960 در کنفرانس بغداد امضا شده بود، تأسیس یافت. قطعنامه دیگری نیز ده روز بعد یعنی در 24 سپتامبر از سوی این پنج کشور صادر شد که در آن اهداف و خط مشی سازمان تشریح شده بود. این دو قطعنامه روی هم رفته سند تأسیس یا همان اساسنامه سازمان به حساب می آیند.

قطر در ژانویه 1961، لیبی و اندونزی در آوریل 1962، ابوظبی در سال 1967 که پس از تشکیل امارات متحده عربی در سال 1971 جای خود را به این کشور داد. الجزایر در سال 1969 و نیجریه و اکوادور و گابن در اوایل دهه هفتاد به این سازمان ملحق شدند. البته اکوادور در سال 92 و گابن در سال 96 از اوپک خارج شدند و اعضای آن هم اکنون (ژوئیه 2008) عبارتند از: الجزایر، آنگولا، اندونزی، ایران، عراق، کویت، یمن، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ونزوئلا. البته اخیراً و در اکتبر 2007 اکوادور در خواست خود را مبنی بر عضویت دوباره در این سازمان مطرح کرده است.

اهداف اوپک همان طور که در ماده (2) اساسنامه آن آمده است عبارت است از:

الف - هدف اصلی سازمان ایجاد هماهنگی و وحدت در خط مشی های نفتی کشورهای عضو و تعیین بهترین شیوه ها برای تعیین منافع فردی و جمعی آنان خواهد بود.

ب - سازمان روش ها و وسایل تأمین تثبیت قیمت ها در بازارهای بین المللی نفت را با حذف نوسانات مضر و غیر ضروری پیش بینی خواهد کرد.

<sup>9</sup> - Organization Petroleum Exporting Countries (OPEC).



پ - مصالح ملت های تولید کننده و ضرورت تضمین درآمدی ثابت برای کشورهای تولید کننده، عرضه کافی اقتصادی و منظم نفت به ملت های مصرف کننده و یک بازده منصفانه به سرمایه آنهایی که صنعت نفت سرمایه گذاری می کنند، همواره مورد توجه واقع خواهد شد.

هر کشور دیگر با داشت میزان قابل توجهی صادرات خالص نفت خام، که اساساً منافی مشابه کشورهای عضو داشته باشد، در صورت موافقت اکثریت سه چهارم اعضای رسمی و از جمله رأی موافق کلیه اعضای مؤسس می تواند عضو رسمی سازمان شود. مقر سازمان اوپک در شهر وین اتریش بوده و زبان رسمی این سازمان نیز انگلیسی می باشد.

### ارکان سازمان اوپک

به طور کلی اوپک از سه بخش اصلی کنفرانس، هیأت عامل و دبیرخانه تشکیل شده است. هر یک از این سه قسمت در زیر شرح داده می شود.

1- کنفرانس: که عالی ترین مقام سازمان می باشد، این کنفرانس مرکب از هیأت های نمایندگی همه کشورهای عضو می باشد که هر هیأت نمایندگی یک یا دو عضو دارد. کنفرانس ممکن است شامل عده ای مشاور و ناظر نیز باشد، اگر هیأت نمایندگی از بیش از یک عضو تشکیل شده باشد، تنها یکی از آن افراد باید به عنوان رئیس معرفی شود. هر هیأت نمایندگی باید در تمام جلسات کنفرانس حضور داشته باشد. حد نصاب لازم برای تشکیل یک کنفرانس سه چهارم هیأت های نمایندگی کشورهای عضو می باشد. تمامی تصمیمات به جز آنهایی که مربوط به مسایل اجرایی است. نیاز به اتفاق آراء دارد. قطعنامه های کنفرانس در فاصله سی روز از اتمام جلسات یا پس از یک فاصله زمانی معین شده به مرحله اجرا در می آیند.

کنفرانس در سال دو اجلاس عادی دارد و در صورت تقاضای هر یک از دولت های عضو، می تواند اعضا را برای یک جلسه فوق العاده فرا خواند. جلسات عادی کنفرانس در مقر سازمان (وین) تشکیل می شود. جلسات را می توان در هر یک از کشورهای عضو نیز تشکیل داد. سازمان معمولاً این سنت را رعایت کرده است که اولین اجلاس معمولی هر سال (اجلاس تابستان) را در وین و دومین اجلاس (اجلاس زمستانی) را در پایتخت یکی از کشورهای عضو برپا می دارد. مهمترین وظایف و مسئولیت های کنفرانس به شرح زیر می باشد: - تعیین سیاست های کلی و راه های اجرای این سیاست ها، - بررسی تقاضای عضویت، - تصویب گزارش های ارسالی هیأت عامل، - تصویب بودجه سازمان، - دعوت برای جلسات مذاکرات، - تعیین مکان و زمان جلسات، - تصویب اصلاحات در اساسنامه اوپک، - انتصاب رئیس کل، - انتصاب قائم مقام دبیر کل، - انتصاب رئیس و نائب رئیس هیأت عامل و ... .

2- هیأت عامل: هیأت عامل از کسانی که توسط اعضا نامزد شده و توسط کنفرانس تصویب می شوند، تشکیل می شود. هر کشور عضو در تمامی جلسات هیأت عامل دارای نماینده می باشد. حد نصاب تشکیل آن دو سوم است. هر عضو دارای یک رأی است و تصمیمات هیأت با اکثریت ساده به تصویب می رسد. هر عضو به مدت دو سال خدمت می کند. هیأت عامل حداقل سالی دوباره باید اجلاس داشته باشد. که بهر حال معمول شده که هیأت چند روز قبل از جلسات عادی کنفرانس، جلسه داشته باشد. جلسات معمولاً در مقر سازمان تشکیل می شود اما در هر یک از کشورهای عضو یا در جای دیگری که لازم باشد، نیز تشکیل می شود. مهمترین وظایف و مسئولیت های هیأت عامل عبارت است از: - اجرای قراردادهای سازمان و برنامه های کنفرانس، - بررسی و تصویب گزارش دبیرکل، - ارسال گزارش برای کنفرانس در مورد موضوعات مورد توجه سازمان، - برنامه ریزی بودجه سازمان برای هر سال، - انتخاب حسابرس برای هر سال، انتخاب معاونت دبیرکل، - تصویب صورت جلسه کنفرانس و ...

3- دبیر خانه: در رأس دبیرخانه، دبیرکل وجود دارد که از نظر حقوقی نماینده مجاز سازمان و رئیس دبیرخانه اوپک است و امور سازمان را طبق راهنمایی های هیأت عامل اداره می کند. کنفرانس وزرا، دبیرکل را برای یک دوره سه ساله انتخاب می کند که این مدت تصدی می تواند یک دوره سه ساله دیگر نیز تمدید شود. شروط اصلی برای احراز دبیرکلی به شرح ذیل می باشد:

35 سال سن، درجه لیسانس از دانشگاهی معتبر در یکی از رشته های حقوق، اقتصاد، علوم مهندسی یا مدیریت بازرگانی، 15 سال تجربه که حداقل 10 سال آن باید در سمت هایی باشد که بطور مستقیم با صنعت نفت ارتباط دارد و 5 سال آن نیز باید در سمت های مدیریتی از مسئولیت های اجرایی بلند پایه شده باشد، دبیرکل باید حتماً تبعه یکی از کشورهای عضو باشد. دبیرکل که در مقر سازمان مستقر خواهد شد در مقابل هیأت عامل مسئول کلیه فعالیت های دبیرخانه خواهد بود و وظایف ادارات مختلف از طرف وی و با اجازه و مدیریت وی انجام خواهد شد. دبیرکل در کلیه جلسات هیأت عامل شرکت می کند. مهم ترین وظایف دبیرکل عبارت است از:

- سازماندهی و اداره سازمان، - تهیه گزارش برای ارائه به هر جلسه هیأت عامل، - مطلع نمودن رئیس و سایر اعضای هیأت عامل از کلیه فعالیت های دبیرخانه، - مراقبت در انجام وظایفی که بر عهده دبیرخانه نهاده شده است.

دبیرخانه از پنج دپارتمان تشکیل شده است: دپارتمان اداری، دپارتمان اقتصادی، دپارتمان حقوقی، دپارتمان اطلاعات و دپارتمان فنی. اوپک همچنین یک واحد آماری دارد که مسئول جمع آوری و طبقه بندی اطلاعات آماری از کشورها و شرکت های نفتی و دیگر منابع می باشد.

ممکن است به هنگام نیاز جلساتی مشورتی در سطح روسای هیأت‌ها یا نمایندگان‌شان تشکیل شود. تصمیمات یا توصیه‌های گرفته شده توسط جلسات مشورتی برای تصویب به کنفرانس عادی بعدی تسلیم خواهد شد.

در سال 1965 تغییرات مهمی در اساسنامه اوپک بوجود آمد. از جمله این تغییرات این بود که روابط عمومی منحل گشته و وظایف آن مستقیماً به دبیرخانه سپرده شد و واحد اقتصادی به بخشی مستقل زیر نظر دبیرخانه تبدیل شد. تغییر بعدی ایجاد کمیسیون اقتصادی بود که این کمیسیون در زمینه تحکیم و تثبیت قیمت نفت زیر نظر دبیرخانه انجام فعالیت می‌کند. در سال 1970 نیز در اجلاس اوپک که در ژنو تشکیل شده بود تصمیم به ایجاد یک آژانس خبری مستقل گرفته شد که این آژانس چگونگی تصمیمات و فعالیت‌های اوپک را گزارش می‌دهد. خبرگزاری اوپک خبرهای خود را مستقیماً از اعضای اوپک و به طور روزانه دریافت می‌کند. در ژانویه 1976 نیز اعضای اوپک طی یک اقدام بشردوستانه به ایجاد صندوقی برای توسعه بین‌المللی اقدام نموده‌اند.

کشورهای عرب صادرکننده نفت با الگو برداری از اوپک در سال 1968 در بیروت «سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت» (ا.آ.پک) را تأسیس نمودند. اعضای این سازمان عبارتند از: عربستان، کویت، لیبی، امارات متحده عربی، الجزایر، عراق، قطر، بحرین، سوریه و مصر. مقر این سازمان در کویت می‌باشد.

### آزمون خودسنجی اول

۱- گابریل آلموند میان توسعه سیاسی و کدام مقوله ارتباط برقرار می کند؟

- (1) مشارکت (2) صنعتی شدن (3) سطح درآمد (4) نوسازی

۲- تقسیم فرهنگ سیاسی به صورت مشارکتی، محدود و تبعی مربوط به کدام صاحب نظران است؟

- (1) کلمن - وربا (2) آلموند - وربا (3) وربا - بایندر (4) هانتینگتون - نلسون

۳- کشورهای نیکز عبارت است از کشورهای ...

- (1) فاقد پایه صنعتی (2) فراصنعتی (3) صنعتی (4) تازه صنعتی شده

۴- بحث آینده نگری در کدام یک از بخشهای نظریه انسجام درونی آمده است؟

- ۱- نظام تربیتی (2) برنامه ریزی (3) روش ها و کاربرد (4) فلسفه حیات

۵- کدام دانشمند اعتقاد دارد که ریشه عقب ماندگی در جهان سوم توسط کشورهای غربی در سه مرحله

انجام گرفته است؟

مرحله اول صدور کالا - مرحله دوم بعدی صدور سرمایه و مرحله پایانی تسلط از طریق شرکت های

چند ملیتی

- (1) دوس سانتوس (2) پل باران (3) گوندرفرانک (4) هابسون

۶- نفوذ متقابل اقتصادی جنوب در شمال از جمله استراتژی های پیشنهادی ..... می باشد.

- (1) مزروعی (2) سمیرامین (3) روستو (4) دو سانتوس

۷- عبور از بحران ..... مستلزم ایجاد تفاهم میان مردم با یکدیگر، نخبگان با هم و توده و نخبگان می باشد.

- (1) توزیع (2) نفوذ (3) یکپارچگی (4) مشروعیت

۸- ..... می گوید جامعه ای مدرن محسوب می شود که بخش اعظم جمعیت آن در شهرها ساکن باشند.

- (1) دانیل لرنر (2) مور (3) مک کله لند (4) جرالد بریز

۹- هانتینگتون بخش اعظم کتاب خود را ..... اختصاص داده است.

- (1) سامان سیاسی در جوامع توسعه نیافته (2) سامان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی

3) اقتدار سیاسی در جوامع در حال توسعه

4) نظام سیاسی در جوامع در حال دگرگونی

۱۰- لوسین پای، نوسازی و توسعه سیاسی را براساس گذار از چه بحران‌هایی می‌داند؟

1) هویت - مشروعیت - مشارکت - توزیع - حاکمیت

2) هویت - مشروعیت - توزیع - اقتدار - نفوذ

3) هویت - مشروعیت - توزیع - اقتدار - مشارکت

4) هویت - مشروعیت - توزیع - یکپارچگی - نفوذ - مشارکت

۱۱- نظریه انسجام درونی، مسئولیت اصلی توسعه نیافتگی را:

1) به عهده نهادهای سیاسی جامعه می‌گذارد.

2) به عهده ی دولت می‌گذارد.

3) به عهده هیأت حاکمه می‌گذارد.

4) به عهده نهادهای غیردولتی می‌گذارد.

۱۲- منظور از فردگرایی مثبت:

1) اصاله بخشیدن به فرد است.

2) اصالت بخشیدن به توسعه فردی است.

3) اصالت بخشیدن به خلاقیت و شخصیت فرد است.

4) اصالت بخشیدن به اخلاقیات فردی است.

۱۳- ترتیب حرکت توسعه نیافتگی در لوزی انسجام درونی ... است.

1) مشروعیت - نگرش عقلایی - نظام آموزشی - کاربردها

2) نگرش عقلایی - نظام آموزشی - مشروعیت - کاربردها

3) نظام آموزشی - نگرش عقلایی - مشروعیت - کاربردها

4) نظام آموزشی - مشروعیت - کاربردها - نگرش عقلایی

۱۴- بحران ..... ، بیان‌کننده‌ی رابطه میان رهبران و افراد یک جامعه است.

1) توزیع

2) هویت

3) مشروعیت

4) مشارکت

۱۵- ایستون، سیاست را توزیع اقتدار آمیز ..... می‌داند.

1) ارزش‌ها

2) قدرت

3) دولت

4) حکومت

۱۶- مفروض نظریه انسجام درونی این است که توسعه نیافتگی عمدتاً یک امر:

1) تصادفی (2) خارجی (3) داخلی (4) داخلی و خارجی  
۱۷- کدام یک از اندیشمندان زیر، پدیده استبداد شرقی را با تأکید بر مسأله کمبود آب در جوامع آسیایی تبیین نمود؟

1) وبر (2) مارکس (3) راتزل (4) ماهان

۱۸- ارگانسکی، چه مرحله ای را برای توسعه قایل است؟

1) شرایطی در چارچوب داخلی کشور (2) یک جریان مستمر تاریخی و تکاملی  
3) شکل گرفته در دوران استعمار (4) جریانی مستمر در دوران استعمار در شرایط خاص

۱۹- یک نمونه از کشورهای جهان سوم برتر ... کشور است.

1) مراکش (2) ترکیه (3) پرتغال (4) تانزانیا

۲۰- کدام نظریه‌ی زیر، اساس توسعه یافتگی جهان سوم را در حل بحران مشروعیت می‌داند؟

1) رویارویی تمدن‌ها (2) انسجام درونی (3) وابستگی (4) نوسازی

۲۱- در مبحث اصول ثابت توسعه، مهمترین اصل توسعه یافتگی ...

1) علم‌گرایی (2) توانایی‌های فکری و سازماندهی نخبگان است  
3) نظم اجتماعی است (4) قانون‌گرایی است

۲۲- مهمترین واحد ارزیابی برینگتون مور...

1) طبقات و ائتلاف طبقات است (2) احزاب سیاسی است  
3) نخبگان فکری است (4) گروه‌های مالی و صنعتی است.

۲۳- بنیانگذار مکتب (اکلا) کدام نظریه پرداز است؟

1) سونکل (2) پریش (3) مور (4) مک کله لند

۲۴- کدام نظریه پرداز بحث امپریالیسم را در چارچوب شرکت‌های بزرگ چند ملیتی، انحصار در سرمایه و تفکیک مالکیت از مدیریت مطرح می‌کند؟

1) لینن (2) مگداف (3) باران و سوئیزی (4) بوخارین

۲۵- این نظریه پرداز می‌گوید، منظور از وابستگی، وضعی است که در آن اقتصاد پاره‌ای از کشورها تابعی از بسط و توسعه اقتصاد کشور دیگر باشد و از نظر تاریخی سه شکل وابستگی را شرح می‌دهد.

4) هیلفردینگ

3) دوس سانتوس

2) فالتو

1) سمیرامین

### پاسخنامه سوالات

- 1- گزینه 1 صحیح می باشد.
- گابریل آلموند= توسعه سیاسی و مشارکت
- 2- گزینه 2 صحیح می باشد.
- آلموند - وربا= فرهنگ سیاسی به صورت مشارکتی، محدود و تبعی
- 3- گزینه 4 صحیح می باشد.
- کشورهای نیکز= تازه صنعتی شده
- 4- گزینه 4 صحیح می باشد.
- انسجام درونی : بحث آینده نگری: فلسفه حیات
- 5- گزینه 1 صحیح می باشد.
- دوس سانتوس: مرحله اول صدور کالا - صدور سرمایه - تسلط از طریق شرکت های چند ملیتی
- 6- گزینه 1 صحیح می باشد.
- علی مزروعی= نفوذ متقابل جنوب در شمال
- 7- گزینه 3 صحیح می باشد.
- بحران یکپارچگی
- 8- گزینه 1 صحیح می باشد.
- دانیل لرنر= شهرنشینی
- 9- گزینه 2 صحیح می باشد.
- هانتینگتون= سامان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی
- 10- گزینه 4 صحیح می باشد.
- لوسین پای= هویت - مشروعیت - توزیع - یکپارچگی - نفوذ - مشارکت
- 11- گزینه 3 صحیح می باشد.
- 12- گزینه 3 صحیح می باشد.



فردگرایی مثبت = اصالت بخشیدن به خلاقیت و شخصیت فرد است.

13- گزینه 1 صحیح می باشد.

ترتیب حرکت توسعه یافتگی در لوزی انسجام درونی = مشروعیت - نگرش عقلایی - نظام آموزشی - کاربردها

14- گزینه 3 صحیح می باشد.

بحران مشروعیت = رابطه میان رهبران و افراد یک جامعه

15- گزینه 1 صحیح می باشد.

ایستون: سیاست را توزیع اقتدار آمیز ارزشها می داند.

16- گزینه 3 صحیح می باشد.

17- گزینه 2 صحیح می باشد.

مارکس = استبداد شرقی = کمبود آب در جوامع آسیایی

18- گزینه 2 صحیح می باشد.

ارگانسکی = توسعه یک جریان مستمر تاریخی و تکاملی

19- گزینه 2 صحیح می باشد.

جهان سوم برتر = ترکیه

20- گزینه 2 صحیح می باشد.

انسجام درونی = اساس توسعه یافتگی جهان سوم را حل بحران مشروعیت می داند.

21- گزینه 2 صحیح می باشد.

مهمترین اصل توسعه یافتگی: توانایی های فکری و سازماندهی نخبگان

22- گزینه 1 صحیح می باشد.

برینگتون مور = طبقات و ائتلاف طبقات

23- گزینه 2 صحیح می باشد.

بنیانگذار مکتب اکلا = رائل پریش

24- گزینه 3 صحیح می باشد.

باران و سوئیزی

25- گزینه 3 صحیح می باشد.

دوس سانتوس

## آزمون خودسنجی دوم

۱- استعمار در لغت به معنی:

- (1) استعمار یک فرد توسط فرد دیگر می شود.  
 (2) استعمار یک دولت توسط دولت دیگر است.  
 (3) عمرانی و آبادانی نمودن است.  
 (4) حکومت یک دولت بر مردم بیگانه است.

۲- نظریه (مصرف نامکفی) از آن کدام یک از تئوریسین های امپریالیسم می باشد؟

- (1) لنین  
 (2) کائوتسکی  
 (3) هاپسون  
 (4) شومپیتر

۳- در باره ی علل گسترش شهرنشینی، کدام گزینه صحیح است؟

- (1) تلاش برای کسب سود و تجارت  
 (2) رشد و توسعه تجارت جهانی  
 (3) گسترش صنایع و تکنولوژی جدید  
 (4) گسترش مناسبات سرمایه داری و رشد تجارت و صنعت

۴- نظرات مرکانتلیسم تأکید فراوان بر:

- (1) انزوا طلبی اقتصادی دارد.  
 (2) تجارت خارجی و مازاد آن دارد.  
 (3) تجارت آزاد و رقابت کامل دارد.  
 (4) اتحادیه های اقتصادی منطقه ای دارد.

۵- توسعه عاملی است که:

- (1) افزایش جمعیت را کنترل می کند.  
 (2) موجب افزایش جمعیت می شود.  
 (3) تأثیر چندانی در روند تغییر جمعیت ندارد.  
 (4) صرفاً موجب افزایش جمعیت بخش کشاورزی می شود.

۶- کدام دانشمند اصطلاح جهان سوم را با عنوان ملل پرولتر بیان کرد؟

- (1) آلفرد سووی  
 (2) توین بی  
 (3) فرانتس فانون  
 (4) دوس سانتوس

۷- کدام دانشمند زیر از نظریه پردازان جدید وابستگی نمی باشد؟

(1) والرشتاین (2) دوس سانتوس (3) کاردوزو (4) فالتو

۸- مهمترین مرکز ثقل یک جامعه در توسعه یافتگی، ..... آن است.

(1) نخبگان (2) سرمایه داران (3) طبقه متوسط شهری (4) نظامیان

۹- دو نوع استراتژی برای توسعه در داخل و خارج لازم است. استراتژی بقا و ..... .

(1) استراتژی خودیاری (2) استراتژی خودبسندگی (3) استراتژی انطباق (4) استراتژی مهار

۱۰- ..... امپریالیسم، را بالاترین مرحله سرمایه داری می داند.

(1) لنین (2) استالین (3) پریش (4) سونکل

۱۱- ..... ، مبتکر نظریه‌ی استعمار داخلی می باشد.

(1) لنین (2) پریش (3) کازانوا (4) دوس سانتوس

۱۲- کدام گزینه مرتبط با الگوی وابستگی از نظر دوس سانتوس نمی‌باشد؟

(1) وابستگی استعماری (2) وابستگی مالی (3) وابستگی جدید (4) وابستگی خارجی

۱۳- جنبش غیر متعهدها در سال ..... و در ..... تشکیل شد.

(1) 1955- قاهره (2) 1945- بلگراد (3) 1955- باندونگ (4) 1956- قاهره

۱۴- تئوری ۳ جهان متعلق به چه کسی می باشد؟

(1) قوام نکرومه (2) فرانتس فانون (3) مائو (4) آلفرد سووی

۱۵- اصطلاح جهان سوم برای اولین بار توسط ..... به کار برده شود.

(1) آلفرد سووی (2) فانون (3) قوام نکرومه (4) مائو

۱۶- کدام دانشمند جوامع را در جریان دگرگونی اجتماعی به دو دسته جامعه قومی (روستایی) و جامعه

شهری تقسیم می کند؟

(1) روستو (2) ردفیلد (3) اسملسر (4) میردال

۱۷- عبارت زیر متعلق به کدام دانشمند است؟

توسعه نیافتگی چیزی نیست جز امپریالیسم و استثمار و بردگی مستعمرات .

4) پیرسالاما

3) هابسون

2) جفری کی

1) آواکف

۱۸- نظریه پرداز نظام جهانی و اقتصاد جهانی، ..... می باشد.

- (1) پل باران (2) سونکل (3) والرشتاین (4) لوسین پای

۱۹- نظریه بحران در بحث نوسازی و توسعه متعلق به کدام دانشمندی باشد؟

- (1) هانتینگتون (2) لوسین پای (3) سونکل (4) دوس سانتوس

۲۰- تز جانشین سازی واردات متعلق به کدام دانشمند مکتب وابستگی می باشد؟

- (1) پل باران (2) فرانک (3) دوس سانتوس (4) رائل پربیش

۲۱- تئوری انسجام درونی، تجویزی است برای کشورهای ... .

- (1) جهان سوم (2) جهان سوم برتر (3) آفریقایی (4) آسیایی

۲۲- کدام کشور جزو نظام سیاسی بسیج عمومی نمی باشد؟

- (1) کوبا (2) چین (3) کره شمالی (4) ایران

۲۳- استراتژی همکاری جنوب - جنوب (south-south cooperation) متعلق به چه کسی می باشد؟

- (1) پل باران (2) مزروعی (3) رائل پربیش (4) سریع القلم

۲۴- تقسیم بندی زیر که مربوط به توسعه سیاسی می باشد، متعلق به کدام دانشمند است؟

(1) آن دسته که توسعه سیاسی را با دموکراسی مترادف می دانند.

(2) دسته دیگر که بر تغییر و توسعه سیاسی تمرکز تحقیقاتی دارند.

(3) دسته ی سوم که به تجزیه و تحلیل بحران ها و مراحل سلسلی توسعه سیاسی پرداخته اند.

(4) آواکف (2) چیلکوت (3) ارگانسکی (4) هانتینگتون

۲۵- نظریات وابستگی در دهه ..... بوجود آمد.

- (1) 1950 (2) 1960 (3) 1970 (4) 1980

### پاسخنامه سوالات

- 1- گزینه 3 صحیح می باشد.  
استعمار در لغت به معنی = عمرانی و آبادانی نمودن است.
- 2- گزینه 3 صحیح می باشد.  
مصرف نامکفی = هاپسون
- 3- گزینه 4 صحیح می باشد.
- 4- گزینه 2 صحیح می باشد.  
مرکانتلیسم = تجارت خارجی و مازاد آن
- 5- گزینه 1 صحیح می باشد.  
توسعه باعث کنترل جمعیت می شود.
- 6- گزینه 2 صحیح می باشد.  
توین بی = اصطلاح ملل پرولتر
- 7- گزینه 1 صحیح می باشد.  
والرشتاین = مکتب نظام جهانی
- 8- گزینه 1 صحیح می باشد.
- 9- گزینه 3 صحیح می باشد.  
استراتژی بقاء - استراتژی انطباق
- 10- گزینه 1 صحیح می باشد.  
لنین = امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داری
- 11- گزینه 3 صحیح می باشد.  
استعمار داخلی = کازانوا
- 12- گزینه 4 صحیح می باشد.
- 13- گزینه 3 صحیح می باشد.

جنبش غیرمتعهدها = 1955 باندونگ اندونزی

14- گزینه 3 صحیح می باشد.

تئوری 3 جهان = مائو

15- گزینه 1 صحیح می باشد.

اصطلاح جهان سوم برای اولین بار = آلفرد سووی

16- گزینه 3 صحیح می باشد.

جامعه شهری و روستایی = ردفیلد

17- گزینه 1 صحیح می باشد.

آوا کف = توسعه نیافتگی چیزی نیست جزء امپریالیسم و استثمار و بردگی مستعمرات

18- گزینه 3 صحیح می باشد.

مکتب نظام جهانی = والرشتاین

19- گزینه 2 صحیح می باشد.

لوسین پای = نظریه بحران

20- گزینه 4 صحیح می باشد.

جانشین سازی واردات = راثول پربیش

21- گزینه 2 صحیح می باشد.

تئوری انسجام درونی، تجویزی است برای کشورهای برتر جهان سوم

22- گزینه 4 صحیح می باشد.

23- گزینه 2 صحیح می باشد.

استراتژی همکاری جنوب - جنوب: علی مزروعی

24- گزینه 2 صحیح می باشد.

نظریه توسعه سیاسی = چیلکوت

25- گزینه 2 صحیح می باشد.



نظریات وابستگی = دهه 1960

## پیدایش و تحول تشیع

هسته ی اصلی تشیع در زمان زمامداری امام (ع) عمدتاً اعراب بودند و این امر تا قیام توابین پس از شهادت امام حسین (ع) در سال 61 ق نیز ادامه داشت. با ظهور مختار و جذب گسترده «موالی» عنصر ایرانی در تشیع راه یافت. ورود موالی برخی از آموزه های ایرانیان که با آموزه اعراب یمن در پذیرش آنچه حق الهی زمامدار گفته می شد شبیه بوده است همراه بوده است

اما آموزه ای که جانشینی پیامبر را خاص علی (ع) می دید، در توضیح امامت و تعیین آن به زیر مجموعه هایی تقسیم می شد: بنی هاشم در انتساب به جد علی (ع) و طالبیان، دو گروهی بودند که در تحولات حادث شده از پدیده اصلی تشیع به دور افتادند.

در زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، تحولات کلامی - سیاسی شیعه به اوج خاص خود رسید. در زمان امام صادق (ص) برای روشن کردن امامت به آموزه «نص» توجه خاصی می شد.

### آموزه های کلامی - سیاسی تشیع

آموزه اساسی تشیع، نظریه امامت و پذیرش امام است. به اعتقاد شیعیان نص پیامبر (ص)، به فرمان خداوند، در انتخاب علی (ع) برای جانشینی وجود دارد. مهمترین نص، در حدیث غدیر خم است. حدیث منزلت دیگر نص مورد استناد تشیع است. علاوه بر نص، شیعه اعتقاد دارد که نصب امام به لحاظ «عقلی» نیز قابلیت استدلال و تایید دارد. شیعه گاه از این پایه عقلی به قاعده «لطف» هم تعبیر می کند.

قاعده لطف: آنچه مکلفان را به اطاعت نزدیک و از گناهان دور می کند، «لطف» نامیده می شود و امام عامل اصلی بروز این لطف است.

عصمت تضمینی برای درک، ضبط، ابلاغ و در نهایت عمل به حقایق اسلامی و دینی است. چنین خصلتی در بردارنده عدالت به معنی واقعی است. نتیجه آنکه بعد معنوی تواناییهای ذاتی امام در تناسب با این حقایق، وی را شایسته زمامداری مسلمانان می کند.

**وظایف امام:**

ریاست عالی دولت و نیروهای نظامی، تفسیر شریعت و بیان حاکم مستحدثات، اجرای احکام و حدود، نظارت بر ثروتهای عمومی، برقراری قسط و عدل، پاسداری از مرزهای اسلامی، استفاده از امکانات و وسایل لازم برای تبلیغ اسلام در خارج از مرزهای مسلمانان و در صورت لزوم جهادکردن.

شاید بتوان نزدیکترین نمونه به نظام سیاسی امامت را در میان اندیشه های متفکران غرب در فیلسوف -شاه افلاطون جستجو کرد.

از نظر مارتین مکدموت وظایف امام را در فلسفه سیاسی تشیع، اجرا و اقامه حدود الهی، پاسداری از شریعت و تربیت نوع بشر، خلاصه می کند.

**آموزه های کلامی - سیاسی زیدیه و اسماعیلیه**

زید در سال 122ق در کوفه برضد هشام بن عبدالملک، خلیفه اموی، قیام کرد. پس از او پسرش یحیی به قیام مشابهی مبادرت کرد. پایگاه اصلی زیدیه در یمن بود، جایی که تا امروز سلسله حکومتی زیدیه با افت و خیزهایی به خود تداوم بخشید. با پیدایش اندیشه و سلطه نیروهای غربی و تحولات سیاسی - اجتماعی یمن کار زیدیان پایان یافت.

اساس اندیشه سیاسی زیدیه ناظر بر دو قضیه است: تفسیر زیدیه از حکومت خلفای راشدین، بویژه خلیفه اول و دوم؛ و امامت زیدی.

زیدیه در باب تفسیر امر سیاسی یا خلافت خلفای راشدین پیش از امام علی (ص)، نظریه امامت «مفضول» را پیش می کشد. زیدیه با این تفسیر، از صدر اسلام، به نوعی در صدد جمع آرا میان شیعیان و اهل سنت و پوشاندن شکاف ایجاد شده برآمدند.

**تفاوتهای امامت در زیدیه و شیعیان اثنی عشری**

امام در شیعیان اثنی عشری دارای عصمت است اما در زیدیه امام عادل است زیرا در کار دین خبیر است اما این آگاهی نباید منصوص الهی را در پی ندارد. امام در قاموس شیعیان امامیه از مشروعیت برخوردار است، اگرچه بواقع قدرت نداشته باشد و حتی آشکارا و به طور گسترده مردم را به سوی خویش دعوت نکند. اما امامت در زیدیه به رفتار سیاسی

امام وابسته است. از این رو، در تاریخ، امام زیدی به امام «قائم بالسیف» معروف است. در زیدیه تفکر امام غایب یا مکتوم وجود ندارد.

### اسماعیلیه :

هواداران جنبش اسماعیلیه در وهله اول نهضت خود را الدعوه یا الدعوه الهادیه نامیدند. مخالفان آنان را قرامطه یا قرمطی و ملاحده می‌نامیدند. قرمطه نام شخصی بود که مدتی در بحرین و جنوب عراق قدرت را به دست داشت. با تاسیس خلافت فاطمیان در مصر از سوی عبیدالله مهدی، از اخلاف اسماعیل این نهضت به اوج خود رسید. (297ق) خلافت آنان تا مرگ المستنصر بالله (487ق) یکپارچه بود سپس به نزاریه که در نواحی شرقی و مستعلوبه که در مصر مستقر بود تقسیم شدند. قلعه الموت و جنبش حسن صباح در راستای اسماعیلیه «نزاری» موضوعیت یافت. پس از آن این پایگاه که به ایران انتقال یافته بود به هند منتقل شد و سلسله آقا خان در حال حاضر تداوم نزاریه شناخته می‌شود. به اسماعیلیه، باطنیه نیز می‌گویند.

در فلسفه اسماعیلی، نظم زمینی ادامه نظم آسمانی است و میان الهیات و فلسفه طبیعی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بر این اساس در اسماعیلیه تلفیقی از عقلگرایی مرسوم در یونان باستان، یعنی عقول و افلاک دهگانه را با فرشته شناسی ایران باستان و برخی دیگر از آموزه های متصوفه و... وجود دارد. بر این مبنا عقول دهگانه به ترتیب با مراتب و درجات ناطق (نبی)، اساس، امام، باب، حجت، داعی البلاغ، داعی مطلق، داعی محدود، مادون مطلق، و مادون محدود هماهنگ است. البته اسماعیلیه الموت در این مراتب تغییراتی دادند و از مقام نبوت به سود امام و حتی حجت کاستند.

پس از اساس، سلسله هفتگانه از امامان قرار دارد. آخرین امام از این سلسله، امام رستاخیز، قائم و مقیم نامیده می‌شود. و پس از وی دور دیگری از نبوت و امامت آغاز می‌شود. باب حلقه واسطه میان امام و محفل درونی داعیان است و حجت کسی است که مرتبه حکم از نظر حق و باطل را بر عهده دارد. اسماعیلیه با حذف امامت امام حسن (ع)، امام صادق را امام پنجم و اسماعیل را امام ششم تلقی کردند. این آموزه بکلی بر باطنیگری استوار بود.

بنیان عقلی امامت از نظر اسماعیلیه در جهت اثبات جنبه باطنی دین و لزوم اتصال و ارتباط با آن از سوی شخصی که باید دارای ویژگیهای خاصی باشد به اثبات می‌رسید.

در آموزه سیاسی - کلامی اسماعیلی حفظ اساس دین و انتظام سیاسی - اجتماعی امور از جمله وظایف امام بود. تاویل دینی و تعمیم باطنی را مهمترین وظیفه ی امام می باشد. حفظ شریعت نیز وظیفه ی امام می باشد ولی در برخی از ادوار تاریخی، شریعت به نفع آنچه «قیامت» خوانده می شد، کم رنگ شد.

وظایف سیاسی - اجتماعی امام عمدتاً در قالب اسماعیلیه فاطمیه موضوعیت پیدا می کرد. اهم این وظایف: جمع آوری خراج و زکات، توزیع درآمدها میان سپاهیان و اطرافیان امام، حفظ حدود و مرزها، اجرای عدالت و سرانجام برقراری امنیت. باطنیان مصر: توجه به شریعت اسماعیلیان ایران: توجه به قیامت.

سیره وزرا، امرا، پادشاهان و دیگر قدرتمندان منبع ارزشمندی برای کتابهایی که معمولاً با عناوین دستور الوزرا، آثار الوزرا یا نظائر آن یا با نام نویسندگانشان مشخص میشد، به شمار می رفت، از این گروه تاریخ فخری از محمد بن علی بن طباطبائی اثری برجسته است. مولف، فصل اول کتاب مذکور را در امور سلطنت، و سیاست و ملکداری نام نهاد و در آن بحث مهمی در سیاست عملی را به میان آورده است. همچنین از کتاب الوزرا و الکتاب اثر جهشیاری نام برد.

یکی از پژوهندگان سه گونه اندرزنامه را از هم متمایز ساخته است، آثاری که مولف آن در آنها برای رسیدن به هدف خود اخلاق نویسی را پیشه خود ساخته اند، مانند گلستان سعدی یا دستور نویسی را برای بیان مقصود مناسبتر دانسته اند مانند سیاست نامه خواجه نظام الملک یا از سیره نویسی برای دستیابی به هدف خود سود جستند، مانند کارنامه اردشیر بابکان.

البته به دلیل مقید نبودن پدیدآورندگان به صورتبندی خاص و تمایلشان به جفنگ گویی تقسیم بندی این گونه آثار دشوار است.

### خواجه نظام الملک

نقش نظام الملک خواجه نظام: الملک با وجود گرفتن لقب رضی امیرالمومنین از سوی خلیفه، در تثبیت نهاد سلطنت و برتری آن نسبت به خلافت انکار نکردنی است. مهمترین مولفه های جهت دهنده به رفتار سیاسی خواجه و تاملات سیاسی وی را در خدمت نهاد سلطنت با تمایلات ایرانی و گرایشهای شدید در فقه شافعی بود.

### سیاستنامه:

مهمترین محورهای اثر خواجه به این شرح است:

الف) خواجه و پادشاهی:

توصیف خواجه از پادشاه بیشتر شاه آرمانی را به نمایش می‌گذارد که ویژگی‌های او، بسته شدن در فتنه و آشوب و گذراندن مردمان، روزگار به عدالت است. خواجه در باب پادشاه آرمانی بر دو امر تأکید بلیغ دارد: یکی همان رعایت عدالت است که همچون ترازویی کارها را به انتظام در می‌آورد و نشان می‌دهد و دیگری توجه او به امر دینداری است. این اندیشه که توامان بودن دین و ملک است به ایران باستان بر می‌گردد. میان دو ویژگی ضروری پادشاه آرمانی یعنی عدل و دین، عدل اولویت دارد.

ب) خواجه و بدمذهبان:

از نظر خواجه بدمذهبان که گاه آنها را خارجی و مزدکی یا قرمطی نیز می‌خواند، همان مخالفان یا رقیبان سنی بودند که تحت نام تشیع فعالیت می‌کردند. خواجه برای حفاظت از «راست دینی» مدارس تأسیس کرد که به نام خود او شهره گشت.

خواجه و پادشاهی ترکان:

شکوه خواجه از سلجوقیان در دو موضوع است:

الف) ممانعت سلاجقه از اقدامات خبرچین نهادن خواجه در گوشه و کنار مملکت؛

ب) مخالفت این سلسله با تعصب بیش از حد خواجه نسبت به فقه شافعی؛ چراکه ترکان سلجوقی در اصل سنت تعصب داشتند ولی درباره‌ی مذاهب سنی، بویژه مذاهب حنفی و شافعی تساهل روا می‌داشتند. وی در اساس با خاستگاه فرهنگی و ساختار تشکیلاتی سلاجقه موافقت نداشت.

### 1. اندیشه سیاسی پیش از سوسفطها

پرسش از واقعیت، یکی از بزرگترین مسائل پیش روی تمام اعصار تاریخ بوده است گویا قدمت تاریخ بشری با سابقه‌ی فلسفه و پرسش از ذات جهان و راههای شناخت آن را داشته است ولی پذیرش این مسئله مهم و اساسی به نظر می‌رسد که اگرچه تمدنهای پیش از یونان نیز در ماهیت این پرسشگری با تمدن یونان همراه بوده اند لیکن مسیری غیر از مسیر الهیات را برای پاسخ دادن به این پرسشها در پیش نگرفتند. این تمدن‌ها هر پدیده طبیعی را که از نظر شان ناشناخته می‌آمد با عوامل فراطبیعی تفسیر می‌کردند. مردم ایونی برای اولین بار تمدنی را بنا نهادند که حوادث و امور پیچیده دنیا را با طبیعت تبیین می‌کرد در این تمدن ذهن از اسرار رهایی یافت و در جستجوی طبیعی و علمی عزیمت کرد.

مکتب ملطی به احتمال اولین مکتبی بود که در این راه کوشید. طالس بنیانگذار این مکتب کسی بود که می خواست وحدت مادی هستی را ثابت کند.

### مکتب ملطی

مکتب ملطی به احتمال در حدود 550-600 پیش از میلاد در ملطیه توسط طالس بنیان نهاده شد. ماهیت مشتب ملطی در همه زمینه ها ماجراجویانه، اکتشافی فردگرایانه بود.

اعضای این مکتب به طور عمده به کشف ماهیت جهان طبیعی بوجه داشتند. مکتب ملطی نخستین فلسفه ماده گرایی است که در آن پایه های اولیه دیالکتیک دیده می شود. این مکتب چنین می آموخت:

(1) جهان مادی و عینی است، یعنی بیرون از ذهن بشر وجود دارد.

(2) طبیعت ثابت نیست و به طور دائم در حرکت و تغییر است.

(3) جهان محسوسات بی آغاز و انجام، ازلی و ابدی است.

(4) همه چیزها و پدیده های طبیعت با یکدیگر ارتباط دارند و برهم اثر می گذارند.

(5) همه موجودات در اساس وحدت دارند. مکتب ملطی به فلسفه طبیعت نیز معروف شد.

فیلسوفان این مکتب اعتقاد داشتند که انی جهان از مواد معینی ساخته شده است و طالس اعتقاد داشت گوهر بنیادی ان جهان آب است.

عضو دیگر این مکتب انکسیمندر بود. او اعتقاد داشت ماده اصلی گوهری بی نوع و فساد ناپذیر است که همه چیز را در خود دارد و همه چیز را هدایت می کند. او این گوهر را نامعین و نامحدود می نامید.

سومین فیلسوف مکتب ملطی انکسیمنس بود که گفت ماده اصلی هستی هوا است. او معتقد بود تفاوت و اختلاف اساسی بین چیزها صرفاً به میزان وجود ماده اصلی در آنها مربوط است.

انکسیمنس اعتقاد داشت خدایان و چیزهای آسمانی از فرازروی هوا هستند و در حالی که دیگر چیزهای از فرود آبی هوا تشکیل می یابند.

### اهمیت فلسفه ملطی

(1) باورهای اساطیری یونانیها را درباره منشاء جهان رد کرد.

2) توصیفی عقلانی از جهان داد

3) به احیاء و گسترش اندیشه مصری ابدیت هستی و فناپذیری ماده منجر شد.

4) مفهوم تکامل را در شکل تغییر منظم، آفرینش و فنای مداوم پیش نهاد.

5) راه مفهوم اتمی ماده را هموار کرد.

### مکتب متافیزیکی

در پایان سده ششم چرخش ایده آلیستی در فلسفه یونان بوجود آمد که فیلسوفان آن دوران برای ابداع مفاهیم ایده آلیستی از ریاضیات سود جستند. بنیانگذار این مکتب فیثاغورس بود (پیساکوراس) که برای نخستین بار فلسفه را تبدیل به یک نوع شیوه زندگی یا دین نمود. احکامی را برای انضباط اعضای خود به کار گرفتند که عالیتین انضباط این مکتب به موسیقی و ریاضیات مربوط می شود. بزرگترین کشف پیساکوراس یک قضیه در هندسه بود. آنان به نوعی راهب بودند و به پالایش جسم با پرهیز از خوردن گوشت و حبوبات و پالایش روح با جستجوی دانش اعتقاد داشتند. آنان عنصر اصلی جهان را عدد می دانستند.

اصل پیساکوراسی « اموال میان دوستان مشترک است » را پیش درآمد کمونیسیم افلاطون تعبیر کرده اند.

دو عنصر مهم در آموزشهای پیساکوراسی که تاثیر عمیقی بر افلاطون و فلسفه یونان گذاشت:

1) آموزه طبقات سه گانه انسانها به دوستداران خرد، دوستداران افتخار و دوستداران منفعت .

2) نظریه حد که از بررسیهای پیساکوراس در موسیقی بدست آمده بود.

کارکرد سیاسی مکتب پیساکوراسی:

این مکتب نظریه های آنها را مورد هماهنگی و تناسب دارای نتایج سیاسی است. آنها حکومت آریستوکراسی را متناسب و موزون می دانستند و حکومت آنها را اخلاقی و خواسته های مردمی را ناپسند می دانستند. این شد که یونانیهای دموکرات به مخالفت با گردهماییهای پیساکوراسی برخاستند.

### مکتب تغییرات پیاپی

این مکتب را هراکلیتوس بنیان نهاد و اولین فیلسوفی بود که دگرگونی را اصل حاکم بر هستی شناخت. هومر و هزیود قبل از او زمینه های آگاهی از اصل دگرگونی را آماده کرده بودند. او اعتقاد داشت که جهان از موادی پراکنده، که نظمی



ندارند و در حالی که پیوسته در حال دگرگونی‌اند ساخته شده است. نظریات هراکلیتوس بازتاب اوضاع و احوال زمانه خود اوست، که زمانه گذار جامعه یونان از نظم سیاسی آریستوکراسی به نظام دموکراتیک بود. چون به افسردگی زندگی را می‌نگریست به فیلسوف گریان نامدار شد. از نظر او عنصر سازنده جهان آتش است زیرا آتش نا آرام است و نمایانگر دگرگونی. او اعتقاد داشت که تغییر قانون هستی است.

تأثیر سیاسی افکار هراکلیتوس:

سازمان و ساختارهای اجتماعی هم دستخوش دگرگونی و تغییرند و مردم باید درباره کارهای سیاسی با توجه به اصل تغییر داوری کنند. او اعتقاد داشت در انجام دگرگونی به سود حق و عدالت است و همه چیز را در جای خود قرار خواهد داد. ولی دو اصل را بر این سؤال که آیا عدالت و حق نیز در تغییرند در آنصورت چگونه می‌توان مطمئن بود که یک حقیقت با گذر زمان هم حق بماند: (1) اصل وحدت اضداد (2) اصل نسبیت اخلاقی

در موضوع اول این سازگاری و هماهنگی در کشش متضاد است. مانند هماهنگی کششهای کمان و زه. او گفت اضداد در حال ستیز به اتفاق حرکتی را پدید می‌آورند که خود یک هماهنگی است.

نظر هگل درباره کشاکش میان نهاد و برابر نهاد در تشکیل نهایی هم نهاد از همین بخش از فلسفه هراکلیتوس مایه گرفته است. او اعتقاد داشت هر چیز از تضاد و کشاکش بوجود می‌آید و از بین می‌رود.

او اصل دوم را از میان اصل وحدت اضداد استنتاج کرد. او گفت ارینیس ها، الهه های عدالت، همه چیز را به جای خود خواهند گذاشت. هراکلیتوس مانند هگل، جنگ را نیروی انفجاری فرایند ضروری تغییر دانست.

**تأثیرات اندیشه هراکلیتوس:**

- 1) با انکار ثبات در کار جهان آنها را متوجه کرد که تغییر سازمانها و نهادهای سیاسی موجود خلاف آیین هستی نیست.
- 2) الهام بخش افلاطون و ارسطو در عقاید شان شده افلاطون را در یافتن مدینه فاضله و ارسطو را در پیدا کردن منشاء جامعه سیاسی و چگونگی سیر آن ره نمود.

**مکتب النائی:**

این مکتب در یونان غربی پدیدار شد. پارمیندس بنیانگذار آن بود. نظام فکری او به قیاس منطقی متکی بود. او معتقد بود ثبات و تغییرپذیری طبیعت واقعی چیزهاست. تغییر و دگرگونی اوهام ناشی از حواس است. او برخلاف هراکلیتوس

به ثبات می‌اندیشید. او اعتقاد داشت حواس اشتباه می‌کنند بنابراین باید فقط راز راه عقل جهان را شناخت. در زمینه سیاسی نیز اعتقاد داشت باید نهادها و سنتها حفظ شود و تغییر نکنند. او با عقل‌گرایی خود تأثیر زیادی بر ارسطو گذاشت.

#### مکتب اتمیست:

بنیانگذار این مکتب لیوسپوس بود او گفت که همه چیز از اتمها یعنی ذرات بسیار ریز و پوک (خلاء) در ترکیبات متفاوت ساخته شده است. فلسفه او توسط دموکریتوس کامل شد. او به دو اصل اولیه معتقد بود: یکی اتم دیگری پوک. او مبنای همه پدیدارها را ضرورت می‌دانست که وابسته به حرکت است و به نظر او این مهم‌ترین جنبه ماده است. او را نخستین ذهن انسایکلوپدیایی در میان یونانیها نامیده‌اند. ماتریالیسم دموکریتوس را اپیکور و لوکرتیوس ادامه دادند.

#### 2. اندیشه سیاسی سوفسطها

سوفسطها از خارجیانی بودند که در آتن می‌زیستند و متیک نامیده می‌شدند. روش فلسفی سوفسطها تجربی - استقرایی بود.

#### پروتوگوراس:

بزرگترین سوفسط بود شعار او «انسان معیار همه چیزهاست» بود. او گفت حقیقت، عدالت و زیبایی و... تابع نیازها و منافع انسان است. او در حقیقت به نسبیّت اخلاقی اعتقاد داشت. علاوه بر آن انسان گرا هم بود و انسان را کانون مطالعه خود قرار داد. او تأکید کرد که مهمترین کار انسان، بررسی و مطالعه خود انسان است. او نه تنها در باره انسان‌گرایی و اخلاق بلکه درباره نهاد های سیاسی هم نظریاتی داشت. او منشاء دولت را نیازهای انسان می‌دانست. او معتقد بود که بین طبیعت و قانون تعارض نیست. و قانون چیزی عالی است که انسان را از وضع طبیعی که مانند جانوران بود نجات داد.

#### آنتیفون:

او معتقد بود که انسانها تابع قوانین طبیعت اند و هماهنگ با قوانین خاص روانشناسی احساس و فکر می‌کنند. از میان همه این قوانین به گمان او مهم‌ترین قانون خواست زنده ماندن و سعادت‌مند بودن است. او می‌گفت دلیل رعایت قوانین جامعه شرمندگی مجرم و تحمل درد و رنج است و چون مجازات مجرم دردناک است آن مسئله نقض قانون بنیادی طبیعی اوست. او می‌گفت قوانین جامعه با قانون طبیعی در تعارضند.

### کالیکس :

او می گفت قانون زور بر طبیعت حاکم است و قوانین مدنی و اخلاقی توطئه ضعیفان برای محروم کردن قویتر ها از قدرت است.

### سقراط

به عقیده سقراط فلسفه یعنی خود انضباطی عقل و دو وظیفه بزرگ دارد:

(1) سنجیدن و رد کردن افکاری که نادرست و غیر واقعی می داند.

(2) جایگزین کردن رشته جدید اصولی که برای عقل پذیرفته شده است.

روش او دیالکتیک یا جدل نام گرفت. روش استدلال او قیاسی بود. روش او بر پایه رد فرضیه های غلط بود و به همین علت به آن روش مبتنی بر نفی می گفتند.

از نظر ارسطو سقراط به دو دلیل مهم است :

(1) تعریف مفاهیم عام

(2) استفاده از روش قیاسی.

آموزه مهم سقراط آموزه «دو دانش» اوست که دانش را به صوری و واقعی تقسیم کرد و وظیفه انسانها دانست که دنبال دانش راستین باشند که با خود شناسی بدست می آیند و او گفت تنها احترام به خود، خود شناسی و کف نفس می تواند انسانها را به قدرت حاکم رهبری کند.

ارسطو گرایشهای اصلی فلسفه او را مشخص کرد:

(1) فضیلت یا علو اخلاقی با دانش یکسان است.

(2) بنابراین فساد و کردار بد اخلاقی در همه موارد نتیجه جهالت یا خطای فکری است

(3) بنابراین خطا همیشه غیر ارادی است.

سقراط پایه دانش تخصصی برای اداره کارهای سیاسی را بنا نهاد به نظر او توده مردم نباید در سیاست دخالت داشته باشند زیرا از آن بی اطلاعند.

او همچنین به اصول بنیادی خاصی اعتقاد داشت: نامیرایی نفس، عینیت معیارهای اخلاقی و واقعیت جهانی ثابت و بی تغییر در فراسوی جهان حس و زمان.

## افلاطون

در جمهور اثر بزرگ افلاطون سیاست به مثابه هنر مطرح شده است و اینکه مانند همه هنرها کارکرد موفقیت آمیز آن به دانش کارشناسی نیازمند است. که این اصل نظام دموکراتیک را مورد حمله قرار می دهد. معادله ی سیاست - هنر پایه بسیاری از تشبیهات اوست. وظیفه اصلی دولت جمهور آن است که مسائل را چنان ترتیب دهد که فرمانروایی نخبه با فضیلت را آسان کند. جمهور نماد کوشش افلاطون برای شناخت معنای عدالت است.

روش او همپرسه یا گفتگو بود. در جمهور گلاکون یکی از بازیگران این همپرسه ادعا می کند که: نفع شخصی نیروی توانمندی است و انسانها می خواهند به نفع خود از دیگران بهره برداری کنند اما از نتایج آن می ترسند؛ از نظر او وضعیت مطلوب آن است که شخصی بتواند بی عدالتی کند بی آنکه مورد بی عدالتی واقع شود. در چنین حالی زندگی بسیار پر مخاطره است زیرا انسان از آسیبی که از طرف دیگران ممکن است وارد شود بیمناک است بنابر این عدالت از ترس ناشی می شود.

انسانها برای از بین بردن این ترس قانون وضع می کنند و موافقت می کنند از آن اطاعت کنند زیرا در حالی که خودخواهند محتاط نیز هستند. ولی افلاطون همه نظریات در باره واقعیت عدالت را چیزی جدا از نفس انسان نمی بیند. از نظر افلاطون سه نیرو انسان را بر می انگیزد: اشتها، روحیه، عقل و بر حسب میزان نسبی هر نیروی موجود در افراد جامعه، جامعه را به سه طبقه صنعتگر، پاسدار و فرمانروا که هر کدام به حسب نیروی مسلطشان مسولیتی را بر عهده دارند، تقسیم می کند.

از نظر او دولت در وهله اول برای تامین نیازهای متقابل پدیدار می شود و یک سازمان اجتماعی است که باید این هدف را انجام دهد.

در جمهور افلاطون، در حکومت آرمانی او فرمانروایان دولت از طبقه پاسداران انتخاب می شوند.

از نظر او عدالت عبارتست از: دادن حق هر کس به خودش.

عدالت به معنای رشد هماهنگی درونی هم در فرد و هم در دولت است البته تنها در صورتی که شرایط خارجی به سامان باشد

اگر دولت در پاسخ به خواست مبادله خدمات پدیدار شده باشد دولتی که این نیاز را به بهترین حالت برآورد بهترین دولت است. دولتی که نیاز را به طور کاملی برآورد دولت کاملی است.

فضیلت های دولت جمهور یا آرمانشهر عبارتند از: عقل، شجاعت و خویشن داری.

افلاطون به دو مسئله تعیین و رشد استعداد و به حفظ تعادل جامعه توجه داشت بنابر این به این مسئله در دو وضعیت پرداخت که در طرح آرمانشهر او جایگاه مهمی دارند: تربیت و کمونیسیم

### تربیت

شهروندان ابتدا باید تا 18 سالگی آموزش ابتدایی را بگذرانند و سپس به مدت 2 سال آموزش نظامی را بگذرانند.

در مرحله نخست تربیت، شهروندان باید ژیمناستیک و موسیقی یاد بگیرند. در این مرحله هدف پرورش جسم سالم است. افلاطون سلامت جسمی را پیش شرط سلامت فکری و روحی می دانست. علاوه براین او این مرحله را برای رشد روحیه و شجاعت کسانی طرح ریزی کرده بود که باید امدادگر یا اعضای طبقه نظامی باشند. آموزش موسیقی بیشتر به مطالعه شعر و ادب مربوط می شد.

افلاطون نظام دقیقی از سانسورها را پیشنهاد داد و تاکید کرد که فیلسوف شاه باید آثار جدید را به دقت مورد توجه قرار دهد. دومین مرحله طرح مطالعات عالی کسانی است که از روند غربال کردن انتخابگر آموزش ابتدایی بر جا مانده اند. این مرحله از 20 سالگی آغاز و بسته به شایستگی اعضا تا 50 سالگی ادامه می یابد. فن های انفرادی آموزش داده می شود زیرا تعداد کمی در این مرحله حضور دارند. نخستین ده سال این مرحله به مطالعه ریاضیات از شکل ابتدایی تا عالیترین شکل و اختر شناسی و آخرین 5 سال به مطالعه جدل، فلسفه می گذرد.

آنها که این مرحله عالی را تا 35 سالگی با موفقیت گذرانده اند به مقامات مدیریتی و سیاسی و نظامی گماشته می شوند. اما مرحله نهایی که از غربال کردن این گروه حاصل می شود که به خدمات دولتی مربوط می شود که 15 سال تعلیم و تربیت را در بر می گیرد. در 40 سالگی آنها که از این مطالعات تئوریک استفاده کرده و خوب خدمت کرده اند به مقامات سازمان دولتی می رسند.

افلاطون معتقد بود که عدالت یعنی ایجاد اجتماعی از مردم که در آن هر فردی در همان مقام خاص در جامعه باشد که به آن تعلق دارد و همان کاری را انجام دهد که برحسب گرایش و آموزش برای آن مناسب است.

### کمونیسم

نیروی قوی اختلافات ناشی از داشتن مالکیت در جامعه افلاطون را به فکر ترسیم طرح کمونیسم خاص آرمانشهرش انداخت. او حذف مالکیت شخصی را برای طبقات بالا (پاسداران و فرمانروا) ضروری می دانست. طرح کمونیسم او را روابط خانوادگی را نیز کنترل می کرد و به عقیده او ازدواج و مالکیت موانع دولت اند. او اصلاح نسل را نیز در طرح خود ذکر کرده بود. او آزادی زیادی را به زنان می داد و این آزادی بیشتر به حقوق و وظایف شهروندی آنان مربوط شد. او اعتقاد داشت زنان بایست در امور سیاسی بیشتر شرکت کنند.

### شکلهای حکومت

دولت کمال مطلوب ممکن است دچار چهار مرحله فساد شود:

دولت کمال مطلوب ----> دموکراسی با فرمانروایی نظامی ----> اولیگارشی ----> دموکراسی ----> تیرانی (ستمگری)

در دموکراسی شجاعت نیروی مسلط است

اولیگارشی، دموکراسی و تیرانی زیر سلطه نیروی اشتها هستند.

در کتاب قوانین او پیشنهاد کرد که قانون جای فیلسوف - شاه را بگیرد زیرا حکومت آرمانی هنوز قابلیت عمل ندارد و قانون در اصل از عقل سرچشمه می گیرد. افلاطون در قوانین پیشنهاد کرد که باید دولتی در خشکی و بقدر کافی دور از دریا تأسیس کرد تا از نظامی گری دریایی جلوگیری کند و گرایش به تجارت را سست کند.

### ازدواج و خانواده در کتاب قوانین :

افلاطون در قوانین، عقایدش را که در کتاب جمهور گفته بود تکرار کرد. او ممنوعیت شرکت زنان در کارهای اجتماعی را نکوهید و آن را سبب تلف شدن نیمی از نیروی اجتماع دانست.

## ارسطو

نام مدرسه او لیسئوم بود این مدرسه در یک گردشگاه بود که به آن پریپاتوس می گفتند که نام مکتب مشایی از آن گرفته شده است.

ارسطو را می توان اولین دانشمند علم سیاسی دانست . ارسطو در علوم طبیعی و اجتماعی روش بررسی تکاملی را مطلوب دانست. جوینده دانش باید هر چیز را در روند تکاملی بیازماید. در بررسی دولتها هم باید روند تاریخی مورد توجه قرار دهد.

ارسطو با روش استقراء به شناخت مسائل اجتماعی پرداخت. او برای نوشتن کتاب سیاست قانون اساسی 158 دولت را بررسی کرد.

سه خصوصیت روش نگرش ارسطو به اجتماع و طبیعت و بینش سیاسی او:

استقراء، ژرف بینی و دقت در سازمانها و کارها، ارج نهادن بر پیشینه و سنتها---> حاصل این سه میانه روی است.

ارسطو می گفت که وجود چیزها به چهار چیز بستگی دارد:

(1) هیولا (ماده ، یا امکان و استعداد انفعالی شدن)

(2) صورت (گوهر هستی، نمایان شدن آنچه در ماده فقط یک استعداد بود)

(3) مبداء حرکت

(4) غایت: علت غایی مهم تر و قطعی تر است.

در جریان حرکت و جنبش که چیزها دارند، همه چیز از ماده آغاز می شود و به سوی صورت بی ماده می رود. صورت مظهر کمال است و ماده مظهر کمبود و نیاز.

## منشاء و هدف دولت

انسان موجودی اجتماعی است به همین علت دولت تشکیل می دهد حتی اگر قبلاً انتظار مزایایی نداشته باشد.

انسان اگر تنها باشد هر لحظه را باید صرف نیاز های گوناگون کند---> امکانات پیشرفت را از دست می دهد.

غریزه و عقل انسان را به مبارزه برای بهتر کردن زندگی قادر کرده است . او در این راه به تأسیس سازمانهای پیچیده ای

اقدام کرده است ---> اولین هسته های این سازمانها در خانواده----> سپس روستا----> سپس دولت تشکیل شده است.

دولت یا پولیس عالی ترین سازمان اجتماعی است <---> به وسیله آن انسانها برای دست یافتن به کمال اخلاقی می کوشند. پایه دولت طبیعت بشر است <---> برای تامین نیازهای بشر بوجود آمده است. <----> تخصّص <----> مبادلات کالایی. هدف و غایت جامعه سیاسی و دولت کمال و سعادت انسانها <----> سعادت در فعالیت و کاربرد فضیلت است <----> بهزیستن.

معیار خوب و عادلانه بودن دولت توانایی آن به تامین نیازهای عمومی است.

ارسطو بردگی را نهادی قابل توجیه، عادلانه و طبیعی می دانست.

از نظر او در جهان عمل حکومت ها به طور مسلط یا اولیگارشیا اند یا دموکراتیک، اینکه چقدر اولیگارشیا و چقدر دموکراتیک باشد به توزیع ثروت، گستردگی توانایی نسبی، موقعیت طبقات و دیگر شرایط همانند بستگی دارد.

او برای دموکراسی 5 نوع اصلی برشمرد:

1) میان تهیدستان و توانگران فرقی نمی گذارد.

2) دموکراسی مبتنی بر داشتن ثروت معین

3) حکومت آریستوکراتها با برتری قانون

4) حکومت همه شهروندان با برتری قانون

5) حکومت همه شهروندان با برتری عوام یا رهبران دماغوژیست.

توجه عمده ارسطو به دموکراسی نمایندگی بود و می گفت مسئله اصلی همه دموکراسیها ترکیب حاکمیت عمومی با مدیریت خوب است.

از نظر ارسطو بهترین دولت قابل عمل باید به تعادل اصول دموکراسی و اولیگارشیا مبتنی باشد. او این حکومت را پولیتی نامید. پولیتی اعتدال یا میانه روی را ارائه می کند. از نظر او پولیتی بهترین دولت قابل عمل که بر اساس قانون اساسی مختلط متکی بر اصل تعادل نیروهای اولیگارشیا و دموکراسی، نمایانگر ابزار عناصر متضاد جامعه بود. این دولت طبقه متوسط است. پولیتی یک راه حل برای ثبات بود و هرچه یک قانون اساسی به پولیتی نزدیکتر باشد ثبات بیشتری دارد. پولیتی نمایانگر درک ارسطو از دولت مختلط یا قانون اساسی مختلط است. او می گفت طبقه متوسط به علت میانه روی بایستی قدرت را در دست گیرد.



## اندیشه سیاسی دوره یونانی گری

پیش از پیدایی نظام شهر - دولت در یونان سازمان سیاسی یونان شکل تیرانی داشت. پس از حکومت تیرانی که 200 سال طول کشید (طی سده های هفتم یا پنجم پیش از میلاد) حکومت پولیس یا شهر - دولت شکل گرفت. حکومت شهر - دولت دو گونه بود: یکی دموکراسی برده دار و دیگری اولیگارشی.

شهر - دولت آتن نمونه دموکراسی برده داری و شهر - دولت اسپارت نمونه اولیگارشی بود. فیلسوفانی که نظریه پرداز شکل حکومت دموکراتیک جامعه برده دار (شهر - دولت آتن) بودند، ماتریالیسم و فیلسوفان نماینده اولیگارشی (شهر - دولت اسپارت) ایده آلیسم را ترویج کردند. او انسان را دارای صنع اجتماعی ندانست.

اندیشه ی سیاسی یونان به طور مسلط اخلاقی بود. آنان بین سیاست و اخلاق تفاوت نمی گذاشتند. به نظر آنان بین فرد و جامعه جدایی نیست و خیر فرد و جامعه یکی است. آنان بین دولت و جامعه تفاوت نمی گذاشتند. متفکران سیاسی یونان از لحاظ ذهنی گرایش شدیدی به عمل داشتند و به جستجوی کمال مطلوب علاقه نشان می دادند. از نظر آنان جامعه متمدن بر سه اصل متکی است: عرضه مناسب کالاهای اساسی، خصوصیات مردم، نهادهای سیاسی؛ که به سه زمینه اقتصاد، اخلاق، فرهنگ، و سیاست مربوط می شد. این متفکران هر سه را با هم در نظر می گرفتند.

ویژگی های مشترک مکاتب یونانی گری:

### اپیکوریسم

توسط اپیکور در آتن تاسیس شد. از نظر او هدف اصلی انسان دست یافتن به شادی و سعادت فردی است. او آیین و آموزه شادمانی روحی را ترویج می کرد. از نظر آنان خود پسندی قانون یگانه طبیعی نام گرفت.

دلایل محبوبیت یافتن مکتب اپیکوری در یونان باستان:

(1) پیمای جزمی برای بشریت داشت.

(2) آموزه لذت جالب بود به آسانی فهمیده می شود.

اپیکور از آمیختن نظریه ی اتمی دموکریتوس و نظریه تغییرات دائمی هراکلیتوس فلسفه ای پدید آورد که ماده گرایی بود. ماده گرایی تکامل است. از نظر آنان پادشاهی بهترین نوع حکومت است. اپیکوریسم، فلسفه نفی گرایی بود. و عقب نشینی را بر مبارزه با بدبختی ها توصیه می کرد.

3) نیاز واقعی بشر به آرامش را که در روزهای آخر جمهوری روم آشکار بود ارضاء می کرد. آشوب و نا آرامی آن روزها را مرهم مهمی بود

4) انسانها را از ترس رهانید.

با وجود گرایش ماتریالیستی و اندیشه های ابداعی ، او هرگز مدعی انقلابی گری نشد. او انسان را دارای طبع اجتماعی ندانست.

### سیر نایسیسم

آریستاپوس، اهل سیریانکا بنیانگذار مکتب بود نام دیگر این مکتب کورنایی بود. او عقیده داشت تنها از راه حواس است که دانش یقینی حاصل شود و احساس ناشی از حواس باید پایه کردار انسان باشد. احساس با حرکت آمیخته است. اگر حرکت آرام باشد احساس فرح بخش است. اگر حرکت تند و خشن باشد --- احساس دردناک است. حرکت های خشم نمی تواند هدفی اخلاقی برای انسان باشد. بنابراین احساس فرح بخش لذات مثبت است. تفاوت اپیکوریسم و سیرنایسیسم:

هواداران سیرنایسیسم بر لذت مثبت که از انجام کارهایی مانند مسئولیت های اجتماعی و سیاسی بر می آید تأکید کردند. اما اپیکوریسم بر مشارکت نکردن در کارهای اجتماعی و سیاسی توجه کرد. سیرنایسیستها اعتقاد داشتند رنج جسمی بدتر از رنج روانی است. اما اپیکوریستها برعکس فکر می کردند. سرانجام این فلسفه در اپیکوریسم جذب شد.

### مکتب کلبی

آنها انسانها را تشویق به کناره گیری از زندگی اجتماعی و سیاسی می نمودند و ابراز می داشتند که انسان باید چنان از لحاظ روانی خودکفا باشد، که گرفتاریهای محیطی تمدن نتواند بر آنها غلبه کند و تفاوت خردمند و بی خرد را در نیازمندی به نهادها و تاسیسات جامعه سیاسی می دانستند. آنها گفتند که اخلاق در صورت از بین رفتن نهادهای اجتماعی و سیاسی رشد می کند. سادگی کلید زندگی خوب است.

خردمندی فضیلت است --- زندگی انسان خردمند مطابق با طبیعت --- نیازهای خود را به حداقل کاهش دهد. آنها امتناع از مادیات را توصیه نمی کردند بلکه غلبه بی اعتنایی خاصی را تبلیغ می کردند.

بنیانگذار این مکتب کراتس و از معروفترین کلبیها می توان از آنتیس تنس و دیوگنس یاد کرد.

دیوگنس خود را شهروند جهان نامید. او هوادار ریاضت مثبت بود تا آزادی بدست آورد. او گفت فضیلت در رهایی از آرزوها و خواسته‌هاست و مکتب کلبی بسیار نفی گرا است.

### مکتب شک گرای

روح و گوهر این فلسفه، روح تحقیق و جستجوگری حقیقت بود. شک گرای فلسفی تردیدی جزمی است. فیرو یا پیرهو بنیانگذار شک گرای بود. او می گفت که انسان قادر به شناخت ظاهر چیزهاست نه ذات درونی آنها. چون نمی توان از چیزی یقین داشت انسان عاقل از قضاوت خودداری می کند. تیمون گفت اثبات هر چیزی تسلسلی را بوجود می آورد که پایان ناپذیر است پس هیچ چیز قابل اثبات نیست. آرشیلوس یا آرکه زیلائوس گفت که به هیچ چیز یقین ندارد و به تعلیق قضاوت باور داشت. او نظری نداد و به رد نظریات مطرح شده پرداخت.

### مکتب رواقی

زنو بنیانگذار آن بود.

نام کتاب زنو جمهور است. کریسیپوس دیگر اندیشمند این مکتب با زنو به این باور رسیده بودند که دولتی فراگیر باید سراسر جهان را نیز نظارت قرار دهد و قوانین آن باید با طبیعت هماهنگ باشد. از نظر آنها خیر و نیکی هماهنگی با طبیعت است. طبیعت نیرویی است که جوای کمال از راه رشد است. آنها می گفتند که خردمندان می توانند با عقل خود قانون طبیعی را بشناسند و در زمره برادری جهانی خردمندان در آیند. آنها دو نوع قانون را شناختند: قانون طبیعی و قانون عقلی که همان درک و دریافت خردمندان از قانون طبیعی است. از نظر اجتماعی و سیاسی قانون عقلی اعتبار بیشتری دارد که البته این قانون باید با قانون طبیعی هماهنگ باشد.

عامل پیوند شهروندان شناختن گستردگی طبیعت و ضرورت تسلیم خود به آن

### ماکیاولی

در پایانهای سده پانزدهم ایتالیا از پنج دولت تشکیل شده بود و همه آنها تقریباً قدرت یکسانی داشتند و این پراکندگی قدرت سبب ضعف ایتالیا و سلطه اسپانیا و فرانسه می شد. دغدغه اصلی ماکیاولی این بود که این پراکندگی بر اخلاق سیاسی و روحیه مردمان ایتالیا آسیب می زند و وحدت را نابود می کند. تمام تلاش ماکیاولی پیدا کردن و ارائه راه حلی برای این وضع کشورش بود.

در زمان ماکیاولی جنبش خواهان حکومت محدود، که در کلیسا و هم در دولت، بکل نابود شده بود و جای خود را به هواداری از پادشاهی مقتدرانه داده بود. به غیر از ایتالیا همه اروپا شاهد دولت های مقتدر بود. کتابهای گفتارها درباره نخستین ده کتاب تیتوس لیویوس، شهریار، هنر جنگ، کاسترو چیو، تاریخ فلورانس، ماندراگولا، بلفاگور و ترجمه آندریا از آثار ماکیاولی است.

به عقیده او روش درست بررسی علم سیاست، روش تاریخی است ولی آن روش به تاریخ گرایی محض بسنده نمی کند، در واقع رهیافتی است که بر تجربه گرایی شخصی مبتنی است که با روح تاریخ آمیخته است.

ماکیاولی شکل‌های حکومت را در همین طبقه بندی کلاسیک ارسطو دانست، پادشاهی، آریستوکراسی، پولیتی و شکل های فاسد آن تیرانی، اولیگارشی و دموکراسی و به شکل مختلط به عنوان بهترین شکل حکومت اعتقاد داشت.

او حکومت جمهوری را بهتر از پادشاهی نگهدارنده ایمان دانست زیرا صفات فرمانروا با تغییر اوضاع عوض نمی شود. پادشاهی انتخابی برای هدف استقلال مناسب است و بسیار کمتر از حکومت آریستوکراسی ناآرامیهای داخلی ایجاد نمی کند. در کتاب شهریار درباره انواع حکومت شهریاری آن را به شهریاری موروثی و شهریاری نوبنیاد تقسیم می کند. او گفت از میان این دو شهریاری نوبنیاد هم از نظر به دست آوردن قدرت هم از نظر نگهداری آن با مشکل بیشتری مواجه است. او گفت که شهریاری نوبنیاد نیز به دو دسته کاملاً نوبنیاد و دیگری که از پیوستن تاره به شهریاری موروثی پدید آمده است که دومی را دولت مختلط نامید.

او گفت اگر شهریار بر مردمی آزاد غلبه کند تنها راه نگه داشتن قدرتش این است که عادات و نهادهای مردم آزاد را به طور کامل نابود کند. او گفت شهریار باید پشتکار داشته باشد که نمونه آن را در کارهای موسی، کوروش، تی سیوس و رمولوس می بینیم.

او گفت شهریاری بر پایه جنایت و وحشیگری بنیاد استواری ندارد و اگر پادشاه به این وضع دچار شود باید هوشمند باشد این خشونت نیز باید کامل، یکباره و در مدت کوتاه باشد.

او گفت دو چیز برای حفظ قدرت دولت لازم است: قوانین خوب و ارتش خوب. او بر نقش ارتش بسیار تاکید داشت زیرا بی سلاح خوب، قانون خوب نمی تواند وجود داشته باشد. او اعتقاد داشت نیروی ارتش باید از شهروند-سربازان تشکیل شود: «تنها سپاه خوب، سپاه ملی است.»

شهریار دانا از دادن آزادی گسترده و بیش از اندازه خودداری می کند. شهریار نباید مهربان باشد، زیرا مهربانی به سستی و آسان گیری تعبیر خواهد شد و نتیجه آن هرج و مرج است. بزرگترین مسئولیت شهریار، حفظ یگانگی و یکپارچگی دولت است.

ماکیاولی اعتقاد داشت شهریار باید بین دو انتخاب دوست داشتن او توسط شهروندان و ترس از او، ترس را انتخاب کند زیرا انسانها از آزردهن کسی که دوست دارند باکی ندارند ولی باید مراقب باشد مورد تنفر واقع نشود.

او در شهریار گوشزد کرد که برای حل مسائل دو راه وجود دارد: 1) قانون 2) زور. این دو، به طبع انسانی و حیوانی بر می گردد و شهریار باید هر دو را بیاموزد.

او گفت شهریار دانا همیشه بهانه قابل قبولی برای شکستن عهد و پیمان خود می یابد. او اعتقاد داشت شهریار باید «ریاکار بزرگی» باشد.

در جنگ میان دو دولت همجوار باید طرف ضعیفتر را بگیرد تا توازن قدرت برقرار شود و تأکید کرد که نباید شهریار بی طرفی پیشه کند زیرا در این صورت تنفر هر دو همسایه‌ی دچار جنگ را متحمل می شود.

او گفت شهریار برای رسیدن به هدف می تواند از هر وسیله ای استفاده کند.

شهریار به طور عمده درباره تأسیس دولت نو بنیاد و برقراری پایه های بقای آن بحث می کرد ولی در گفتارها درباره حکومت جمهوری بحث می کند.

از نظر او جمهوری دولتی است که در آن مردم از فرمانروا داوطلبانه پشتیبانی می کنند. از نظر او آزادی در وهله اول باید به مثابه امنیت و سپس به عنوان رهایی از سرکوب فهم شود. او گفت منشاء اصلی پراکندگی سیاسی - اجتماعی، آریستوکراسی است که انگل - وار از کار دیگران می خورد و در هرج و مرج پروار می شود. وجود آنها جمهوری را ناممکن می کند و شهریاری لازم است تا اینها را مهار کند.

در تأمین ثبات دین درست می تواند ارزش زیادی داشته باشد. دین وفاداری و یگانگی را بیشتر می کند و از حکومت جدایی ناپذیر است

ماکیاولی هشدار داد که تقسیم مسئولیتهای فرماندهی فاجعه بار است. نیروهای نظامی باید همیشه زیر فرمان یک فرمانده باشند.

او دولت را نهادی طبیعی می دانست که از درون عملکرد نیروهای طبیعی پدیدار شده است و در میان آنها وجود دارد. او قدرت سیاسی را هدفی در خود دید. ماکیاوولی سکیولاریست بود ولی در شناخت کارکرد و تأثیر سیاسی دین تردید نکرد. ماکیاوولی منادی سیاست قدرت بود. یعنی این واقعیت را تبلیغ می کرد که اساس سیاست دولتهای بزرگ بر قواعد اخلاقی نمی باشد.

از ویژگی های برجسته اندیشه ی سیاسی ماکیاوولی موجبت اقتصادی بود. او گفت انسانها عمیقاً تحت تاثیر انگیزه های اقتصادی عمل می کنند . تأثیر عامل اقتصاد را در همه رفتارهای سیاسی می توان دید. شاید مهم ترن ضعف فلسفه او واقع گرایی مطلق و مفرط اوست.

### توماس مور، توماس کامپانلا

نوزایی در انگلستان هم اثر های خود را بر جا گذاشت و در آغاز سده شانزدهم این کشور در نتیجه «انقلاب بازرگانی» دستخوش تحولات زیادی شد. با تغییر مسیرهای بازرگانی، نوزایی نیز از ایتالیا به اسپانیا، فرانسه، هلند و انگلستان انتقال یافت. بازرگانی انگلستان در همه دریاها گسترده شد، شهرهای آن در نتیجه رشد صنایع محلی به ثروت و پیشرفت دست یافتند، دریانوردان آن همه جای کره زمین را پیمودند و سرداران آن سرزمین امریکا را مستعمره کردند. اما در بطن این شکوفایی، بیکاری و آوارگی انبوه کشتکاران جامعه را از لحاظ اجتماعی - اقتصادی دچار آشفتگی و فقر کرده بود. این رخدادها بر اندیشه بسیاری از متفکران تأثیر گذاشت. این متفکران جنبه ها و نتایج انقلاب بازرگانی را مورد انتقاد قرار دادند، مالکیت خصوصی، انحصارطلبی و قوانین ستمگرانه و قدرت نظامی را زیان بخش دانستند.

### توماس مور:

مور، یکی از متفکرانی است که در این دوران به ترسیم جامعه ای آرمانی برای خلاصی از مشکلات انقلاب بازرگانی پرداخت. کتاب او به «نام ناکجا آباد» بین سالهای 1516-1515 که در مأموریت فلاندر، ظاهراً تحت تاثیر جمهور افلاطون و با توجه به موارد ناعادلانه دانسته شده در «در ستایش دیوانگی» اثر آراسموس نوشته شد.

طرح او نمایانگر جامعه ای سوسیالیستی است، اما سوسیالیسیم او را تخیلی دانسته اند. طرح او در بر دارنده نکات زیر است:

1. مالکیت خصوصی باید لغو شود.

2. تقسیم کار باید بر پایه نیازمندیها باشد.

3. خانواده باید پایه جامعه باشد.

4. پول را باید از جامعه برداشت.

5. باید برای همه امکان آموزش و آسایش فراهم باشد و در برابر دشواریهای زندگی باید از مردم حمایت کرد.

6. مردم باید در قبول دین آزاد باشند.

7. حکومت باید پادشاهی باشد.

در ناکجا آباد هر کس باید روزانه 6 ساعت کار کند. در آنجا قوانین کم است و جرمها نادر. نیازی به مجموعه قوانین قاهرانه نیست، زیرا مالکیت خصوصی وجود ندارد که از آن حراست شود. در ناکجا آباد، جنگ، شری مطلق است. به فرمان شاه نوآوری و دگرگونی در ناکجا آباد قدغن شده است. در آنجا روحانیان فضیلت برجسته ای دارند بنابراین تعداد آنان کم است.

### توماس کامپانلا:

فلسفه‌ی او ترکیبی از افکار سده های میانه و علم جدید بود. که در بر گیرنده تصوراتی از یک جامعه کمونیستی و طرحهایی برای برقراری وحدت دینی و سیاسی جهان معاصر که امیدوار بود به طور عمده با کمک کاتولیسیسم به آن دست یابد.

شهر خورشید جامعه آرمانی او جمهوری هنرمندان و صنعتکاران زحمتکش بود. او ستاره شناسی را بنیاد علوم می دانست و پیشرفت‌های دوران خود را بر اساس آن تبیین می کرد و جامعه آرمانی خود را نیز بر اساس آن ترسیم کرد. او معتقد بود که جامعه بر قدرت، محبت و خرد مبتنی است و وقتی پیشرفت می کند که سلطه های اجتماعی از جمله مالکیت خصوصی از بین برود، و عوامل حکومتی بر پایه های واقعی عمق پذیرند.

### اندیشه سیاسی متفکران جنبش اصلاح دینی

دین پیرایی تا حدودی تداوم جنبش شورایی بود که می خواست از اقتدار پاپ جلوگیری کند و نظام نمایندگی را در کلیسا بر قرار نماید و این همه منعکس کننده احساسات ملی گرایانه بود.

مذهب پروتستان در عرصه سیاست خواستار قدرت مطلق دولت بود و از حق الهی فرمانروا سخن گفت. رهبران پروتستان در تأیید نظریه سیاسی خود از نظریه سن پل که اطاعت کور کورانه را طلب کرده بود، سود جستند.

لوتر:

از مهم ترین آثار او می توان به رساله های دین پیرایی که در 1520 منتشر شد و در برگیرنده‌ی نامه سرگشاده به اشراف مسیحی، آزادی انسان مسیحی و اسارت بابلی کلیساست نام برد و اندرز درباره اعمال نیک، درباره حکومت غیر دینی که در سال 1523 منتشر شدند.

یکی از اعتراض های اصلی لوتر به کلیسای روم آن بود که بیش از اندازه سیاسی، و در کارهای غیر دینی به طور غیر قابل بازگشت، گرفتار شده است. کلیسا مأموریت و رسالت خود را فراموش کرده به چیزهای دنیایی علاقه یافته و معنویات را نادیده گرفته است. کلیسا نباید ثروتمند باشد، زیرا ثروت مادی از تمرکز توجه به کارهای معنوی جلوگیری می کند.

نخستین حمله عمده لوتر به کلیسا به آمرزش گناهان مربوط بود.

به نظر لوتر کلیسای واقعی اجتماع مومنان است و فقط خدا و مسیح برتر از آن هستند. لوتر پس از آنکه از کلیسای کاتولیک گسست، گفت که اقتدار غیر دینی یک ضرورت است. روحانیت نمی تواند اعمال کننده اقتدار غیر دینی باشد، بنابراین باید به طور کامل در اختیار حکومتی غیر دینی که مسئولیت منحصر حفظ صلح را دارد قرار گیرد.

نظریه دو پادشاهی:

تفکر سیاسی لوتر بر دو رهیافتی است که در الهیات او اهمیت دارند:

یکی نظریه دو پادشاهی، دیگری نظریه تضاد خداوند و شیطان

یکی نظم روحانی است که سبب رستگاری انسانها می شود، و دیگری نظم این جهانی که زندگی مادی انسانها را سامان می دهد. نیز دو پادشاهی در روی زمین کاملاً درآمیخته اند و فقط خداوند می داند چه کسی به راستی مومن است و چه کسی از شیطان اطاعت می کند. اما میان این دو پادشاهی جنگی ابدی است که فقط در پایان جهان خاتمه می یابد، زیرا شیطان پیوسته می کوشد پادشاهی خداوند را براندازد و پادشاهی خود را بر همه انسانها بگسترد. به عقیده لوتر تضاد بین این دو پادشاهی تعیین کننده تاریخ بشر است و این تضاد ماهیت جامعه انسانها و جنگ ابدی رد جهان را توضیح می دهد.

لوتر معتقد بود شورش علیه فرمانروا بدترین گناه است، زیرا در نتیجه‌ی شورش بنیادهای جامعه‌ی مدنی سست می شود. لوتر در اثر خود نامه های سر گشاده به اشراف مسیحی گفت که شورش و هرج و مرج کار شیطان است و نظم و سامان باید به هر بهایی حفظ شود. او گفت وظیفه ی شهیار فرمانروایی کردن است، و وظیفه‌ی مردم اطاعت کردن .

کالوین:



او معتقد بود که سرنوشت انسانها را خداوند مقدر و معین کرده است. خداوند سرنوشت برخی را رستگاری و برخی دیگر را لعن ابدی تعیین کرده است.

به عقیده او حکومت غیر دینی شری ضرور نیست. او معتقد بود چون حکومت ابزاری آسمانی است، فرمانروایان مدنی مقامی خدایی دارند. او به شکل حکومت اهمیت نمی داد، هر چند که از پادشاهی و دموکراسی نفرت داشت و آریستوکراسی را بهتر از آن دو می دانست، و به نظر می رسد شکل مختلط حکومت را ترجیح می داد.

حکومتی که کالوین در ژنو به وجود آورد ماهیت دین سالار جامعه کالوینیستی را نشان داد. در این شکل حکومت دو هیئت حاکم جدا از هم وجود داشت. اول، شورای عالی که کارگزینی غیر دینی رهبری کننده جامعه بود؛ دوم انجمن کاتوزیان که هیئت حاکم بر کلیسا بود.

با اینهمه، در نظریه سیاسی کالوین، یا در دولت ژنو، کمی دموکراسی وجود داشت. کالوینیسم، بعداً انگیزه رشد دموکراتیک شد. اما خود کالوین چنین چیزی را در نظر نداشت. از اصل مشارکت مردم عضو کلیسا به عنوان دلیل دموکراسی نهفته در الهیات کالوینیستی یاد شده است.

آموزشهای کالوینیستی به طور عمده در راستای منافع طبقات سوداگر قرار گرفت و رهبران کالوینیست که در شهرها می زیستند، از ضرورت وجود اقتصاد بازرگانی جانبداری می کردند.

### زوینگلی:

زوینگلی نویسنده «درباره مذهب حق و ناحق» اصلاحگر بزرگ دینی در سوئیس بود. زوینگلی کلیسا را انجمن نادیدنی و غیر ظاهر قدیسان معرفی کرد و در عین حال تدوین هر آن مقرراتی که برای پرستش خداوند و انضباط اخلاقی لازم بود وظیفه ارگان غیر دینی جامعه ها دانست.

او به جای آموزش حقوق الهی شاهان، با حق اطاعت انفعالی مردم، اندیشه جامعه مشترک المنافع مسیحی را مطرح کرد.

## اندیشه سیاسی انگلستان در سده شانزدهم و هفدهم

### ریچارد هوکر

به خاطر نوشتن کتاب قوانین جامعه کلیسایی معروف شد. او فکر می کرد انسانها در آغاز در وضع طبیعی می زیستند. ولی همه خواسته‌های خود را نمی توانستند برآورند، پس جامعه سیاسی تشکیل دادند. جامعه‌ها بر پایه قرارداد اجتماعی به وجود آمد. فرد هیچ حق شورش در برابر حکومت ندارد.

او گفت وظیفه‌ی اول حکومت ترویج مذهب است. دولت و کلیسا یکی است.

### فرانسیس بیکن

از آثار او کتاب مقالات و آتلانتیس نو اهمیت دارند. بیکن از طرفداران تحکیم پادشاهی مقتدر و روشن بین بود. درباره‌ی رابطه‌ی شاه با قانون بیان کرد که شاه می تواند قوانین پارلمان را به تعلیق درآورد و در روابط خارجی باید توازن را حفظ کند.

او در کتاب عظمت واقعی قلمرو پادشاهی از حکومتی میلیتاریستی دفاع کرد.

بیکن علت اولیه انقلاب را در فقر و نارضایتی دانست. راه جلوگیری از انقلاب را تقسیم عادلانه ثروت دانست.

بیکن معتقد به یک حکومت اشرافی بود که یک فیلسوف شاه در رأس آن باشد

### گروه‌های تندرو: لولرها، دیگرها

جنگ داخلی 1640 بحث‌هایی میان مردم به وجود آورد که نخستین تجربه بزرگ آموزش سیاسی عمومی بود. مهم ترین گروه این بحثها لولرها بودند. آنان در مسائل مذهبی خواهان مدارا و در برقراری شکل اسقفی یا کشیشی (پرسیب تیرینی) حکومت کلیسایی مخالفت کردند. از نظر سیاسی قانون اساسی آزادخواهانه را خواستار شدند. دیگرها گروهی در درون لولرها بودند.

لولرها متعلق به طبقه متوسط پایین و دیگرها کمونیستهای تخیلی نام گرفتند. لولرها بر جنبه سیاسی و دیگرها بر جنبه اقتصادی اصلاحات تأکید می کردند.

### لولرها

آنان منادیان رادیکالیسم دموکراتیک بودند. آنها به امتیازات سیاسی آریستوکراتها و امتیازات اقتصادی حقوقدانها معترض بودند و برابری مورد نظر آنها، برابری در پیشگاه قانون و برابری حقوق سیاسی بود.

رهبر اصلی آنان جان لیبورن نویسنده دفاع از آزادی انسان آزاد بود. او بر حاکمیت مجلس عوام تأکید و با حکمرانی یک نفر مخالفت کرد. آنها مدافعان دموکراسی تندرو بودند که در آن هر فرد حق حداقل حقوق سیاسی، حق انتخاب نمایندگان و حق داشتن قانون اساسی را دارا بود. لولرها در ارتش کرامول جناح چپ بودند و با جناح راست که افسران ارتش بودند اختلاف نظرهایی داشتند.

#### دیگرها:

جناح چپ گروه لولرها، دیگرها بودند که نتایج جنگهای 1640 را وسیله برقراری برابری اقتصادی تلقی می کردند. آنها خود را لولرهای واقعی معرفی می کردند. یک گروه مذهبی اقتصادی که خواستار انقلاب برابری اقتصادی بودند. آنان اعتقاد داشتند مالکیت عمومی کامل و مالکیت خصوصی نشان هبوط انسان است. ریشه همه شرارتها و حرص و آزمندی در مالکیت خصوصی است. به حقوقدانان و روحانیان حمله می کردند زیرا آنها را حامیان مالکیت خصوصی می دیدند. وینستانی یکی از بزرگان دیگرها آزادی را بهره برداری بی مانع از زمین توصیف کرد. او حکومتها را به دو دسته مشترک المنافع و پادشاهی تقسیم کرد که نوع اول را حامی ضعیفان و دومی را حکومت راهزنان می نامید. آنها ثروت را نتیجه کار اجتماع مردم می دانستند. ولی گروهی مسالمت جو بودند و به زور متوسل نمی شدند.

#### جیمز هرینگتون

کتاب مهم او «مشترک المنافع اوشیانا» نام داشت. او تحت تاثیر ماکیاولی و ارسطو بود. او گفت مالکیت ارضی ماهیت حکومت را تعیین می کند. و تغییر در مالکیت زمین را سبب تغییر ماهیت حکومت می دانست. او گفت پایه واقعی اقتدار سیاسی پایدار را باید در توزیع متناسب ثروت یافت. او اعتقاد داشت باید بین نيزوهای اقتصادی تعادل مطلوبی برقرار شود و این تعادل از راه برقرار کردن حکومت مشترک المنافع یا جمهوری برابری به دست می آید. او به حکومت آریستوکراسی نظر داشت و جمهوری برای او مساوات طلبی نبود.

به نظر او حکومت بر یکی از این دو اصل مبتنی است:

(1) فرمانروایی قوانین نه فرمانروایی مردم

(2) فرمانروایی مردم نه فرمانروایی قوانین

تفاوت این دو اصل در آن است که در یکی منافع عمومی مردم تامین می شود و در دیگری برخی منافع خصوصی. از نظر هرینگتون در حکومت حقوق شهروندی باید همگانی باشد. البته او خدمتکاران و مزدبگیران را کنار گذاشت. حکومت جمهوری مسئول مردم است و در این باره سه روش پیشنهاد کرد:

1) چرخشی بودن مقامات

2) انتخابات آزاد با رای گیری مخفی

3) تفکیک قوا

او اعتقاد داشت آموزش وسیله حفظ و بقای حکومتهاست. او سانسور را نیز توصیه کرد. قوانین اساسی کارولینا، نیوجرسی و پنسیلوانیا بازتابی از اندیشه های اوست.

### جان میلتن

از جمله آثار مهم او آرئوپاکی تیکا بود که درباره آزادی مطبوعات بود. او در کتاب تنیور (با دوره تصدی شاهان و کلانتران) گفت که انسان آزاد آفریده شده و مردم برای حفظ آزادی خود حکومت تشکیل داده اند. قدرت شاهان از مردم سرچشمه می گیرد. او در کتاب ایکونو کلاستس گفت هر حکومتی که به خاطر منافع خود، آزادی مردم را خفه کند، ستمگری است. او مقاومت در برابر شاه ستمگر را از حقوق و آزادی های مردم دانست. آن را خواست خدا دانست. ولی او هرگز حق رای عمومی و فرمانروایی مردم را مطلوب نمی دانست. شعار او آزادی برای همه اما اقتدار برای کسی بود که توانایی، دانش و تجربه داشت. به نظر او حکومت جمهوری باید یک شورای بزرگ دائمی داشته باشد. میلتن به مدارای مذهبی پایبند بود.

او در رابطه دولت و کلیسا گفت این دو نهاد در ماهیت و هدفهای نهایی متفاوتند و بنابراین از هم جدا هستند. او گفت کلیسا باید با کمک های مردم اداره شود تا فاسد نشود.

### تندروهای مذهبی

#### پرسبی ترین ها:

ساموئل راترفورد از نظریه پردازان آن بود. او گفت همه صلاحیت ها ابداعی هستند. اگر شاه اختیاراتی را که مردم به او داده اند در راه نادرستی استفاده نمود، مردم دوباره می توانند آن اختیارات را پس بگیرند. اختیارات پارلمان نیز محدود و

جنبه امانت دارد و مردم می- توانند آن را نیز لغو کنند. پرین در کتاب حکمران پارلمان اعلام کرد پارلمان از شاه برتر است. شاه فقط خدمتگزار قلمرو پادشاهی است. او حق مقاومت را برای مردم طبیعی دانست.

**ایندپندننها:**

گروه اصلی مذهبی جمهوریخواه بودند. رابرت براون این گروه را تشکیل داد. او گفت کلیسا انجمن داوطلبانه مومنان هم عقیده است. آنها خواهان مدارای مذهبی بودند.

**رابرت فیلمر:**

او نویسنده معروف کتاب پدرسالار یا قدرت طبیعی پادشاهان و گفتار در قدرت و حقوق عمومی از حامیان حقوق الهی شاهان بود. او گفت انسانها هرگز آزاد نبوده اند و آزادی و برابری دو اصلی است که مایه آشوب جامعه هاست. او با نظریه قرارداد اجتماعی مخالفت کرد. او گفت نخستین پادشاهان پدرسالار بوده اند. حقوق طبیعی شاهان مانند حقوق طبیعی پدران معتبر است. او گفت قدرت شاهانه قانون خداوند است : او می تواند قوانین مصوب پارلمان را رد کند یا تعلیق کند. بدیل پادشاهی یا هرج و مرج است یا استبداد.

## جرج هالیفاکس

کتاب خصلت یک اصلاحگر و مقاله تشریح یک معادله و کتاب نوعی تازه از تندباد دریا از آثار اوست. او نظام پادشاهی کامل و جمهوری کامل را رد کرد. او هرچند شاه را در حد پرستش قبول داشت بنیان پادشاهی را به ملت می دانست و پادشاه را نماینده ملت و جز اسای قانون اساسی انگلستان تلقی می کرد. او با گسترش صلاحیت کلیسا مخالف بود و لیکن دین را برای جامعه ضروری می دانست. او توجه آنچنانی به احزاب نمی کرد و این یکی از نقاط ضعف او در شناخت دستگاه جدید حکومت بود که سیاست جدید انگلستان را در آینده‌ی نزدیک رقم می زد.

## توماس هابز

به نظریه سیاسی رهیافتی علمی نشان داد. پایه تفکر او ماتریالیستی بود، روش ایوکلید(قلیدس) را در مطالعت خود به کار می برد. زیرا مفتون روش هندسه بود.

به نظر او گرفتاریهای سیاسی اروپا دو منشأ دارد: 1) فلسفه ارسطو 2) کلیسای کاتولیک  
روش او استقرایی و تجربی است. او از تاریخ استفاده نکرد و تأکید او بر نظریه بود که اعتبار علمی بیشتری داشته باشد. روش فلسفی او ماتریالیسم تاریخی را شامل می شد.

فلسفه ای سه بخشی به کار برد: پدیدارهای طبیعی، شناخت و احساس بشر و پدیدارهای اجتماعی را بر حسب حرکت توضیح داد.

## طبع انسان

نظریه ی حرکت هابز بر روانشناسی استوار است. او گفت حواس منشأ هرگونه شناخت است و همین دریافت سبب حرکت ذهن انسانهاست. خواست و هدف اصلی انسان امنیت است. امنیت تنها از راه داشتن قدرت ممکن است. ولی هیچ انسانی هیچ گاه قدرت کافی ندارد و علت منازعات همین است. و به علت برابری نسبی انسانها این منازعات پیچیده شده است. این برابری هم جسمی است هم روحی .

انسان فردگرا، خود خواه، و از لحاظ مبارزه جویی برتری طلب است.

### وضع طبیعی

او گفت اگر حکومت وجود نداشته باشد جامعه به وضع طبیعی باز خواهد گشت. در این وضع درکی از درست و نادرست وجود ندارد. «انسان، گرگ انسان است.» قاعده زندگی این است که هر کس هر چه می تواند به دست آورد و آن را حفظ کند. قانون زور و حيله گری دو فضیلت به شمار می رود. این وضع قابل تحمل نیست چون امنیت وجود ندارد.

سه علت اصلی سبب این وضع شده است: (1) رقابت (2) ترس (3) افتخار

(1) در این وضع انسان موجودی اجتماعی نیست.

(2) آرزوهای سیری ناپذیر دارد .

(3) خود پرستی و احساس ناامنی او را به جنگی بی پایان می کشاند.

(4) انسان در وضع تنهایی و بی نوایی زندگی می کند.

(5) صلح و امنیت وجود ندارد و انسان همیشه در خطر است.

بنابراین: اگر حکومت نباشد انسان به چنین وضع و حالی می افتد.

### مفهوم قانون طبیعی

انسان عقل هم دارد و بنابر عقل صلح و تعاون فایده بیشتری دارد و لازمه صلح، اعتماد متقابل است. هدف اصلی انسانها حفظ حیات است پس به این نتیجه می رسد که تا زمانی که انضباط تحمیل شده اقتدار برتر را نپذیرد، اموال و زندگیش ممکن است تلف شود. عقل اصول مناسبی برای صلح دارد، این اصول قوانین طبیعت اند.

در وضع طبیعی هم حق و هم قانون وجود دارد. از جمله این قوانین:

(1) قانون صلح جویی یا جنگاوری (2) قانون چشم پوشی از حق

(3) قانون وفاء به عهد (3) قانون سپاسگزاری

(5) قانون مدارا کردن (6) قانون عفو

(7) قانون اصلاح متخلف (8) قانون احترام گذاشتن

(9) قانون برابری (10) قانون فروتنی

خلاصه همه ی این قوانین را می توان در این قانون بیان کرد: آنچه به خود نمی پسندی برای دیگران روا مدار

## تاسیس دولت

برای رعایت حفظ صلح و امنیت باید قراری میان مردم گذاشته شود. ولی برای تضمین آن قدرتی اجبارگر لازم است که از خواست حریصانه انسانها جلوگیری کند.

او گفت دو گونه جامعه یا دولت وجود دارد: دولت تاسیسی (2) دولت اکتسابی

دولت تاسیسی از راه قرارداد اجتماعی و دولت اکتسابی از راه زور به دست می آید. یگانه حقی که اتباع دولت هابز برای خود نگه می دارند، حق دفاع از خود است. هابز انقلاب را فقط در این حالت می پذیرفت که جان انسان در خطر باشد. هابز گفت هیچ قدرتی در گذاردن قانون از قدرت حکمران بیشتر نیست. اما حکمران باید از قوانین خداوند و قوانین طبیعی پیروی کند و از این لحاظ فقط در برابر خداوند مسئول است.

حکمران باید از عرف و سنت پیروی کند و حقوق دیرینگی را نیز به رسمیت بشناسد. اتباع هیچ حقی در گذاردن قانون ندارند و حقوق آنها فقط مربوط به دفاع از خود است.

او عقیده داشت حکمران سه قوه را در اختیار دارد. بر ارتش نیز نظارت دارد و مالیات ها را نیز وصول می کند. بر افکار عمومی نیز حکم می راند. به نظر هابز حکومت ترکیبی معنا ندارد. او شکل پادشاهی را بهترین شکل حکومت می دانست. وی اظهار کرد فرمانروایی قانون بیشتر ضرورتی عملی است تا تکلیف اخلاقی حکمران. ولی فرمانروایی خودکامه بنیاد دولت را نابود می کند.

هابز اعلام کرد که قدرت حکمران نامحدود، مطلق و تقسیم ناپذیر است.

## حاکمیت

لویاتان او نخستین بیانیه حاکمیت در انگلستان بود. او اندیشه حاکمیت حقوقی را به کمال رساند.

ویژگی قدرت حکمران هابز: نامحدود، تقسیم ناپذیر، فراگیر، جدایی ناپذیر و همیشگی

## جان لاک

از دو رساله لاک رساله دوم نوشته ای سازنده تر و مشهور تر است که لاک برای توضیح خاستگاه، اقتدار و هدف حکومت مدنی طرح ریزی کرد. در این رساله او منشأ و کاربرد قدرت سیاسی را بررسی کرد.



### طبع انسان:

او گفت همه انسانها از یک گوهرند، همه برابر زاده می‌شوند و استعدادها و قوای یکسانی دارند، آنها موجوداتی عاطفی اند و به وسیله عقل از قانون آگاه می‌شوند. انسانها به انگیزه همدلی و عشق و رقت احساسی، عقلانی و منطقی رفتار می‌کنند. انسانها عضو یک نظام اخلاقی و تابع قانون اخلاقی‌اند. انسان موجودی اجتماعی و جامعه طلب است.

### وضع طبیعی

وضع طبیعی دو ویژگی داشت: (1) آزادی کامل (2) برابری همگان

به گمان او در وضع طبیعی انسانها در حالت جنگ دائمی یا ترس زندگی نمی‌کنند بلکه در آن صلح و خردمندی برقرار است. وضع طبیعی قانونی طبیعی دارد که بر آن حاکم است و بر همگان الزام آور است. او منشأ تکلیف بشر درباره احترام به حقوق دیگران را قوانین طبیعی می‌دانست. وظیفه اصلی اقتدار حکومتی تضمین حد اعلای رعایت قوانین طبیعی است. آنها با وجود خردمندی کامل نیستند و اختلاف تعبیرهایی درباره حدود قوانین طبیعی دارند و اندکی خودخواهی نیز دارند ولی بدون اجرای زورمندانه هیچ قانونی طبیعی نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ پس اقتدار در دست همگان است و این اقتدار را به گروهی واگذار می‌کنند ولی آن را غیر قابل برگشت یا غیر قابل وصول نمی‌دانند.

لاک گفت وضع طبیعی سه عیب داشت :

(1) قانون نوشته ، مستقر و شناخته شده وجود نداشت.

(2) قاضی شناخته و بی طرفی برای حل اختلاف نظر در تعبیر قوانین طبیعی وجود نداشت.

(3) قوه اجرایی برای عملی کردن قضاوتها وجود نداشت. حکومت از نظر لاک:

انسانها تشخیص دادند که اگر جامعه مدنی ایجاد و ابزارهایی که عیب های وضع طبیعی را از بین ببرد بوجود بیاید زندگی انسانها بهتر می‌شود، بنابراین آنها با هم قراری گذاشتند و جامعه مدنی را سازمان دادند. انسانهای آزاد رضایت دادند که از آزادی طبیعی خود تفسیر و قضاوت و اجرای قانون طبیعی دست بردارند و برای زندگی راحت، امن و مسالمت آمیز با یکدیگر با بهره مندی کامل از اموال خود و امنیت بیشتر در برابر هر آنچه نداشتند، در یک اجتماع متحد شوند ، پس اساس قرار اجتماعی رضایت است. او اعتقاد داشت حکومت از راه بستن یک قرارداد قیومت بین مردم به وجود آمد و مردم عده‌ای را مأمور وظایف معینی کردند که به صورت حکومت در آمدند. حکومت امین و قیوم مردم است

پس حقوق برابری ندارد، بلکه تکالیفی نسبت به آنها دارد. او انواع حکومت را به دموکراسی، اولیگارشسی و پادشاهی و پادشاهی انتخابی تقسیم کرد.

پادشاهی انتخابی بوسیله‌ی مردم انتخاب می‌شود و حق تعیین جانشین ندارد.

قوای حکومت: او قوه مقننه را قدرت برتر جامعه یاد کرد. ولی محدودیتهایی برای آن برشمرد:

(1) به روشی دلخواه نمی‌توان آن را اعمال کرد.

(2) باید در راستای خیر و صلاح جامعه باشد.

(3) بی‌رضایت کسی نمی‌توان او را از دارایی محروم کرد.

(4) اختیار قانونگذاری خود را به هیئت یا شخص دیگری نمی‌تواند واگذارد.

اقتدار قوه اجرایی تابع قوه قانونگذاری است و در واقع کارگزار آن است. لاک به قوه دیگری نیز اشاره کرد یعنی اقتدار فدراتیو که منحصرأً به امور خارجی مربوط می‌شود و در برگیرنده‌ی روابط خارجی و مسائل نظامی و به طور کلی اجرای سیاست خارجی است. حق انقلاب در قرارداد قیومت به طور ضمنی وجود دارد. اگر حاکم قرارداد قیومت را نقض کند مردم می‌توانند او را برکنار کنند. و مرجع تشخیص دهنده‌ی نقض قرارداد مردم هستند.

او گفت که حاکمیت به مردم تعلق دارد زیرا انتخاب و برکناری کارگزاران دولتی را انجام می‌دهد.

در وضع سیاسی به حقوق قانونی که حکومت موظف به اجرای آن است تبدیل می‌شود.

لاک، جان و مال و آزادی را در اصطلاح مالکیت نامید. او گفت وحی و عقل طبیعی می‌گویند که در وضع طبیعی اموال مشترک بوده است. او گفت در نتیجه کار انسان اموال طبیعی مشترک، خصوصی می‌شوند. این نظریه به نظریه ارزش کار گسترش یافت. آدام اسمیت و دیوید ریکاردو از نظریه‌ی ارزش کار پیروی کردند و کارل مارکس از آن استفاده کرد تا نظریه‌ی ارزش اضافی را تدوین کند.

لاک اظهار کرد که کلیسا سازمان داوطلبانه‌ای است که کارش رستگاری نفس انسانهاست و حق ندارد با حمایت دولت به تبلیغ و عضوگیری بپردازد یا به علت نقض مقررات کلیسا شهروندان را مجازات کند. اقتدار کلیسا آن جهانی است و کیفرهایی که تحمیل می‌کند باید این تفاوت را در خود نشان دهد.

مقامات سیاسی باید ارزشهای عملی سیاست مدارا و اغماض مذهبی را در ذهن داشته باشند. او طرفدار مدارای مذهبی بود ولی اذعان کرد با هیچ کلیسایی که از اعضای خود خواسته تا از یک شهریار خارجی اطاعت کنند نباید مدارا کرد. او همچنین اعلام کرد که مدارا شامل حال ملحدها نمی شود.

او گفت تنها در زمانی که امنیت سیاسی در خطر است می توان از مدارای مذهبی صرفنظر کرد.

لاک را موسس لیبرالیسم فلسفی و نیز مذهب تجربی در نظریه معرفت شمرده اند.

### مونتسکیو

روش او تجربی و استقرایی بود. او سعی کرد برای پیشبرد نهادهای بشری اصولی را بیابد پس از بیان آرمانها اجتناب کرد. مونتسکیو در نامه های ایرانی پاپ و سران کلیسا و نهاد پادشاهی و دربار را به باد انتقاد می گیرد.

از نظر مونتسکیو انسان در وضع طبیعی ترسو و بزدل بود. جز ناتوانی چیزی احساس نمی کرد و هیچ کس جرئت حمله به دیگری را نداشت پس اولین قانون وضع طبیعی صلح است. آنها نیازها و خواسته هایی داشتند که کوشش در راه آنها قانون دوم وضع طبیعی بود. انسان ذاتاً اجتماعی است و گزینه همزیستی دارد که سومین قانون طبیعی است. او گفت انسان وقتی در اجتماع قرار بگیرد برابری حس ضعف خود را از دست می دهد و از آن پس اجتماعات خاصی پدیدار می شود که در راه دست یافتن به هدف خود بایکدیگر ستیز می کنند و رقابت بین اعضای ای اجتماعات وجود دارد و این رقابت سبب ستیز و جنگ می شود و موجب پیدایی قوانین موضوع یا مقررات ضروری برای حفظ صلح می شود یعنی همان نخستین قانون طبیعی

او سه نوع قانون نام می برد: 1) قانون بین المللی 2) قانون سیاسی 3) قانون مدنی

برای اجرای قانونی سیاسی و مدنی حکومت ضروری است. او گفت قانون موضوعه باید بر قانون طبیعی مبتنی باشد. از نظر مونتسکیو قوانین هر جامعه مناسب همان جامعه است او به عوامل زیاد اجتماعی، اقتصادی، دینی و دیگر عواملی که بر قانون تاثیر می گذارند اهمیت می داد. او سه نوع حکومت را از هم تفکیک کرد: جمهوری، پادشاهی و استبدادی. نوع جمهوری را به آریستوکراتیک و دموکراتیک تقسیم کرد. در حکومت استبدادی فرمانروا بدون محدود شدن با قانون حکمرانی می کند. او گفت در حکومت جمهوری اصل حاکم فضیلت مردم است. اصل حکومت پادشاهی افتخار و یا شرف است و در این حکومت قانون جای فضیلت را در خود محدودی می گیرد. یگانه اصل حکومت استبدادی ترس است.

او گفت قوانین در حکومت دموکراسی باید برابری مردم، بویژه برابری اقتصادی را برقرار کند. در حکومت آریستوکراسی میانه روی باید حاکم شود و در حکومت استبدادی ارتش بزرگ چاره ساز است. مونتسکیو گفت فساد هر نوع حکومت به فساد اصل خاص همان نوع حکومت بستگی دارد.

مونتسکیو در مورد رابطه ی وسعت سرزمین و شکلهای دیگر حکومت گفت: پادشاهی اگر در سرزمین کوچک باشد به جمهوری تبدیل می شود، اگر وسعت آن زیاد باشد آریستوکراتها قابل کنترل نخواهند بود. در سرزمین بزرگ اگر اصل کنفدرالی و اصول جمهوری اجرا نشود استبداد ضرورت می یابد.

### نظریه تفکیک قوا

اوو گفت که برای ایجاد و حفظ حکومت میانه رو، قدرت باید با قدرت مهار شود. او گفت هر یک از قوای سه گانه قضایی، اجرایی و مقننه را باید اشخاص جداگانه ای اداره کنند. تمرکز سه قوه در یک هیئت، حکومت را از میان روی باز می دارد و قدرت با قدرت مهار نخواهد شد .

### هیوم، برک، اسمیت

#### هیوم

هیوم مقدمات یورش بر قانون طبیعی و حقوق طبیعی را در فلسفه ای که در رساله درباره طبیعت بشر عرضه کرد، فراهم آورده بود.

عرصه استفاده از عقل بسیار محدود است: عقل می تواند روابط منطقی میان چیزها را نشان دهد، اما نمی تواند وجود (واقعیتها) یا ارزشها (اصول قانون طبیعی) را ثابت کند. ارزشهای انسانی را احساسات یا هیجانات بشر تعیین می کند. او اعتقاد داشت هنجارها از تجربه برآمده اند و فقط از راه تجربه هم قابل شناخت هستند، نه از راه عقل انتزاعی. او گفت اصولی مانند عدالت، اخلاق، آزادی و مانند آنها پیشینی نیستند؛ میزان اعتبار آنها به میزان سودمندی آنها بستگی دارد. او با مفاهیم قانون و حقوق طبیعی و قرار اجتماعی مخالفت کرد. هیوم معتقد بود برای تامین عدالت نبود که جامعه سیاسی بوجود آمد، بلکه جامعه سیاسی از جنگ بوجود آمده است. البته تاکید کرد که اگرچه جامعه با زور بوجود آمده است اما اصل سودمند بودن و افکار عمومی آن را حفظ می کند و با زور حفظ نمی شود .

هیوم با رهیافتی جامعه شناختی و تاریخی گفت که برای اطاعت عمومی هیچگونه قرار روشنی گذاشته نشده است. او گفت دولت نیازی اجتماعی است چون جامعه بشری پیوسته در تغییر است و برای حفظ ثبات در جامعه دولت ضرورت دارد. او گفت انسان آنقدر باهوش است که بداند که عدالت و حکومت با ثبات به سود اوست اما آنقدر خردمندی ندارد که بر حسب اعتقادات خود زندگی کند.

به نظر او در میان شکل های حکومت شکل پادشاهی با ثبات تر، پایدارتر و برای پیشبرد پیوسته آزادی واقعی مناسب تر از شکلهای دیگر است. او گفت آزادی به معنای نظم، امنیت و عدالت است.

او اعتقاد داشت انسانها آفریده عادتها هستند، و عادتها انتظارات و خواستها را می آفریند. بنا براین اگر بخواهیم آنها شادمان زندگی کنند باید آنچه را که در گذشته داشتند در حال و آینده نیز داشته باشند. محروم کردن مردم از مالکیت، محرومیت آنها از امکانات مورد انتظار در آینده است. بر نیارودن خواستههای آفریده عادتها، نبودن عادتهاست و بنابراین تضعیف دستها یا عواملی که ثبات جامعه را تکه می دارند.

### ادموند برک

نظم اصل اساس فلسفه سیاسی برک است. او گفت جهان طبق قانون اخلاقی که خداوند مقرر کرده عمل می کند و جامعه نیز باید بر این اساس اداره شود. او گفت قبول قانون اخلاقی در زندگی اجتماعی از راه عقل سیاسی در کوتاه مدت ناممکن است. او معتقد بود عقل سیاسی در طول تاریخ گسترش یافته و اگر نهادها و سنتها سودمند نبودند تشکیل نمی شدند. او اظهار کرد خطر عقل نظری فیلسوفها این است که آنها خردی که در گذر سالها و سده ها در نهادهای سیاسی سنتها شکل گرفته را در نظر نمی گیرند. شوالیه استدلالهای برک را به سه بخش تقسیم می کند:

1) ترس او از ذهن گرایی

2) نظریه ای نو درباره طبیعت

3) نظریه ای تازه درباره عقل عمومی یا عقل سیاسی

برک در دفاع از جامعه طبیعی از یک سو جانبداران نظریه وضع طبیعی بویژه روسو را استهزاء کرد و گفت جامعه سیاسی یا مدنی سبب بدبختیها انسانهاست.

او گفت انسان موجودی پیچیده است، بی تردید عاقل است ولی طبع انسان تنها برآمده از عقل نیست بلکه تمایلات، تعصبات و عاداتها نیز در آن راه دارد او گفت انسان آفریده این ویژگی هاست و کوشش برای از بین بردن عاداتهای او خطرناک است.

او عقیده داشت فقط آزادی اجتماعی شریف است و آنها نباید به زیان نظم باشد. نظم مستلزم محدودیت است. اوضاع و احوال اجتماعی حدود آزادی اجتماعی را تعیین می کند. انسانها نباید از آزادی یکسانی برخوردار باشند. باید انسانها استحقاق آن را داشته باشند، بنابراین آزادی نابرابر است.

از نظر او تمایل به حفظ وضع موجود، و علاقه به اصلاح آن، بر روی هم دو معیاری هستند که در داوری برای خوبی دولتمردان بسیار مهم است.

او در باره شکل حکومت اذعان کرد که باید اوضاع و احوال را در نظر گرفت و فقط تجربه طولانی می تواند مشخص کند که کدام شکل بهتر است یا چگونه حکومت باید اصلاح شود یا ایجاد شود.

او گفت نباید به دلایل کوچک و زودگذر دست به تغییر زد تنها زمانی که «چشم انداز» حکومتهای فاسد «بقدر تجربه گذشته» سبب فلاکت و بدبختی باشد انقلاب توجیه پذیر است.

برک به خردمندی سیاسی و توانایی سیاسی انسان عادی چندان توجهی نداشت، اما نظر او به طور کل غیر دموکراتیک نبود چون اعتقاد داشت جامعه مدنی از نوعی رضایت و موافقت اولیه شکل می گیرد.

او گفت حکومت باید براساس سه اصل به طبقه منتخب تعلق گیرد:

1) شایستگی

2) مالکیت

3) تبار

برک گفت خانواده های آریستوکرات سهم عمده ای در ثبات دارند. وظیفه اصلی طبقه ی حاکم ، نگهداری ثبات جامعه ای است که بر آن حکومت می کند. او علاوه بر قدرت سه عامل دیگر مالکیت، دین و پیشداوری را برای کنترل اجتماعی اساسی دانست. او پیشداوری را باورهای گسترده ای که از عقل نظری بر می آید دانست. او نگه داشتن این پیشداوری ها را برای نظم اجتماعی مفید دانست.

### اسمیت

اسمیت در درس های خود سه موضوع را پیوسته مورد بحث قرار داد:

1. عدالت 2. خاستگاه دولت و پایه اطاعت 3. مراحل رشد جامعه

او اعتقاد داشت عدالت اصلی ترین وظیفه ی دولت است. او درباره خاستگاه دولت گفت اطاعت از عادت بر می آید و عادت هم از اجتماع مردم برای حفظ و ادامه نسلها به تدریج پدید آمده است.

او برای جامعه 4 مرحله رشد مشخص کرد که هر کدام به شیوه خاصی از زندگی مربوط هستند: جامعه در مرحله شکار، جامعه در مرحله شبانی، جامعه در مرحله کشاورزی و جامعه در مرحله بازرگانی. در مرحله دوم که مالکیت بر حیوانات اهلی پدیدار شد، تصویری ابتدایی از مالکیت، عدالت و حکومت پدید آمد.

اسمیت بر پایه عدالت، اطاعت و مراحل رشد جامعه کوشید فلسفه اجتماعی خود را شرح دهد. اسمیت در نظریه احساسات اخلاقی کوشید نشان دهد که انسانها چگونه احساسات اخلاقی و ارزشها را می یابند. داوری ارزشها را به وجود می آورد، و در جامعه بازرگانی عدالت و احتیاط از ارزشهای محترمی هستند.

او اعتقاد داشت برای جلوگیری از کوشش سرمایه داران در راستای واداشتن حکومت به حمایت از منافعشان، حکومت باید در برابر مردم مسئول باشد و وظایف آن هم محدود باشد. وظیفه ی اصلی حکومت تأمین عدالت و امنیت مالکیت است و نیز باید در برابر تجاوز از مردم دفاع کند.

### فمینیسم

مفروض اصلی فمینیسم این است که مردان بر زنان به اشکال مختلف تسلط پیدا کردند، به این ترتیب، فمینیسم، از آنچه سلطه مردان بر زنان می خواند، یک تلقی «هستی شناسانه» ندارد.

بر اساس تحولاتی که در عصر روشنگری و سپس انقلاب فرانسه و پیدایش نهضت‌های مختلف شکل گرفت، مناسبات زن و مرد از بعضی جهات و یا تمامی جهات مورد سؤال واقع شد.

مری آستیل نخستین فمینیست انگلیسی مایل بود به جای توجه به مواضع سایسی، بر ظرفیت تفکر منطقی زنان، تأکید داشته باشد و به زان، وابستگی عاطفی به مردان؛ حتی ازدواج با آنها را توصیه نمی کرد.

مری ولست کرافت که بشدت متأثر از عصر روشنگری و انقلاب فرانسه، فمنیست دیگری است که تاکید می کرد که ذهن فاقد جنسیت است و تفاوت‌های مردان و زنان را اساساً ظاهری و غیر واقعی تلقی می کرد.

فمنیسم در قرن نوزدهم و بیستم، آشکارا وجه سیاسی - اجتماعی پیدا کرد و توانست در چند دهه گذشته خود را همچون یکی از مهمترین آموزه‌های سیاسی - اجتماعی قلمداد نماید.

فمنیست‌ها خواهان برخورداری از همان فرصتهایی هستند که تاکنون به مردان داده شده است، تا جامعه‌ی جهانی شکل انسانی به خود بگیرد.

فمنیست‌ها جنبه‌های عینی زندگی را که بر اساس ویژگی‌های فرهنگی مردانه تعریف می شوند، قبول ندارد و معتقدند که قوانین عینی استخراج شده از ماهیت انسان بر پایه دیدگاه مردانه از طبیعت انسانی است. این درحالی است که طبیعت انسانی دارای خصوصیات مردانه و نیز زنانه است.

رساله جان استوارت میل به مام انقیاد زنان شاید مهم ترین اثر فمنیستی قرن نوزدهم باشد.

مارکسیسم در قرن بیستم و افرادی مانند گرامشی یا نئومارکسیست‌هایی مثل اوفه اگرچه اهمیت بیشتری به مسئله زنان می دهند، ولی در نهایت، فمنیسم راتحت الشعاع مقولات مارکسیسم ارزیابی می کنند.

فمنیسم به لحاظ تاریخی به دو موج یا دو مرحله اصلی تقسیم می شود:

1. یک موج و مرحله از قرن نوزدهم شروع شد و تا سالهای پس از جنگ اول جهانی ادامه یافت.

2. موج دوم به دهه شصت بر می گردد.

موج اول بیشتر، متأثر از خیزاب‌های عصر روشنگری و سپس نهضت‌های لیبرالی و سوسیالیستی بود.

اندیشه‌های پست مدرنیسم، بویژه در آثار دریدا و فوکو هم مناسبت‌هایی بسیار با اهداف و خواسته‌های فمنیسم پیدا کرده بود.

دریدا با توجه به دو قطبی بودن، بظاهر اجتناب ناپذیر کاربردهای زبانی سعی کرده است که با رهاسازی آنها از برداشتهای مابعدالطبیعه، بنیان‌های ساخته شده بر این تقابل‌ها را مورد سؤال قرار دهد و به تعبیری «ساخت شکنی» کند.

مطالعات فوکو در مسائلی مانند جنسیت یا دیوانگی، چنین استنباط می شد که دانش، از جمله آنچه به جنسیت بر می

گشت در پیوند نزدیک با تولید و توزیع قدرت و نمادها یا اشخاصی که از آن برخوردار داشتند قرار دارد.



مهم ترین اثر فمینیستی طی مراحل اول و دوم فمینیسم، انتشار کتاب «جنس دوم» از سیمون دوبوار است. او که آموزه‌های اگزیستانسیالیستی را با مفاهیم مارکسیستی همراه با اطلاعات روانشناسانه به خدمت گرفته بود، مطالعات گسترده‌ای را در آثار فمینیستی انجام داد.

وی در این کتاب با بررسی پیشینه‌های تاریخی و نحوه حضور زن در قالب‌های گوناگون فردی یا اجتماعی نتیجه می‌گیرد که زن چه برای فرد و چه برای دیگری یعنی فرد، جنس دوم شده است. در موج دوم فمینیسم، عملاً به بخش قابل توجهی از اهداف خود، یعنی به حق رأی زنان یا برابری حقوق زن و مرد در بسیاری از وجوه حیات دست یافت.

### پست مدرنیسم

پست مدرنیسم، مجموعه‌ای از تفکرات و نظریه‌ها در زمینه‌های علم و معرفت، سیاست و هنر و ادبیات که وجه مشترک همگی آنها را در نقد مدرنیسم و به چالش خواندن مواضع کلیدی و اساسی مدرنیسم می‌توان دید. تاریخچه و ویژگی‌های پست مدرنیسم:

استفن وایت معتقد است که مقوله فراروایت‌های مدرنیسم، یکی از مهم ترین موضوعات مود چالش پست مدرنیست‌هاست. شاید مهم ترین شکل فرا روایتی، نحوه نگرش به عقل و عقلانیت نهفته در عصر روشنگری باشد. کنت تامپسون مهم ترین ویژگی‌های پست مدرن را جمع بندی می‌کند که به جهت خاص سیاسی، رد امپریالیسم روشنگرانه و اولویت‌های سیاسی با قرائت‌های لیبرالیستی یا مارکسیستی، تأکید بر چندگانگی، اداره محلی و محور قرار دادن مسائل اقلیت‌ها همچون سیاهان، گروه‌های مذهبی یا به جهت جنس، هم جنس بازان تأکید دارد.

موضوع محوری فرامدرنیسم با پست مدرنیسم، عدم وجود واقعیت منحصر به فرد و عینی است. به گونه‌ای که بواسطه چندگانگی و کثرت تجارب و برداشت‌های، بسادگی نمی‌توان آنها را طبقه بندی کرد.

در این رهیافت و مکتب بر متون، معانی پنهان گفتمانها و معانی میان متنی تأکید گردیده است فرامدرنیسم بر این اعتقاد است که هیچ داور نهایی برای تشخیص حقیقت وجود ندارد و آمیزش زبان و قدرت سبب می‌شود، تا تفسیر جدیدی از روابط انسانی و اجتماع و مسائل سیاسی و ... ارائه شود.

## لیوتار

لیوتار در اثر خود، با دو تفسیر اصلی از روایت مشروعیت دانش بحث می کند. این دو تفسیر یکی فلسفی و دیگری سیاسی است.

در تفسیر سیاسی مشروعیت دانش، انسان بودن همچون قهرمان آزادی تصویری می شود و لیوتار از مفروض گرفتن اینکه همه مردم حق دانش آموختن دارند، این طور نتیجه می گیرد که تاکید بر سیاست تعلیمات اولیه نهاده شده و نیز آنچه می توان تربیت مردم تحت عنوان « ملت » خواند.

در تفسیر وجه فلسفی، لیوتار با اشاره به فعالیت‌های علمی هومبولت در دانشگاه برلین که به نوعی ادامه دهنده‌ی کار فیخته و شلایرماخر بود، می نویسد که شعار مشهور علم برای خود، عملاً شامل تربیت روحی و اخلاقی ملت بود و به این اعتبار به طور کامل از قاعده تمام عیار علم برای علم پیروی نمی کرد. لیوتار در این وجه فلسفی، ارتباط علم، ملت و دولت را بررسی می کند.

## فوکو

اولین روشی که فوکو در تحقیقات و پژوهش‌های خود به کار گرفت معروف به دیرینه شناسی است که شیوه متفاوتی در تفحص تاریخی به شمار می رود.

در روش تبار شناسی، پیدایش علوم انسانی و شرایط تحقق آن در ارتباط محکم با فناوریهای قدرت منعکس شده؛ در کردارهای اجتماعی، برجسته می شود.

فوکو ارتباط متقابل و دوسویه قدرت و دانش را در نقد مدرنیته مورد استفاده قرار می دهد و به این ترتیب اعتبار احکام معرفتی اندیشمندان حوزه مدرنیته را به چالش می کشاند.

مهم ترین آموزه نیچه برای فوکوف بی اعتباری دانش‌های منطبق با حقیقت بود. همین وضعیت در افکار فوکو به شکل رابطه دو سویه قدرت و دانش آشکار می شود.

از مباحث فوکو، به ویژه نسبت دانش و قدرت در دیگر مباحث نظری علوم و مطالعات سیاسی روز استفاده می شود؛ برای مثال، خرد، نیز یک قدرت فوکو در مباحث فمینیستی و در نقد سلطه مردان بر زنان استفاده می شود.

فوکو به شیوه خاص خود مباحثی چون دیوانگی، شکنجه و زندان را با بحث‌هایی درباره ساخت شناخت و فلسفه و روانشناسی درآمیخت. مارکسیست‌هایی چون پولانزاس مستقیماً تحت تاثیر آراء وی قرار گرفتند. نظریات فوکو نیز درباره ساخت زبان و اندیشه است. فوکو در اثر عمده خود تحت عنوان «دیوانگی و تمدن: تاریخ جنون در عصر خرد» به تفحص درباره‌ی شیوه‌ی تفکر و نظر مردم درباره دیوانگی و تحول چشمگیر در آن از قرون میانه تاکنون به گونه‌ای که در انسان‌ها آثار مختلف ادبی و هنری ظاهر می‌شود پرداخت.

فوکو در روش کار خود بر «قرائت متون» به منظور کشف ساختارهای شناخت آدمی تأکید می‌کرد. به نظر او، شیوه خاص فهم و دریافت ما درباره جهان، تعیین‌کننده خصلت خاص یک عصر است و این خصلت خود شیوه اعمال قدرت را تعیین می‌کند.

از دیدگاه ساختاری فوکو سیاستمداران، صاحب‌منصبان و اصحاب قدرت و نظایر آنان به طور عمدی و آگاهانه نهادهای لازم برای تامین و تضمین امتیازات و حفظ مواضع خود را ایجاد نمی‌کند بلکه اعمال افراد به طور کلی در هر عصری برآمده از نظرگاه رایج در آن عصر است. به دیگر سخن، ساخت عمل، تابع ساخت اندیشه است.

فوکو در آثار عمده دیگر خود از جمله نظم اشیاء: دیرینه‌شناسی علوم انسانی و دیرینه‌شناسی شناخت به همین شیوه اصالت ساختاری مفهوم اپیستمه یا نظرگاه معرفت یک عصر تاریخی را پیش کشید. اپیستمه مدرن، به نظر فوکو در اواخر قرن هجدهم با گرایش زبان به سوی عینیت خارجی پدیدار شده و به هر حال خود نیز اپیستمه‌ای موقت و گذرا است. فوکو در تحلیل‌های خود بر جهان کلمات و اندیشه‌ها تأکید بسیار داشت و به نحوی نهادهای اجتماعی را از این اندیشه‌ها استخراج می‌کرد. ساخت زیرین یا زیربنا در انسان‌شناسی اجتماعی فوکو نیز ساخت فکری است.

### تاملاتی در نقد پست مدرنیسم

عامل قطعیت معرفتی پست مدرنیسم، زمینه‌های بیرونی و مشکلات و معضلاتی مانند آلودگی، جنگ‌ها، تنزل مقام انسانیت و نیز نفوذ خوارکننده فناوری و ... است و همین مشکلات باعث شده که برخی نقادان پست مدرن این عوارض را همچون ریشه‌ای تر و جهانی‌تر شدن سویه دوم مدرنیته یعنی سویه معطوف به انهدام و تباهی در کنار سویه امکان‌آفرینی و ایجاد فرصت‌های تازه در بهبود وضعیت بشر، ارزیابی کنند.

هابرماس در چندین نوبت از جمله در «گفتمان فلسفی مدرنیته» مواضع نسبی گرایانه پست مدرنها و تاکید آنها بر وجود تفاسیر حقیقت و نه خود حقیقت را مورد چالش قرار می دهد که از منظر انتقاد به خود پست مدرنیسم حائز اهمیت است.

## نکات

اروین روزنتال با تأکید بر سرشت متمایز اندیشه های سیاسی در دوره میانه، آنها را به سه جریان عمده سیاست نامه، شریعت نامه و فلسفه سیاسی تقسیم می کند.

به نظر دکتر طباطبایی جریان عمده و نیرومند اندیشه سیاسی در دوره اسلامی اندیشه سیاست نامه است.

به نظر جابری تکثر مشهود در جریانهای فلسفی، عرفانی، فقهی، ادبی و ... مغایر با نظم معرفت شناختی و ساختار یگانه دانش در دوره میانه نیست. که جابری آن را با دو اصطلاح العقل الطبقي و العقل المكون توضیح داده است.

بر پایه روش مفسرین سنتی، وجوه عمده دانش سیاسی اسلام که فقط یکبار و در عصر زرین فرهنگ اسلامی ظاهر شده است بهترین فهم از نصوص دینی تلقی می شود.

نظریه های دولت در اسلام بی آنکه دریند تجربه یا تطبیق با واقعیت اجتماعی باشند، متضمن عنصری از تجویز هستند. خلافت، نمونه آرمانی دولت اسلامی از دیدگاه اهل سنت است. از چشم انداز فکر سنی، عالی ترین نمونه دولت اسلامی، خلافت خلفای راشدین است و بعضی هم خلافت عمر بن عبد العزیز از بنی امیه را از مصادیق خلافت اسلامی ایده آل می دانند.

در دولت دینی، رئیس دولت به شخص بی واسطه یا خاص یا به وصف عنوانی با واسطه یا عام از جانب خدا تعیین می شود، درحالی که در دولت سکولار این رابطه برقرار نیست.

مارکسیسم تحلیلی، گونه ی دیگر از مارکسیسم معاصر در غرب است که از جهاتی نقطه مقابل مارکسیسم ساختگراست.

الستر و پرزورسکی از افراد سرشناس در نحله مارکسیسم تحلیلی اند.

گرامشی سعی داشت به سوژه (ذهن) توجه بیشتری داشته باشد. و صرفاً آن را کارپذیر - اوبژه (عین) در چهارچوب مناسبات تولیدی نداند

عقاید نو کانتی در اتریش به آسترومارکسیسم شهرت دارد. بانی این نظره را در اتریش باید ماکس آدلر جامعه شناس مشهور وینی دانست.

چون طرفداران بروس از اهدافی شدنی و ممکن در سوسیالیسم طرفداری می کردند، به همین جهت به «پاسیالیست» ها معروف شدند.

مهم ترین بنیان گذار مکتب فرانکفورت، مارکس هورکهایمر و آدرنو بودند. یورگن هابرماس و هریت مارکوزه از دیگر متفکران برجسته این مکتب هستند.

فاشیسم و ناسیونال سوسیالیسم نیز پایه آموزشهای خود را بر اصل نابخردی توده ها و استدلالاتی بر اساس خرد گریزی بنا نهادند.

از نظر موسولینی، دولت مانند جامعه، مفهومی ارگانیک دارد، یعنی همیشه وجود داشته و خواهد داشت و در نتیجه در تمام نسل ها جریان پیدا می کند، یعنی مانند یک موجود زنده باید توسعه یابد.

پاره تو عقیده دارد که پایه های حکومت تمامی گروههای حاکمه با ترکیبی از زور و اعتقاد مردم شکل می گیرد. او گفت که انقلاب زمانی پیروز می شود که حکام وظیفه خود را در مورد نظم بوسیله اجبار فراموش کنند .

او قدرت نخبگان آمریکایی را به مثلثی تشبیه می کند که از هر طرف آن را یکی از گروههای قدرتمند، یعنی بوروکراتهای اداری، صاحبان بنگاههای اقتصادی و فرماندهان ارتش در اختیار گرفته اند.

آنارشویست های کارکردگرا، صنایع را به عنوان یک حقیقت به این شرط که توسط یک اقتدار عقل گرا از بالا اداره شود تا نیازهای واقعی جامعه را جوابگو باشد، می پذیرند.

اولین روشی که فوکو در تحقیقات و پژوهشهای خود به کار گرفت معروف به دیرینه شناسی است که شیوه متفاوتی در تفحص تاریخی به شمار می رود.

فوکو در تحلیل های خود بر جهان کلمات و اندیشه ها تاکید بسیار داشت و به نحوی نهادهای اجتماعی را از این اندیشه ها استخراج می کرد. ساخت زیرین یا زیربنا در انسان شناسی اجتماعی فوکو، نیز ساخت فکری است.

### نمونه سوالات تستی

۱- کدام یک از نویسندگان مارکسیسم زیر متهم به تجدید نظر طلبی شده است؟

- (1) ادوارد برنشتاین  
(2) کارل کائوتسکی  
(3) روزا لوکزامبورگ  
(4) روبرت آون

۲- کدام یک از متفکران زیر بحران در سیستم سرمایه داری را بی اساس می دانند؟

- (1) کائوتسکی  
(2) برنشتاین  
(3) مارکس  
(4) انگلس

۳- مسئله امپریالیزم را کدام یک از نویسندگان زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است؟

- (1) انگلس  
(2) مارکس  
(3) لنین  
(4) هگل

۴- از نظر لنین، سوسیالیسم:

- (1) عالیترین مرحله سرمایه داری بود.  
(2) مرحله عالی کمونیسم بود.  
(3) مرحله‌ی میان سرمایه‌داری و کمونیسم بود.  
(4) همان مرحله آغازین تاریخ بود.

۵- ادوارد برنشتاین از نظر لنینیسم:

- (1) تجدید نظر طلب بود.  
(2) مارکسیسم ارتودوکس بود.  
(3) مارکسیسم افراطی بود.  
(4) مارکسیسم میانه رو بود.

۶- میشل فوکو در تحلیل ماهیت قدرت، بیشتر بر روی کدام عامل تأکید دارد؟

- (1) ایدئولوژی‌های خام  
(2) سلطه و عملکرد های دولت  
(3) حاکمیت حقوقی و قانونی  
(4) تشکیلات و نهادهای دولتی

۷- اولین بار حزب واحد از طرف کدامیک از متفکران زیر عنوان شد؟

- (1) کارل مارکس (2) آدولف هیتلر (3) بنینو موسولینی (4) لنین

۸- روش کمونیسم قدرت طلب به سبک استالین توسط کدامیک از اشخاص زیر شدیداً انتقاد شده است؟

- (1) خروشچف (2) برژنف (3) تروتسکی (4) مائو

۹- نئومارکسیست ها تجدید نظر گفته های مارکس را مغایر با مارکسیسم نمی دانستند، زیرا که ...

- (1) مارکس خود اعلام کرد مارکسیست نیست.  
 (2) پیروی از اصول دیالکتیک یعنی پذیرش اصل دگرگونی هر چیز از جمله مارکسیسم.  
 (3) مارکسیسم در زمان فرمانروایی استالین در شوروی به انجماد کشانده شد.  
 (4) بنا به گفته انگلس مارکسیسم باید با توجه به یافته های جدید علم و تحول از نظام سرمایه داری مود تجدید نظر قرار گیرد.

۱۰- به نظر لنین علت عمده عدم وقوع انقلابهای سوسیالیستی در کشورهای سرمایه داری پیشرفته عبارت بود از :

- (1) اشتباه در برخی از اصول مارکسیسم  
 (2) خیانت روشنفکران غیر سوسیالیست  
 (3) بهبود وضع کارگران و جلب رضایت آنان به وسیله سرمایه داران  
 (4) عدم وجود تشکل های کارگری در غرب

۱۱- از نظر لنین در کدام جامعه دولت از بین می رود؟

- (1) انتر ناسیونالیستی (2) سوسیالیستی  
 (3) مارکسیستی (4) کمونیستی

۱۲- به گفته لنین در چه موضوعی بین کمونیستها و آنارشئیستها اختلاف نظر وجود نداشت؟

- (1) پایه های اقتصادی و سوسیالیستی (2) از میان بردن دولت  
 (3) دیکتاتوری پرولتاریا (4) دادن قدرت به حزب

۱۳- کدام اندیشه سوسیالیستی اعلام می کرد آگاهی گسترده طبقاتی هرگونه نزدیکی کارگران و روشنفکران طبقه متوسط را منع می کند؟

- (1) فابیانسیم (2) سندیکالیسم (3) آنارشسیم (4) آنارکو - کاپیتالیسم

۱۴- در کدام مکتب گفته شد در جامعه مورد نظر آن فرد برای نخستین بار به عنوان کارگر از یوغ سرمایه داری و به عنوان شهروند از یوغ دولت آزاد می شود؟

- (1) کمونیسیم (2) آنارشسیم (3) سندیکالیسم (4) آنارکو - کاپیتالیسم

۱۵- داروینسیم اجتماعی از عناصر کدام مکتب است؟

- (1) چپ نو (2) داروینسیم (3) فاشسیم (4) الیتسیم

۱۶- کدام یک از مفاهیم زیر از جمله مفاهیم اصلی فاشسیم و ناسیونال سوسیالیسم به شمار می رود؟

- 1، جغرافیا گرایی و داروینسیم اجتماعی (2) خرد گرایی و دولت یکه تاز  
(3) ملت گرایی و وطن پرستی افراطی (4) نژاد پرستی و اصالت سرزمین

۱۷- مکتب چپ نو، یک مکتب ... .

- (1) سرمایه داری است. (2) مارکسیستی است.  
(3) التقاطی است. (4) مائوئی است.

۱۸- آنارشسیمت ها با کدام یک از انواع جوامع زیر موافق هستند؟

- (1) جامعه بدون حکومت (2) جامعه دموکراسی  
(3) جامعه مارکسیستی (4) جامعه التقاطی مارکسیستی - سرمایه داری

۱۹- کدام یک از مکاتب زیر، برابری زنان را با مردان تبلیغ می کند؟

- (1) الیتسیم (2) مارکسیسم (3) فاشسیم (4) پست مدرنیسم

۲۰- در آثار و نوشته های کدام یک از نظریه پردازان، ارتباط متقابل و دو سویه دانش و قدرت مورد توجه قرار گرفته است؟

- (1) جان راولز (2) رابرت دال (3) میشل فوکو (4) آیزیا برلین



۲۱- افکار نیچه به کدامیک از متفکران زیر شباهت دارد؟

- (1) کارلایل (2) پاره تو (3) موسکا (4) سارتوری

۲۲- از نظر آنارشیست ها، چه عامل اصلی تضاد در جامعه چیست؟

- (1) زور و فشار دولت بر فرد (2) سازمانها و نهاد های رسمی  
(3) قوانین و مقررات دولتی (4) روابط اقتصادی

۲۳- به نظر آنارشیست ها انسان از چه صفاتی برخوردار است؟

- (1) آشوبگر و هرج و مرج طلب (2) شریر و بدذات  
(3) شریر و فردگرا (4) نیک طبع اجتماعی

۲۴- کدام متفکر مهم ترین و معروفترین سخنگوی تجدید نظر طلبی در مارکسیسم است؟

- (1) تروتسکی (2) کائوتسکی (3) برنشتاین (4) لنین

۲۵- کدام یک از گزارشهای سیاسی به طور مستقیم از سندیکالیسم تاثیر پذیرفته است؟

- (1) فمینیسم  
(2) سوسیالیسم تخیلی  
(3) محافظه کاری انگلیسی  
(4) فاشیسم ایتالیایی

۲۶- رابطه اندیشه سیاسی در اسلام با مجموعه تعالیم اسلام کدام است؟

- (1) اندیشه سیاسی در اسلام بخش مستقلی از تعالیم اسلام است.  
(2) اصول و تعالیم عبادی و فردی اسلام که تاثیری در اندیشه سیاسی ندارد.  
(3) اندیشه سیاسی در اسلام با مبانی اقتصادی اسلام رابطه علت و معلول است.  
(4) اندیشه سیاسی جزئی مرتبط با کل اسلام است و باید در ارتباط با سایر اصول و عناصر در نظام تشکیل دهنده اسلام تحلیل شود.

۲۷- در شریعت نامه‌ها، عدالت، نه به عنوان یک مفهوم فلسفی با یک نظریه منسجم و منضبط، بلکه به

عنوان یکی از...

- 1) اعمال پرهیزکارانه احکام و سلاطین است.
- 2) صفت‌های امام و قاضی است و نخستین شرط امامت است.
- 3) حالت‌های اجزاء و سازمان‌های جامعه است.
- 4) عقب ماندگی‌های مسلمان و بروز اخوان المسلمین شد.

۲۸- اندیشه سیاسی خلافت، نظریه ای بود....

- (1) که بر اساس نقل و در کتاب و سنت سازمان گرفته است.
- (2) سیال و با توجه به واقعیات تحول می یافت.
- (3) که بر اساس رفتار ابوبکر و خلفای عباسی شکل گرفته است.
- (4) منظم و منسجم که مبتنی بر قدرت سامان یافت.

۲۹- هدف غایی حکومت در اسلام.....است

- (1) قدرت
- (2) وحدت
- (3) هدایت
- (4) ولایت

۳۰- اهم نگرش ها و گرایشهای فکری سیاسی در تاریخ جهان اسلام و ایران عبارتنداز...

- (1) شریعت نامه نویسی و فقهی سیاسی
- (2) فلسفی سیاسی، فقهی سیاسی
- (3) علمی سیاسی و تاریخی سیاسی
- (4) سیاست نامه نویسی و شریعت نامه نویسی

۳۱- نگرش محوری متفکرین اسلامی در سیاست چیست؟

- (1) تدبیر نگری و راهبردنگری
- (2) دولت نگری و نظام نگری
- (3) قدرت نگری و حاکمیت نگری
- (4) مردم نگری و جامعه نگری

۳۲- سه جریان اصلی دانش سیاسی، به اعتبار روش تولید دانش سیاسی در تاریخ اندیشه سیاسی کدامند؟

- (1) علم سیاسی، فلسفه سیاسی و اخلاق سیاسی
- (2) فقه سیاسی، علم سیاسی و شریعت نامه نویسی
- (3) اخلاق سیاسی، عرفان گرایی و سیاست نامه ها
- (4) سیاست نامه ها، فلسفه سیاسی و شریعت نامه ها

۳۳- در چه مواردی، قرآن «اکثریت» را غیر عاقل و جاهل می شمرد؟

- (1) در هنگام کفر پس از ایمان
- (2) در مسائل غیبی و ماورای طبیعت

3) در جعل قوانین و یا مسائل اعتقادی و عملی 4) در مسائل اجتماعی - سیاسی و در تشخیص موضوعات  
۳۴- تفکیک تاریخ اندیشه سیاسی در ایران دوره اسلامی به سه جریان عمده فلسفه سیاسی، سیاست نامه نویسی و شریعت نامه نویسی، پایه تحقیقات کدام یک از محققین معاصر است؟

1) حمید عنایت 2) محیط طباطبایی 3) سید جواد طباطبایی 4) فریدون آدمیت

۳۵- فقه سیاسی، از نظر اندیشمندان اسلامی درباره‌ی چه موضوعی بحث می‌کند؟

1) ساختار و روش های سیاسی 2) هنجارها و رفتارهای سیاسی  
3) حدود و تکالیف نیروها و نهادهای سیاسی 4) ماهیات و حقایق پدیده های سیاسی

۳۶- منظور از قاعده «نفی سبیل» به عنوان یکی از قواعد فقه سیاسی چیست؟

1) نفی غلبه و پیروزی کافران بر مسلمانان  
2) برتری مطلق مسلمانان در دنیا و آخرت بر کافران  
3) برتری مسلمانان بر کافران در آخرت و روز قیامت  
4) نفی برتری حجت و دلیل کافران بر مسلمانان

۳۷- دیدگاههای هگل گرا در تاریخ نگاری اندیشه اسلامی، فلسفه سیاسی مسلمانان را درار جاع به کدام منبع تمدنی تحلیل می‌کنند؟

1) فلسفه سیاسی ارسطو 2) فلسفه سیاسی افلاطون  
3) فلسفه سیاسی ایرانیان باستان 4) فلسفه سیاسی یونان باستان

۳۸- کدام اندیشمند اسلامی، عقل و معرفت را با نیازهای بشر متصل می‌داند؟ او عقل را تابع قدرت و استطاعت دانسته و دانش را نتیجه عقلانیت به شمار می‌آورد.

1) سید جعفر کشفی 2) عمروبن بحر جاحظ  
3) ابن سینا 4) غزالی

۳۹- سه ویژگی مهم سلطنت های اسلامی کدام است؟

1) زور و تغلب، حفظ شریعت، تقدیر گرایی 2) زور و تغلب، تقدیر گرایی، وراثت

4) وراثت، حفظ شریعت، فره ایزدی

3) فره ایزدی، تقدیرگرایی، زور و تقلب

۴۰- سه ویژگی اجتهاد در فقه سیاسی کدام است؟

- 1) اجتهاد، غیبت، عقل‌گرایی
- 2) امامت، اجتهاد، سیاست
- 3) خطا‌پذیری، نص‌گرایی، امامت
- 4) ظن اجتهادی، عقل‌گرایی، خطا‌پذیری

۴۱- کدام یک از گزاره‌های زیر درباره‌ی دولت پیامبر(ص) در اندیشه سیاسی اسلام درست است؟

- 1) پیامبر(ص) اصولاً دولتی تشکیل نداد، بلکه اهتمام اصلی وی بر هدایت مردم بود.
- 2) پیامبر(ص) پس از فتح مکه و ایمان آوردن دسته جمعی، دولت تشکیل داد.
- 3) پیامبر(ص) پس از مهاجرت به مدینه در آنجا دولت تشکیل داد.
- 4) پیامبر(ص) پس از انعقاد پیمان صلح حدیبیه که به موجب آن مسلمانان به رسمیت شناخته شدند، به تشکیل دولت اقدام ورزید.

۴۲- در باره‌ی نمونه امامت شیعیان کدام یک از گزاره‌های زیر نادرست است؟

- 1) تاکنون در عالم خارج تحقق نیافته است و بنا به اعتقاد شیعیان فقط در زمان حضرت ولی عصر(عج) تحقق می‌یابد.
- 2) صرفاً در زمان خلافت امام علی(ع) تحقق یافته است.
- 3) دولت‌های علویان طبرستان، آل بویه، صفویان و فاطمیان مصر به آن نزدیک شده‌اند. اما هیچ یک مصداق کامل آن نمی‌باشد.
- 4) دولت آرمانی است و به دلیل شدت آرمانگرایی آن نظیر مدینه فاضله افلاطون، تحقق عینی آن در شرایط متعارف امکان‌پذیر نیست.

۴۳- درباره‌ی نمونه دولت خلافت در اندیشه اهل سنت کدام یک از گزاره‌های زیر درست‌تر می‌باشد؟

- 1) همه دولت‌های مسلمان سنی مذهب در تاریخ می‌تواند مصداق آن باشد. اما در دولت‌های خلفای راشدین و دولت عمر بن عبدالعزیز تجلی بیشتری داشته است.
- 2) صرفاً شامل دولت پیامبر(ص) در مدینه می‌شود.
- 3) مصداق عینی در جهان خارج جز دولت خلفای راشدین ندارد.
- 4) همه دولت‌ها، امر واقع و تحقق عینی یافته از صدر اسلام تا زمان معاصر مصداق آن می‌باشد.

۴۴- دو اصل اساسی اهل سنت، در نظریه های نظام خلافت کدامند؟

- 1) اجماع و شوری
- 2) شوری و عمل صحابه
- 3) اجماع و عمل صحابه
- 4) شوری و سنت

۴۵- سنت سیاسی مسلمانان در دوره میانه ی اسلام، بر مبنای کدام انسان شناسی استوار است؟

- 1) فطرت سلیم انسان
- 2) مسئولیت فردی انسان
- 3) فطرت ناخودبسنده انسان
- 4) عقل خود بسنده انسان

۴۶- دیدگاه های هگل گرایانه در تاریخ نگاری اندیشه سیاسی اسلام، فلسفه سیاسی مسلمانان را در ارجاع

به کدام منبع تمدنی تحلیل می کند؟

- 1) فلسفه سیاسی ارسطو
- 2) فلسفه سیاسی افلاطون
- 3) فلسفه سیاسی ایران باستان
- 4) فلسفه سیاسی یونان باستان

۴۷- کدام متفکر شیعی، نماینده ی جریان اخباری در جهان شیعه محسوب می شود؟

- 1) شیخ صدوق - الکافی
- 2) شیخ طوسی - المبسوط
- 3) علامه حلی - علل الشرایع
- 4) محمد امین استرآبادی - فوائد المدینه

۴۸- مهمترین دلیل نصب امام از دیدگاه امامیه چیست؟

- 1) امامت، منصبی سیاسی در جامعه ی دینی است.
- 2) امامت، الگوی آرمانی نظام سیاسی شیعی است.
- 3) امامت، منصبی فراتر از رهبری سیاسی است.
- 4) امامت، تجلی اصل خلافت الهی انسان است.

۴۹- کدام یک از گزینه های زیر درباره ی اندیشه های سیاسی قدیم اهل سنت، صحیح است؟

- 1) تقدم شریعت گرایي بر سیاست گرایي
- 2) تقدم عمل سیاسی بر نظریه سیاسی
- 3) تقدم خلافت بر امامت
- 4) تقدم عدالت بر امنیت

۵۰- کدام یک از آموزه های زیر از دیدگاه شیعه، پایه عقلی نظام سیاسی امامت تلقی می شود؟

- 1) قاعده لطف
- 2) عصمت

(3) عدالت (4) نبوت

۵۱- کدام ویژگی از ویژگی های ماهوی سنت محسوب نمی شود؟

(1) اقتدارگرایی (2) یگانگی با دین (3) ذات نامستقل انسان (4) جزمیت شناختی

۵۲- شیعه برای اثبات لزوم امامت و رهبری در امت اسلامی از کدام قاعده استفاده می کند؟

(1) بیان (2) تمکین (3) لطف (4) نظم

۵۳- از نظر شیعه دوازده امامی کدام آیات قرآنی دلیل بر وجوب نص بر امامت معصوم است؟

(1) آیات ولایت، کوثر، اولی الامر و تطهیر (2) آیات ولایت، تطهیر، اولی الامر و مودت

(3) آیات اولی الامر، تطهیر، ولایت و کوثر (4) آیات کوثر، مودت تطهیر و ولایت

۵۴- تفاوت دولت دینی و سکولار، کدام است؟

(1) محدوده اختیارات حاکم در دولت دینی کمتر از محدوده اختیارات وی در دولت سکولار است.

(2) دولت دینی مبتنی بر احکام شرعی است اما دولت سکولار مبتنی بر خرد و عقل بشری است.

(3) اطاعت از حاکمان در دولت دینی واجب شرعی است اما در دولت سکولار اطاعت از آنها لازم نیست.

(4) در دولت دینی حاکمان مقدس و غیر قابل نقداست اما در دولت سکولار غیر مقدس و قابل نقد هستند.

۵۵- کدامیک از آموزه های زیر از دیدگاه شیعه، پایه ی عقلی نظام یاسی امامت تلقی می شود؟

(1) قاعده لطف (2) عصمت (3) عدالت (4) نبوت



### پاسخنامه سوالات تستی

- 1- گزینه 1 صحیح است.
- 2- گزینه 2 صحیح است.
- 3- گزینه 3 صحیح است زیرا: طبق فرضیه کمونیسم در مرحله امپریالیسم، هنگامی که سرمایه‌داری در سیر تکامل خود به مرحله‌ی امپریالیستی می‌رسد، همراه آن، نهضت دوم کشمکش طبقاتی به‌وجود می‌آید و کمونیسم آشکار می‌شود و جهانی شدن بازار بواسطه ترقی صنعت و ظهور انحصارات و رقابت بین انحصارات که منجر به رقابت بین دول و کشمکش بین المللی به منظور استثمار می‌شود، موجب تقویت و تکامل کمونیسم جهانی می‌شود.
- 4- گزینه 3 صحیح است زیرا: به عقیده‌ی سوسیالیسم باید از خارج خوزه پرولتاریا به وسیله بورژوا برای کارگر متعلق به اتحادیه‌ها آورده شود.
- 5- گزینه 1 صحیح است زیرا: ادوارد برنستاین در لندن تحت تاثیر فابین‌ها قرار گرفت و پایه‌گذار مرام تجدید نظر طلبی شد که هدف آن تعدیل و ملایم کردن مزاج مارکسیسم و تبدیل آن از حالت انقلابی به مزاج اعتدالی بود.
- 6- گزینه 2 صحیح است زیرا: از نظر فوکو برای تحقق ماهیت قدرت نباید بنای حاکمیت یا تشکیلات دولت و ایدئولوژی‌های حاکم، بلکه سلطه و عملکردهای قدرت، از جمله ایجاد شکل‌های تبعیت توجه شود.
- 7- گزینه 4 صحیح است زیرا: وی طرفدار سیستم تک حزبی است و اعتقاد دارد که غیر از حزب کمونیسم نباید حزب دیگری وجود داشته باشد.
- 8- گزینه 2 صحیح است.
- 9- گزینه 3 صحیح است زیرا: پس از مرگ لنین و روی کار آمدن استالین، جهان بینی مارکسیستی، که در روسیه ادعا می‌شد تنها شکل ایدئولوژی پرولتاریا و جهان بینی آن به شمار می‌رود، برای مدتی دچار سرنوشتی نومید کننده شد. تفکر مارکسیستی در همه دوران فرانروایی استالین، بیشتر انجماد و پسرفت بود.
- 10- گزینه 3 صحیح است.
- 11- گزینه 4 صحیح است زیرا: دولت وسیله‌ای در دست طبقه‌ی حاکم، برای تغییر نظام اقتصادی و تطابق روبنا و با این تغییرات، دولت به عامل و وسیله پرولتاریا تبدیل می‌شود و سرانجام با تکامل انقلاب اجتماعی، دولت علت و جوی خود را از دست داده، ناپدید می‌گردد.

- 12- گزینه 2 صحیح است.
- 13- گزینه 2 صحیح است زیرا: سندیکالیسم به عنوان یک اندیشه سوسیالیستی اعلام می کرد آگاهی گسترده طبقاتی هر گونه نزدیکی بین کارگران و روشنفکران طبقه متوسط را منع می کند .
- 14- گزینه 2 صحیح است زیرا: در جامعه مطلوب مکتب آنارشیسم فرد برای نخستین بار به عنوان کارگر از یوغ سرمایه داری و به عنوان شهروند از یوغ دولت آزاد می شود.
- 15- گزینه 3 صحیح است.
- 16- گزینه 2 صحیح است زیرا: این ویژگیها از شش ویژگی اساسی فاشیسم است.
- 17- گزینه ج صحیح است.
- 18- گزینه الف صحیح است.
- 19- گزینه 2 صحیح است زیرا: در حالی که فمینیسم لیبرال بر آزادی و حقوق برابر تاکید دارد، نوع مارکسیستی رهایی کامل زنان را در گرو پیشبرد مبارزات طبقاتی و دیگر مقولاتی که در مارکسیسم اهمیت می یابد معتقد است.
- 20- گزینه 3 صحیح است.
- 21- گزینه 1 صحیح است.
- 22- گزینه 1 صحیح است زیرا: آنارشیست ها بر فشار و زور دولت بر فرد به عنوان عامل اصلی تضاد در جامعه تأکید بسیاری دارند.
- 23- گزینه 4 صحیح است زیرا : از نظر این مکتب انسان نیک طبع و اجتماعی است و علت همه کرج روی ها دولت است.
- 24- گزینه 3 صحیح است.
- 25- گزینه 2 صحیح است.
- 26- گزینه 4 صحیح است.
- 27- گزینه 2 صحیح است زیرا :ماوردی نخستین بار در فصل مربوط به شرایط امامت به عدالت اشاره کرده آن را اولین شرط امام می داند، بی آنکه توضیحی بر آن افزوده باشد. دومین اشاره به عدالت را درباب ششم از کتاب الاحکام السلطانیه می یابیم که پنجمین شرط از شروط قاضی است و ماوردی آن شرط را معتبر فی کل ولایه دانسته است.
- (درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، دکتر سید جواد طباطبایی، ص 29)

- 28- گزینه 3 صحیح است.
- 29- گزینه 3 صحیح است.
- 30- گزینه 2 صحیح است.
- 31- گزینه 2 صحیح است.
- 32- گزینه 4 صحیح است.
- 33- گزینه 2 صحیح است زیرا: قرآن در مسائل غیبی و ماورای طبیعت اکثریت را غیر عاقل و جاهل می شمرد.
- 34- گزینه 3 صحیح است زیرا: پایه تحقیقات استاد برجسته ایرانی سید جواد طباطبایی در دو کتاب وی با عنوان‌های در آمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و زوال اندیشه سیاسی در ایران می باشد.
- 35- گزینه 3 صحیح است زیرا: از نظر اندیشمندان اسلامی فقه سیاسی در خصوص موضوعاتی چون حدود و تکالیف نیروها و نهادهای سیاسی بحث می کند.
- 36- گزینه 4 صحیح است زیرا: منظور از قاعده نفی سبیل به عنوان یکی از قواعد سیاسی اسلام و نیز حقوق بین الملل اسلامی نفی برتری حجت و دلیل بر مسلمانان است.
- 37- گزینه 4 صحیح است زیرا: دیدگاه‌های هگل گرایانه در تاریخ نگاری اندیشه سیاسی اسلامی، فلسفه سیاسی مسلمانان را نه به فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو و نه به فلسفه سیاسی ایران باستان، بلکه به فلسفه سیاسی یونان باستان ارجاع می دهند.
- 38- گزینه 2 صحیح است.
- 39- گزینه 1 صحیح است زیرا: سلطنت اسلامی اولاً بر زور و غلبه استوار است، ثانیاً این نهاد یاور و پناه شریعت و ثالثاً تا حدود زیادی بر اندیشه‌های تقدیر گرایانه بنیاد شده است.
- 40- گزینه 4 صحیح است زیرا: روش شناسی اجتهاد که دانش سیاسی شیعه که اکنون بر بنیاد آن استوار است به طور کلی 4 ویژگی اساسی دارد: 1- ظن اجتهادی 2- خطاپذیری 3- عقل گرایی 4- اقتدارگرایی (نخبه گرایانه)
- 41- گزینه 3 صحیح است زیرا: از دیدگاه عموم مسلمانان نخستین و عالی ترین نمونه آرمانی از دولت اسلامی دولت حضرت محمد (ص) در مدینه النبی است. (ر.ک. نظام سیاسی و دولت در اسلام، فیرحی، ص 31)
- 42- گزینه 2 صحیح است.

- 43- گزینه 1 صحیح است زیرا: همه دولت‌های مسلمان سنی مذهب در تاریخ می‌توانند مصداق آن باشند اما در دولت‌های خلفای راشدین و دولت عمر بن عبدالعزیز تجلی بیشتری داشته است.
- 44- گزینه 1 صحیح است زیرا: اصول نظام سیاسی عبارتند از اجماع و شورا. اما دو رکن و دو پایه ارزشی نظام سیاسی اهل سنت خلافت و عدالت صحابه است. (نظام سیاسی و دولت در اسلام، داوود فیرحی، ص 79)
- 45- گزینه 3 صحیح است زیرا: خصایص ماهوی عبارتند از: تمایل به یگانگی با دین - تاکید بر ذات نامستقل انسان - وجه اقتداری. سنت سیاسی دوره میانه اسلام بر ذات نامستقل انسان تاکید دارد، ذاتی که ناخودبسنده و نیازمند به عقل منفعل و راهنمای خارجی است که از جانب خدای خالق انسان مقرر شده است. (قدرت دانش و مشروعیت در اسلام، دکتر داوود فیرحی، ص 44)
- 46- گزینه 4 صحیح است زیرا: دیدگاه‌های هگل گرایانه در تاریخ نگاری اندیشه اسلامی مثل جواد طباطبایی فلسفه سیاسی مسلمانان را در ارجاع به فلسفه سیاسی یونان باستان تحلیل می‌کنند زیرا یونان باستان را خاستگاه فلسفه می‌دانند.
- 47- گزینه 4 صحیح است زیرا: محمد بن یعقوب کلینی و ابوجعفر محمد بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق دو اندیشمند ضد معتزلی مکتب قم بودند که دو مجموعه روایی الکافی و من لایحضره الفقیه را تدارک نمودند. شیخ طوسی در اخبار دو کتاب از کتب چهارگانه شیعه امامیه تهذیب الاحکام و الاستکبار سایه را بردارید من الاخبار را تالیف نمود همچنین ملا محمد امین استرآبادی که رهبری جنبش اخباری در سده ی 11 هجری را بر عهده داشت کتاب فوائد المدینه را تالیف کرده است.
- 48- گزینه 3 صحیح است زیرا: مهمترین دلیل ضرورت نصب امام از دیدگاه امامیه این است که امامت منصبی فراتر از رهبری سیاسی است و شیعه امامت را همانند منصب الهی میدانند.
- 49- گزینه 2 صحیح است زیرا: نظام سیاسی خلافت بر نظریه سیاسی خلافت مقدم است در حالی که در نزد شیعیان نسبت میان امر واقع سیاسی در قالب حکومت و نظریه‌های سیاسی، معکوس و نقطه مقابل اهل سنت و نظام سیاسی خلافت است.
- 50- گزینه 1 صحیح است زیرا: قاعده ی لطف از دلایل و پایه‌های عقلی برای نظام سیاسی امامت عنوان شده است.
- 51- گزینه 4 صحیح است زیرا: سه مورد از ویژگی‌های سنت محسوب می‌شوند.
- 52- گزینه 3 صحیح است زیرا: قاعده لطف از موارد وجوب عقلی امامت در دیدگاه شیعه است. (نظام سیاسی و دولت در اسلام، فیرحی، ص 178)
- 53- گزینه دوم صحیح است.

- 54- گزینه 2 صحیح است زیرا: دولت دینی مبتنی بر احکام شرعی اما دولت سکولار مبتنی بر خرد و عقل بشری است.
- 55- گزینه 1 صحیح است زیرا: قاعده لطف از دلایل و پایه های عقلی برای نظام سیاسی امامت عنوان شده است. (نظام سیاسی و دولت در اسلام، فیرحی، ص 176)

### آزمون خودسنجی اول

- ۱- تقسیم سه بخشی دانش سیاسی دوره میانه اسلام نخستین بار توسط چه کسی طرح شد؟
- (1) اروین روزنتال (2) سید جواد طباطبایی (3) رضا داوری (4) سید قطب
- (۲) نظریه کسب از کیست؟
- (1) ابوموسی اشعری (2) ابوالحسن اشعری (3) ابن تیمیه (4) غزالی
- ۳- اجزای اصلی امام شناسی شیعیان کدام است؟
- (1) علم الهامی - نقل (2) علم الهامی - عقل (3) عصمت - علم الهامی (3) عقل - عصمت
- ۴- کدام گزینه از سلسله مراتب سه گانه قدرت در «عهد اول دولت عباسی» نیست؟
- (1) خلیفه (2) خواص (3) عامه (4) وزرا
- ۵- کدام فیلسوف اسلامی شروح کاملی بر آثار ارسطو نگاشته است؟
- (1) ابن رشد (2) ابن باجه (3) فارابی (4) ابن طفیل
- ۶- کدام متفکر اسلامی با استناد به بررسی های خود در باب ادله اثبات حکومت مرتبط با شریعت، یعنی خلافت به این باور رسید که میان دو نهاد حکومت و دین ربط وثیقی وجود ندارد؟
- (1) رشید رضا (2) عبدالرزاق (3) عمر بن بحر جاحظ (4) محیط طباطبایی
- ۷- کدام نظریه پرداز گفت که همه چیز از اتمها یعنی ذرات بسیار ریز و پوکه (خلاء) در ترکیبات متفاوت ساخته شده است. فلسفه او توسط دموکریتوس کامل شد؟
- (1) لیوسپوس (2) هراکلیتوس (3) طالس (4) اقلیدوس
- ۸- از نظر کدام اندیشمند قانون زور بر طبیعت حاکم است و قوانین مدنی و اخلاقی توطئه ضعیفان برای محروم کردن قویترها از قدرت است؟

(1) آنتیفون (2) کالیکس (3) پوروتاگوراس (4) نیچه

۹- اثر کدام اندیشمند «جمهور» نیست:

(1) زنو (2) افلاطون (3) سیسرو (4) سنکا

۱۰- کدام اندیشمند باور داشت که نمی توان حکومت را بر حسب خوب یا بد بودن قضاوت کرد بلکه آن را

فقط باید بر حسب داشتن یا نداشتن فایده و بهره مندی ارزیابی کرد؟

(1) جان استوارت میل (2) سیسرو (3) سنکا (4) بنتام

۱۱- از نظر این متفکر سیاسی «حکمرانی جامعه بزرگ مسیحی در دست دو گروه اولیای کارهای روحانی و

مقامات غیردینی است و دو نهاد دولت و کلیسا نمایانگر آنهاست. هدف این دو یکسان است: اداره کارهای

زمینی به شیوه‌ای که رستگاری ارواح انسانها را ممکن گرداند.»

(1) سنت آمبروز (2) سنت آگوستین (3) سن توماس آکویناس (4) گلازیوس اول

۱۲- آموزه دو دانش متعلق به کدام فیلسوف می باشد؟

(1) گلازیوس اول (2) سقراط (3) پوروتاگوراس (4) سنکا

۱۳- از نظر کدام اندیشمند «در جهان عمل حکومت ها به طور مسلط یا اولیگارشسی اند یا دموکراتیک، اینکه

چقدر اولیگارشسی و چقدر دموکراتیک باشد به توزیع ثروت، گستردگی توانایی نسبی، موقعیت طبقات و دیگر

شرایط همانند بستگی دارد؟»

(1) سنکا (2) میلز (3) پاره تو (4) ارسطو

۱۴- از نظر ارسطو بهترین دولت قابل عمل کدام است؟

(1) پادشاهی (2) دموکراسی (3) آریستوکراسی (4) پولیتی

۱۵- کدام مکتب عقیده داشت تنها از راه حواس است که دانش یقینی حاصل شود و احساس ناشی از حواس

باید پایه کردار انسان باشد؟ نام بنیانگذار آن چه بود؟

(1) رواقی - زنو (2) سیرنایسیسم - آریستاپوس

(3) تغییرات پایایی - هراکلیتوس (4) ملطی - طالس

۱۶- این گفته از کیست؟ «دو چیز برای حفظ قدرت دولت لازم است: قوانین خوب و ارتش خوب»

(1) سنکا (2) روسو (3) ماکیاولی (4) هابز

۱۷- از نظر کدام متفکر آزادی در وهله اول باید به مثابه امنیت و سپس به عنوان رهایی از سرکوب فهم شود؟

(1) هابز (2) لاک (3) میل (4) روسو

۱۸- از نظر کدام متفکر شورش و هرج و مرج کار شیطان است و نظم و سامان باید به هر بهایی حفظ شود؟

(1) کالوین (2) گلازیوس اول (3) سنت آمبروز (4) لوتر

۱۹- نظریه حاکمیت حقوقی را چه کسی به کمال رساند؟

(1) هابز (2) بدن (3) روسو (4) گروسیوس

۲۰- چه کسی جان و مال و آزادی را در اصطلاح مالکیت نامید؟

(1) روسو (2) لاک (3) سنکا (4) افلاطون

۲۱- کدام اندیشمند سعی داشت به سوژه (ذهن) توجه بیشتری داشته باشد و صرفاً آن را کارپذیر - اوبژه

(عین) در چهارچوب مناسبات تولیدی نداند؟

(1) برنشتاین (2) کائوتسکی (3) تروتسکی (4) گرامشی

۲۲- کدام مکتب نظریه مارکسیستی ارزش - کار را رد می‌کرد؟ به نظر آنها ارزش اقتصادی تنها نتیجه کار بر

روی مواد خام طبیعت نیست، بلکه اساساً حاصل رشد جامعه و تکامل تمدن بوده است؟

(1) فابین (2) سوسیالیسم فرانسوی

(3) آسترومارکسیسم (4) مارکسیسم تجدید نظر طلب

۲۳- کدام مکتب پدیده نازیسم را در متن تحولات اجتماعی مطالعه کرده، مشخصه اصلی آنر اولویت سیاست

به اقتصاد ارزیابی می‌کرد؟

(1) مکتب فرانکفورت (2) مکتب شیکاگو (3) مکتب آنارشسیسم (4) مکتب پست مدرن

۲۴- روش فوکو در مطالعات خود چه نام دارد؟

(1) تبارشناسی (2) کالبد شکافی (3) مطالعه پست مدرنی (4) دانش و قدرت

۲۵- کدام اندیشمند از بنیانگذاران مکتب لوزان می باشد؟

(4) رابرت دال

(3) هابرماس

(2) شومپتر

(1) پاره تو



## پاسخنامه سوالات

- 1- گزینه 1 صحیح است زیرا: تقسیم سه بخشی دانش سیاسی، به احتمال، نخستین بار توسط اروین روزنتال و در اثر مهم او «اندیشه سیاسی در دوره میانه اسلام» طرح شد.
- 2- گزینه 2 صحیح است.
- 3- گزینه 3 صحیح است زیرا: شیعیان دو عنصر «عصمت» و «علم الهامی» را از اجزای تفکیک ناپذیر «امام شناسی» خود می دانند و براین اندیشه، البته از استدلال عقلی کمک می گیرند. شیعه اعتقاد دارد لطف الهی اقتضاء می کند که با نصب امامی از جانب خود مردمان را هدایت کند.
- 4- گزینه 4 صحیح است.
- 5- گزینه 1 صحیح است زیرا: از جمله آثار ابن رشد شروح او بر ارسطو که به شرح اکبر، شرح اوسط و شرح تلخیص اشتهار دارد.
- 6- گزینه 2 صحیح است زیرا: او با استناد به بررسیهای خود در باب ادله اثبات حکومت مرتبط با شریعت، یعنی خلافت یا امانتی که جانشینی پیامبر را براساس الزامات شرعی برعهده داشته باشد، به همین باور رسید که میان دو نهاد حکومت و دین ربط وثیقی وجود ندارد.
- 7- گزینه 1 صحیح است زیرا: لیوسپوس بنیانگذار این مکتب بود او گفت که همه چیز از اتمها یعنی ذرات بسیار ریز و پوک (خلاء) در ترکیبات متفاوت ساخته شده است. فلسفه او توسط دموکریتوس کامل شد. او به دو اصل اولیه معتقد بود: یکی اتم دیگری پوک.
- 8- گزینه 2 صحیح است.
- 9- گزینه 4 صحیح است.
- 10- گزینه 3 صحیح است زیرا: او باور داشت که نمی توان حکومت را بر حسب خوب یا بد بودن قضاوت کرد بلکه آن را فقط باید بر حسب داشتن یا نداشتن فایده و بهره مندی ارزیابی می کرد. از نظر او باید نظم را حفظ کرد و حکومتی بهترین است که بتواند نظارت موثرتری اعمال کند و بهترین نظم را برقرار کند.
- 11- گزینه 4 صحیح است.
- 12- گزینه 2 صحیح است زیرا: آموزه مهم سقراط آموزه «دو دانش» اوست که دانش را به صوری و واقعی تقسیم کرد و

- وظیفه انسانها دانست که دنبال دانش راستین باشند که با خود شناسی به دست می آیند و او گفت تنها احترام به خود، خود شناسی و کف نفس می تواند انسانها را به قدرت حاکم رهبری کند.
- 13- گزینه 4 صحیح است.
- 14- گزینه 4 صحیح است زیرا: از نظر ارسطو بهترین دولت قابل عمل باید به تعادل اصول دموکراسی و اولیگارشسی مبتنی باشد و تنها حکومت پولیتی این ویژگی را دارد.
- 15- گزینه 2 صحیح است زیرا: آریستاپوس، اهل سیریانکا بنیانگذار مکتب بود. او عقیده داشت تنها از راه حواس است که دانش یقینی حاصل شود و احساس ناشی از حواس باید پایه کردار انسان باشد. نام دیگر این مکتب کورنایی بود.
- 16- گزینه 3 صحیح است.
- 17- گزینه 4 صحیح است.
- 18- گزینه 4 صحیح است زیرا: از نظر او شورش و هرج و مرج کار شیطان است و نظم و سامان باید به هر بهایی حفظ شود. او گفت وظیفه شهریار فرمانروایی کردن است، و وظیفه مردم اطاعت کردن.
- 19- گزینه 1 صحیح است.
- 20- گزینه 2 صحیح است زیرا: جان لاک، جان و مال و آزادی را در اصطلاح مالکیت نامید.
- 21- گزینه 4 صحیح است.
- 22- گزینه 1 صحیح است زیرا: سوسیالیست‌های فابین نظریه مارکسیستی ارزش - کار را رد می کردند. به نظر آنها ارزش اقتصادی تنها نتیجه کار بر روی مواد خام طبیعت نیست، بلکه اساساً حاصل رشد جامعه و تکامل، تمدن بوده است.
- 23- گزینه 1 صحیح است.
- 24- گزینه 1 صحیح است زیرا: در روش تبار شناسی، پیدایش علوم انسانی و شرایط تحقق آن در ارتباط محکم با فناوریهای قدرت منعکس شده، در کردارهای اجتماعی، برجسته می شود. این روشی است که فوکو از آن استفاده می کرد.
- 25- گزینه 1 صحیح است زیرا: پاره تو از بنیانگذاران مکتب لوزان می باشد.

## آزمون خودسنجی دوم

۱- این جمله از کیست؟ «و جوب عقلی در باب امامت تمسک به وجوب سمعی و نقلی را سهل و ممتنع می کند، زیرا که شرع متأخر از واجبات عقلی است»

- (1) علامه حلی (2) شیخ مفید (3) بحر جاحظ (4) سید مرتضی

۲- کدام یک، از ویژگی های ماهوی اجتهاد شیعه نیست؟

- (1) خطاپذیری اجتهاد (2) عقل گرایی (3) اجتهاد الظن (4) تکیه بر نقل

۳- نظر دکتر طباطبایی جریان عمده و نیرومند اندیشه سیاسی در دوره اسلامی اندیشه..... است.

- (1) فلسفه سیاسی (2) سیاست نامه (3) اندرزنامه نویسی (4) فقه سیاسی

۴- کدام جزء اصول فکری نظامهای جدید تفکر اسلامی نمی باشد:

- (1) مشارکت جویی (2) تفکیک قوا (3) الگوی امپراتوری (4) قانونگرایی و نهاد محوری

۵- فضائح الباطنیه یا المستظهری از کیست؟

- (1) ابن تیمیه (2) غزالی (3) ماوردی (4) بحر جاحظ

۶- کدام فیلسوف مهمترین فیلسوف «فردگرای» عالم اسلام است؟

- (1) ابن باجه (2) ابن طفیل (3) ابن رشد (4) ابن سینا

۷- در اثر حی بن یقظان آبسال و سلامان نماینده چه چیزهایی می باشند؟

(1) آبسال نماینده کیفیات معنوی و عقلی و سلامان نماینده ظواهر و تشریفات شرع.

(2) سلامان نماینده کیفیات معنوی و عقلی و آبسال سلامان نماینده ظواهر و تشریفات شرع.

(3) سلامان نماینده انسانهای متشرع و آبسال نماینده انسانهای متفکر.

(4) آبسال نماینده فیلسوف و سلامان نماینده مردم.

۸- کدام مورد جزء عناصر و نهادهای نظام مشروطه شیعه نمی باشد.

- (1) سلطان و سلطنت (2) نهاد قضاوت (3) مجلس شورای ملی (4) مجلس موسسان

۹- کدام مورد جزء نظریه های قدرت درباره مرزهای قدرت در جمهوری اسلامی نمی باشد؟

- (1) نظریه های ملی گرایی اسلامی (2) صدور مطلق انقلاب

(3) نظریه ام القری (4) منطقه گرایی

۱۰- کدام متفکر اسلامی تقسیم نظریه های ولایت فقیه به دو نظریه نصب و انتخاب را با دو اصطلاح ولایت

فقیه به مفهوم خبری، ولایت فقیه به مفهوم انشایی توضیح می دهد؟

(1) آیه الله صالحی نجف آبادی (2) شهید مطهری

(3) آیه الله طالقانی (4) آیه الله دستغیب شیرازی

۱۱- اسکولاستیسیسم یا مدرس گرایی را کدام متفکر وارد حوزه اندیشه سیاسی نمود؟

(1) سنت آمبروز (2) سنت آگوستین (3) سن توماس اکویناس (4) پادوا

۱۲- به گمان کدام متفکر سیاسی برای حفظ صلح بین المللی باید شورای عمومی شهریاران و روحانیان را

تشکیل داد و هر نوع اختلاف میان دولتها باید به این شورا واگذار شود؟

(1) دوبوا (2) پادوا (3) گروسیوس (4) کانت

۱۳- کدام اندیشمند سیاسی عقیده داشت که کلیسا بیش از هر سازمانی مربوط به روحانیت است، کلیسا از

کل مجموعه مؤمنان تشکیل شده است. در این مورد حتی او کام از پادوا فراتر رفت، زیرا او بطر مشخص زنان

را نیز عضو این مجموعه دانست.

(1) دوبوا (2) ویلیام او کام (3) بلارمین (4) سوارز

۱۴- کدام متفکر معتقد بود که انسانها تابع قوانین طبیعت اند و هماهنگ با قوانین خاص روانشناسی

احساس و فکر می کنند. از میان همه این قوانین به گمان او مهم ترین قانون خواست زنده ماندن و سعادت مند

بودن است؟

(1) کالیکس (2) پوروتاگوراس (3) آنتیفون (4) گرگیاس

۱۵- از ویژگی های کدام متفکر ماکیاولی موجبیت اقتصادی بود.

(1) هابز (2) مارکس (3) ماکیاولی (4) گرامشی

۱۶- این دو نظریه از کدام اندیشمند است؟ یکی نظریه دو پادشاهی، دیگری نظریه تضاد خداوند و شیطان.

(1) سنت آمبروز (2) گرگوار بزرگ (3) سنت آگوستین (4) لوتر

۱۷- کدام یک از متفکران ضد شاهان نمی باشد؟

- (1) جرج بوکانان (2) رابرت فیلمر (3) خایون دماریانا (4) رابرت بلازمین

۱۸- نظریه پرداز حاکمیت کیست؟

- (1) ژان بدن (2) هابز (3) گروسیوس (4) روسو

۱۹- او به عنوان مهم ترین نظریه پرداز مفهوم رضایت، قرار اجتماعی، فدرالیسم و سندیکالیسم شناخته شده است؟

- (1) آلتوسیوس (2) گروسیوس (3) برونو (4) کانت

۲۰- او حاکمیت را نوعی مالکیت می دید بنابراین اعتقاد داشت می توان آن را محدود کرد؛ او گفت حاکمیت صرفاً حق محدود مالکیت طبق قانون طبیعی است؟

- (1) هابز (2) روسو (3) فیخته (4) گروسیوس

۲۱- کدام جزء سه علت اصلی بوجود آمدن وضع طبیعی از نظر هابز است؟

- (1) رقابت (2) ترس (3) خودخواهی (4) افتخار

۲۲- کدام اندیشمند در مورد شکل مناسب حکومت گفت: دموکراسی برای کشورهای کوچک، آریستوکراسی برای کشورهای با وسعت متوسط و پادشاهی برای کشورهای بسیار بزرگ مناسب اند؟

- (1) مونتسکیو (2) روسو (3) لاک (4) ارسطو

۲۲- تمدنهای مورد نظر هگل کدامند؟

- (1) شرقی، رومی، ژرمنی، آفریقایی (2) شرقی، یونانی، رومی، آسیایی  
(3) شرقی، یونانی، رومی، ژرمنی (4) شرقی، یونانی، آفریقایی، آسیایی

۲۳- نولته مهم ترین عامل ظهور فاشیسم را چه می داند؟

- (1) پیروزی انقلاب بلشویسم از طرف بلشویکهای روسی  
(2) فقر گسترده در ایتالیا و آلمان  
(3) تورم و رکود گسترده در ایتالیا و آلمان  
(4) شکست خواستههای ایتالیا و شکست نظامی آلمان در جنگ اول

۲۴- قانون آهنین اولیگارشسی از کیست؟

(1) پاره تو (2) میلز (3) میشلز (4) شومیتتر

۲۵- مبلغ فردگرایی در آنارشیسم کیست؟

(1) ماکس اشتیرنر (2) آدلر (3) باکونین (4) مالاتستا

### پاسخنامه سوالات تستی

1- گزینه 1 صحیح است.

2- گزینه 4 صحیح است زیرا: (1) خطاپذیری اجتهاد (2) عقل گرایی (3) اجتهاد الظن از ویژگی های ماهوی اجتهاد شیعه است.

3- گزینه ۲ صحیح است زیرا: به نظر دکتر طباطبایی جریان عمده و نیرومند اندیشه سیاسی در دوره اسلامی ... اندیشه سیاست نامه است.

4- گزینه 3 صحیح است

5- گزینه 2 صحیح است زیرا: او هنگام اقامت در بغداد در دفاع از خلافت یکی از مهمترین ردیه ها را بر باطنی گیری و نماینده ی برجسته آن، اسماعیلیان نوشت و نام آن را فضائح الباطنیه یا المستظهری نهاد. نام دوم برخاسته از نام خلیفه زمان المستظهر بود

6- گزینه 1 صحیح است زیرا: ابوبکر محمد بن صائغ معروف به ابن باجه ، مهمترین فیلسوف «فردگرایی» عالم اسلام است.

7- گزینه ۱ صحیح است.

8- گزینه 4 صحیح است.

9- گزینه 4 صحیح است زیرا: سه نظریه تاکنون ارائه شده است: نظریه های ملی گرایی اسلامی ، صدور مطلق انقلاب، و نظریه ام القری.

10- گزینه 1 صحیح است زیرا: آیه الله صالحی نجف آبادی، تقسیم نظریه های ولایت فقیه به دو نظریه نصب و انتخاب را با دو اصطلاح ولایت فقیه به مفهوم خبری، ولایت فقیه به مفهوم انشایی توضیح می دهد.

11- گزینه 3 صحیح است زیرا: تفکر سده های میانه ترکیب احکام مسیحی و فلسفه یونان باستان بویژه فلسفه افلاطون و رواقیها یا سازگاری دین و فلسفه بود که به دست سن توماس اکویناس بنیان نهاده شد.

- 12- گزینه 1 صحیح است زیرا: به گمان او برای حفظ صلح بین المللی باید شورای عمومی شهریان و روحانیان را تشکیل داد. هر نوع اختلاف میان دولتها باید به این شورا واگذار شود.
- 13- گزینه 2 صحیح است زیرا: او عقیده داشت که کلیسا بیش از هر سازمانی مربوط به روحانیت است، کلیسا از کل مجموعه مؤمنان تشکیل شده است. در این باره حتی اوگام از پادوآ فراتر گذاشت، زیرا او به طور مشخص زنان را نیز عضو این مجموعه دانست.
- 14- گزینه 1 صحیح است.
- 15- گزینه 3 صحیح است زیرا: از ویژگی‌های برجسته اندیشه ی سیاسی ماکیاولی موجیّت اقتصادی بود. او گفت انسانها عمیقاً تحت تأثیر انگیزه‌های اقتصادی عمل می‌کنند. تأثیر عامل اقتصاد را در همه رفتارهای سیاسی می‌توان دید.
- 16- گزینه 4 صحیح است.
- 17- گزینه 2 صحیح است.
- 18- گزینه 1 صحیح است.
- 19- گزینه 1 صحیح است.
- 20- گزینه 4 صحیح است.
- 21- گزینه 3 صحیح است.
- 22- گزینه 3 صحیح است زیرا: تمدن های مورد بحث هگل به ترتیب افتخار عبارتند از تمدن شرقی، یونانی، رومی و تمدن برتر که همان تمدن ژرمنی است. (تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب، دکتر طاهری، صص 232- 231)
- 23- گزینه 1 صحیح است.
- 24- گزینه 3 صحیح است زیرا: او واقعیت دموکراسی را در این می بیند که احزاب به ناچار برای حفظ خود به بوروکراسی و نظم رو می آورند که خود مبدل به اعلام و اجرای عقاید شخصی می‌شود. او از این قاعده به قانون آهنین لیگارشی یاد می‌کند.
- 25- گزینه 1 صحیح است زیرا: مبلغ فردگرایی در آنارشیسیم را، باید ماکس اشتیرنر دانست. مشخصه اصلی این نوع آنارشیسیم، مرکز قرار گرفتن نفس آدمی یا شخص به عنوان نقطه تلاقی مظاهر انسانی و تصمیم گیری‌های انسانی بود.





## منابع

تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب و لیبرالیسم و محافظه‌کاری اثر دکتر بشیریه (جلد اول)

تاریخ اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران اثر دکتر قادری و لیبرالیسم و محافظه‌کاری اثر دکتر بشیریه (جلد دوم)

نظام سیاسی و دولت در اسلام اثر دکتر فیرحی و قدرت، دانش و پیشرفت در اسلام اثر دکتر فیرحی

تاریخ فلسفه در غرب اثر دکتر عالم‌زاده (دو جلد) و بنیاد فلسفه‌ی سیاسی در غرب اثر دکتر عنایت

مسائل سیاسی و اقتصادی جهان سوم اثر دکتر ساعی

جهانی شدن و جنوب اثر دکتر ساعی و نظریه‌های امپریالیسم اثر دکتر ساعی

عقلانیت و آینده‌ی توسعه یافتگی در ایران اثر دکتر محمود سریع‌القلم

شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم اثر دکتر الهی و توسعه در مکاتب متعارض اثر دکتر ساعی